...یم و تربیت

دموکراسی در ایران

...لوک بامداد



تصحیح اشتباهات مهم

صفحه	سطر	غلط	صحیح
٥١	٣	فاتی	صفاتی
٥٦	١٥	مضاهر	مظاهر
٧٩	١٧	اساس	احساس
٨١	٨	میکرند	بنگرید
٩٣	١٤	مقاصد	مفاسد
١٣١	٨	لذت بدان وسیله میبرند	لذت میبرند بدان وسیله
١٤٤	٦	اقتالات	انفعالات
١٤٤	١٣	بعبارت	بعبارت دیگر
١٤٥	١٥	موسوم	مرسوم
١٤٩	١٣	مشقت	مشفق
١٨٠	٧	ذوج	زوج
١٩٨	٧	مساعدت	مساعد
٢٠١	١١	تصوراتیکه	تصور اینکه
٢٦٣	١٨	برای همسری	بجای همسری
٢٨١	٢	شهودات	مشهودات
٣٠٨	١	بواسطه	واسطه
٣٤٦	١٩	تحدید	تهدید

تعلیم و تربیت

دختر

در

ایران

نویسنده

بدرالملوك بامداد

دارای درجه رسمی M A از دانشگاه کلمبیا . نیویورک

درآموزش و پرورش متوسطه ورهبری جوانان

کتابخانه مرکزی

Central Library

Tehran University

آذر ماه ۱۳۲۹

تهران

شرکت مطبوعات

تلفن ۳۴۵۲۰

LB2959
.B2 ٣٢١٣٤٦



۱۳۲۹

بمربیان باشهامتیکه لذت زندگی را در تحمل
مشقات تعلیم میدانند

بشوهرم که خدمات ناچیز من مدیون مجاهدات
خستگی ناپذیر اوست تقدیم میکنم

هیچ کشوری آنقدر فقیر نیست که وسایل
تعلیم و تربیت همگانی را نتواند آماده
بسازد. هزینه این کار پولی است که هدر
نمی ماند و هدر نمیرود. هرقدر بیشتر
در این راه بمصرف برسد افزایش نیروی
روحی وبدنی مردم وتمام مزایائیکه
یك قوم تربیت شده برمردم محروم از
تربیت دارند جبران آنرا میکند

از گزارش کمیسیون مطالعه فرهنگی امریکا

بنام خدا

آغاز

انسان در روی زمین زیست میکند و بدون آن نمی‌تواند زندگی کند . شکی نیست که زمین مزرعه پربرکتی است که ضروریات او را ازخوراك و پوشاك فراهم میدارد آزمایشگاه بزرگی‌است که انواع وسایل تجربه و تمرین در آن پیدا میشود تفرجگاهی است که موجبات سرگرمی و تفنن و تفریح را آماده میسازد . مختصر اینکه بسیاری از احتیاجات و آرزوها و هوسها و امیال بشر را زمین بر آورده می‌سازد . با این حال اگر تصور کنیم هر کس خاکی وسیعتر یا پرارزش تر درتصرف دارد بیشتر در نـاز و نعمت بسر میبرد و آسانتر منویاتش را حاصل می کند اشتباه کرده ایم .

اگرچنین بود ایرانی که برزبراین خاك مستعد وخوش آب وهوا وکوهها ورودخانه‌ها و معادنیکه در آن جایگزین است زندگی میکند بسیار مرفه ودلشاد بسر میبرد ودیگر غم فقر و بی‌خانمانی را نمیخورد.

اما بشر درروی زمین موجودی ضعیف وناتوان واسیر پنجهٔ قهار طبیعت است . باد و باران وصاعقه هریك بتنهائی میتوانند بیك چشم بر هم زدن بساطش را برچینند وتار وپود وجودش را ازهم گسیخته ونابودش کنند . این مقاومت عجیبیکه درمقابل قدرت عوامل قهار طبیعت بروز میدهد و پیروزی و موفقیتی که در نبرد با آنها نصیبش میشود مدیون موهبتهای الهی است که عقل و اراده نام دارند و در پناه آنها است که

می‌تواند عناصر نا آرام طبیعت را رام کرده، در استخدام خود در آورده و مورد استفاده قرار بدهد.

زمین دست بدست می‌گردد و از نسلی بنسل دیگر انتقال می‌یابد همینکه از پدران زحمتکش بپسران تن پرور می‌رسد بزودی از آبادی بسوی ویرانی میرود چه هر کس بمقدار نیروی عقل و تدبیری که بکار میبرد از آن منتفع میشود نه باندازه قوت و استعداد زمینی که دراختیار دارد. هرقدر بیشتر باهوش تیز بین اسرار آن را می‌شکافد بهتر بماهیت آن پی میبرد و برقدرت و تسلط خود میافزاید. اگر درپرورش هوش و استعداد خود تعلل ورزد نه تنها زمین را خشك و ویران می‌سازد چنانکه بکرات دیده شده ساکنین قسمتهای دیگر عالم دست تسلط برخاکی که زیر پای او است دراز میکنند و ثروت آن را ملك طلق خود میدانند.

سخن که باینجا می‌رسد ازخود میپرسیم مگر فرزندان این سامان در قوای نفسانی نقصی دارند که نمیتوانند در روی خاك موروثی خود بآسودگی زندگی کنند و محکومند که درفقر و بیماری وعسرت دست و پا بزنند.

آثار تمدن گذشته اجازه نمیدهد ماچنین سوء ظنی درباره نژاد خود پیدا کنیم و وارث دانشمندان و هنرمندان باستانی را فاقد عقل وادراك بخوانیم. پس متوجه این حقیقت میگردیم که نیروی عظیم روحی بشر خود محتاج کشف واستخراج میباشد برای رشد و نمو کردن وسایل

وتدابیری لازم دارد . چون سایرین پیش ازما درصدد تهیه آن موجبات بر آمده‌اند سلطه و قدرت زیاد تر پیدا کرده و کار اقوام عقب مانده را مشکلتر ساخته‌اند .

بیجهت نیست که پیشوای بزرك روحانی ما درمتجاوز از ۱۳۰۰ سال پیش اهمیت تعلیمات عمومی را گوشزد کرد و تحصیل علم را برای مرد وزن اجباری قرارداد چه بخوبی میدانست مردمی راکه بوسیله قوانین الهی میخواهد دست آنهارا گرفته بسوی نیك بختی رهبری کندومشعل‌دارعلم واخلاق ومنادی آزادی دنیاگرداند وازحقوق بشری (که امروز جامعه ملل متحدگمان میکند آن را بدنیا عطا کرده‌است) برخوردار سازد وقتی میتوانند ازاین نعمتها منتفع شوندکه زن ومردشان دانش و بینش پیدا کنند .

لزوم پیشرفت روزانه تعلیم وتربیت وانطباق آن با احتیاجات زمان چیزی نیست که محتاج شرح وبیان باشد علوم وصنایع یکی درپی دیگری مدارج بالاتر راطی میکند همانطور که اسلحه و اشیاء سنگی جای خود را بلوازم آهنی میدهد وبرق واتم بنوبه خود عرض اندام میکند .

« فقط آموزش و پرورش مترقی میتواند سیادت قومی را در عالم پابرجا نگاهدارد . غفلت از این حقیقت باعث شدکه ما اکنون توانائی بهره برداری ازملك خودرا نداریم ودر روی گنجهای پربها لخت و گرسنه بسر میبریم میلیونها اطفال را درشهرها بولگردی وتمرین دزدی وانواع

جنایات واداشته‌ایم. فحشاء وقمار وتریاك والکل و بیماریهای واگیردار و آمیزشی وجنون راروزانه میافزائیم . وپس ازطی ادوار درخشان پرعظمت گذشته اکنون ازجرگه ملل ضعیف بشمار میآئیم و در تقسیم آزادی و خوشبختی بیش ازآنچه امروزملتهای زورمند بقول خودشان ازراه ترحم وجانب‌داری بما اعطاء میکنند نصیبی نداریم .

هر ایرانی باید متوجه باشد که آماده ساختن موجبات تربیت مترقی وعمومی ازوظائف اولی یك حکومت ملی است . چه اگرفرصت مساوی برای اولاد اغنیاوضعفا هر دودرتحصیل علم وادب موجود نباشد تنهااولاد متمکنین میتوانند مراتب دانشرا طی کنند وهمواره قوت‌اقلیت براکثریت میچربد وآنهاراازیربارستم باقی میگذاردواصول خودخواهی ودیکتاتوری را رواج میدهد .

چون هر فرهنگ دوستی باید در صدد بر آید تا در راه بوجود آوردن تعلیم وتربیت نووتعمیم آن بکوشد ودرطرح نقشه‌ایکه متناسب باتحولات سریع دنیا باشدخدمت بکند منهم آرزو داشتم تجارب تربیتی خود را که زمان متمادی در دبیرستانهای میهنم اندوخته‌ام وبقصد حل مشکلات آن مدتی دردانشگاه کلمبیا که یکی ازبزرگترین دانشگاههای جهان است بمطالعه و تحصیل پرداخته ، بهرگوشه و کنار در جستجوی مطلوب خود بوده‌ام دریکی دو مدرسه نمونه بموقع اجراوعمل بگذارم تااداره آموزشگاه وروش تدریس را بطرز مطلوبی رهبری کنم .

چون با این مقصودم موافقت نشد درصدد بر آمدم تا ایرادهائیکه بروش کهنه وارد میدانم ونظریاتیکه برای اجرای آموزش مترقی وعملی کردن آن درایران دارم بصورت کتابی منتشر کنم .

شرحیکه از مدارس دیگران میدهم اضافه بر منظور اصلی که نشاندادن روش نوین تربیت است مدلل میدارد که در آنسوی دریاها تنها ماشینهای سواری آخرین سیستم و اسباب های زندگی راحت و زیبا نمیسازند که ما ناچارباشیم برای استفاده از آنها رمق کشور راکشیده در ازای چیزهای لازم یاتجملی بخارج بفرستیم .

آنچه یك ملت را که درغرقاب فنا افتاده است بساحل میرساند ونان درسفره گرسنگان میگذارد وکاربرای ولگردان تهیه میکند طرز تربیت آنهاست که باید بایران بیاوریم .

همینکه مردم شایستگی پیدا کردند کشاورزی و صنایع را ترقی میدهندوهر گونه‌امتعه نفیس بدست‌هنرمندان کشورتهیه‌میشود وسود آن در مملکت دست بدست میگردد و بجیب خودشان میرود و بی‌نیازی عمومی جای بلای فقر وپریشانی را میگیرد . درغیر اینحال اگر چندین برابر امروز ازمعادن ومنابع ثروت ایران‌که بدست خارجیان استخراج میشود پول بدست‌یك ملت نادان ودولتی‌که مخلوق آنست بیافتد باآن چاه ذلت خودشان را عمیق تر و گورشان را تاریکتر میکنند هر آن ضعیفتر وپریشانتر میشوند .

من دراین رساله سه موضوع را مورد بحث قرارداده ام :

۱- کشف و تربیت استعداد های فردی انسانی که فرهنگ امروز اهمیت خاصی برای آنها قائل است .

۲- آماده ساختن محیط تربیت بطوریکه آموزش و پرورش بتواند عملی ومؤثر واقع بشود .

۳ - بیرون آوردن موضوعهای درسی از حالت تئوری و غیر عملی و بکاربردن آن ها در راه اصلاح زندگی فردی و همگانی .

هر کجا ضرورت ایجاب کرده ازذکر اشتباهات مدارس خودمان و انتقاد در باره آنها خود داری نکرده‌ام ولی همانطور که عیب‌هارا گفته‌ام علت وچاره آنها راهم نشان داده‌ام .

چون آموزش وپرورش بمنزلهٔ رشتهٔ ممتد وپیوسته ایست که از اول تا آخر عمر قابل گسستن وجدا کردن نیست با اینکه منظور من بحث درباره دبیرستانها وتربیت جوانان است نتوانستم ازپایه وبنیاداین بنا یعنی تربیت دبستانی ذکری بمیان نیا[illegible] .

چنانکه دراین سطور مدلل خواهیم کرد اساس تربیت [illegible] خراب ومحتاج تحول ونهضت عظیم میباشد ، هرگونه کم وزیاد کردن مواد وکوتاه وبلند کردن ساعات یا مدت درس واین قبیل اقدامات بکلی بیهوده ومایهٔ اتلاف‌وقت‌است بنابراین طرزشروع تغییرات کلی‌فرهنگی‌را بطوریکه درضمن عمل وتجربه با هرپیشآمدی قدرت مقاومت داشته و

هر نقصی را بتوان برطرف کرددراین کتاب گنجانیده‌ام. امیدوارم این نوشته برای معلمان دبستان و دبیرستان قابل استفاده بوده درحل مسائل تربیتی کودکان وجوانان کومك کند واین مربیان پاك نهادوفداکاریکه باسوزدل شاهد وناظر پژمردگی وخمودگی اطفال ایرانی هستند واکثر ایشان از این وضع ناگوارکه نتیجهٔ آن کشتن استعداد های ذیقیمت نسل و نژاد ایرانی است شکایت دارند همگی یکدل ویك جهت دراحیاء فرهنك گام بردارند ویقین بدانندسیل خروشان عواطف ملی وانسان دوستی ووظیفه‌شناسی چیزی نیست که سدی جلوی آن را بگیرد ومانع وعایقی متوقفش بدارد.

بخش نخست

نظری بروش فعلی آموزشگاههای ما

بحثی راکه شروع میکنیم ازچیزهای خیالی وبی بنیاد بکلی عاری است ، بافرضیات مشکل ومطالب پیچیده علمی سروکارندارد ، حتی از ذکر مطالبیکه دراین کشور عمل واجرای آنها غیر مقدور یا پر زحمت است صرفنظر میکنیم . تنها بایك رشته حقایق و مطالب پیش پا افتاده روبرو خواهید شد که شما خودآنها را میدانید وبآسانی میتوانید اقدام وعمل کنید فقط باید بخواهید واراده کنید .

اول میخواهیم بدانیم شالوده تربیتی آموزشگاههای فعلی ماروی چه منظوری ریخته شده روش‌ومتد فعلی تا چه حدود درعلاج درد های ایرانی وجبران عقب افتادگیهای اومؤثر است ؟

درثانی اگر این طریق مداوا نمیتواند خون تازه درعروق خشك شده جاری کند وداروی شفابخش ما ازخطر اضمحلال باشد طرزمداوا راعوض کنیم .

جواب‌این پرسشرا وقتی‌دریافت میکنیم‌که خودمان شخصاً بیکی از کلاس های‌آموزشگاه‌وارد شده از نزدیك با حضورمعلم روش تدریس وتأثیر آن را درروحیهٔ شاگردان بادقت‌مورد مطالعه قراربدهیم.همینکه

این شناسانی برای ما حاصل شد بیشتر بایکدیگر همفکری پیدا میکنیم وبا اطلاعات کاملتری درباره اوضاع تربیتی مدارس وارد صحبت میشویم وطرحی نوکه درخورهم آهنگی با فرهنك جهان وسازگار با احوال ایرانیان باشد میریزیم .

سری بیك کلاس میزنیم

یکی ازدبیرستان‌ها که بطور متوسط نمونه آموزشگاههای خوب ما بشمار میآید انتخاب میکنیم و بکلاس اول آن وارد میشویم . چهل تن از دانش آموزان نزدیك یکدیگرروی نیمکت های کلاس قراردارند. اگرچه رسم مانیست دختران وپسران دبیرستانی دریك مدرسه تحصیل کنند ولی برای اینکه نمونه مثالها و مطالبیکه بآنها اشاره خواهد شد جنبهٔ عمومی پیدا کند وشامل ذکور واناث بشود بعضی از شاگردان را دختر وبرخی را پسر فرض میکنیم .

هوشنگ بمناسبت کوتاهی قامت میز جلو نشسته است . بچه ۱۳ ساله پاکیزه وخوش لباس است با اینکه خانه او با مدرسه مسافت زیادی فاصله دارد چون کیوان که دوست دبستانی‌اواست باین آموزشگاه میآید هوشنك هم دوری راه را برخود هموار کرده است. بعلاوه اغلب با ماشین سواری پدرش بمدرسه آمده زحمت چندانی متحمل نمیشود. هوشنك بیشتر روزها مقداری آجیل با آب نبات که ازشب نشینی منزل

در جیب دارد میان رفقای خود تقسیم میکند؟ یکدسته ورق هم معمولا نزد او پیدا میشود که درزنك نقاشی و بعضی ازدرسهای دیگر بطورمخفی با آن فال میگیرد یا موقع تنفس همینکه چشم ناظم را دور دید با سایرین بازی میکند.

اگر ازمعلمین بپرسید هوشنك چطور پسری است میگویند بچهٔ است محجوب و با ادب و ساکت تنها عیبش اینست که سر کلاس اغلب بساعت مچی خود نگاه کرده خمیازه میکشد. ضمناً معلمین متحیرند درصورتیکه هوشنك تکالیف کتبی خانه را بخوبی ازعهده برمیآید چه دلیل دارد که دروس شفاهی او چندان رضایتبخش نیست وطرز رفتارش باطفال کودن وبیعلاقه شباهت دارد.

هوشنك درمیان همکلاس ها دوستان فداکار دارد در عوض عدهٔ هم پشت سراو غرو لند میزنند ومیگویند درتمام امتحانات تقلب میکند وتکالیف کتبی خود را ازاوراق کیوان رونویس میکند اما از آنجائیکه معلمان از او رضایت دارند شاگرد ها میترسند اگر حرفی بزنند حمل بر حسادت بشود.

این وضع ظاهری هوشنك است. اگر بخواهید بازمینهٔ پرورشی او آشنائی زیادتری پیدا کنید ودرباره این طفل درست داوری کنیدخوب است دامنهٔ تحقیقات خود را وسعت داده ملاقاتی با خانواده او بعمل آورید.

هوشنك پسر ارشد يك خانواده ثروتمند وعزيز پدر ومادر است بهمين علت بچگونگی تحصيلات او اعتنائی ندارند سهل است دائم او را برفتن سينما وشركت درمجالس مهمانی تشويق ميكنند. شبهائيكه دوره قمار درمنزل آنها است ازپشت دست مهمانان دورنميشود وازشغل بازی بهره وافری ميبرد . والدينش از اينكه همواره در انجام تكاليف يوميهٔ آموزشگاه وامتحانات قصوركرده ناچاربتقلب ميگردد بی اطلاع نيستند وازشاهكارهای او در اين راه كه باآب وتاب تمام نقل می كند ميخندند وتفريح ميكنند .

اين پسر هم مثل ساير شاگردان دبيرستان نميداند درآينده چه شغلی پيش خواهدگرفت والدين او واولياء مدرسه هم در اينباب نظری اظهار نميدارندآنچه مسلم است هوشنك چندی هم بكشورهای خارجی بنام تحصيل خواهد رفت .

تقی پسری است ۱۵ ساله كه پهلوی هوشنك مينشيند كوتاه قامت وآبله رواست . اگرچه لباسش مندرس وتنك وآستينهای كت او كوتاه ووصله دار است ، اما نسبتاً بچهٔ پاكيزهٔ است . اين طفل دائم با ديدگان متجسس و زيرك متوجه اطراف خود بوده در پی وسيلهٔ برای شيطنت تازه ميگردد .

با اينكه هرگز حواسش بدرس نيست بقدری پرسشهای بی سرو ته ميكندكه معلمين را عاجز ميكند .

معلمان معتقدند تقی که بسیار موذی و بد ذات است بنا بر شیوهٔ خود میخواهد ازاین راه آنها راهم مثل شاگردها آزار بدهد وعاجز بکند روزی نیست که همکلاسهای خود را بامخفی کردن کتاب ولوازم کارو یا پاره کردن تکالیف شب صدمه نزند. میگویند تقی وقتی که مدرسه ابتدائی میرفت شاگرد جدی و خوش اخلاق بود ولی در دوره متوسطه حالت او بکلی تغییر یافته است .

اکنون هم اگر دل بدرس بدهد با هوش و چیز فهم است ولی عیب اینست که تمام هم خود را صرف کارهای ناشایسته کرده در پی شوخی ومسخرگی است . با اینحال درموقع امتحان شاگرد نسبتاً متوسطی است وعلی رغم معلمین ممکن است بکلاس بالا ارتقاء پیدا کند .

اگر وضع خانوادگی تقی مورد تحقیق معلمین قرارمیگرفت شاید درعقیده آنها نسبت باو تزلزلی روی میداد. پدرش کفاش کم مایه ایست که پنج سال قبل با مادر تقی متارکه وزن دیگر اختیار کرده است تقی پس ازجدائی پدر ومادرسه سال درنزد مادربزرگش زندگی نسبتاً راحتی داشت ولی ازآنجائیکه زن پدرش اطفال خردسال پیداکرد اورا بخانه پدر انتقال دادند تاکمك زن پدر باشد ، این پسر ازوضع خود خیلی ناراضی است . زیرا زن پدر وبرادر وخواهر وحتی پدر ازاو نفرت دارند ازطرفیهم زن پدرش میگوید که دستش بی نمك است هرچه بتقی خوبی میکند منظور ندارد .

امروز صبح مادرش برای ملاقات او سر راه مدرسه درانتظار ایستاده بود وقدری تخمه هندوانه بو داده از گوشهٔ چارقدش باز کرده باو داد وازروی دلتنگی نفرین فراوان بپدرش کرد ورفت. تقی باچشمان گریان وارد مدرسه شد ولی نمیخواست رفقای او بفهمند گریه کرده است لذا قرمزی چشمان را بسرماخوردگی وسردرد نسبت داد. پدرتقی بتحصیل کردن او میل ندارد. ترجیح میدهد که بکاسبی مشغول شده کمکی بخرج خانه بکند. اما مادرش اصرار دارد تقی بمدرسه برود وتن بخانه شاگردی زن پدر ندهد.

شاهرخ ۱۴سال دارد زرد ولاغر وبی‌بنیه است باندك بی‌احتیاطی سرما خورده دچار گلودرد وتب میشود بدینجهت بیش ازحد لزوم لباس میپوشد و چندین دعا و طلسم در بازو و گردن دارد همینکه بچه ها دستش میزنند زمین میافتد وگریه را سر میدهد باین جهت او را عروسك پنبه ای لقب داده اند، ازآنجائیکه طفل مطیع و بی آزاری است معلمین دوستش دارند و میگویند بسیار پسر خوبی است حیف که زیاد مریض میشود و از درس عقب میماند.

شاهرخ از خانواده تاجر متوسطی است مادر بیسوادش در باره آب کشیدن چیزها وسواس غریبی دارد روزی چند بار دست ودهان خود واشیاء خانه رادرحوض فرومیبرد بیماری شاهرخ راباجنه وهمزاد نسبت میدهد وبرای اومتصل دعا میگیرد ونذر ونیازمیکند. پدرش عادت دارد

در تمام کارهای روزانه از فال تسبیح کسب اجازه کند. روز پیش میخواست برای معاملهٔ ملکی بمحضر برود چون هنگام خروج از خانه صدای عطسه شنید فوری مراجعت و از معامله صرفنظر کرد. امروز صبح شاهرخ برای آمدن بمدرسه با دستش فال گرفته و بد آمده است بنابراین خیلی نگران و پکر بنظر میرسد سرش را دائم پائین میاندازد مبادا چشم معلم باو بیفتد و پرسشی بکند.

شاهرخ درعین حال پسر متجسسی است خیلی میل دارد در کلاس وارد مباحثه شده مسائل و مشکلاتیکه بنظرش میرسد بپرسد زیرا اغلب گفته‌های معلم و مطالب کتاب را مخالف رفتار والدینش می‌بیند. اما روزهای اول که بی مهابا هرچه بفکرش میرسید میگفت، شاگردها وحتی معلم باو خندیدند و از عقل نارسایش تعجب کردند. شاهرخ خجالت کشید و باخود شرط کرد دیگر صحبت نکند، آنچه را که معلم میگوید بی کم و زیاد از بر کرده درموقع پرسش جواب بدهد.

خوشبختانه چون حافظهٔ او خوب است از اینکار چندان بزحمت نمیافتد. چیزی که هست مطالب درسی تأثیری در رفتار عادی او ندارند رفتار خودرا درخانه مطابق میل مادر و پدرش ادامه میدهد ودستورهای معلم را فقط در کلاس درس تکرار میکند و اجباری بمخلوط کردن این و آن بیکدیگر نمی‌بیند.

کتایون دختر زیبا و نمکین و باهوش است تا بحال از ریاضیات

سر درنیاورده و آنرا بیمصرف وغیر لازم میشمارد . ذوق ادبیات در او زیاد است ولی کتابهای فارسی کلاسی را نمی پسندد و از آنها اظهار بیزاری میکند. در عبارت پردازی مخصوصاً نوشته های تخیلی وشاعرانه مهارتی بسزا دارد. قطعات نثر جالب توجهی مینویسد درسایر دروس هم بی ذوق نیست نقاشی وخیاطی او خوب است بااین حال از معلم خیاطی اغلب نمره صفر گرفته ومعلم نقاشی بارها او را از اطاق بیرون کرده است زیرا برنامه خیاطی کلاس آنها دوختن لباس نوزاد است و کتایون بجای آن برای خودش زیرپوش وروميزی میدوزد ومدعی است که لباس بچه بکارش نمیخورد .

در کلاس نقاشی که آبپاش و کوزه مدل آنها است کتایون به تصویر آنها چشم وابرو و پاگذاشته و اسباب خنده و بازیچه قرار میدهد واز صورت شاگرد ها کاریکاتور میسازد .

معلمین میگویند این دختر متکبر وخودخواه میخواهد حرف خود را بکرسی بنشاند وعقیدهٔ غلطش را بمعلمین تحمیل کند واز اطاعت دستور های کلاسی باتراشیدن عذرو بهانه سر بپیچی کند بنابراین امیدوارند امسال پس از چشیدن طعم رفوزه شدن دماغش مالیده شده تکلیف خودرا بفهمد واز کرده پشیمان شود. هم اکنون گاهی سر صف توبیخش میکنند امااو بر عکس روز اول که خیلی عصبانی شده بود دفعات بعد سرزنش را باکمال بی اعتنائی تلقی کرده بروی خود نمیآورد و همین مسئله برشدت خشم ناظم میافزاید .

معلم فارسی تنها کسی است که درباره کتایون راه مسالمت پیش گرفته

واورا دارای موهبت خاص درهنرهای زیبامیداند ولی چون حق ندارد کتاب دیگری در کلاس درس بدهدنمیتواند خواهش اورا در تغییر کتاب درسی اجابت کند .

پدر کتایون ازاعضاءعالیرتبه وزارت خارجه‌است مادرش تحصیلات متوسطه‌را تمام کرده یك سفرهم باروپا رفته‌است ازآنوقت نسبت بطرز آموزش وپرورش مدارس کشور خودبدبین شده است و برنامه مدارس را در بهبودی‌زندگی‌دختران مؤثر نمیداند. اگر کارنامزدی کتایون بایکی ازخواستگاران اوکه مورد پسند خانواده‌است سربگیرد میل‌دارد که‌او درخانه بتمرین وظائف منزل بپردازد ویك‌زبان‌خارجی راتکمیل بکند. اما کتایون برای سرگرمی عجالتاً آموزشگاه را از دست نمیدهد و در عین‌حال‌قدر ومنزلتی بمدرسه ومعلمین آن‌نمیگذارد .

سودابه بسیار مایل بانتقاد وبحث واستدلال است‌دبیرفارسی‌این رویه اورامی‌پسندد واوراتشویق‌میکند اما در نظر سایر معلمین دختر فضول وبی‌ادبی بیش نیست یکی‌ازمعلمین میگوید این‌دختر تنها چیزی که بلداست‌اینست که‌دستش را بلندکرده اجازه‌بخواهد وایرادات‌عجیب وغریب‌بگیرد. چندروز پیش یکی ازمعلمها که مکرر عدم‌رضایت‌خودرا از سودابه بمناسبت سئوال‌کردن بیجا واتلاف وقت‌کلاس که موجب‌عقب ماندن برنامه میشود اظهار کرده بود سودابه رابجهت تکرار این عمل ناپسند تنبیه کرد وامرداد‌تادرمقابل سایر شاگردان جلوی میزمعلم‌زانو

زده پوزش بطلبد.

سودابه ازاین کار سخت بر آشفت وجداً امتناع کرد معلم بدفتر نوشت که از پذیرفتن سودابه در کلاس معذوراست ولی پس از شکایت پدرسودابه باداره فرهنگ و گرفتن توصیه ناچار اورا سر کلاس فرستادند اکنون وضعیت این معلم وشاگرد که با هم مثل کارد و پنیر ند تماشائی است هردودائم در پی آزاریکدیگر میباشند.

[سودابه دو برادر دارد که ازلحاظ عقاید اجتماعی دائم بایکدیگر مباحثه ومشاجره براه میاندازند پدر ومادر آن‌ها گاهی دراین مباحثات شرکت میکنند سودابه خیال دارد پس از اتمام تحصیل وارد دانشکده حقوق بشود وبنفع زن‌ها واحقاق حق آن‌ها کوشش بکند. از همین حالا سودابه اغلب نسبت برفتارمعلمهای خودسخت اعتراض وانتقادکرده شاگردهای دیگررا برضد آن‌ها تحریك میکند.]

توران آن دختر رنك پریده که سر را روی دستها تکیه داده است چندی است دچار یك نوع بیماری روحی شده که هیچکس حتی خودش هم بر آن واقف نیست هر جزوه یاتکالیف کتبی که مینویسد بخیال اینکه اشتباه کرده‌است مکرر میخواند. اگر دراطاق راقفل کنند چند بار آن‌راآزمایش‌میکند که‌مبادا باز گذاشته‌باشند هرحرفی که میخواهد بگوید ودرسی که بایستی جواب‌بدهد بی‌اندازه ناراحت است مباداغلط بگوید. خیلی زرد ولاغر وعصبانی بنظر می‌رسد. هرصبح دیر بمدرسه

میاید و گاهی غیبت میکند ، ناظم مدرسه هرقدر باو اصرار میکند دلیل این تأخیر ورود وغیبتهارا بگوید جواب درستی ازاو نمی‌شنود ، یك‌نامه ازدفتر بخانواده اونوشته‌اند ولی بی پاسخ مانده است . این دخترجزو عشر اول داوطلبان امتحان نهائی شش سالهٔ ابتدائی وبسیارشاگرد خوبی بوده است بهمین جهت مجاناًدرمدرسه تحصیل میکند اکنون‌هم درسهای اونسبتاً پیشرفت دارد اما وضع مبهم وطبیعت لجوج او کارمندان مدرسه رابتنگ آورده‌است .

اگر کسی وارد منزل توران میشد مادر مسلولش را میدید که با دوطفل چهارساله ویك‌ساله درزیر زمین‌خرابه مسکن دارند پدر آن‌ها قبل ازتولد طفل سوم بمرض سل درگذشت توران‌اکنون تنها کسی‌است که باید هرصبح پیش ازرفتن بمدرسه بمادرش درپرستاری و تهیه غذای اطفال کمك کند و هر گاه حال مادرش سخت باشد ناچار است نزد او بماند .

اکنون دوسه نفر از آشنایان هر ماه مبلغی بآن‌ها کمك میکنند اماتوران میکوشدتاآموزگاربشودواسباب رفاهیت‌حال‌خانواده خودرافراهم کند. این دختر از اظهار فقر و گرفتاری نزد معلمین و شاگرد ها خود داری میکندزیرا میداند فاش شدن وضعیت اونه‌تنها نتیجه‌ای دربهبودی‌حالش نمیبخشد بلکه موجب خاری وسرشکستگی اورا فراهم میدارد . توران بتنهائی بافقر ، بابیماری ، باسرزنش معلمین وناظم میجنگد وبامیدآینده

بارتحصیل را بدوش خودحمل میکند .

سوسن دختر عجیبی است لباسش از حد معمولی خیلی بلندتر موهایش صاف وساده است معلمین هرچه اصرار میکنند سر کلاس درس جواب نمیدهد فقط وقتیکه نام او را میبرند بلند شده میایستد وبقدری سکوت را ادامه میدهد که باتغیر امر بنشستن اومیکنند وهمه شاگردها می خندند .

دربعضی ازدرسها ازقبیل انشاء فارسی وخیاطی ونقاشی بد نیست اما در ورزش شرکت نمیکند اوقات تنفس هرگز ازاطاق بیرون نمیرود یك روز که با اصرار ناظم از کلاس بیرون رفت تمام مدت تنفس درمستراح مدرسه خودرا حبس کرد وکسی نمیدانست چرا درمستراح بسته مانده است . حرکات سوسن نه فقط معلمین بلکه شاگرد ها و مستخدمین مدرسه را متحیر کرده است . بعضی ها شبهه میکردند که در حرف زدن نقصی دارد ولی این گمان بصحت نمیپیوست .

پدرسوسن درچاپخانه کار میکند بیشتر اوقات شب وروزرا در آنجا میگذراند مادرش تمام وقت گرفتار پرستاری پنج اولاد کوچکتر ازسوسن میباشد پدر سوسن مایل بمعاشرت دختر خود با رفقای همسن او نیست لذا سوسن بمحض اینکه وارد خانه میشود باطاق رفته در را روی خود میبندد تابچه‌های دیگر حواس او را پرت نکنند وبدرس خواندن اشتغال میورزد . گویا ازاینکه هیچکس توجهی باو معطوف نمیکند وکسی را

ندارد که هم‌صحبت و همرازش باشد رنج میبرد و گاهی حالت حمله باو روی میدهد. زن‌های همسایه تاکنون خیلی دستور دوا یا دعا تجویز کرده اند ولی فایده نبخشیده است.)

خجسته ۱۸ سال دارد و فریده ۱٦ ساله است ایندو دختر که اتفاقاً دارای هیکل درشت و قدبلند هم میباشند تمام وقت تنفس را در گوشه‌ای ایستاده فقط دونفری صحبت میکنند.

(خجسته در کلاس چهارم ابتدائی بود که معلم کج خلقش چنان ناگهان خط کش را روی دستش نواخت که چشمانش چپ شد و مدتی از مدرسه رفتن و تحصیل کردن بیزار بود تا اینکه بعدها در یکی از کلاسهای آزاد درس خواند و سال گذشته داوطلب امتحان کلاس ششم گشته و توانست امسال بکلاس هفتم وارد شود. حالا سر و کارش با شاگردهای ۱۲ و ۱۳ ساله افتاده احساس ناراحتی خیال میکند وازاینکه همکلاسها او را باچشم حقارت نگاه میکنند رنج میبرد و روز بروز حس بد بینی زیادتری نسبت بمدرسه پیدا میکند درعین حال درخانه محقر خودهم وسیلهٔ سرگرمی ندارد.)

فریده در لباس پوشیدن وتوالت و ناخن خیلی دقت می کند در کلاس همواره لبخندی در گوشه لب دارد که بعضی معلمین آن را بر تکبر و خود خواهی او حمل میکنند. چشم فریده نزدیك بین است ولی بمناسبت بلندی قدش میز عقب قرار دارد. یك روز که نمیتوانست

از دور نوشته روی تخته را بخواند و تبسم معمولی خـود را بر لب داشت معلم باو گفت که شما جای مادر من هستید ، مانعی ندارد اگر بعقل کوتاه وقد درازخودتان میخندید .

پدر فریده از افسران نظام است مدتی در شهرستان هائیکه دبیرستان ندارد مأمـوریت داشت فـریده بهمین علت از تحصیل عقب ماند اکنون کـه به طهران مـراجعت کرده وقت را غنیمت شمرده بمدرسه آمده است ولی اوهم مثل خجسته خیلی افسرده بظر میرسد.

وصف چندنمونه ازپسرها ودخترهای مدرسه‌را برای‌جاب توجه مربیان گرامـی بحالت آن عده از نفوسی کـه با لباس متحد الشکل رو بروی آنها قرار گرفته اند کافی میدانم و از ذکر خصوصیات سایر شاگردها که هریك کم وبیش دچار همین مشکلات هستند خودداری می کنم.

این چند نفر که شرح آن ها را دادم کسانی هستند که شخصاً به آنها بر خورد نموده یا ازدوستان وصف آن ها را شنیده‌ام ازحقیقت حال آن ها چیزی جز نام اشخاص عوض نکرده ام . با اشاره ای که بحالت و رفتار آن ها درکلاس وبستگی آن حرکات با اوضاع زندگانی آنها خواهم کرد امیدوارم که همکاران من از ظاهر به باطن بپردازند وحقایق بسیاریکه عدم پیشرفت کارتعلیم وتربیت را فراهم میکنندمتوجه بشوند و بسیاری از اسرار تربیتی راکشف بفرمایند .

معلم چگونه درس میدهد
وشاگردچگونه‌استفاده میکند ؟

اکنون درس بهداشت شروع میشود

شاگردان مشغول هیاهوی‌شدیدی هستندکه با ورود معلم خاتمه پیدا میکند همگی‌باحترام ازجا برخاسته مجدداً می‌نشینند . معلم پشت میز خود قرار گرفته دفتر حضور و غیاب را گشوده غائبین را علامت میگذارد بنام توران وبعضی دیگرکه‌میرسد نشانه‌عدم‌رضایت درچهره‌اش هویدا میگردد و آخر دفتر را امضاء کرده بجای خود میگذارد ٠ در اینمدت شاگردها بیکار نمانده‌کتاب‌ها را بازکرده تند تند درس امروز را مطالعه میکنند .

یکی‌ازشاگردها بااشاره‌معلم برخاسته خلاصه‌درس‌پیش‌رامیگوید از آنجائیکه چند نفر از پهلووپشت سراوکتاب دردست داشته آهسته مطالب را باو میرسانند بخیر میگذرد وبا مسرت بجای خود مینشیند . معلم درس امروز راکه خواص آب آشامیدنی وطرز تصفیه آن باصافیها است شروع میکند ٠

در این وقت کتایون در زیر میز مشغول بافتن توری است و از شاگرد مجاور خود دستور آن را میپرسد ولی برای اغفال کردن معلم گاهی بکتابیکه روی میز باز است نظری میاندازد یا بی‌ربط چیزی روی کاغذ مینویسد.

بیچاره تقی قیافه محزون مادرش را فراموش نمیکند، گویا بخیال انتقام است که پیوسته دستها را بهم فشار داده ویا تکمه های کت خود را میکند.

توران کمی پس ازشروع درس وارد کلاس میشود. معلم با تغیر نگاهی باو میکندااما اوهم دردل عقده ها دارد که نمیتواند بگشایدو برای حفظ ظاهر تبسم میکند.

شاهرخ چند بار قصد داشت بپرسد که اگر آب راکد زود کثیف میشود ومیکروب پیدا میکند چرا اهل خانه او تا ظروف مطبخ و لباس ودست و رو را در حوضیکه آب آن مانده و متعفن شده است نشویند آن ها را پاکیزه نمیدانند. اما تجربه های تلخ گذشته ودفعاتیکه مورد استهزاء واقع شده بود جلوی اورا گرفت ودم برنیاورد.

سودابه دست بلندکرد و پرسید چه میفرمائید در باره آب های آشامیدنی شهرما که ازمعابر سرباز میگذرد وهمه جور کثافتی در آن پیدا میشود؟ معلم با لحنی خشن جواب‌داد این موضوعها مربوط بدرس نیست چند بار گفتم حرفهای خارج نزنید و وقت کلاس را تلف نکنیدمن

نمیتوانیم وارد سیاست بشوم اینها بما مربوط نیست .

سودابه زیرلب غرولند کنان گفت عجب پس ما مشکلات خودمان را از کی بپرسیم اگر درسی که میخوانیم با زندگـی ما مربوط نیست پس بچه کار ما میخورد وچرا بیخود برای آن زحمت میکشیم ؟

معلم برای کوتاه کردن این رشته روبه توران کرده میگوید : « حواست کجا است؟ » توران پاسخ میدهد « همین جا » معلم از اومی- خواهد تا مطلبی را که مشغول گفتن بود تکرار کند . چون توران از عهده بر نمیآید و معلوم میشود که گوش نمیداده است معلم دق دلیکه از سودابه دارد سر او درمیاورد و از کلاس اخراجش میکند و بمدیر مدرسه مینویسد توران شاگرد تنبل و بی دقت است وهرروزدیر بمدرسه حاضر میشود .

دراین وقت تقی از بی نظمی کلاس استفاده کرده حرکات مسخره آمیزوصداهای عجیب میکندتا شاگردها را بخنده بیاندازد از آنجائیکه معلم با تمام کوششی که کرد نتوانست صاحب صدا را تشخیص بـدهد خشمش افزوده شد وبنوشته اضافه کرد که اگر توران ازمدرسه اخرا نشود من دیگر باین کلاس درس نخواهم داد .

هوشنگ سقز دردهان داردوساکت نشسته بجویدن مشغول کتایون باکمال بیعلاقگی بتمام این جریانات نگـاه میکند و مشغول بافندگی است فریده و خجسته بایکدیگر آهسته صحبت میکنند. سوسن مطابق

معمول مثل مجسمه بجای خود قرار گرفته است سودابه بر آشفته و عصبانی است و بشاگرد مجاور خود میگوید معلم نتوانست جواب مرا بدهد و تلافی راسر توران بیچاره در آورد. سایر شاگردها اشعار عامیانه روز و شوخیهای مضحك روی کاغذ نوشته بیکدیگر رد و بدل میکنند. و بعضی رمان میخوانند. خلاصه اینکه هر یك میکوشند تا کسالت و خستگی شنیدن مطالب بیحاصل کلاس را با سرگرمی مطبوعی جبران کنند

پس از بیرون رفتن توران سکوت کلاس برقرار میشود معلم دنباله صحبت خود را گرفته از صافی شاه‌برلن و ساختمان آن حرفهائی میگوید شاگردها نیز بکارهائیکه گفتیم ادامه میدهند تا اینکه زنك مدرسه بصدا آمده معلم و شاگرد را از این کار خسته کننده نجات میدهد. یکدفعه شاگردها باهیاهو و وضع خیلی عجولانه بحیاط میریزند.

ایرادهائیکه باین روش وارد است

کلاسیکه شرح آن‌را دادیم و روشی که‌از آن صحبت کردیم در ایران بمنزله یك امر طبیعی و عمومی تلقی میشود. معایب تربیتی ازبس بجای خود باقیمانده ریشه دوانده محکم شده است.

این استمرار و عادت دیدگان ما را از مشاهده خطاها باز داشته تصور میکنیم معنی تعلیم و تربیت همین است. یا اینکه نقص را میفهمیم و علاج را پیدا نمیکنیم و اگر آنراهم میدانیم چون در اقلیت هستیم وراه هر

گونه توافق نظر وارتباط باسایرین بر روی مابسته است کاری از پیش نمیبریم . بلکه اگر تغییر روش بدهیم نه تنها طرفدارنداریم بلکه مورد خرده گیری واقع شده نا چار همرنك جماعت میشویم جای تردیدنیست که اینوضع در روحیه اطفال اثراتی نامعلوم میبخشد وبفساد و خرابی اجتماع کمك میکند . اگر شاگردان مدارس خودمانرا تحت آزمایش دقیق روانشناسی قرار بدهیم خواهیمدید اکثر آنها درنتیجه همینفساد عوامل تربیتی دچار بیماریهای روحی هستند که مدتها معالجه لازم است تابحال طبیعی عودت کنند .

آنچه میگویم فرضیاتوشوخی نیست مسئله جدیتر از آنست که بشود بابیاعتنائی نگاه کرد باید هر چه زودتر بحال کودکانیکه قسمت مهم زندگی خود را در این موسسات نا مناسب میگذرانند و افرادی ضایع ومریض از آنخارج میشوند وجامعهٔ کنونی ما گواهصادق آنست. فکری کنیم . مخصوصاً ما معلمین بخودمان اجازه ندهیم عامل اجرای برنامه غلط وتعلیم تربیتی کهمخرب میهنماست بشمار بیائیم و دروسیکه بازندگیومحیط واحتیاجات واستعدادهای کودکان و جوانان ارتباطی ندارد بخورد آنها بدهیم وبیمار وناتوانشان سازیم .

هدف تعلیم و تربیت نیرومند کردن روح وجسم اطفال وتأمین سعادت آنها واصلاحنواقص جامعه است . خواندن ونوشتن واسطه ویا وسیلهٔ ایست که آنها رابسوی آن مقاصد رهبریمیکند ولی ما مقصود

راهمان باسواد کردن اطفال میدانیم وهمه چیز رافدای رسیدن بآن میکنیم بواسطه این اشتباه زیان جبران ناپذیر بملت و کشور ایران وارد میآوریم اگر آموزشگاه نتواند شاگردان را درحل مشکلات زندگی آنها کمك کند و نتواند دوره رشد روحی وبدنی اطفال را بنحو بهتری اداره نماید و نتواند تعلیماتی که میدهد با تجربیات روزانه اطفال تطبیق کند پس فایده ایکه از این صرف وقت و تدریس برنامه عاید شاگردها میشود کدام است؟!

آموزشگاهی که اطفال رادر ۷ سالگی از کانون خانواده به پشت میزهای خود دعوت میکند ودر تمام مدت رشد درست مخالف بهداشت روحی وجسمی آنها رفتار کرده فقط معلومـاتی که شاید هرگز بکار آنها نخواهد خورد در حافظه ها انباشته وپس از این همه معطلی سرگردان و بی تکلیف تقدیم جامعه میدارد چه ارزش دارد وچگونه میتواند مشوق ذوق ومیل کودکان وجوانان باشد .

ملاحظه کنیم وبه بنیم آیا دستگاه تربیتی مانسبت به هوشنگها که تحت سلطه انحرافهای خانواده قراردارند وباعادات و تمایلات زیان آور بمدرسه میآیند وحالات خودرا مانند مرض مسری ترویج کرده و اعمالشان را سرمشق دیگران میسازند چه رویه اصلاحی اتخاذ میکنند ؟ این آداب تصنعی وتقلبی که هوشنك برای رضایت خاطر معلمین وداشتن نمره خوب پیش گرفته است پایه فساد اخلاق را درنهاد او محکمتر میگرداند وبجای کوشش وکاردوروئی وتزویررا یادمیگیرد وآنراوسیله بدست آوردن

منافع شخصی ومقام ومنزلت قرار میدهد در حالیکه مدرسه ابداً توجهی بعکس العملهائی که رفته رفته درنهاد اوقوت میگیرد نداشته و این طفل بیگناه بالاخره قربانی غفلت پدرومادر ومربیان گشته قمارباز وتن پرور ونادرست بارمیآید.

تقی‌ها که بواسطه وضع نا مطلوب خانوادگی پریشان و دلتنك بمدرسه پناه میآورند جادارد که بدست مربیان وسیله دلجوئی و تسلی خاطر برای آنها فراهم گشته مرهم شفابخش برزخم درونی آنها بگذارند این پسرها و دخترها غالباً بعلت دلسردی و کینه توزی نسبت به اقوام خوددرصدد آزارشاگردان ومعلمین برمیآیند بجای اینکه نمك برجراحتشان پاشیده‌شود آنهاراجری‌تروجسورتر بکنند بایدوسایلی برانگیزند تا فکر وروحشان قوت یافته بتوانندباصدمات ونامرادیها مقاومت کنند وبرآنها فائق گردند. طفلی راکه معلم ندانسته بموذیگری و بدجنسی نامزد میکنند نه فقط اورا نسبت به پدر وزن پدر وبرادر و خواهر بدبین تر میکند بلکه کینه نوع بشررا بدل اومیاندازد و برای همیشه بد خواهی وشقاوت راپیشه کرده ودشمن انسانیت میشود. اکثر کسانی که‌هم‌خودرا مصروف زیان رساندن دیگران میکنند واز رنج و عذاب آنها تشفی‌قلب خویش رافراهم میآورند عمر خودرا با صفا وپاکی‌طینت آغاز کرده‌اند، واگر غبار ملالتی آینه ضمیر آنهارامکدر نمیکرد بیشك اشخاص‌مهربان ونوع پروری بودند.

بسیاری از کودکان ایرانی اوضاع خانوادگی شاهرخ را دارند. عقاید و رفتار و اندیشان با آنچه در آموزشگاه میخوانند و می‌شنوند مباینت دارد. این مسائل که پیش پای آنها گذاشته میشود بایستی از راه تجربه و بحث و استدلال حل شده حقیقت بر آنها مکشوف گردد.

شاگردانیکه فقط سراپا گوش باشند و از ترس خنده تمسخر آمیز رفقا یا ایراد معلم دم برنیاورند نتیجه‌ای از محفوظات خود نمیبرند و هزار یك آنهارا بکار نمیزنند بهمین علت است که تعلیمات آموزشگاه کوچکترین تأثیری‌را دراصلاح حال جوانان نمی‌بخشد و آنچه را فرا میگیرند مانند لباس عاریه بمحض ورود بخانه از تن بیرون کرده بجامه اصلی خویش ملبس میشوند. شاگردیکه در کلاس حق چون‌وچرا ندارد معلم از حال درونی او بیخبر میماند و به‌تربیت او توفیق نمی‌یابد سهل است موجبات شدت دردها و معایب نفسانی اورا آماده میسازد.

۷ - آنهائیکه مانند کتایون در پارهٔ ازموضوعها هوش و رغبت بسیار نشان میدهند و شاید بهمان علت یعنی متمرکز شدن توجه بدان سمت بسایر دروس بیمیل هستند میتوان باتشویق و توسعه موضوعهای طرف توجه و نشان‌دادن ارتباط و پیوستگی آن بامواد دیگر آنهارا بسرذوق آورد. طفل یاجوان بهرمقصود و بهانه ولو برای سرگرمی وارد مدرسه شود. و هرقدر نسبت بتحصیل بی‌اعتناء باشد برمعلمین کاردان ولایق واجب است ذوق آنهارا تحریك کنند و بگذارند در آنچه مستعد و آماده هستند پیش بروند

تاهنرمند وباعرضه بشوند .

۵ حس حقیقت جوئی و کنجکاوی سودابه‌ها وجنبه انتقادی امثال آنها اگر تحت مراقبت وانتظام درآید علاوه بر اینکه قوای پرارزش روحی آنهارا رشد میدهد محرك و مشوق بسیار مؤثری برای شاگردان فراهم میشود وجود یك تن شاگرد منقدوزنده دل بخوبی ممکن است کلاس را بهیجان و نشاط آورده محیط زنده و پرحرارتی ایجاد کند و دانش آموزان را بخودی خود از اشتغال بکارهای مختلف ومتشتت که برای خلاصی از کسالت درسهای خشك و بیروح بدانها میپردازند منصرف و بتحقیق و کنجکاوی درباره موضوع درسی مشغول کند . نسبت فضولی و پرحرفی دادن بچنین شاگردانی موجب یاغیگری آنها میشود ودردسری چنانکه دیدید مهیا میسازد.

برفرض اینکه طفلی فوق العاده جسور و بی ادب باشد باید او را بهر تدبیریکه میتوانند درمدرسه نگاهداشته تربیت کنند یا بآموزشگاه بهتر ونزد معلمین ماهرتر که قدرت اصلاح حال این قبیل شاگردان را دارند بسپارند و در حق شاگردان یاغی و گریز پا محبت زیادتر مبذول دارند نه اینکه مورد سرزنش و بی اعتنائی قرار بدهند یاسند محکومیت آنها را بفساد اخلاق بدستشان داده از آنجا بیرونش بکنند . تنبیهاتیکه به عزت نفس وغرور شاگردان لطمه میزند ویا از آنها علائم کینه جوئی معلم نسبت بشاگردمشهود میگردد بقدری بد است که میتوان گفت کاری زشت تر و نامناسبتر از آن درتعلیم وتربیت یافت نمیشود ؟

خودداری و مقاومت سودا به ازانو زدن در حضور شاگردان و طلب پوزش از کاری که بنظر او ناپسند نمیآمد از مزایای اخلاق این دختر بود. اگر معلم در جنگ بر علیه این شاگرد فاتح میشد او را به تسلیم در مقابل ظلم و زور و بندگی عادت داده بود خوشبختانه چنین نشد .

درهمین کلاس پسر ۱۷ ساله ای نشسته است که والدینش او را در سن هفت سالگی بدبستان فرستادند ولی در روز ورود بمدرسه ناظر چوب زدن کودکان وضجه و ناله آنان واقع شد وطوری وحشت کرد که تا یکسال هرچه کردند قدم بآموزشگاه نگذاشت سالهای بعد که او را ناچار بمدرسه فرستادند بشدت از آنجا گریزان بود و بهمین علت از درس بقدری عقب ماند که امروز در کلاس اول متوسطه نشسته است

توران و بسیاری دیگر از افراد باشهامتی که دراین کشور زیر پنجه های بیرحم فقر و بیماری و بی کسی برای نجات دادن خود دست و پا میزنند و با وجود فشار طاقت فرسای زمانه یا بهتر بگوئیم مظالم جامعه بافکر قابل تقدیر امید بهبودی حال خود و خانواده درمانده خویش را درمخیله میپرورانند و بادلی پر آرزو بدامان مدرسه و مربیان پناه میآورند جا دارد که مورد توجه خاص اولیاء آموزشگاه واقع شده هر گونه تسهیلات برای پیشرفت آنان فراهم بیاورند و از کمک و استعانت کردن آنها دریغ ندارند. بی خبری وغفلت از حال آنها باعث میگردد که معلمین حکم بظاهر میکنند و برای چند دقیقه تأخیر ورود یا محظورات دیگر آنها را مأیوس و افسرده

میسازند ودستی راکه برای استمداد جستن بسوی آنها دراز شده بیرحمانه عقب میرانند وافراد لایق جامعه را بقعر چاه ذلت ونیستی پرتاب میکنند حال آنکه باید پیش از گونه اقدام علت حقیقی این غیبتها را بفهمند

بسیاری از شاگردان مدرسه که نزد معلمین به تنبلی و کاهلی نامزد میشوند تنها تقصیرشان این است که بواسطه قلت بضاعت قدرت خریدن کتاب ولوازم کار ندارند . بنا براین هرقسم تنبیه یا بازخواستی که از آنها میشود ظالمانه بوده در روحیه اطفال سوء اثر میبخشد .

امثال سوسن که رفتار عجیبی از آنها بروز میکند ومربیان نسنجیده آنرا بشوخی ومسخره میگیرند یاحکم به تقصیر وسوء رفتارشان میدهند بیمارانی هستند که مراقبت ومعالجه روحی لازم دارند . این عمل مربیان بدان میماند که پزشك بیك نفر که قلبش نامنظم میزند یادرجه حرارتش بالا میرود لبخند زده اظهار غرابت بکند یا اورا به ملامت بگیرد . چه بساعوامل خارجی و باطنی که دست بهم داده سبب بروز این گونه حرکاتی میشوند آنوقت مربیان ازروی غفلت وبی اعتنائی با شدت عمل وسخت گیری حیات طفل را به خطر میاندازند .

شاید سوسن بمناسبت غرائز فطری و آرزوهای جوانی میل بخود نمائی وجلب توجه کسانش داشته وازاین جهت که پدرومادر باشاغل زیاد خود سرگرم بوده اعتنائی بموفقیتها یا ناکامیهای او نداشتند و از وجود یار دمسازی که بتواند بی بعواطف او ببرد محروم بود رنج میکشید

و عکس‌العملهائیکه گفتیم از خود بروز میداد اگر مدرسه برای اداره کردن غرائز اطفال و جوانان آماده بود میدانی جهت آزمایش قوا و متجلی ساختن فضایل ذاتی هرشاگردمهیامیساخت سوسن میتوانست در مسابقات ورزشی یاسایر فعالیتهای سودمند خود نمائی بکند و تمایلات خود را از طریق پسندیده ارضا نمایداینها وصدهامسائل دیگر را علم روانشناسی بخوبی حل کرده و برای آموختن وبکار بردن معلمین آماده نموده است .

در مورد دودختر نسبتاً مسن خجسته و فریده سخن طولانی‌است در طی مبحث‌این ثابت خواهیم کرد که عقب‌ماندن ازچند ماده درسی‌این اهمیت‌راندارد که‌درمقابل آن کلیه تجلیات‌روحی‌را که‌درسن معینی بروز وظهور میکند ومراقبت مخصوصی لازم‌داردفداکرده دخترها وپسرهای بزرگ را همردیف شاگردانیکه تفاوت سنی آنها باعث اختلاف عواطف واستعداد ها است‌قرار بدهند . اگر موانع ومقتضیات اجتماعی نگذاشته است اطفال دوره تحصیلی را مرتب طی بکند سنین عمر آنها سیر خودرا کرده‌ومتوقف‌نشده‌است‌پس‌باحترام‌چرخ‌تعطیل‌نشدنی‌طبیعت روش‌تربیتی بایستی بامقتضیات سنی وطبیعی آنها تطبیق بکند نه بامیزان محفوظات اکتسابی‌اثرات ناگواراین گونه اشتباهات‌است‌که باعث ایجاد حس‌بدبینی ویاس وحتی خود کشی جوانان میشود . همانطوریکه هر یك از فصول طبیعت دارای آثار ومقتضیات خاصی میباشد دوران عمربویژه ایام رشد

مظاهر گوناگونی دارد و مستلزم آنست که افراد هم سن وقت خود را بایکدیگر گذرانده تحت مقتضیات معینی تربیت بشوند.

اکنون که بمشکلات خصوصی اطفال و جوانان اشاره‌ای کردیم یك نکته مهم دیگر باقیمانده است و آن بی‌اعتنائی تعلیم و تربیت درباره احتیاجات جامعه و نواقصی است که بایستی بوسیله مدارس بر طرف بشود. در این کشور خطاها پشت‌هم تکرار میشوند اوضاع دلخراش همگانی ادامه دارد بدون اینکه مؤسسات فرهنگی هیچگونه چاره جوئی درباره آنها بکنند وقدمی درراه بهبودی اوضاع اجتماعی بردارند و در صدد سازش دادن اشخاص بامحیط وایجاد کردن حس همکاری وهم آهنگی بین مردم بر آیند

برعکس دستگاه فرهنگی وروش تربیتی مابدلایلی که ذکر خواهم کرد مشوق خود کامی وخود پرستی ونفاق انداختن میان جوانان است

حال که وارد این کلاس شده ایم بدنیست درباره وظیفه بهداشتی آموزشگاه که در برابر یك جامعه علیل وضعیف دارد نیز تفحص بکنیم به بینم آیا این مدرسه که آنرا نمونه بهترین آموزشگاه های ایران میدانیم چه‌اقدامی برای این منظور کرده‌است

گفتم که شاهرخ دائم مریض است ومادر وپدرش ازطریق مؤثری در صددمداوای او برنمیآیند بطوریکه‌درسن‌رشد خطر بزرگی سلامتی اوزا تهدید میکند.

توران وخواهر و برادر او در معرض سرایت بیماری واگیر دار سل هستند .

چشمان فریده نزدیك بین واز این راه در زحمت است .

بسیاری از نواقص بدنی وعلتهای مزاجی در سایرین وجود دارد که درچگونگی تحصیل واخلاق وافکار آنها تأثیر کلی میبخشد .

آیا پزشك آموزشگاه مواظبت کافی درکار خود میکند و اداره بهداری مدارس برای اینکه نژاد ایرانی را از این ضعف و درماندگی نجات بدهد نقشهٔ صحیحی طرح کرده است ؟

آیا جوانان امروز را برای مبارزه با تریاك وتراخم و بیماریهای جنسی ومالاریا یامرك بیشمار نوزادان که هرکدام بلای خانمانسوز این ملت است تعلیم داده وآماده میسازد ؟

آیا برای منع بی مبالاتیها ویامعالجات خود سرانه خانوادها غالباً پزشك باپدر ومادر اطفال درتماس میباشد ومجالس سخنرانی و بحث و مشورت برای آنها تشکیل میدهد تابصیرت آنهارا در وظیفه ایکه نسبت به فرزندان ایرانی دارند بیفزاید ؟

بزرگترین تکلیف آموزشگاه اینست که اطفال را تندرست و چالاك بار بیاورد ، عادات بهداشتی سودمند بآنها بدهد ، مشاور خانواده ها وراهنما وکمك اجتماع باشد . این سالی چند بار بازدید اجمالی که پزشك از کلاسها بعمل میاورد چه حاصل دارد؟ اغلب کاریکه صورت می

دهد منحصر بانست چند نفر را که زخم یا بیماری نمایانی دارند از آمدن بآموزشگاه منع کند و باقی را بگذارد تا هر وقت آتش سوزان مرض در وجودشان زبانه کشید دست آنها راهم گرفته بخانه بفرستند .

واقعاً ببینیم معلمین چرا انقدر خودرا شاگردان دورنگاه میدارند ونسبت بآنها آمرانه رفتار میکنند ؟

آموزشگاه امروز جائی را میگویند که محیط آن کاملاطبیعی باشد . اطفال در آن راحت وبی ریا رفتار کنند تا اینکه بتوانند تمام مسائل ومشکلات خود را در آنجا موردمطالعه وتجربه قرار بدهند . وباشتباهات خود یا والدینشان پی ببرند وطرز مبارزه و مقابله با مفاسد و مظالم را یاد بگیرند . چون جسم و روح شاگردان از یکدیگر جدا نیستند تقویت وتربیت هردو قسمت برای سعادت فردی یا اجتماعی لازم است وبهمین دلیل تمام عواملی که با اطفال در تماس و درشخصیت آنها مؤثر هستند باید زیر نظر مربیان قرار بگیرد . اکنون دیگر معلمین در صدد نیستند که داخل مدرسه رابصورت یك مدینه فاضله بسازند که بازندگی خارجی متفاوت باشد . زیرا اطفال همینکه از مدرسه بیرون آمدند و خود را دردنیای دیگر دیدند بکارخود حیران میمانند . همچنین تدریس دروس کلاسی بصورتیکه در کشورما معمول است بواسطه مضاریکه دارد نزد ملل مترقی ازارزش افتاده است . آموزشگاه را محل زندگی وعمل و آزمایش میدانند که وجود طفل تمام وکمال تحت مراقبت قرارمیگیرد و

استعدادها وفعالیتهای مطلوب او بکار میافتد .

اگر معلمین این مدرسه که ذکر کرده‌ایم باورش نوین تربیت آشنا بودند حتی ازعلاقه‌های آنی وبی بنیاد و هوس های بیجای هوشنگ یا کتایون که بتحصیل بی میل بودند برای تعلیم وتربیت استفاده میکردند وازهمان راه وسایل تشویق آنها را بفعالیت ها ومطالعات سودمندفراهم میاوردند . حس کنجکاوی سودابه را زمینه مساعدی جهت خـواندن کتابهای مختلف و برانگیختن حس ابتکار وتتبع که اساس پیشرفتهای علمی است قرار میدادند .

اگر کتایون میل نداشت لباس نوزاد بدوزد و آنرا برای خـود بیفایده میدانست یا مدلهای نقاشی را دوست نداشت معلم نبایستی بـا منطق یا احساسات شخصی شاگرد باینصورت مخالفت کرده وذوق کار را ازاوسلب نماید بدون اینکه بتواند شوق آموختن چیز دیگری را دراو برانگیزد . اگرغرض آموختن خیاطی یا نقاشی استچرا ازهمان راهیکه طفل مایل است جلو نرود ؟ حتی اگر شاگرد موضوع معینی را بایـد بیاموزد آنهم تشویقش راه صحیحی دارد که معلم وشاگرد را درمنظور خود موفق میدارد .

پرسشهای بی سر وته و عوامانه شاهرخ حتی پاسخهای نامربوط او وامثالش درتربیت همانقدراهمیت دارند که عقاید دانشمندانه بعضی ازشاگردان دیگر قابل اهمیت هستند باید هردونوع سئوالات رامحترم

شمرد وسیله پی بردن بروحیه وسنخ فکر هر کس قرارداد وکوشید تا رفته رفته نواقص کم شده بهدف تربیت نزدیك بشوند. تو دهنی زدن باطفال و امر بسکوت کردن بآنها جز اینکه معلم را از باطن شاگردان بی خبر بگذارد یا عزت نفس آنها را جریحه دار بکند. چه نتیجه ای دارد ؟.

اگر بخواهیم حالت درونی شاگردان را درمقابل روش معمولی تدریس آموزشگاه های این کشور بچیزی تشبیه کنیم باید یك آزمایشگاه شیمی را در نظر بیاوریم که لوله های متعدد امتحان روی صفحه‌ای قرار گرفته و هریك محتوی داروی مختلف است. هرگاه یك شیشه از داروی معینی را برداشته درهرلوله قطره‌ای از آن بچکانیم خواهیم دید محتویات درون شیشه‌ها هر کدام بمناسبت خاصیت خود تغییر کرده یکی قرمز، دیگری سبز، آن یکی بی‌رنك یا سیاه میشود.

بر فرض اینکه معلم بتواند شاگردها را وادار کند تا بر خلاف آنچه در کلاس‌های ما معمول است تمام توجه خود رابه اومعطوف کنند وبحرفهایش گوش بدهند، اما بطور قطع ویقین هرگز نخواهدتوانست آنها را مجبور کند تا مطابق دلخواه او فکر بکنند و نتیجه بگیرند. زیرا هرشاگرد بمقتضای معلومات قبلی وعادات و افکار شخصی از گفته معلم یا مطالب کتاب بهره میگیرد.

ازآنجائیکه‌در کلاس‌های‌ما آزادی بیان‌عقیده وبحث‌وجودندارد و

معلم موردی برای آزمایش فکر شاگردادن خود ندارد وازمافی الضمیر آنها مطلع نمیشود وهرطفل یا جوان درهمان عقاید خود باقی میماند و براه خودمیرود . درحالیکه بصورت ظاهر عباراتی را حفظ کرده مطابق گفته معلم جواب میدهد .

بزرگترین شاهد این مدعا همان ایمان نداشتن و عمل نکردن شاگردان است بمطالبیکه ازمعلم شنیده یا درکتاب خوانده اند . عجب اینست که ماباوجودمشاهده‌این‌حال‌دست‌ازروش مبتذل خودبرنمیداریم .

برفتارشاگردان این کلاس هنگام تعطیل مدرسه بنگریم تاحقایق دیگری برای ما آشکار بشود : هوشنك بمحض رسیدن بخانه باز هم بدنبال قماربازی میرود وبرای جبران تنبلی خود درفکر تقلب و رشوه وواسطه میباشد . تقی دور نیست که دق دل خود را از صدمات خانه و ناملایمات مدرسه سرنهالهای خیابان در آورده شاخه های آن را خرد بکند یا اینکه سنك بشیشه های عمارات پرتاب کند و سگ وگربه را آزار بدهد .

سوسن همانطور دختر منزوی وخود خور است معلوم نیست‌این آتشی که زیر خاکستر قرارگرفته چه وقت وازکجا شعله برآورد .

توران روز بروز بخطر بیماری نزدیکتر میشود وعنقریب‌چراغ زندگانی او بی روغن میماید .

خجسته وفریده محتمل‌است بزودی افسرده وبی‌دماغ آموزشگاه

را ترك گويند وحس نفرت ازمدرسه و معلمين را هميشه در دل خـود نگاهدارند. بسياری از اطفال با وجود اينكه از درس بهداشت نمره بسيار خوب دارند پس ازخارج شدن ازمدرسه ميان خاكروبه‌های كنار كوچه كشتی ميگيرند يا از آب كثيف ته جوی رفع عطش ميكنند.

اين بازديد كلاس واشاره بروش تدريس وانعكاس آن درروحيه اطفال مقدمه مختصری بود برای‌اينكه علت‌بيفايده بودن دروس‌خودمان را بدانيم و بمكفی وموثر نبودن اين رويه پی ببريم: دورنيست كه اين تذكارمسبب تجديد خاطراتيكه‌خوانندگان‌عزيزاززمان تحصيلی‌خودشان دارندبشوندوتوجه‌بآنچه‌ازاطفالشان‌ميشنوندبكردندوبا آن‌تجارب‌ذيقيمت دنباله اين فكررا بگيرند و دوست بكنه‌آنچه نمونه‌ای از آن را بدست داده‌ام برسند وپس از آن بقيه اين اوراق را كه شامل تطبيق متدتعليم وتربيت كشورهای مترقی‌جهان بامدرسه‌های‌ما است‌بخوانند ودرپيدايش يك نهضت فرهنگی كه تنها وسيلهٔ دستگيری فرزندان ايرانی از گرداب ذلت است كومك كنند تا در ايران هم مثل ساير ممالك جوانان فعال و ومتجسس وباعزم وهنرمند بوجود بياورند.

مربی در کلاسیکه وصف کردیم

چه میکرد	چه بایستی میکرد
موضوع درس را بمیل خود تهیه کرده میکوشید تا بوسیله توضیحات شفاهی بشاگردان بقبولاند .	شاگردان را کمك میکرد تا خودشان طالب دانستن مطالب لازم شده ازراه تحقیق و تجربه در صدد فهمیدن آنها بر آیند .
معتقد بود که اگر شاگردان ساکت به نشینند و گوش بدهند استفاده میکنند .	آنهار تشویق میکرد تا بایکدیگر تبادل افکار و مباحثه کرده مشکلاتشانرا حل بکنند .
از پرسش واظهار نظر شاگردان ممانعت میکرد و بمیل خود سخن میگفت .	فقط مطالبی را که شاگردها سئوال میکردند جواب میداد یا حس کنجکاوی و خواهش آنها را بر میانگیخت تا بپرسند .
هدف خود را اتمام برنامه و موفقیت یافتن شاگردان در امتحانات میدانست .	پیشرفت اطفال را در زندگی هدف اصلی تربیت قرار میداد .
برای آرامش کلاس بزور و قدرت خود متوسل میشد .	حس انضباط را باروش استقلالی وایجاد رابطه حسنه بین شاگرد و

برای اتفاء غیض و غضب خود شاگردان را مجازات میکرد .

معلومات شاگردان را از روی مطالبیکه حفظ کرده بودند قضاوت میکرد .

نسبت بشاگردانیکه بنظر او زرنك و هوشیار بودند لطف و محبت و با آنهائیکه تنبلی میکردند بی مهری و بغض نشان میداد

شاگردان را به تناسب قد روی نیمکت ها نشانده بود

ادب ظاهری شاگردان را تشویق میکرد .

وسایل کار میز و نیمکت و کتاب وقلم و کاغذ بوده .

معلم برقرار میساخت .

علت حرکات اطفال را یافته بواسطه بر طرف ساختن آنها شاگردان را علاقه‌مند بانضبات میساخت

بعمل و اجرا کردن دانسته های آنها در زندگی روزانه اهمیت میداد بشاگردان کم استعداد بیشتر ملاطفت و توجه پیدا میکرد .

در تعین جای آنها شرایط بدنی قدرت بینائی و شنوائی را در نظر میگرفت .

افکار و تمایلات آنها را مورد آزمایش قرار میداد و باصلاح باطنی آنها م پرداخت ،

تامیتوانست اسباب و وسایل تجربه وعمل در دسترس آنها میگذاشت .

شاگردان را بشناسیم

اختلافات و مشابهات آنها

اطفالیکه قدم در آموزشگاه میگذارند هر یك حالات و خصوصیات ارثی و نژادی و عادات خانوادگی دارند که منشاء اختلافات فاحش در علاقه و استعدادها و طرز فکر و محاکمه و قضاوت آنها است همانطور که دو نفر پیدا نمیشوند که از حیث قیافه و اندام عیناً مثل هم باشند در نفسانیات هم اگر این تفاوت بدرجات بیشتر نباشد حتماً کمتر نخواهد بود . پیش از این نمونه‌هائی از شاگردان یك کلاس با ذکر خصوصیات خانوادگی آنها و نفوذ آن عوالم در آنها ذکر کردیم .

تمام شاگردان مدارس را میتوانیم از روی آن قیاس کنیم و دارای اختلافات زیاد بدانیم . درعین حال نمیتوانیم از تشابهات میان شاگردان یك مدرسه که افراد یك کشور یا نوع بشر هستند چشم بپوشیم و فقط بدنبال مغایرتها برویم .

در برنامه تربیت این تفاوتها و شباهتها هر دو مراعات میشوند .

اطفال درجه صفاتی مختلفند

۱ - از جمله ناجوریها که از صفات بارز کودکان و جوانان بشمار

میاید اندازه جودت ذهن و قوت حافظه و سایر قوای عقلی آنها است بعضی بچه‌ها برحسب طبیعت خود سریع‌الانتقال و برخی کند فهمند صرفنظر ازعوامل ارثی محیط خانوادگیهم دربکارانداختن قوای‌عقلی از کودکی رل مهمی رابازی میکند طفلیکه در دامان پدر ومادر دانشمند بزرگ میشود و همواره برای پرسشهای خود پاسخهای درست میشنود باکسیکه والدینش اورا باعقاید خرافی و نسنجیده مانوس میسازد البته طرف‌مقایسه‌نیست ویکسان استدلال نمیکندو بهمین جهت مربی نمیتواند ازتمام‌شاگردها‌نتیجه‌مشابه انتظارداشته‌باشد یاکندی‌فهم‌بعضی‌را همه‌وقت وقت دلیل‌براختلاف ذاتی آنها بداند چه‌ممکن‌است مربوط‌به‌کم‌وزیادی سوابق اطلاعات ومعلومات قبلی آنها باشد .

۲ـ علاقه‌اطفال محرك‌بسیارنیرومند تربیت‌است‌وبرحسب‌استعداد فطری یاتمایلات اکتسابی نسبت بموضوعهای درسی فرق دارد ونفوذ آن بقدری قوی‌است که هرگاه معلم دانسته ندانسته با آن مخالفت کند حس بدبینی اطفال‌را نسبت بخود برمیانگیزد وبه‌نتیجه مطلوب‌نمیرسد ولی مهارت معلم درعلم‌روانشناسی میتواند گمراهان را تغییرمشی‌بدهد وآنهائیکه براه‌راست میروند تقویت کند .

۳ـ قسمتی‌ازخوشبختی‌وسعادت‌انسان‌وابسته‌بآنست که‌بحرفه‌ای‌اشتغال ورزد که‌باذوق‌واستعدادش‌متناسب باشد . چه‌دراینصورت‌شانس‌بیشتریکه درتوسعه کسب وکارخود پیدامیکند وراه ترقی که پیش پایش گشوده

میشود رضایت خاطر اورا فراهم میدارد و بر درجه شوق و فعالیتش میافزاید والا دماغ سوختگی و کسالت و تنبلی بموازات عدم موفقیت و عقب ماندگی پیش میرود . بااینحال جای افسوس است که برنامه آموزشگاههای ماطوری تنظیم میشود که در تمام دوره تحصیلی هیچگونه راهنمائی شغل و کاردر نقشه تربیتی جوانان پیش بینی نگشته و کسی دراین باره کوچکترین فکری را نمیکند حتی کسانیکه رشته‌های مختلف تحصیلی راپیش گرفته ودنبال میکنند چون تعیین موضوعها را برپایه صحیح میزان لیاقت وقدرت آنها قرار نداده و بنابه پیش آمد یاتصورات مخصوصی شغل خودراانتخاب کرده‌اند به نتیجه رضایتبخش نمیرسند .

٤ـ فرصت مساوی ولوازم ووسائل تحصیل علم وادب برای همه کس فراهم نیست چنانکه گفتیم تقی وهوشنك وتوران وسوابه جملگی بالباس خاکستری رنك مدارس ردیف یکدیگر قرار گرفته‌اند و بصورت ظاهر چندان تفاوتی ندارند ولی ازجهت غذای مکفی ، منزل راحت ، آسایش خیال ، پول کتاب ولوازم کار بهیچوجه طرف نسبت نیستند چه بسافرزندان شجاع ومستعد ایران که بواسطه فقر اقتصادی یاپریشانی خیال چند برابر دیگران زحمت میکشند وقوای خودراصرف میکنند تاپپای اشخاصیکه رفاهیت زندگی دارند برسند ودر ردیف آنها قرار گیرند یابالاخره عقب بمانند وحال آنکه اگر امور معیشتشان راحت بود فشار روحی مانع کارآنهانمیشد در تحصیل علم وادب قدرت فوق العاده از خود بروز میدادند.

تعلیم وتربیتی که در اینگونه تفاوتها بی‌اعتنائی نشان میدهد و میزان زحمت وفعالیت رابحساب تحصیل‌نمیآورد فکر و شعورشاگردان رابمقدار محفوظات آنهاقضاوت میکندروح اطفال راآزرده‌وکسل‌ساخته گناه عظیمی مرتکب میشود .

٥ - سوابق تربیتی و پرورش خانوادگی از عوامل مهم اختلافات شاگردان بشمارمیآید نوع اطلاعاتیکه طفل درخانواده خود کسب‌میکند معتقدات و مرسومات ، موافقتها و مخالفتهائیکه والدینشان با تعلیمات آموزشگاه‌دارنددرامادگی‌شاگردان‌تأثیر کرده‌میان آنهاتفاوت‌زیادحاصل میکند چه‌بسا مساعی مربی راخنثی و نقش براب میسازد . کودکی که هنگام بیماری‌والدینش اورابجای پزشك نزد رمال میبرند یابعوض‌عادت دادن بمراسم بهداشتی اوراازحمام میترسانندبیش ازطفلیکه مادروپدرش باسیردنیای‌متمدن جلو رفته‌اند و اطلاعات صحیح علمی و تربیتی دارند محتاج اینست که از نیروی تجربه و استدلال خود استفاده کند تا حقایق زندگی براوروشن بشود زیراچنین کسی بایستی مراحل مقدماتی رادر ضمن دوره های بالاتر بپیماید یالباس بدوختی شباهت‌دارد که خیاط برای‌اینکه آنرا اصلاح کند ناچار است اول از هم بشکافد بعد معایبش رابرطرف سازد وبفرم تازه‌درآورده بیشك‌زحمت آن بمراتب ازدوختن لباس نو بیشتر و امید مطلوب واقع شدنش‌کمتر است .

٦ - بچه‌ها وجوانان‌بواسطه‌ذوقها وتمایلات جور بجوریکه‌دارند

اغلب عکس‌العملهای متفاوت در مقابل تفریحات و مشغولیتهای مدرسه نشان‌میدهند . یکی از آنها درخانه‌ای بار آمده که افرادش بورزش و گردش در هوای آزاد عادت دارند، دیگری همواره در کنار بساط قمار وتریاك و الکل پرورش یافته، بعضی اصلا معنی تفریح و تفنن دماغی را نفهمیده ودرخانه جزغم واندوه بدگوئی‌وزدوخوردچیزی‌ندیده و نشنیده اند بنابر این آموزشگاه نمیتواند به ایـن اختلافات بی اعتنا باشد ودر تربیت اطفال آنهارا در نظر نگیرد .

۷ ـ در کشورما بیش‌ازاکثر نقاط دنیاسلیقه‌وطرز قضاوت‌مردم‌در باره آداب معاشرت دختر و پسر اختلاف دارد همین امر مشکلات بسیاری بوجود آورده است کـه لازم است جلب نظر مـربیان را بکنند وطبق مقتضیات محیط طفل وپسند دنیای امروز روشی پیش پای آنهابگذارند و این امر را بسکوت نگذارنند .

۸ ـ صحت مزاج وسلامت‌بدن اطفال‌از عوامل مؤثر تعلیم‌وتربیت است‌ضعف یاقوت‌جسمی و آمادگی یامقاومت در مقابل بیماری در بچه‌ها و جوانان اثرات نفسانی عمده دارد .

درگوش وچشم‌عده‌ای ازاطفال نواقصی یافت‌میشود . یا پاودست‌و سایراعضای‌بدن آنهابحال‌طبیعی نیست‌خلاصه اینکه بسیاری از آنهاصاحب معایب‌نمایان‌ویامخفی‌میباشندچه‌بسااساس‌اخلاق‌وتفکرات آنهابهمین‌جهت دیگرگون شده است‌ومادامیکه‌علت رفتار آنها درنظرمربی‌روشن نباشد

به تربیت آنها توفیق نمییابد .

درکلاسیکه وصف آن را کردیم فریده با اینکه از نزدیك بین بودن چشمان درعذاب بود بروی خود نمیآورد گویا میل نداشت این نقص خویش‌را آشکار کند، بهمین علت مطالبی را که معلم روی‌تخته مینوشت و فریده از دیدن آنها معذور بود بجای اینکه بضعف بینائی اعتراف کند عذر های نا صواب میآورد بنای و بدسری میگذاشت .

اگر درست بحالت اشخاص‌تند خوو عصبانی رسیدگی کنید اکثر آنها دارای نواقص بدنی یاکسالت مزاجی میباشند وهمین عدم رضایت از وضعیت جسمی آنها رابدخو کرده‌است . حال اگر درمقابل این‌حالت کودکان مربی هم‌بزودی ازجا در رفته خود را خشمگین نشان بدهد بر شکنجه‌وعذاب آنهامیافزاید مثالهای‌زنده برای‌اثبات‌این گفته‌بسیاراست. از آنجمله‌اینکه‌بچه شلی‌را میشناختم که‌بادوعصای‌زیربغل بمدرسه‌میرفت وچون انگشت نما و طرف توجه سایرین بود همینکه کمی بزرگتر شد تاب تحمل نظر حقارت آمیز همگنان را نیاورد و با وجود ذوق و استعداد زیادترك تحصیل کرده‌خانه‌نشین شد، تندخوئی وبهانه جوئی او بحدی رسید که غالباً مادرش را تنگ‌آورد ودرخانه آنها هیاهو وقهر ونزاع بودتا اینکه پس‌ازچندسال‌بااصرار خودش بوسیله یك‌عمل‌جراحی توانست پای چوبی‌بگذاردوباعصای‌معمولی‌راه برود، بمحض‌اینکه نمود نقص پای او کمترشد رویه گذشته راترك کرده جوانی ملایم‌و مهربان

گشتهٔ بدنبال کسب علم وصنعت روانه‌شد این تغییر جسمی بکلی حالات روحی اوراعوض کرد

اطفال در چه صفاتی مشابهند ؟

۱ - مهمترین موجبیکه کلیه اطفال را اعم ازپسریا دختر غنی یا فقیر تندرست یابیمار زیبا یا زشت دریك ردیف قرار میدهد اینست که همه آنهابدون استثناء ایرانی یا تبعه ایرن و عضو این اجتماع هستند و مطابق قانون طبیعت واصول حکومت دموکراسی حق دخالت در امور راجع بخود و کشورشانرادارند البته درجه لیاقت وفهم وادراك هریك در سر نوشت جامعه تأثیر میکند و تشکیل یك اکثریت دانا ملت آزاد و سعادتمندتشکیل میدهد درحالیکه مردم نادان‌جامعه خودرا بد بخت و پریشان حال میکنند .

۲ - اطفال وجوانانیکه‌بمدرسه میروند هم‌اکنون عضویك خانواده ودر آتیه موسس‌خانواده دیگرند خوشبختی هرخانواده مربوط بحسن سلوك‌ووظیفه شناسی وبهداشت همگانی وهمکاری‌اقتصادی پدر ومادر وفرزندان‌است که هریك‌سنگی‌ازبنای‌سعادت آن‌بشمارمیآیند . خانواده‌ها بنوبه خود از ارکان تشکیل ملت تندرست آزاد منش و هنرمند و متدین یاجمعیت رنجور وبنده صفت وبیکار وفاسدالعقیده‌بشمار میآیند

۳ - دستگاه آفرینش خوشبختانه هیچ انسانی رامحتاج و متکی بدیگری وطفیلی سایرین خلق نکرده است بهرکس‌دهان ودندان برای

غذاخوردن بخشیده دست وپای فراهم کردن معاش را هم عطا کرده است زن و مرد همگی دارای قوای عقلی و احساسات و فعالیتند و میتوانند مطابق اقتضای طبیعت خود کاری پیش گرفته روزی خودرا فراهم بیاورند هیچکدام برای اینکه چشم بدست دیگران بدوزند و کل بر جامعه بشوند بهانه‌ای ندارند تنها کسی میتواند از کار و کوشش و هنرمندی سر بگرداند که خودرا از خوراك و پوشاك ومسکن که لازمه ادامه حیات است بی نیاز بداندولی قانون طبیت چنین استثنائی برای هیچ يك از افراد انسانی قائل نشده وهمگی را محتاج قوت لایموت و مجبور بفعالیت خلق نموده است .

چون این بی نیازی بهیچ فرد انسانی تعلق نگرفته همگی محتاجند برای پیش گرفتن شغلی که مناسب بالاجتماع آنها باشد آماده شوند

بعلاوه تنبلی ولاابالی گری مانند هر بیماری واگیرداری بزودی باطرافیان سرایت میکند ودسته‌های بزرگی ازعناصر فاسد تشکیل میدهد که از طرق نا مناسب در صدد تامین معاش برآمده منافع جامعه را بمخاطره میاندازند .

٤- تربیت خوب وایجاد حسن تفاهم ومحبت برای افراد يك جامعه از جهت ایجاد مؤسسات صنعتی وعلمی وشرکتها وانجمنها وسازمانهای ملی و مختصر برای حکومت دمکراسی ازضروریات است. تمدن امروز کسی را اجازه نمیدهد یکه وتنها زیسته وسایل زندگی وامنیت خویش را بدون

شرکت وهمکاری سایرین فراهم سازد و بتواند بکلی مختار اعمال خود باشد . اگردرکشور ما اخیراً این عقیده رواج یافته میگویند (دراینجا افراد بتنهائی بیش‌ازدسته واجتماع کار از پیش میبرند) این گفته دلیل‌بر بدی تربیت وعدم حس همکاری وهمبستگی اجتماعی ماست ودرعین‌حال وخامت روش اخلاق مارا باثبات میرساند والادر دنیای پر انقلاب کنونی هیچ فردی بدون پشتیبانی گروه و دسته های مشترك المنافع نمیتواند قدرت علمی وصنعتی پیداکند وبحفظ آزادی و تأمین خوشبختی خود موفق بشود .

زهره یا مریم کیوان یا سوسن سیاه یـا سفید فرزندساده ترین کار گر یانخست وزیر در یك‌جامعه حق‌مساوی وتکالیف مساوی دارند ودر تندوکند کردن چرخ تمدن مؤثرند هر گونه استثنائیکه در مورد شرایط عمومی آموزش وپرورش درباره آنها مجری گردد بضرراجتماع تمام میشود وهر چه ازمعایب فردی کاسته شود برخیر وخوشی عمومی میافزاید .

بخش دوم

نخستین قدم در تهیه برنامه آموزشگاه تعیین هدف تربیت است

در مدارس ما از ابتدائی تاعالی تربیت معنی ومفهومی ندارد فقط باسواد کردن کودکان و تعلیم بعضی موضوعهای علمی ازقبیل ریاضیات وطبیعیات وادبیات مورد نظر مربیان است هر گاه از معلمین دبستانها یا دبیرستانها یکایك منظور آنهارا در تربیت اطفال بپرسیم بی شبهه از هر کدام پاسخی مبهم میشنویم که غالباً متناقض گفته سایرین است.

یکی اطاعت دیگری ادب سومی و چهارمی شاید ایمان ومیهن پرستی رامقصد غائی تربیت میدانند ولی در اینکه از چه راه مقصود خود را اجراء میکنند وچگونه اطفال را بدان صفات موصوف میگردانند باز هم نمیتوانند جواب درستی بدهند وبا همکاران خود موافقت نظر حاصل کنند، حتی اغلب تصور میکنند چون معلم فلان درس هستند وظیفه‌ای در باره تربیت شاگردان ندارند. درحالیکه مقصد اصلی آموزشگاه تربیت شاگردان است وباسواد شدن فقط راهی است که برای وصول بآن پیش

میگیرند . اگر معلمین کمال مطلوب راندانند و برای رسیدن بآن مساعی مشترك بکارنبرند عین گمراهی است .

اغلب مدیران آموزشگاههای ما فقط خودرا مجریان آئین نامه هائی میدانند که متضمن مقررات اداری مدارس است، ازهدف اصلی تربیت اطلاعی ندارند واز آن حرفی نمیزنند ووظیفهٔ خودرا درحد اعلی مطیع ومنقاد کردن شاگردان وتحمیل آن مقررات انتظامی بر آنها میدانند . بدبختانه یا خوشبختانه در این موضوع هم چنانکه میبینیم و میشنویم چندان موفقیتی ندارند . اگر با قدرت ظاهری و بوسیله ترس و اجبار کم وبیش نظمی برقرار کنند بمحض کوچکترین غفلتی اختیار ازدستشان بدر رفته گرفتار آشوب و یاغیگری شاگردان میکردند .

درمدارس ما ناچاربرخلاف تمام اصول ومبادی تربیتی هنوزحبس واخراج وتنبیه بدنی رواج دارد فحش وناسزا بین مربیان و شاگردان رد وبدل میشود وآبروئی برای آموزش وپروش باقی نمیگذارد .

گمان نمیکنم دربین فرهنگیان وکسانیکه ازطرق مختلف بامحصول مدارس ماسروکاردارند کسی پیداشود که ازاین روش تربیتی طرفداری کند، زیرا تعلیمات مانه فقط موجب بالا بردن سطح اخلاق اجتماعی نیست متاسفانه دریاد دادن همان موضوع های درسی هم ازطریقه صحیحی پیروی نمیشود شکست خوردن ومردود شدن عده کثیری از داوطلبان امتحان ، عدم لیاقت دیپلمه هائیکه مصادرکار ها و مشاغل کنونی میباشند ، معایب و

مفاسد اجتماعی که دائم شدت پیدا میکند ، محصول برنامه فعلی ومؤید این عقیده است و بتمام معنی مبرهن میدارد که بایستی هرچه زود تر برای تغییر مشی فرهنگی بسراغ بزرگان و کارشناسان تربیتی دنیا رفته مطابق‌دستور آنها کمال مطلوب بارزی که متناسب بازندگی ماباشد بیابیم ودر روش اجرای آن مهارت بیشتری پیداکنیم .

از تربیت چه میخواهیم ؟

وقتیکه بتاریخ تعلیم وتربیت مراجعه‌میکنیم میبینم ازدوران‌قدیم بزرگان هرقوم و پیران وسران هر جمعیت یك نوع مجاهدت بروز می دادند تا اطفال وجوانان وحتی بزرگسالان راتحت اراده و اختیار خود قرار دهند و آنها را مطابق عقاید و تمایلاتی که بتصور آنها سودمند و پسندیده محسوب میشد باربیاورند. صفات بد یا خوب درپیش این‌اقوام غالباً مفهوم درست و دلیل منطقی نداشت کمتر اتفاق میافتاد که چند دسته‌وقوم دارای مرام وهدفی شبیه یکدیگرباشند وبتوانند بایکدیگر سازش وسلوك بکنند .

اما عقل وتدبیر انسان درآموزش و پرورش هم عیناً تمام مظاهر تمدن دریکجا توقف نکرد وروزبروز مراتب بالاتررا‌پیمود وبتحقیقات وتتبعات تازهٔ نائل گشت . درقرن حاضر هریك ازفعالیتهای بشری معجز آسا جلومیروند ، اختراعات واکتشافات صنعتی و علمی چشم را خیره میسازند . با وجوداین نهضت فرهنگی رامیتوان مافوق همه بلکه‌سبب

وموجد اصلی بقیه ترقیات بشمار آورد .

درعصرما تربیت نیکو بزرگترین وسیله خوشبختی و آزادی و بقای یك ملت شناخته شده‌است و طرفداران سیادت هرقوم دراین راه ازهیچ مجاهدهٔ فروگذار نمیکنند .

خوشبختانه با ارتباط فوق‌العاده که میان قاره های زمین و سکنه آنها پیدا شده و مردم کره را مانند همسایه دیوار بدیوار بهم نزدیك کرده است عقاید وافکار فرهنگی باسرعت برق بوسیله رادیو و وهواپیما وتلگراف وتلفن انتشارپیدا میکند ازطرفی دانشمندان بزرك و وسیاستمداران دوراندیش علاوه برکشور خود بروش تربیت سایرنقاط دنیا هم علاقمند شده اند . زیرا هنگام صلح آنرا استوارکننده پایه‌های سازش وصفا وموجب سعی مشترك درحفظ موازین آن میدانند ودرحال جنك اساس حقیقی پیروزی وموفقیت میشمارند پس ازهرجهت اکنون موجبات ومقتضیات تعیین هدفیکه بتواند باسایر کشور ها هم آهنگی داشته‌باشد فراهم است .

اصول کلی وروش عمومی تعلیم‌وتربیت‌رادرکشورهای‌مترقی‌عالم مانند امریکا وروسیه وانگلستان میتوان تاحدی‌شبیه یکدیگر دانست . تنها هدف آنها است که دربعضی موارد تفاوت دارد ، بدون اینکه‌وارد بحث درباره اختلافات یاشباهتها بشویم آنچه را برای کشورعزیزخودمان لازم وقابل اجرا میدانیم ذکرخواهیم کرد .

آرزوی هرفردی اینست که خوشبخت باشد وهر پدر ومادری که فرزندش را بآموزشگاه میفرستد خواهان کامیابی او است تعلیم و تربیت امروزهم رساندن افراد را بآرزوی همگانی آنها که سعادتمندی است هدف اصلی خود قرار داده است. ولی این منظور چیزی نیست که بآسانی بدست بیاید ، بعلاوه چون انسان اجتماعی است منافع جمعیت بطور جالب توجهی آزادی فردی در این تکاپوی خوشبختی محدود میکند وتعلیم وتربیت بایستی همواره متوجه این قانون کلی و اجتناب ناپذیر باشد. حتی اینکه اوضاع دنیا ومقتضات بین‌المللی راهم درطرح نقشه پرورشی رعایت کند.

با این همه تغییر وتنوع که بسرعت درعالم پیدا میشود و پیش آمدها و وقایعی که تازه بتازه رخ میدهد یکدسته و قوم نمیتواند همان اسلوب کهنه ومبتذل را ادامه داده بنیاد تربیت رابرحفظ کردن عبارات بیحاصل کهنه ومعلومات سطحی قرار بدهد.

بهمان دلیل که محصول علوم جدید را ازماشینها و اسبابهای تازه جانشین اشیاء قدیمی قرار داده‌ایم وخواه وناخواه درخانه خودرا برای آمد ورفت مردم سایر کشورها گشوده با آنهاروابط سیاسی و تجارتی برقرارساخته‌ایم ناچاریم اصول تربیت راهم ازکسانیکه جلوترازماهستند تقلید کنیم.

چون اطفال بسوی آینده‌وروزگار نامعلومی رهسپارند وهیچکس

نمیداند چه اعجاز علمی یا انقلاب اخلاقی پیش خواهد آمد بایستی آموزش وپرورش نیروهای بدنی وروحی ورشد غرائز واستعداد های هر کس راایاری بکنند تادارای طرز تفکری محکم وعمیق بشود وبوسیله این مفتاح در گنجینه سعادت رابگشاید. بعبارت ساده هر کس حاکم بر مقدرات خودش بشود وبآزادی وبینائی بقدر مقدور پیش برود وبهردرجه از ترقی که میتواند برسد.

اما پاره‌ای از صفات اطفال مانند تجاوز طلبی وحسد وغیره هست که بنام آزادی وخوشبختی خود آنها وسایرین بایستی محدود یامتروك بشود وبرخی دیگر مثل محبت وهمکاری تشویق شده توسعه بیابد.

اینگونه مقاصد راهم معلمین درزندگی مکتبی وتماس شاگردان باهمسنهای خود وبزرگترها بموقع اجراءمیگذارند وموارد برای تمرین همدستی وهمبستگی وانجام منظورهای اجتماعی پیدا میکنند.

درحقیقت معلم درمقابل پرورش صفات مختلف روحی طفل همان وظیفه‌را دارد که استادان فن زیبائی درمورد چهره و اندام انسانی انجام میدهند وهنرمندان وصنعتگران درآرایش وپیرایش صحنه‌ها بکارمیبرند. یعنی باوسایلی که دردست دارند صفات نیك را تجلی داده ودربرخی موازنه برقرارمیسازند تاحسن‌هارا نموداربسازند واگرحوادث روزگار نواقصی درآنها ایجادکرده تاحدی که ممکن است دراصلاح و برطرف کردنش میکوشند.

یا اقلا تأثیر زشتی‌هارا باتقویت زیبائیها ضعیف میکنند باین‌علت است که امریکائیهاتعلیم وتربیت را ازجمله هنرها بشمار میاورند وآنرا باین اسم میخوانند .

اطفال را برای چه طرزحکومتی تربیت‌میکنیم ؟

قبل از آنکه راجع بهدف تربیت صحبت کنیم بایستی ازعلل دیگریکه درتعیین این هدف مؤثر است یعنی نوع حکومتی که مـردم برای خود اختیار کرده اند نیز سخنی بگوئیم مردم یك کشور همواره مجاهدت کرده اند تا حکومتی روی کار بیاورند که ضامن سعادتشان باشد وآنهارا بحقوقیکه بشر برای خود مسلم ومحرز میداند برساند .

چنین حکومتی که اکنون تقریباً منطبق با آمال‌وآرزوی‌انسانی میشود ومردم ایران هم برای خود انتخاب کرده اند (حکومت مردم برمردم) یا دمکراسی میباشد بـرقراری این نوع حکومت « بر خلاف دیکتاتوری که حکومت یك فرد برجمعیت یا اقلیت بر اکثریت‌است » بسیار مشکل میباشد زیرا قاطبه ملت اختیار دخالت درمقدرات خویش را دارند وبمیل وصلاح خود قوانینی وانتظامات‌کشور را وضع میکنند و حدود قدرت و اختیارات اداره کنندگان یعنی هیئت حاکمه را معین میکنند و درکار آنها بوسیله نمایندگان خود نظارت و مراقبت نموده درگفتار و اعمالشان مسئول می شمارند در چنین کشوری ملت باید با چشم بینا وعقل توانا استقلال خود را حفظ کنند ودرمقابل هرگونه زور

وقدرت غاصب عکس العمل نشان بدهد .

دمکراسی علاوه بر اینکه بنوع حکومت ملی گفته میشود طرز خاصی از سازمان اجتماعی است که بهمه کس مجال رشد و ترقی میدهد و برای تمام اطفال وجوانان دهاتی یا شهری وسایل تحصیل و تربیت فراهم میآورد .

دمکراسی مستلزم داشتن استقلال اقتصادی هم میباشد وهرفردی ازمردم دمکرات بایستی شغلی بفراخور حال خود پیش بگیرد و طفیلی وسربار یامحتاج ومملوك سایرین نشود .

مفهوم دیگر دمکراسی که بالاتر ازروش حکومت وسازمان اجتماعی و استقلال اقتصادی است مربوط بتربیت و اخلاق مردم میباشد که ایمان بدمکراسی داشته اصول آنرا راه و رسم زندگی قرار بدهند برای آزادی و مسئولیتهای آن آماده بشوند آزادی را دوست بدارند و برای آن زنده بمانند ملت باید حقوق وتکلیف خودرا بشناسد، مزایای آزادی را بداند و آنرا باهر گونه فداکاری حفظ کند وازدست ندهد. پس درچنین کشوری چون اصل تساوی و برابری درمقابل قانون برقراراست ، هر کس بایستی چنان پرورش شود که امادگی انجام این وظایف راداشته باشد و بتواند استعدادهای خود رانشان داده بمقامات عالی ومدارجیکه لیاقت آنرادارد ارتقاء بیابد .

بادرنظر گرفتن مطالبیکه ذکرشد هدف تربیت را میتوان دراین سه قسمت خلاصه کرد :

۱- پرورش دادن و کشف کردن استعدادهای مخصوص اطفال برای تشکیل یك فرد یا شخصیت ممتاز .

۲- تقویت واستفاده ازجنبه‌های اجتماعی اطفال برای تشویق حس محبت وتعاون بایکدیگر وهمکاری درانجام وظائف ملی .

۳- آماده کردن هرفرد برای کارهای تولیدی وتامین معاش وتهیه لوازم زندگی فردی وسعادت اجتماعی .

جفرسن یکی ازرؤسای جمهور امریکا ازجمله کسانی است که گفته های مهمی درباره وظیفه تعلیمات عمومی دریك حکومت دمکراسی دارد. بخصوص تاکید میکند که چنین تربیتی بایستی متضمن مصالح افراد و اجتماع هردو باشد طوریکه هیچیك ازآنها فدای دیگری نشود . هم او میگوید هرگونه مسامحه وتعللی که حکومت دمکراسی درتعلیم وتربیت روابدارد بمنزله ضربه‌ایست که بربنیاد خود یعنی آزادی وارد میکند . چه اگروسایل آموزش وپرورش بانیکوترین وجهی فراهم نباشد پایداری مردم را درراه دفاع ازحق وعدالت غیرممکن میسازد .

ازگفته‌های اوست (اگرملتی انتظار داشته باشد باوجود نادانی بآزادی زندگی کند آرزوئی است که هرگز بآن دسترسی پیدانمیکند .

تعلیم وتربیت دمکراسی چه وظایفی دارد ؟

درکشورامریکا که یکی ازمترقی ترین اشکال تعلیم وتربیت رواج دارد

هدف کلی برنامه آموزشی در تمام نقاط مختلفه آن تقریباً یکسان است ولی هریك از ایالتها درجزئیات آن دخالت کرده بامقتضیات و احتیاجات محیط واجتماع خود منطبق میسازند . هدف کلی تربیت ازاین قراراست .

۱ـ تمام اطفال کشور ازتعلیم و تربیت بهره‌مندشده مطابق شرایط طبیعی خود رشدمیکنندومزایای فطری خویش رابظهوروبروزمیرسانند .

۲ـ تندرستی و نیرومندی جسمی ازشرایط ضروری برنامه‌تربیت است ـ ضعف‌شنوائی یابینائی وهرگونه نقص عضوی دیگری در کودکان مشاهده شود آموزشگاه در بر طرف کردن یا تخفیف دادن آن موظف است .

۳ـ تعلیمات‌تابع حوائج‌زندگی‌کودك میباشد. ازاین رو میکوشند تامیان مدرسه وجامعه ارتباط برقرارشودتااینکه طفل‌بامحیط خودآشنا و منطبق شده حدود توانائی خویش رادرك کند و ازمیزان قوای ذاتی واستعدادش باخبر بشود وجای خودرادر میان جامعه احراز نماید .

٤ـ قسمت مهمی از کارهای مدرسه‌را طوری ترتیب میدهند که شاگردان‌بهمدستی وسعی‌مشترك عادت‌بکنند ودرانجام وظایف‌خانوادگی وملی ورزیده وتوانا بشوند . همواره شرکت وهمکاری با سایرین‌را که لازمه زندگی اجتماعی است دوست بدارند وعقیده یکدیکر را محترم بشمارند .

۵ ـ شاگردان‌درمدرسه نقشه شغل و حرفه آینده رامیکشند و

باراهنمائی آموزشگاه برای پیش گرفتن یکی ازمشاغلی که مطابق استعداد ومیل آنهااست آماده میشوند .

٦- به نیروی اخلاقی ودینی اطفال وجوانان اهمیت میدهند وباطرز موثری آنرا تقویت میکنند تاضامن صحت عمل افراد واجتماع باشد .

٧ - روش تربیت تکمیل و مترقی میباشد یعنی رهبران فرهنگ هرسال میکوشند تامحیط مساعدتری برای پرورش شخصیتهای ممتاز و عالی فرهنگی ایجاد کنند وباین وسیله ملترا همواره درخط سیر تکامل نگاهدارند بهمین جهت هرسال عدهای از متخصصین فن تربیت مشغول بررسی درتجربیات سال گذشته شده درهر رشته تحقیقات بعمل میاورند خطاهارا پیدا کرده وبرطرف میسازند. آنچه را که نیکو میدانند بمعرض توجه عموم مربیان قرارمیدهند .

فرهنگ کنونی هیچ فردی را نالایق وغیرقابل تربیت و ترقی نمیشمارد مگر اینکه دیوانه وغیرقابل علاج باشد . زیرا تربیت را برای کودک میدانند وشرایطیکه جهت پیشرفت او بکار میخورد فراهم میکنند .

اگر در کشور ما گذشته از اینکه متجاوز ازصدی نود اطفال از تربیت وسواد محرومند آنهائیکه درس میخوانند موضوعهای ثقیل ویکنواخت درسی بآنها تحمیل میشود مخالف راه ورسم دمکراسی است . این بی اعتنائی به اختلافات نفسانی وعدم توجه در بهداشت روحی وجسمی، و آماده نکردن وسیله تجربه وعمل ، خلاصه تعلیمات نظامی گری وسربازی سبب رکود

ذهن ودماغ سوختگی وعقب ماندگی جوانان را فراهم میاوریم . روشی که تاامروز بدان عمل میکنیم همان است که پیش از این نزد ملل لاتینی رواج داشته ومدتهااست که آنرا ترك کرده اند .

باید مربیان باین نکته توجه کنند که بادستگاه آفرینش درافتادن و اختلافات میان اطفال راکه خالق عالم برای انجام کار های متنوع قرارداده است از بین بردن کار آنها نیست . این عمل درست بدان میماند که قصد داشته باشند تااندام همه مردم را بیك فرم درآورند و پاهای کوچك و بزرك را باندازه یك جفت کفش قالب کنند. پر معلوم است که دراینصورت فقط عده معدودی براحتی راه میروند وبقیه از کفشهای تنك و گشاد رنج برده واغلب ازراه رفتن بازمیمانند .

شکوه ها وشکایتهائیکه معلمین و پدر ومادرهااز بی علاقگی اطفال بتحصیل ابراز میکنند . ناله وفغانیکه دانش آموزان ازمشکل بودن درسها دارند وضع اسف آور امتحانات آخرسال که صدی هفتاد شاگردان رامثل برگهای زرد فصل خزان بزمین میریزد وازغم تلف شدن عمرعزیز ضعیف ورنجور میسازد اوضاع تأسف آور دیپلمه ها که آنچه رالازم دارندنمیدانند وهرچه یادگرفته اند بکارنمی بندند ومورد طعن و تمسخر خرده گیران واقع میشوند نتیجه تربیت غلط است .

اگر پیش از این معایب این روش کمتر نمودار میشد و شاگردان بنظر باذوقتر میآمدند علت این بود که اولا مدرسه رفتن بعده انگشت شماری

اختصاص داشت که باعلاقه خاصی باین کارمیپرداختند ، درثانی والدین چون روش دیگری نمیشناختند اطفال را آماده مقابله با جور استاد و چوب و فلك مدرسه میساختند .

اما در عصریکه تمام اطفال هر کشور بمدرسه میروند و صنعتگر وبازرگان و کشاورز برحسب ضرورت ازمزایای دانش برخوردار میشوند وبسیاری از رموز تربیت کشف شده وطریقه‌های نیکووموثر رواج یافته است ، هیچ دلیلی برای ادامه وضع سابق در کار نیست ومیتوان بخوبی ازطبایع مختلف واستعداد های کم وبیش استفاده کرده هر کس را برای کاری آماده ساخت ودرانجام وظایف عمومی مسلط وتوانا گرداند .

درچنین زمانی نباید مدارس ما حکم زندان های‌عاری‌ازهرگونه وسایل بهداشتی را داشته باشد که اطفال و جوانان را در دوره جوش و خروش فطری از هرگونه نشاط و کامرانی محروم و در اطاق های تنگ وتاریك وبا قیافه های عبوس و کتاب‌ها وسخنان بی سر و ته محشور بدارد ومغز و مشاعر آن ها را خسته و خراب بکند . انصاف بدهید ، جملاتی که اکثر شاگردان معنی ومفهوم آنها را نمی فهمند و کلماتی که هرگز مورد استعمالش را پیدا نمیکنند بچه کارآنها میخورد که عمر خود را درسر آن‌ها بگذارند و رضایت معلمین خود را جلب کنند ؟ این شیوه که حاصلش بیماری تن و جان نسل ایرانی است باید بزودی محکوم بفنا بشود و جای خود را بطریقه ای بدهد که در این

عصر منقلب قوای مارا تقویت کند و چرخ زنك زده اقتصادی ایران را بحرکت در آورد . هنر وصنعت وکشاورزی را رواج بدهد و این سرمایه های معنوی که در نهاد هر ایرانی موجود است بمصرف آبادانی کشور برسانند .

بخش سوم

قوانین رشد طبیعی اطفال

ملاك وراهنمای تعلیم وتربیت است .

اززمانیکه نطفه یك موجود زنده اعم ازنبات و حیوان و انسان تشکیل میشود یکدوره تغییر و سیر بطرف تکامل‌راطی میکند تا زمانی که رشد او بسرحدکمال خود میرسد . پس ازآن قوس نزولی را پیش میگیرد واین تغییر تا مدتی پس‌از مرگ ادامه پیدامیکند.

هرموجودی معمولا ببست وپنج درصد عمرخود را در دوره‌رشد میگذراند و اوایل زندگی سریعترین زمان رشد است . همانطور که می‌بینیم نوزاد درماههای‌اول ولادت باسرعت‌نمومیکنند وکم‌کم ازشدت آن کاسته میسود .

درچگونگی این تغییر و تحول موجود زنده دو عامل مهم تأثیر بسیار نمایانی دارندکه یکی‌ازآنها ارث ودیگری محیط است .

اگردانه نباتی را که باغبان در زمین میکارد بنظر بگیرید نفوذ

این دو عامل را در آن بخوبی مشاهده خواهید کرد. هر تخم یا هسته بخودی خود دارای خواص مشخص میوه یا گل وسبزی که از آن بعمل آمده میباشد وشکل ورنك وبوی معینی را ازنوع خود اخذکرده است که پس از کاشتن ازقوه بفعل خواهد رسید اما در این شکی نیست که برای پرورش آن بذرآب وهوا ونور و روشنائی بمقدار متناسب مورد ضرورت است یعنی تقریبا عامل دوم یعنی محیط بقدرعامل اولی که خواص ارثی آن موجود است دررشد دانه اهمیت دارد. هرگاه محیط مساعد نباشد رشد نبات ضعیف میشود یا بکلی از بین میرود.

حال اگر بچه انسان را با این مثال مقایسه کنید می بینید که عیناً دارای همین خواص است یعنی جنس ونژاد ورنك وبسیاری ازمشخصات خود را از پدر ومادروخانواده خود همراه دارد، اما دربروز ونمواین خصایص ودرتغییرات دیگر نفسانی اومحیط و اطرافیانش دخالت کلی دارند فرض کنید طفلی با مزاج قوی وسلامت از مادر متولد شود ولی موجبات خارجی ازقبیل شیر خوب، منزل پاکیزه، آفتاب وهوا، برای رشداومساعد ومکفی نباشد طفل بهردرجه که باسختی، کمی یا فقدان وسایل زندگی رو بروشود بضعف وکسالت مبتلا میگردد یا در اثر بی مواظبتی تلف میشود.

استعدادهای روحی که درنهاد بشر مکتوم هستند آنها هم برای بروز و ظهور بکمك محیط احتیاج دارند بعلاوه بسیاری اوقات رفتار

انسان وخیر وشر زندگی او متوقف بروش معاشرین و عادات وعقایدی است که از آنها اخذ میکند.

هر کودك انسانی مستعد حرف زدن است اما اینکه اصلا سخن گفتن یادبگیرد یانگیرد یا دیروزود بحرف بیاید و اینکه بکدام زبان متکلم میشود مربوط باطرافیان او است اگر احیاناً در محلی بزرك شود که هیچکس با او صحبت نکند، هرگز بسخن نمیآید وفقط صداهای بی معنی ازاو شنیده میشود. همچنین استعداد خواندن و نوشتن در تمام ابنای بشر موجود است واگر تنها داشتن این غریزه برای با سواد شدن کافی بود بایستی تمام سکنه روی زمین از آن نعمت بهره مند باشند در حالیکه مقدار جدیتیکه درفراهم آوردن وسیله تعلیم میشود در با سوادشدن مردم دخالت دارد و از اینرو سکنه نقاط مختلف عالم در این قسمت بسیار متفاوتند. یکجا فقط صدی سه ازمردم بیسوادند و در جای دیگر صدی نود وهفت یا صدی صد خواندن ونوشتن نمیدانند تازه پس از با سواد شدن چه نوع مطالبی رامیخوانند ومینویسند ودر راه چه منظور از آن استفاده میکنند این هم بستگی کلی با محیط تربیت آنها پیدا میکند و بیشتر اختلافات که میان افراد و جماعات است از این طریق بوجود می آید.

با توجه باین حقیقت ثابت میشود کسانیکه تمام زشتیها وزیبائیها وخوبیها وبدیها، سعادتها وشقاوتها را، محصول ارث میدانند وتصور

میکنند تمام مقدرات انسانی در حین تولید معین شده است از نفوذ و قدرت دائمی دنیائیکه در آن زیست میکنند منفک شده‌اند وازخاصیت محیط تربیت بی خبر مانده‌اند.

نکته‌ایکه در اینجا شایان توجه است و صحت آنرا نباید کتمان کرد اینست که محیط طفل هم غالبا خانواده و جامعه او است که آنهم میراث گذشتگان است تمام عادات و رسوم و عقایدیکه بکودك خواه و نخواه تحمیل میشود مربوط بشرایط زندگی‌است که در آن نشو و نما میکنند و آن شرایطهم ساخته و پرداخته عوامل‌دوره های پیش‌است که از اجدادش باقیمانده است. حتی‌موقعیکه شخص بسن بلوغ میرسد و میتوانددر کار ها تعقل و قضاوت‌بکند بازهم اسیر و پابند همان‌تعلیمات وتلقیناتی‌است که درو جودش ریشه کرده وشخصیت اوراتشکیل داده‌اند. بهمین دلیل‌افکار وعقاید یك‌قوم درطول‌اعصار متمادی‌پیوسته باقی‌میماند و بر مردم آنجا حکومت میکند. حتی دیده میشود که هر ملتی‌سنن و عقاید و آداب خود را بااینکه میداند بضر او است پیروی‌میکندو پشت در پشت باعقاب خود میسپارد.

تعلیم و تربیت وقتی منشاء اثر میشود که مربی این نکات را در نظر بگیرد و بوسایلی استعانت بجوید که درخط سیر تغییرات رشد واقع شده و قوه مقاومت با مشکلاتی که در سر راه است داشته باشد

محیط مساعد در تربیت موثر است

پند واندرز زبانی هرگز آن توانائی‌راندارد که با دو عامل‌قوی

مانند ارث و محیط در افتد و از میدان نبرد پیروز گردد. کسانیکه با این صلاح کنند بجنگ عادات ورسوم کهنه خانوادگی یا غرائز طبیعی طفل میروند، چه جای تعجب است اگر مغلوب و منکوب مراجعت کرده از هدر رفتن رنج و کوشش خود ناامید بشوند و آه و ناله را سر بدهند؟ همچنانکه اگر باغبان دانه سیب را در زمین خشک و سنگلاخ بکارد و هیچگونه لوازم پرورش آنرا فراهم نکند و انتظار عمل آمدن میوه خوش رنگ و بو را بکشد کاری ابلهانه بنظر میآید.

تنها طریق موثری که انجام مقاصد پرورشی را میسر میسازد اینست که پایه هر فعالیت تربیتی را بر عواملی که تغییرات رشد را اداره میکنند بگذاریم وچون عمل در صفات موروثی کاری بس دشوار و در بسیاری موارد غیر ممکن است لذا بسراغ محیط که بیشتر در زیر تسلط ما است برویم.

فرض میکنیم نوزادی از مادر مسلول قدم بدنیا میگذارد ما با گذشته او نمیتوانیم کاری کنیم تنها محبتی که درحقش میکنیم اینست که او را از مادر جدا کرده بپرستار سالمی بسپاریم و دربهداشت و تربیت جسمی او جدیت بخرج بدهیم و باین وسیله از آسیب بیماری که از زمان تولد تهدیدش میکنند نجات بدهیم.

بچه‌ای که در خانواده منحرف و گرفتار مفاسد اخلاقی زندگی میکند، اگر بهمان نهج بار بیاید باحتمال قوی عادات خانوادگی را تعقیب

میکند . اگر محیط او را تغییر بدهیم و تحت شرایط بهتری دوران رشد را اداره کنیم ، سرنوشت را تغییر میدهیم .

دانستن قواعد تندرستی ، یا شنیدن پند های اخلاقی تنها موقعی فایده میبخشد که با صفات ارثی یا اکتسابی وفق بدهد یا محیط مستعد برای پرورش آن صفات مهیا باشد این امر بدان میماند که هنرمندی چون بلوازم و ابزار کار خود تصادف میکند آنها را بر میدارد و مورد استفاده قرار میدهد ، ولی شخص بی سرشته و بیعلاقه با کمال بی اعتنائی از جلوی آنها میگذرد . اگر علاقه موجوده ولی موجبات مفقود باشد باز هم امید موفقیت ضعیف است .

بنابر آنچه گفته شد مربی باید دو اصل را رعایت کند اول باسرار روحی اطفال و جوانان پی ببرد و بداند تغییرات دورهٔ عمر روی چه اصولی انجام میگیرد و هرسنی موقع بروز و ظهور کدام قسمت از از فعالیت‌ها وغرائز جسمی یانفسانی است . برای موفقیت در این موضوع از علم روانشناسی کمك بجوید .

دوم طرز آماده کردن محیطی که در خور هدف تربیتی او است یاد بگیرد و برای پرورش هریك از صفاتی که شرح آنرا دادیم وسایل وموجبات لازم رافراهم بیاورد البته این کوشش رانخست از کلاس آموزشگاه که دایرهٔ قدرت معلم است شروع کرده رفته رفته توسعه میدهد و شعاعش را تاحدود خانواده و شهر و کشور امتداد میدهد .

تجربه تنها معلم است

یکی از کارشناسان عالیقدر تربیت میگوید . « گرچه معروف و زبانزد خاص و عام میباشد که تجربه بهترین معلم است اما بعقیده من این گفته ناقص میباشد بهتراین است که بگوئیم تجربه تنها معلم است » هرگونه علم و دانش که بما تعلیم شود تابمحك تجربه‌سنجیده نشده و با حقیقت‌منطبق‌نگردد درشمارفرضیات وتصورات‌است‌و برای‌زندگی‌حاصلی ندارد .این حقیقت حتی‌درباره ماحصل تجارب دیگرانهم صدق میکند . پس بیهوده بعضیهاکوشش دارند آنچه را در اثر تجربیات شخصی بدست آورده‌اند بآسانی در دسترس‌فرزندان یاشاگردان خود بگذارندواصرار دارند که آنها فوری بسمع قبول‌بشنوند و بدانها عمل‌کنند و همینکه دیگران از قبول آن‌شانه‌خالی کردند عصبانی‌میشوند این اشتباه ازآنجا ناشی میشودکه متوجه نیستند تجربهٔ هرکس برای خودش قدر وقیمت دارد و نه برای دیگران . فقط نفعیکه از این تجربه میتوانند بسایرین برسانند اثرزنده وعملی آنست که محیط طفل‌را تغییر بدهد وبدانواسطه دراستعداد ها وتمایلات او نفوذ بکنند .

اگر شما خود بتجربه از خیانت و تقلب کردن‌زیان دیده‌اید این آزمایش موقعی برای طفل شما سودمند است که نگذارید در پیرامون

او دروغ و نادرستی رواج داشته باشد و همواره با او براستی ودرستی رفتار کنید تا بدان مانوس شود . یا وسایلی بر انگیزید تا ضرر دروغ گفتن را احساس بکند، و الا هر گاه کودك اغلب ناظر تزویر و ریا باشد و از اطرافیانش صحت عمل نبیند و باکذب و تقلب مقاصدش را از پیش ببرد ولی شما با اودائم ازفواید درستی وراستی سخن بگوئید و تجربه خودرا برخ اوبکشید این تاگفته ارج ندارد و برای اوپشیزی نمی‌ارزد .

کودك ازشنیدن هرداستان و مطلب تازه کیف میبرد وبآن گوش میدهد اماوقتی بچیزی ایمان واعتقاد پیدا میکند که شخصاً آنرا آزمایش کند یا اقلا بتواند با تجربیات پیشین خودش ارتباط بدهد . طفلی که پرواز مرغ را دیده است اگر پریدن هواپیما را بدان تشبیه کنید تاحدی بدرك آن موفق میشود ولی اینکه چگونه مسافرین را با خود حمل و نقل میدهد برای او کم و بیش مبهم می‌ماند . جوانان وسالمندان هم عینا همین حالت رادارند هر چه بادیده وتجربه شده آنها وفق بدهد اثباتش آسان است ولی سایر مطالب بصورت بهام آمیزی در خاطرشان باقی می‌ماند .

دوره آموزشگاه از ابتدائی تا عالی هرچه بیشتر با عمل وتجربه توام باشد تعلیماتش ثمر بخش‌تر است زیرا طفل از عالم تخیل و تصور خارج شده با زندگی حقیقی روبر میشود و آنچه را میآموزد وبرای او مفید و موجب نیل بمقصودی جلوه میکند . بعلاوه این عادت برای او

میماند که هروقت چیز تازه‌ای را یادگرفت فوری بمعرض تجربه و عمل بگذارد -

ملتهائیکه این مطلب را خوب درك کرده و در آموزشگاه های خود بموقع اجراء گذاشته اند هم اکنون نتیجه این نوع تعلیم و تربیت در زندگی عمومی آنها نمایان است - پیر و جوان و بچه عشق زیاد بکنجکاوی در باره چیز های تازه علمی و صنعتی دارند و باشوق فراوان هرمحصول تازه‌فکر بشری را استقبال‌میکنندو همینکه آنرا مفید دانستند آرام و قرار ندارند تادرخانه و شهرخود بکار بیاندازند ورواج بدهند - کشاورز وصنعتگر و خانه دار ها هر چند عایدی متوسط داشته باشند در راه بکاربردن صنایع‌جدید برای‌تسهیل کارخود بی‌اختیارمیباشند - این‌میل بتجربه کردن وتنوع داشتن وپیشرفت دادن‌فکر و عمل دنباله‌و نتیجه تعلیمات مدرسه است که بآن خوگرفته‌اند -

دروس تجربی سبب برقراری نظم وانضباط است

بعضی ازلغات‌تربیتی درآموزشگاههای ما مفهومی غیر ازآنچه‌نزد معلمین مبرزدنیادارد پیداکرده‌وازمنظور اصلی دورافتاده‌است . ازجمله کلمات‌انضباط ونظم میباشند که‌ماآنرا بسکوت‌وبی‌حالی وخواب‌آلودگی دانش‌آموز یانبودن‌هرگونه جوش وخروش در کلاس یاآموزشگاه‌اطلاق کرده‌ایم . ولی دیگران آنرا درضمن‌فعالیت وعمل وانجام دروس‌تجربی که‌یك فردبه تنهائی یا بشرکت و همکاری دیگران انجام میدهند تمرین

و تعلیم میدهند .

موقعیکه شاگرد برای انجام یك کارسودمند ورسیدن بهدف معین بابازی وتفریح فعالیت وتلاش میکند ودرعین حال میکوشدتا ازهرج ومرج وبهم ریختگی کارها جلوگیری کند وازروی نقشه صحیح کارهارا تقسیم کرده وطرزانجام آنرا تعیین مینماید ، چنین کیفیتی راکه موجب پیشرفت مقاصد است نظم وانضباط مینمامند .

روزی بکلاس پنجم یك دبستان امریکائی واردشدم - دراین ساعت شاگردان مشغول یادگرفتن ریاضی بودند ولی حضور ومعرفی یك شخص خارجی توجه آنهارا از درس خود برگرفته بسوی من معطوف کرد -

معلم که این آشفتگی حواس آنهارا دریافت فوری درصدد برآمد تاازاین میل وشوق شاگردها بصورت دیگر استفاده کند وبآنهااجازه داد تااگر میل دارند از مهمان ایرانی خود که ندرتاً چنین تماسی برای آنها روی میدهد تحقیقاتی بکنند . فوری آثار رضایت خاطر وشادی در آنها مشاهده شد بلافاصله دورهم جمع شده مختصری صحبت کردند ویك تن از آنها که گویابرای اینکار او را برگزیدندنزدیك من آمده باکمال ادب گفت «چون مادر کلاس تاریخ راجع بسازمان ملل متحد تحقیقاتی کرده ایم وبموضوع مشرق زمین علاقه مند هستیم اگر اجازه بدهیداز شما پرسشهائی بکنیم» پس از آنکه ازموافقت من مطمئن شد ازطرف رفقای خودتشکر کرد . بعدشاگردان کلاس بچنددسته تقسیم شدند آنگاه عدهٔ برای آوردن

کره جغرافیا و کارت های لازم بکتابخانه رفتند . چند نفر ازمیان قفسه اطاق عکسها و نقشه‌های‌سالن ومحل جلسات‌شورای ملل متحدرابیرون آورده‌به دیوارنصب کردند . عده‌ای‌دیگر کتابهاو داستانهای مصورشرقی را حاضر کردند . چند نفرهم مشغول تنظیم سئوالات شاگردان شدند . معلم دراینکارها ابداً دخالت نمیکرد ولی قیافه او نشان میداد که ازاین شورو نشاطی که در کلاس پیداشده است کمال رضایت را دارد .

این اطفال یازده ساله بقدری درتنظیم کارها وهمچنین درانتخاب و ترتیب پرسشهای خود مهارت بخرج دادند که باعث حیرت من شده آنوقت دانستم در این آموزشگاهها بروش تحقیق و مطالعه خیلی بیشتر ازمقدار محفوظاتیکه‌درمغز طفل انباشته شود اهمیت میدهند .

راست است که یك‌محصل امریکائی ازدنیای‌خارج امریکا بقدرما اطلاعات‌متشتت واعداد واسامی‌و کلمات بی‌معنی‌درخاطر نداردامانه‌فقط در کار وتخصص خود هموارمهارت واطلاعات کافی‌پیدامیکند،بلکه چون روش نائل شدن بهر مقصودی راتمرین کرده است هر گاه‌بچیزی محتاج بشود واراده بامری بکند بزودی ازروی‌نظم وترتیب عادی که در کارها معمول میدارد بتحقیقات دقیق و ضروری موفق شده و معلومات تازه‌وپر قیمت پیدا میکند.

در مثالیکه ذکر کردم بنظر من‌معلم سه‌اصل مهم تربیتی‌را بموقع اجرا

گذاشت .

اول . استفاده ازحس کنجکاوی اطفال را براجرای برنامه روز ترجیح داد زیرا میدانست که اطفال از آنچه مایل ومشتاق آن هستند حد اکثراستفاده را میکنند وحال آنکه با حواس پریشان وفقدان علاقه از درس این ساعت بهره زیادی نمیبرند .

دوم . شاگردها را در انتخاب پرسشها و مطالبیکه طرف توجه آنها بود آزاد گذاشت تا هر کس هر قدرمیخواهد وآنچه رامیل دارد بفهمد واین خود بزرگترین محرك ومشوق استعداد ها وذوقهای مختلف شاگردان بود .

سوم ـ آنهارا باانضباط وانتظامیکه در عین شوروفعالیت وتحقیق و مطالعه برقرار میشدتمرین میداد وبهترین روش شرکت در انجام هدفهای دسته‌جمعی را بشاگردهامیآموخت .

پس ازخاتمه کلاس هنگامیکه معلم اظهار مسرت زیاد ازحضور من میکرد از او پرسیدم که‌از کدام قسمت عملیات شاگرد ها بیشتر رضایت حاصل کرده‌است ؟ پاسخ داد بنظرمن مهمتر ازهمه‌شادی وموفقیتی است که شاگردان ازکاری که بمیل خود بآن پرداخته اند وهر یك بنتیجه مطلوب خویش رسیده اند درخود احساس میکنند .

شرط مهم تجربه آزادی عمل است

شاید جمله بالا مورد پسند بعضی ازمربیان که از تنبلی وشانه از

کارخالی کردن شاگردهابه تنك آمده اند واقع نشود وتصور کننداگر آزادی عمل بآنها داده شود بیشتروقت گذران و مسامحه کار میشوند یا اینکه معلمین احتیاط کار خیال کنند اطفال هنوز بقدر کفایت رشد عقلی ندارند و نمیتوانندآزادانه نقشه وهدف‌سودمندی را تعقیب‌ابکنند. همچنین‌بعضی از همکاران بمن میگویند اگراطفال‌را باختیار خود شان بگذاریم تابوسیله تجربیات شخصی یا تحقیق ومطالعه موضوعهای‌درسی ومطالب لازم را یاد بگیرند وقت زیاد تلف میکنند ویحتمل بمقصودهم نرسند وترجیح میدادند که خود از کتابها ومنابع مربوط آنچه مطابق برنامه باشد جمع آوری کنند وبآسانی در دسترس‌شاگردها بگذارند .

برای‌حل این اختلاف‌سلیقه‌ازایشان تمنادارم قدری بیشتر بکلاس خودشات التفات بکنند و به‌بینید باترتیبی که فعلا تدریس میکنند اولا چندنفر شاگرد زرنك وساعی‌درهر کلاس دارند که مطمئن هستندحقیقتاً ازدرس استفاده‌میکنند و لذت میبرند ؟ ثانیا چقدر در آرمانهای تربیتی جلو میروند واشخاص لایق وباعرضه باجتماع تقدیم میکنند ؟ اگرپاسخ رضایتبخش نبود پسر باید اعتراف کنند طریقهٔ‌که پیش‌گرفته اند غلط و محتاج تجدیدنظر است .

منظور از آزادی عمل پی‌جوئی و دنبال‌کردن موضوعهای سودمند است‌ازهر راه که‌میل دارندوبهرصورتی که‌گمان میکنند زودتر بسرحد مقصود میرسند . همینطور مقصود از آزادی عمل‌ابراز عقاید واحساسات

بی‌شائبه اطفال است که دانستن آنها حتی برای مربی هم کمال ضرورت رادارد .

این آزادی چه در زمان تحصیل و چه بعد از آن همواره طفل را بمجاهده و کنجکاوی و کشف رموز طبیعت و کسب علم و هنر تشویق میکند . بصراحت وراستی و درستی عادت میدهند . اورا از میزان قدرت خودش مطلع میسازد فکرش را روشنائی بخشیده بپشرفت میدهد .

پسربازانیکه عملیات نظامی تعلیم میگیرند یا دسته‌های ورزشکاری که حرکات معینی را بفرمان سرجوخه انجام میدهند میگیرند و ببینندچه زود ازحرکاتیکه تحت فرمان دیگری انجام میدهند خسته بنظر میآیند یا اینکه درحال آزاد عملیات سخت تری را در مدت طولانی تر انجام میدهندوخسته نمیشوند .

عملیات روحی درست هما طوراست که طفل یابزرگ کتابی راکه بمیل خود انتخاب کرده ساعتها میخواند وکوششی راکه با اراده خود بروز میدهد مدتها ادامه پیدامیکند بدون اینکه اثری از کسالت دراوظاهر شود . ولی حتی از گوش دادن بموسیقی و تماشای نمایش اگر اجباری شد چندان لذتی نمیبرد .

از معایب آموختن دروس اجباری یکی اینست که شاگردان میخواهند با عباراتیکه طوطی وار تکرار میکنند و یا آنها را باجملات مخلوط ومغلوط روی صفحات کاغذ مینویسند وهیچگونه لذت یا حاصلی از آن نمیبرند لامحاله مقداری نمره بگیرند و فوری آنرا بانمره سایر

شاگردان طرف مقایسه قرار بدهند واحیانا سعی کنند تاخود را ممتاز ازدیگران بدانند وکبر ونخوت بیجا بفروشند . اما در عمل و تجربه آزاد هر کس بقدر قوه‌خود میکوشد واز میزان حقیقی قدرتش مطلع میشود وغالبا حس معاضدت وهمفکری با سایرین پیدا میکند و احتیاج خود رابدیگران احساس میکند زحمت هر کس را قدر میداند و احترام میگذارد .

ازاینها گذشته محیط خارج مدرسه مانندخانواده ، کسبه،رانندگان وسائط‌نقلیه ، عابرین خیابان ، روزنامه هاومجلات ، خلاصه تمام اوضاع اجتماعی در اطفال عکس‌العملهائی ایجاد میکند و افکارشان را بخود مشغول میدارد ، چه بسا باعث تصورات وتوهمات دورازحقیقت میگردد اگر آزادی عمل ، آزادی گفتار ، آزادی پرسش ، آزادی تجربه نباشد این تصورات نامناسب جامه حقیقت میپوشند ودر ضمیرطفل نقش‌دائمی حك میکنند وهرگز نوشته کتاب و گفته‌معلم نمیتوانند باآنهامقابله‌نماید. ولی استقلال فکر وتجربه شخصیت طفل را رشد میدهد .

معلم‌بوسیله آزاد گذاشتن،شاگردان‌ازطرز رفتاروعمل‌وفکر آنهاباخبر میشود ومیتواند در تربیت وتهذیب آنها بکوشد . طفل باید در مقابل معلم کاملا صادقانه رفتار کند تصنع در گفتارش نباشد حرکانش صریح‌و بدون شائبه باشد بخصوص این طرز عمل برای جنگیدن باخرافات و عقاید بی پایه و موهوم اطفال ماکمال ضرورت را دارد .

کسانیکه کارشانرا منحصر بتقلید و تکرار عمل یا گفته دیگران میدارند یا بتجارب آنان فقط استناد میکنند خیلی که هنر کنند بقدر استاد میدانندو ازاو قدمی فراتر نمیگذارند ولی بواسطه آزادی عمل است که دانشمندان و مخترعین و مکتشفین بوجود آمده توانسته‌اند هر لحظه خبط و خطای خود و سایرین را اصلاح و حقایق مکتوم را روشن و خدمتی بعالم تمدن بکنند .

تربیت سر چشمه فرائز ارثی را خشك نمیكند اما مسیر آنهارا تغییر میدهد

در اینکه وقتی انسان گرسنه شد بطلب غذا برمیخیزد و چون در هوای سرد قرار گرفت پوشش و مسکن گرم میخواهد جای حرف نیست . این تحریکات درونی انسان را متوجه احتیاجات لازم خودش میدارد وبقای حیات را تأمین میکند که مانمیخواهیم و نمیتوانیم از آنها جلو گیری کنیم . ولی این مسئله که از چه راه وبا کدام وسیله ضروریات خود را فراهم میاورد چگونه تمایلانش را ارضامیکند ، برای مربی حائز اهمیت است ، وبوسیله تربیت میتواند درآن دخالت بکند. بعضی اطفال زیاد جاه طلبند طوریکه اگراین غریزه کجروی پیدا کند خیانت برفقا سعایت ، تقلب وسایر موجبات فساداز آن ناشی میشود و چون براه درست بیفتد سبب پیش قدمی در کارهای نیك وخدمت وفداکاری بخلق میگردد.

اطفال گاهی صفات ناپسندی دارند که از غرایز ذاتی و سودمند

بشر سرچشمه گرفته ولی تربیت نامناسب و محیط فاسد آنهارا براه کج واداشته و بفساد منتهی نموده است . در اینصورت بعضی مربیان بیهوده میکوشند تا بوسیله تنبیه و توبیخ وسخت گیری با غریزه طبیعی معارضه کنند و آنرا از بین ببرند وحال آنکه نه غرائز از بین بردنی هستند و نه وسایلی که بکار میزنند موثر و کافی میباشند از اینرو هرگاه یأس و نا امیدی دراینگونه اشخاص بیداشده مثالهائی ازقبیل (نرود میخ آهنین برسنك) « تربیت نا اهل را چون گردکان برگنبد است » بر زبان آنها جاری گردیده نتیجه روش غلطی است که اتخاذ نموده اند . اگر طفلی بمناسبت فقر و گرسنگی دزدی میکند تا احتیاجات غریزی خودرا فراهم دارد، بی شبهه توبیخ وتهدید یا رسوا نمودن و بیرون کردن او ازمدرسه هیچگونه نتیجه اصلاحی ندارد باید چنین شخصی را از طریق شرافتمند بکسب پول و تهیه معاش رهبری کرد . درهمان حال منافع رویه ثانوی و ترجیح آنرا بر اولی باو مدلل داشت .

در جای خود ذکر خواهد شد که توسعه کار های اجتماعی در آموزشگاه مهمترین راه هدایت خواهشهای نفس وباعث تقویت صفات خوب و تضعیف اعمال نا پسند و مضر است زیرا در آنحال تجاربی پیش میآید که شاگردان عملا بکارهای سودمند وآنچه منافع اجتماعی اقتضا میکند مایل میگردند و محیطی بوجود میآید که عادات نیك را قوت میدهد و مواردی پیدا میشود که انسان حساب نفع

و ضرر اعمال خود را میکند و متوجه میشود که در طبیعت او منابع مهمی برای پیدا کردن ثروت و مقام وهرچه بنظر او خوشبختی را تأمین میکند پیدا می شود و باین نکته پی میبرد که هنر مندی و کوشش سر چشمه های فیضی هستند که هرچه بیشتر بمصرف برسند افزون میگردند.

پس بهیچوجه از اصلاح کودکان یا جوانان نمیتوان مأیوس بود وهرگاه یك یاتمام این چند وسیله را که ذکر میشود بکار ببریم حتماً کم و بیش بنتیجه میرسیم:

اول اینکه آنها رابکارهائی تشویق کنیم که قوه قضاوت وتعقل را میافزاید دقت ومشاهده را زیاد میکند یعنی بآنها آزادی بدهیم تاتجربه بکنند ساختن اشیاء یا بازیهای متنوع همکاری با سایرین برای تشکیل مجالس مهمانی ونمایش وتمام چیزهائیکه طفل بطور آزاد در آنها فکر کرده هدفهای مورد علاقه را بمرحله عمل میگذارد و بادیگران تماس پیدامیکند اورا بتجربه و مقایسه ومطالعه واداشته ناچار از بکار بردن ابتکار میکند.

دوم اینکه مراقبت ومواظبت مربی در باره سرپرستی اطفال یا جوانان ازروی کمال خیر خواهی رعایت تساوی بین آنها انجام بگیرد اگر راهنمائی میکند و یا نصیحتی میدهد صورت امر و اجبار نداشته

باشد . بلکه آنهارا بتفکر در اعمال خودشان و پیش بینی وقضاوت وادارد ودر انتخاب راهها مخیر بگذارد .

سوم - محیط آموزشگاه با کمال دقت برای تشویق خصال نیکو و تقویت عادات پسندیده آماده شود .

بخش چهارم

شرایط محیط آموزشگاه

محیط آموزشگاه باید باسن شاگردان متناسب باشد. همینکه فرق میان تعلیم و تربیت اطفال را باسخنرانی و خطابه‌خوانی در کلاس دریافتیم و بنفوذ غیرقابل انکار محیط آموزشگاه و تأثیر رفتار مصاحبین وبازی ها و کارهای اجتماعی در شاگرد ها پی بردیم راضی نمیشویم کودکستان ودبستان ودبیرستان را دریك عمارت تشکیل داده محیط کار وتفریح اطفالی را که تفاوت سن آنها زیاد است مخلوط بیکدیگر بکنیم ویا شاگردانیکه اختلاف سنی دارند دریك کلاس نشانده برنامه یکسان ویك نواخت را بتمام آنها تحمیل بکنیم

یکی ازخبط های فاحش ما اینست که دانشسرای مقدماتی را که مخصوص دختران یا پسران هفده یا هجده ساله‌است باین‌عذر که دانش آموزان آنجامربی‌دبستان خواهندشد با مدرسه ابتدائی در یك محل غیرمجزاازیکدیگرقرارداده‌ایم واین‌عده ازجوانان‌راکه بیش‌ازشاگردان رشته های دیگرمحتاج نشاط وفعالیت هستند وبرای آنها واجب است که زمان تحصیلی را در محیطی مساعد طی‌بکنند در نتیجهٔ‌معاشرت با

کودکان خردسال خسته و درمانده میکنیم . جای هیچگونه تعجب نیست اگر بچشم خود مشاهده میکنیم دانشسرا و دبستان هر دو از حقیقت تربیت بی بهره مانده اداره کنند گان این دو آموزشگاه درکارخود حیران میباشند . بد نیست اکنون تعریف ساده ای از آموزشگاه بکنیم تا بهتر بحقیقت آن رسیده بوظیفه ایکه دارد پی ببریم

(آموزشگاه جائی است که در آن مجموع وسایلی که برای پرورش استعداد های اطفال و راهنمائی آن ها بسوی هدفهای معینی لازم است فراهم شده است) پس تعلیم موضوعهای درسی مثل ریاضیات و طبیعیات یك قسمت از آن وسایل است نه تمام آنچه بنام آموزشگاه خوانده میشود . بهمین دلیل نمیتوان فقط مقدار معلومات را ملاك دسته بندی شاگرد ها قرار داد و با جدا کردن کلاسهای درسی احتیاجات شاگردان را بر آورده فرض کرد و از مقتضیات سنی که در رشد استعدادها مهم تر از دروس کلاسی است غفلت کرد. یا آمادگی محیط راکه ازشرایط مهم پرورش غرائز و تربیت تمایلات است از نظر دور داشت .

اگر کسی از تحصیل بعضی موادعقب بماند بهیچوجه صلاح نیست با اطفال کوچکتر از خود محشور شده در کارهای آزاد دسته جمعی که از واجبات امور تربیتی است باکسانیکه از او خردسالترند شرکت کند و یا بکلی از اینگونه فعالیت ها محروم بماند .

حال خواهید گفت اگر پیشرفت درس شاگرد مطابق قوه همسنهای او نباشد چگونه اورا در کلاس جابجا کنیم ؟

جواب اینست که اگر مدرسه ومربیانش درکارخود مهارت داشته باشند خیلی بندرت چنین امری اتفاق میافتد واین نوع شاگردان دیده میشوند . بفرض اینکه گاهی شاگردان در بعضی از مواد درسی بی ذوق و بی استعداد باشند ولی یقیناً یك طفل عادی از تمام دروس حتی خیاطی و نقاشی و ورزش عقب مانده و ضعیف نیست . بخوبی برای او مقدور است که در اغلب رشته ها ردیف همسالانش قرار بگیرد و فقط درساعات مخصوص چند درس عقب مانده در کلاسهای پائین بگذراند معلمین نیز با او همراهی ومساعدت کنند تا بزودی جبران مافات را کرده برفقای خود بپیوندد . یا رشته تحصیلی را چیزی انتخاب کند که محتاج درسهائیکه برای او مشکل است نباشد . اینجا است که معلمین باین نکته پی میبرند که نباید راضی شوند شاگردی از تمام دروس مردود گشته برای ضعیف بودن از چند ماده یکسال در کلاس پائین تر از سن خود بمانند ودچار صدمه روحی و تربیتی بشود . البته برای کسانیکه گرفتار نقص قوای روحی هستند باید کلاسهای مخصوصی تهیه شود و آنهائیکه بعلل دیگر چندسال از درس عقب مانده اند بکلاسهای اکابر بپذیرند و در این کلاسهای مخصوص و کلاسهای اکابر بازهم مقتضیات سنی آنها را فراموش نکرده کارهای اجتماعی را طبق آن ترتیب بدهند .

تشکیل دادن کلاسهای دبیرستان و دبستان در یك محیط مزاحم اطفال کوچکهم میشود . همان طور که درخانه کودکان از برادروخواهر

های بزرگتر خود در دربایستی میکنند یا اینکه نمیتوانند با آن‌ها همکاری کنند و از هم‌صحبتی و هم بازی بودن با بچه های هم سن خود بیشتر لذت میبرند در مدرسه هم تشکیل مجامع شاگردان ناجور خسته کننده و باعث عذاب و ناراحتی همگی آنها است واز فوائد تربیتی که در یك محیط مناسب برای تجربه و عمل فراهم میشود محروم میمانند پس جز در شهر های کم جمعیت و بطور اجبار نباید دبستان و دبیرستان را در یك خانه قرارداد . درصورت لزوم تا حدیکه مقدوراست باید محیط کار و فعالیت هر دسته را مطابق مقتضیات سنی آن‌ها جدا کرد. آموزشگاه باید دارای کتابخانه . سالن اجتماعات . سالن نمایشات . محل‌مسابقه‌های ورزشی . انجمن های مختلف و باشگاه باشد ، درتمام این قسمتها رعایت احتیاجات سنی و میزان قدرت و معلومات ضرورت دارد آنچه برای یك طفل ۹ یا ۱۰ ساله دلچسب است جهت یك پسر یا دختر ۱۷ یا ۱۸ ساله مبتذل و بی مزه میباشد

محیط آموزشگاه با جامعه ایکه طفل در آن زندگی میکند وفق بدهد

پیش ازاین گفتیم که آموزشگاه بایستی برای تشویق صفات نیکو مساعد باشد از این موضوع نباید چنین نتیجه گرفت که اگر جامعه نواقص ومفاسدی دارد مدرسه‌را میتوان محیطی بکلی جدا وغیر مشابه باجامعه ساخت و کودکان راازآن معایب بی‌خبر نگاه داشت‌وتصور کرد که بااین

روش آن هاافراد صالح تری برای جامعه آماده شده از قید فساد رهائی یافته‌اند .

بچه ها و جوانانی که وارد مدرسه‌میشوند هریك نماینده‌خانواده و اجتماع و دارای خصائص خوب یابدآنها هستند . پس در مدرسه تهیه کردن محیطی که بکلی مغایر جامعه باشد از درجه امکان مربیان‌خارج است . از آن گذشته اگر مدرسه را فرضا بظاهرهم مدینه فاضله بسازیم و شاکردو معلم رااز بازگویا ارتکاب اشتباهاتیکه در محیط خارج‌رواج دارد موقتاً بازداشته مانع بشویم (هرچند انجام چنین‌منظوری درحقیقت غیر ممکن است) در آنحال باز هم قدمی برای سعادت شاگردان بر نداشته‌ایم زیرا راه مبارزه با مفاسد جامعه‌ایکه ناچار پس از چندی بایستی دردامان آن زندگی خود را ادامه‌بدهند و بکار وشغل مشغول شوند بآن ها یاد نداده ایم .

آموزشگاه بمنظورتهذیب اخلاق ورفتار و برقراری عادات نیکو و عوض کردن مسیر غرائزمنحرف بایستی طوری پی ریزی شودکه بیك آزمایشگاه شباهت پیدا کند و اطفال مسائل مشکوك اجتماعی را در آن برای تجزیه و تحلیل و امتحان بیاورند بتعقل و تفکر در باره آن ها بپردازند .

مدرسه میباید باطفال اشتباهات و خطاهائیکه در پیرامون آن ها

در جریان است بفهماند و دردهائیکه از آن در عذابند بشناساند و آن ها را در یافتن درمانشان کمک کند.

اگر غیر از این باشد ولو معلم بچه یاجوان را بیک کشورخیالی برده سیر بدهد و مزایای یك زندگی ایده آلی را در عالم تصور بآن ها نشان بدهد جزاینکه بر نا امیدی و یاس آن ها نسبت بمحیط خودشان میافزاید حاصلی ندارد.

وقتیکه کودك درخانه خود شاهد تریاك کشیدن پدرش میباشد و در مدرسه حرفی از آن نمیشنود هیچگونه قدرت مدافعه از آن رابیدا نمیکند بلکه خجالت میکشد تا گفتگوئی از آن بکند و حال آن که اگر این موضوع را در مدرسه بمیان بگذارد و اثرات تریاك را در آزمایشگاه مطالعه کندعلت ابتلای نفوس کشور را بدان بفهمد وازطریق مختلف در برطرف کردن این بلای خانمانسوز چاره جوئی و بحث و تجربه بکند البته بهتر میتواند خانواده خودش را تحت تأثیر دانسته‌های خود قرار بدهد و زمینه برای تقلیل یا ترك آن مفاسد مهیا سازد. یا لامحاله خود را از خطر این آتش سوزی بزرگی که سالها است دودش بچشم میهن و هم میهنان میرود و کسی در فکر خاموش کردن آن نیست بر کنار بدارد.

تعلیمات مدارس ما و آنچه در محیط شاگردان میگذرد درامتداد دو خط موازی قرار دارد طوریکه هریك راه خودراگرفته پیش میروند

و در هیچ نقطه بهم نمیرسند باینجهت طفل هرگز خود را دریك محیط مأنوس احساس نمیکند و آنچه راکه میخواهد در آن نمی‌یابد و آنهائی راکه میشنود درخارج مورد استعمالش را پیدا نمیکند.

یکی از معلمین نقل میکرد که باشاگرد قدیمی خود روزی در خیابان مصادف شده وی پس ازتعارف اولی باو گفته است «استاد عزیز بدون اغراق من بایستی ازشما خیلی گله‌مند باشم زیرا تعلیمات واندرز های اخلاقی شما مدتها بود مرا از زندگی حقیقی غافل ساخته افکار و آرزوهای مرا دریك سرزمین خیالی سیرمیداد، درحالیکه پای سعی و عمل من درسنگلاخ مشکلات واقعی آبله کرده ازرفتن بازمانده بود. شکرخدا که بالاخره پس از طی بحرانهای سخت با هوش غریزی خود شاهراه زندگی راپیدا کرده گلیم خود را ازآبی که در آن نزدیك به غرق شدن بود بیرون کشیدم».

ازقرارمعلوم مقصود این جوان از یافتن شاهراه زندگی همرنگ جماعت شدن وازمقاصد آن تقلید کردن بود و حال آنکه آموزشگاه میتوانست سرموفقیت رانه ازراه دم سازی با فاسدان بلکه ازطریق چاره جوئی ومبارزه باآنان تعلیم بدهد.

چند سال پیش ازهنرستان دختران که تازه درتهران تأسیس شده بود دیدن کردم و آنرا نمونه‌ای از ناجور بودن آموزشگاه با محیط یافتم این مدرسه شبانه روزی باین منظورتأسیس شده بود که عده‌ای ازدختران

بی سرپرست راکه سن آنها بیش از ۱۰ سال است جمع آوری کرده صنعت و هنر یا پرستاری طفل وطبخ و خانه داری بآنها یاد بدهد تاااز لغزشیکه ممکن بود درنتیجه عسرت و عدم مراقبت نصیب آنها بشود محافظت کند .

عمارتیکه باین منظور بناشده بودباجدیدترین سبك معماری‌ساخته و با راحت ترین وسایل الکتریکی برای زندگی مجهز شده بود . خدمتگاران زیاد درآنجا بکارطبخ ونظافت میپرداختند و دخترها را در مهد آسایش نگاه میداشتند . این عده روزها بتحصیل سواد ویادگرفتن بعضی اقسام سوزن دوزی‌که برای سرگرمی خانم های با ذوق ومتجمل بیشتر برازندگی داشت تا برای صنعتگریکه میخواهد کسب معاش کند مشغول بودند . گر چه برنامه آنها هفته‌ای چند ساعت بطبخ و شستشو اختصاص داده‌شده بودولی باهمان‌اسباب‌های تازه و گران قیمت‌بآنهاتعلیم میشد . خلاصه اینکه شاگردان این بنگاه که بقصد تهیه کارگروخدمتکار درآنجا پرورش مییافتند برای خانمی خانه های معمولی ایران هم زیاد بودند زیرا همه میدانیم درکشورما وسایل جدید طبخ وشستشو وخانه داری خاص عده انگشت شماری ازثروتمندان‌است .

بموجب اطلاعیکه من ازسرنوشت‌این دخترهاپیداکردم موقعیکه از آن بنگاه خارج میشدند چون قوه سازش با محیط ازآنها سلب شده

بود باستثنای بعضی از آنها که شانس یافتن شوهران نسبةً متمولی را داشتند بقیه ازطریق ناصواب وارد جاده زندگی شدند وهیچیك را نشنیدم که بهنر وصنعت پرداخته‌از آن راه امرارمعاش کرده باشند .

راه درست این بود که اول هدف تربیت این دختر ها را در نظر میگرفتند و میدانستند که آنها بایستی بتهیه وسائل معاش قادر بشوند و باطرز ساده‌ای زندگی خودرا آغاز کنند در این صورت لوازم خانه‌ای را که در آن پرورش مییابند طوری ترتیب میدادند که دراین کشور باقیمت ارزان تهیه آنها مقدور باشد. حتی‌روش اصلاح خانه ها و اشیاء معمولی واجاقها و سوختهای متداول در خانه های کوچك و ساده را بطوریکه مطابق بهداشت وصرفه‌جوئی باشد بآنها میآموختند ومیگذاشتند تابیشتر خدمات وامور بنگاه‌شبانه روزی حتی‌رسیدگی بحساب آنرا خود دخترها بعهده‌میگرفتند ودر آن مانند یك خانواده بزرك انجام‌وظیفه میکردند.

هنرها وصنایعی بآنها میآموختند که حتی درزمان تحصیل ازآنها استفاده میکردند یعنی‌مصنوعات خودرا درمغازه مربوط بمدرسه‌بفروش میرساندند وارزش کارخود رامیدانستند وقیمت آنها در دفتر صرفه‌جوئی حفظ میکردند تا سرمایه کوچکی برای موقع بیرون رفتن از مدرسه تهیه بشود : بمحض اینکه عده‌ای از شاگرد ها تحصیل خود را خاتمه میدادند بوسیله خود آن بنگاه بکار وصنعت ویا پرستاری طفل یاکمك خانه داری دریك خانواده شایسته گماشته میشدند .

این روش خرج کمتر و نتیجه نیکوتر داشت و دخترها را واقعاً دستگیری کرده سعادتمند می‌ساخت .

آموشگاه نمیتواند ازجامعه جدا باشد . بنابراین باید یا اطفال‌را بجامعه ببرد و یا جامعه را بآموزشگاه بیاورد . آموزشگاه های دنیای مترقی تقریباً هردو کار را توام انجام میدهند. شاگردان را غالباً بدیدن ومطالعه مؤسسات اجتماعی مانندمغازه ها ، کارخانه‌ها، بازارو بانك ومحلهای مختلف، گردشگاه میبرندو درحال بازدید آنهاتوجهشان رابنکات لازم معطوف میدارند ودرباره حل و فصل قضایای مربوط بآنها تبادل نظر و گفتگو میکنند . یکی ازدوستان ایرانی من درامریکا میگفت اگرما میتوانستیم همین عادت صف بستن ورعایت نوبت کردن را که اینجا بطورعادی در تمام محلهای اجتماعی مثل سوارشدن اتوبوس خریدن بلیط سینما وهرکار دیگر انجام میدهند باخودسوقات میبردیم یکی ازمشکلات مهم روزمره را از پیش پا برداشته بودیم .

بلی ماقادرهستیم نه تنهارعایت نوبت کردن واحترام گذاشتن بوقت دیگران را بلکه بسیاری ازاصلاحات جامعه رابدست اطفال انجام بدهیم مشروط براینکه آنها را آزاد بگذاریم تا همان عکس‌العمل ها که‌در اجتماع آموخته اند ازخود بروزبدهند ودرهمان حال بوسیله‌برانگیختن محرکات آنها را متوجه‌زیان عمل خودکرده بفکر چاره جوئی بیاندازیم غالباً تجاربی‌پیش بیاوریم که شاگردان‌اجتماع کوچك مدرسه رابااجتماع

بزرك كشور مقايسه كنند ودرصددپيداكردن علت هرمشكل و هرمفسده برايند وفوری در آموزشگاه ويا خارج بموقع عمل و اجرا بگذرانند . اگربا صدماتی برخوردكردندبازهم برفعاليت فكری وبدنی خودبيافزايند تاموفق و كامياب بشوند . باين صورت است كه دانش آموزان مستعد تنازع درميدان زندگی وغلبه برمخاطرات وحفظ بقای خود و اعتمادبر نفس ميشوند .

مدرسه محل زندگی باشد نه آمادگی برای آن

معلمين قديم معتقد بودند زمان طفوليت و اوقات تحصيل تنها دوران آمادگی برای آينده بشمار ميآيد . همچنانكه داروی بد مزه را پزشك بمريض ميخوراند تا ازبيماری شفا يابد ، تعليم مطالب دور از ذهن يا عادات مشكلی را كه سن طفل برای پذيرش آن مقتضی نيست با وعده ووعيد بنام خوشبختی آينده بايد باو بقبولانند .

مربيان آن زمان كودكان را باهر گونه رنج و عذابی كه ممكن بود از ابراز حالات بچگی ممنوع داشته بتقليد بزرك سالان مجبور ميكردند . لغات واصطلاحات ثقيل وقواعد پيچيده بآنهاميآموختند وبقول خودشان تن آنها را در اثر اين بارگران فرسوده روحشان را تقويت ميكردند. يا باصطلاح آنهاراغوره نشده مويز ميكردند . متاسفانه بقايای اين فكرهنوزهم درايران رواج دارد .

درحالیکه دانشمندان تربیت نوین نه تنها روی موافقت بااین شیوه نشان نمیدهند بلکه بشدت باآن مخالفت میکنند ومیگویند :

اطفالیکه بمقتضای رشد روحی و بدنی زندگی نکرده از نعمت آزادی عمل و بازی و تجارب موافق استعداد که همچون روشنائی آفتاب درتقویت اعصاب وعضلات و قوای فکری آنها مؤثراست محروم بمانند و نتوانند بمیل خود بازی کرده وبفراخور فهم خود درباره شناسائی دنیا بتجسس و آزمایش مشغول شوند ، این محرومیت درتمام مظاهر حیاتی آنها نمودار شده ازهرحیث قوای آنها را دچار یاس و بیحالی میکند . معلوم است که این فشار روحی نه تنها در طفولیت آثار شوم خودرا می بخشد در جوانی و بزرگی نیز بهمان مناسبت عاری ازفعالیت ذهنی و بدنی شده برخلاف آرزوی مربی شخصی درمانده وناتوان میگردد . اگر کسانی یافت میشوند که باوجود هرگونه فشار ایام طفولیت تاحدی عکس العمل نشان داده استقلال فکر وذوق پیداکرده درفهم وشعور جلورفته اند آنها وجودهای نادری هستند که ازتصادفات استفاده کرده وتوانسته اند راه فرار پیدا کنند آنهارا نمیتوان ملاك قضاوت سایرین قرارداد یحتمل اگر ازبچگی موجبات مناسب برای آنها موجود میشد بترقیات بزرگتری نائل میشدند . طفل باید درمدرسه زندگی طبیعی را ادامه بدهد از خوشیها ولذاید مناسب سن خود بهره مند گـردد . بانشاط وفعال باشد . و با هم سنهـای خود زندگی کند .

۱۰۰۰۷۵۰۰۴۵۲۸۷۹
کتابخانه مرکزي

همانطور که متدرجاً قوا واستعدادهای آنهارشد میکندمعلوماتی که مورداحتیاج است بآنهایادمیدهند . مربیان مطلقاًاز آموختن مطالبی که‌درحال حاضر بکار اطفال نمیخورد خودداری میکنند .

بهترین آموزشگاه آنستکه شاگردان در آن غذا بخورند بازی بکنند تفریحات مورد علاقه‌خودرا بیابندفعالیت وتجربه بکنندوبرمعلومات خودشان بیافزایندو آنچه راتحصیل میکنند درزندگی فعلی ازآنهااستفاده کرده لذت ببرند در اینصورت اطفال باخوشحالی و امید واردآن شده باموفقیت ورضایت از آن بیرون میروند .

کارهاوفعالیتهای اطفال خردسال ازساده‌ترین اشکال آشنائی بامواد معمولی شروع میشوددر کودکستان طفل بازی میکند ودرهمان حال تفاوت شیشه و سنگ و آهن وخواص ظاهری آنهارا باتجربیات بچگانه درك میکند . از کاغذ ومداد رنگین چیزهائی می‌سازد ، وآنچه بفکرش میرسد بمرحله اجراء میگذارد . باین وسیله مقدمات علوم را بدون اینکه مربی اورا مجبور کند درمییابدو باتجربه وعمل آشنائی حاصل میکند . معلمین آنها آزادی عمل وبکار انداختن حس ابتکاراطفال را باینکه کارهای فرمایشی راانجام بدهند وازسرمشق تقلید کنند ترجیح میدهند . همین رویه در سالهای بعدهم که‌وارد دبستان یا دبیرستان میشوندنبال میشود . وهرزمان باقتضای

کتابخانه مرکزی
دانشگاه تهران
Central Library

رشددر محیط مساعد مدرسه وبارفقای هم سن خود کار، کوشش و تفریح میکنند و در ضمن با کمك معلمین دارای معلومات سودمند شده بـا مبانی علوم تماس پیدامیکنند .

اطفال دهات ما باید آنچه برای زندگی عادی آنها لازم است یاد بگیرند ، دست وصورت خود را تمیز کنند غذای گوارا با موادیکه در آن محل یافت میشود طبخ نمایند ، آغل حیوانات را بطور کـم خرج وجدا از منزل بسازند ، برای دفع مگس و ساس و حفظ محصولات خودشان از آفات مهارت پیدا کنند ، برای بهداشت منزل وسایل ساده بیاندیشند . اگر مدارس دهات ماباغ دبستانی را بوسیله اطفال درختکاری کرده میوه وسبزی در آن بعمل بیاورند وهمان محصول را کودکان طبخ کرده صرف کنند بدون زحمت کشت میوه و سبزی که فعلا در دهات ما مرسوم نیست تشویق وعادت میشوددانه و بذردست بدست گشته بهمه جا میرسد اطفال شهری آنچه در محیط آنها موردضرورت است یاد بگیرند و بعمل بگذارند .

برنامه و کتابهای یك جور که در تمام شهرستانها تدریس میشود این مقصود را بعمل نمیاورد و اطفال را گمراه میکند .

آموزشگاه باید زندگی عملی رابرتئوری مقدم بداود وهیچ درسی

را بصورت يك موضوع جدا از منافع فعلی کودك باو یاد ندهند مگر هنگامیکه از این مراحل گذشته و شخصا آماده طی کردن مراتب بالا تر بشود و مقدمات کار و شغل آینده را فراهم نماید .

آموزشگاه لازم است اطفال را برای مدت بیشتری سرگرم بدارد .

در بسیاری از کشور های جهان تقریبا تمام وسایل تفریح وسر گرمی و کار ومطالعه حتی وسایل بهداری ومعالجه اطفال درمدرسه مهیااست با این فقر مادی ومعنوی که در کشور ما گریبانگیر خانواده ها شده است بیش از هرملت دیگر نیازمند این هستیم که شاگردان را برای مدت طولانی درمدرسه نگاهداریم وازشر مفاسد و بدبختیها که در خارج برای آنها فراهم است محافظت کنیم .

وقتیکه زنك مدرسه بصدا آمده موقع تعطیل عصر را اعلام میدارد کاش یکدفعه مدیر وناظم ازخود بپرسند ، اکنون محمود و محمد کجا خواهند رفت ؟ نگار و نوش آفرین چه خواهند کرد ؟ کدام گردشگاه ملی وسینمای اطفال یاباشگاه جوانان وزمین ورزش مهیای پذیرائی آنها است ؟ در های کدام کتابخانه و موزه و باغ وحش بروی آنها گشوده است ؟ آیا سرمشقهای زنده محیط که نفوذ درونی آن در هر جانداری غیر قابل انکار است دراین شهر آنهارا بمفاسد نمیگرایند ؟ آیا گفته‌های بیجان وسطحی، کتابهاومربیان که خودنویسندگان وگویندگان با آنهامعتقد

نیستند میتوانندطبع انعطاف پذیر جوانان را ازمخاطرات اجتماع ماکـه ناچار تمام شاگردان مدرسه وقت آزادی خـود را در آن بولـگردی می‌پردازند وسجاف خیابانهایش میشوند نجات بدهد ؟ یا اطاقهای تنك و تاریك خانه‌های محقر ومادرها و پدرهای بی‌سواد وعصبانی که هرلحظه با بهانه هـای مختلف اطفال را بباد فحش و کتك میگیرند فطرت پرجنب و جوش آنها را قانع میکنند ؟

اطفال وجوانانیکه ازهرگونه موجبات وتسهیلات برای صرف وقت ویا حاضر کردن درس درخانه یا خارج بی‌بهره هستند هرگاه درمدرسه برای تشکیل مجالس مهمانی وبازیهای ورزشی وانجمنهای تفریحی فرصت بیشتری داشته باشنداز کتابخانه وموزه وحتی اطاقهای درس برای انجام تکالیف درسی استفاده کنند وآزمایشهای علمی خود را در آزمایشگاه آنجا انجام بدهند خیلی بهتر است . این کار علاوه برفواید تربیتی سبب میشود که اطفال مدرسه را مثل خانواده محل زندگی تشخیص میدهند ونسبت بآن احترام و علاقه مخصوصی پیدا میکنندو قدر ومنزلت حقیقی آموزشگاه را میفهمند

شاید شماهم مثل من دیده باشید که هنگام ظهر مستخدمین دبستان بزور شاگردهارا از مدرسه بیرون میکنند وتا نزدیك دوساعت بعد ازظهر که موقع دایرشدن کلاسهااست ازورود آنها بصحن آموزشگاه ممانعت بعمل میآورند تامبادا درحوض افتانه یادچار خطرهای دیگری

بشوند . زیرا اولیاء آموزشگاههای ما معتقدند اطفال درمحیط مدرسه نباید صدمه به بینند و بار مسئولیت بگردن آنها بیفتد ولی اگر احیاناً درخیابان زیر ماشین بروند یامیان برف و باران کوچه ها مانده سرما بخورند با آنها مربوط نیست

انصاف بدهید آیا صاحبان این طرز تفکر و این احساسات میتوانند رهبر و ناجی اطفال بد بخت ما باشند ؟!

محیط مدرسه مشوق همکاری و همبستگی باشد.

وقتی که یك کشور به نهضت فرهنگی دست میزند و میخواهد تعلیم و تربیت را بطرف هدف معلوم و معینی رهبری کند وقومی را برای آزادی وخوشبختی مهیا بسازد لازم است اول احتیاجات مردم آنجارا در نظر بگیرد و ببیند چه چیز ها برای رسیدن بمقصود کم دارند و چه چیزها زیادو بوسیله این مقیاس متدرجاً موانع را مرتفع ووسایل را آماده برای پیشروی آن ملت بنماید

یکی از واجبات ترقی یك جمعیت راوجود روح همکاری و بودن حسن نیت بین مردم آن باید دانست . زیرا انسان تنها زندگی نمیکند برای حفظ آزادی خود وتهیه لوازم زندگی بسایرین می پیوندد و بهمین دلیل ناچاراست حقوق وقوانین دسته جمعی رارعایت کندواخلاقاً خودرا ملزم وموظف بمساعدت ومحبت بامردم بداندتابتواند بخوشی وسعادتیکه

در پی آن میگردد برسد.

مطالعه در اوضاع واحوال این اجتماع برای ماشکی باقی نمگذارد که روح وحدت و صمیمیت و همبستگی از این کشور رخت بر بسته و جای خود را به نفاق و دو رنگی و خود کامی واگذار کرده است بقدری جنبه خود خواهی اشخاص قوی شده که هر کس خوشی را فقط برای خودش آرزومند است ، حتی از آنهم تجاوز کرده لذت واقعی را در این میداند که سایرین از نعمت هائیکه او برخوردار است بی نصیب بمانند و دم از برابری با او نزنند تا خود تنها بتواند بر مسند بزرگی تکیه کرده و کبر ونخوت بفروشد.

(یکی ازمهمترین علل عقب ماندگی مارا میتوان شیوع این فکرو این عادات دانست که موجب نفاق ودشمنی وضعف اجتماعی است متأسفانه این آتش سوزان را مدارس مادامن میزنندواطفال را طوری بارمیآورند که یك محصل ایرانی هیچوقت پیشرفت خودرا ازلحاظ توانائی شخصی نمی سنجد فقط از جهت مقایسه خویش بارفقا در نظر میگیرد و قضاوت میکند. یك شاگرد مدرسه راضی است که نمره ده بگیرد بشرط اینکه سایرین همگی از او کمتر باشند ولی اگر نمره هجده گرفت و دیگران با او برابر یا از او برتر بودند فریاد شکایت بلند میکند و از روی حسادت بخود اجازه اقدامات و اعتراضات شدید را میدهد)

خود کامی وهم چشمی وسوء نیت در باره رفقای کلاسی از صفات

معمولی وعمومی شاگردان مدارس بشمار میآید بی‌شک هرجامعه‌ای که افرادش دارای این اندازه سوء سلوك باشندودرفکر علاج آن بر نیایند همواره مردم در حال تفرقه زیسته بدیگران فرصت میدهند تا انها را استثمار بکنند

بد بختی ازاین بزرگتر نمیشود که مردم این کشور معتقدند کارهای دسته‌جمعی پیشرفت ندارد وفرددراینجا بهتراز جمع کارمیکند وعجبتر اینکه مادر زمانی تفرقه وجدائی را برجمعیت وهمکاری ترجیح میدهیم که در سایر مناطق عالم جامعه معنی وسیع تر پیداکرده است وهر اجتماع برای اینکه در مقابل طوفان خطرات خود را حفظ کند وتاروپود وجودش پراکنده‌نشود خود رامحتاج همکاری واتفاق بیشتری می بیندو بکشورهای دیگر می‌پیوندد تابااین‌وسیله برقوای خود افروده بقای خودرا تأمین بکند.

آموزشگاههای مابایدپیش از سایر کشور ها درفکرترتیب‌دادن فعالیتهای اجتماعی وتهیه درسهای‌دسته‌جمعی باشند تارفع این‌نقیصه مهم را هرچه زود تر بکنند. پس چقدر خلاف‌انتظاراست وقتیکه میشنویم بعضی از مربیان شاگردانی‌راکه بسایرین توجه‌ندارند و همیشه تنها کار میکنند وازدیگران کناره میگیرند می‌ستایندو گاهی ازاینهم تجاوزکرده بعضی را بجاسوسی وسعایت ازرفقای خود تشویق میکنند. وبرای خبر چینی از دیگران نمره وجایزه ومقام بآنهامیدهند بی‌شك با این عمل

سم مهلکی در عروق افراد این ملت تزریق می‌شود که پیکر اجتماع را متشنج ومتلاشی کرده‌قوه مقاومت آن‌را در مقابل آفات ومفاسد میکاهد

شاید این خطا از آنجا ناشی شده است که‌در بعضی مدارس دسته بندی ها واجتماعات شاگردان غالباً مخالف مقررات و برای اعتراض وایراد بکار های آموزشگاه است.

اکنون‌جا دارد که بپرسیم حال که قدر ومنزلت تشکیل جمعیت ها بخودی‌خود نزدشاگردان‌شناخته شده‌است ومعلمین ومدیرهم بقوت وقدرت آن ایمان پیدا کرده اند وبهمین جهت درصدد مبارزه قبلی با عواقب آن که‌بنظرشان وخیم‌است برمیآیند چرااعضای مدرسه خودشانرا در جبهه مخالف شاگردان قرارمیدهند تااینکه قدرت آنها را شکست خود یدانند واز آن بیمناك باشند؟ برای چه درآموزشگاه که مرکب‌از شاگردومعلم‌است منافع همگی‌اعم ازمحصل‌ومعلم‌بایکدیگر وفق نمیدهد تا از هرگونه اجتماع وهمکاری ورفاقت جوانان برای پیشرفت کارهای تربیتی استفاده بکنند؟ چرا اطفال را بهدفهای سودمند رهبری نمیکنند تا بطور دسته جمعی در پیش بردن آنها همکاری کنند مثلا نمایشنامه بنویسند وبازی کنند مجلس مهمانی ترتیب بدهند در موضوعهای‌علمی تحقیق وتتبع بکنند وازفکریکدیگراستفاده وبرای‌درسهای عملی اشتراك مساعی داشته باشند در باره کارها و مقاصد آموزشگاه شور و همکاری بکنند.

در آموزشگاههای انگلیسی وامریکائی . تشکیل مجالس شورا مرکب از شاگرد و معلم و تبادل نظر برای رفع محظورات تحصیلی از کارهای لازم مدرسه است و بیشتر مشکلات را باینوسیله حل میکنند . چند بار که در جلسات آنها حضور یافتم از طرز کار وعلاقه دانش آموزان لذت بردم بسا اوقات شاگردان بمیل خود دور هم گرد آمده درباره امور راجع بهمکلاسهای خودشان که علاقه بدرس نداشتند و یا موجبات اختلال کلاس و اتلاف وقت دیگران را فراهم میآورند صحبت وچاره اندیشی میکردند این گفتگو های دلنشین حاکی از روح صمیمیت و محبت آنها بود . با کمال رأفت و مهر درباره اینکه چگونه کومکی از دستشان برمیآمد فکر میکردند . بعضی بعهده میگرفتند تا درسهای عقب مانده این قبیل شاگردان را پیشرفت بدهند و برخی درباره اصلاح رفتارشان قبول مسئولیت میکردند و بیکدیگر تذکر میدادند که ما نباید با خنده کردن و ابراز خوش آمد چنین اطفالی را تشویق بمسخرگی کنیم و الاشریك گناه ومسبب عقب ماندگی آن ها هستیم .

نکته مهم این است که مساعدتهای آنها بهیچ وجه جنبه ترحم و دلسوزی بخود نمیگرفت و در حکم انجام وظیفه اجتماعی بشمار میآمد - همان شکل که رانندگان وسایط نقلیه در جاده های

طولانی خودرا موظف باصلاح ماشین همکاران میشمارند یا دادن بنزین بآنها میدانند و کمك متقابل را بر خودفرض مینمایند افرادیك کلاسهم بطورطبیعی بیکدیگر خدمت میکردند واین کار نظرخودنمائی نداشتند برای تشویق حس اجتماعی وهمبستگی بین افراد کشور بهتر ازمدرسه وسیله ای نداریم . باید صفاتیکه یك ملت بوسیله آنها زنده و پایدار میماند از طفولیت در میان جوانان کشور تزویج کرده وقوت بدهیم .

بخش پنجم

سازمان ارشاد.

این تشکیلات برای چه بوجود آمده است؟

تا اینجا قوانینی که تربیت را اداره میکنند ودرطبایع اطفال تأثیر میبخشد بیان کردیم اکنون باید ببینیم تعلیم وتربیت نوین برای حصول مقاصد خود واستفاده از این قوانین چه اصولی را رعایت میکند و چه وسایلی را بکارمیرد وچگونه محیط مساعد وموجبات تربیت انفرادی و اجتماعی رامهیا میسازد.

کسانیکه پیوسته تجربیات وممارستهای خود را درباره آموزش و پرورش ادامه میدهند با تجربه دریافته‌اند که تدریس دسته جمعی و متحدالشکلی که درمدارس قدیم معمول بود (هنوزهم درایران مرسوم است) نمیتواند برای اطفال مفید وموثر واقع شودزیرا موانع مختلفی پیش پای هرفرد وجود داردکه اگر آنها را برطرف نسازند عده کثیری اطفال ازتربیت بی‌بهره میمانند.

ازطرفی همچنانکه دربخش اول این کتاب ذکر کردیم متوجه شدند ضروریات زندگی اجتماعی ایجاب میکنند که بچه ها ازهر طبقه هستند وبهر کار و شغلی که رو میاورند از اطلاعاتیکه برای عموم مردم ضرورت دارد بهره مندبشوند . تا اینکه بتوانندوظائف شخصی وخانوادگی و ملی را از عهده برایند . کافی نیست کـه فقط معدودی ازاشخاصیکه دارای شرایط خاصی هستند این مقام را احراز کنند بایستی تمام اهالی یك کشور که در سر نوشت دولت مشروطه دخالت دارند برای انجام تکلیف خودتوانا باشند .

ازطرفی متوقف داشتن اجتماع بریك نهج ویکصورت کار پسندیده نیست وبرهر جامعه واجب است بطور مداوم مدارج ترقی را طی کند وبمعلومات ونظریاتیکه ازپیشینیان باوانتقال یافته اکتفا نکند . بالاخره دیدند برای پیشرفت اقتصادی یك جامعه واجب است کارگران وصاحبان مشاغل تا حدیکه میتوانند بر معلومات مربوط بحرفه خود آشنا باشند و برای ترقی صنعت خود و ایفای وظایف خانوادگی وملی رشد فکری پیدا کنند .

این افکار و نظریات اساس انقلاب بزرك تربیتی را آماده ساخت ومتدرجاً اوضاع آنرا بهبودی داد تا کار بجائی رسید که بعضی ازنظریات تربیتی بکلی دگرگون شد مثلا بجای مواد تحصیلی که سابقاً بآنهازیاد اهمیت میدادند و مرکز دایره آموزش میدانستند وتمام مساعی معلم و

شاگرد را بر آن مدار قرار میدادند اکنون خود طفل را هسته مرکزی تربیت قرار می‌دهند و کشف قابلیتها و پی بردن بنیازمندیهای اورا وظیفه مربی می‌شمارند.

اگر آنروزها طفل تنبل و یاغی یا عصبانی را مقصر شمرده با او مانند یك مجرم بخشونت وسختی وفشار رفتار میکردند اکنون واماندگی وقصور طفل‌را بهرصورت که باشد بعوامل ارثی یا اجتماعی نسبت داده چنین کسی رامستحق محبت وراهنمائی میدانند. معتقدند بهمان دلیل که پزشك نباید نسبت بیمار حس نفرت وانضجار داشته باشد معلم هم شایسته نیست شاگرد کم استعداد را بدیده کم مهری بنگرد واز او شکایت کند باید مانند پزشکیکه درمعالجه مریض صعب العلاج کوشش بیشتری بخرج میدهد وازموفقیت خود درنجات آن بیمار رضایت وجدانی حاصل میکند مربی هم تمام مساعی وهنرنمائی را در رهبری طفل کم استعداد بخرج بدهد و از پیشرفت او خوشحال بشود زیرا ثابت شده است که عوارض نفسانی‌هم عیناً مثل بیماریهای جسمی تابع قانون علت ومعلولند وهمان گونه که سینه درد شاید دراثر سرماخوردگی و یا درد پا از راه رفتن زیاد وبی اشتهائی بغذا ازاختلال معده پیدا میشود، محتمل است یاغیگری شاگرد هم بجهت ناراحتی وسختی زندگی وتنبلی او بواسطهٔ کار زیادتر ازقوه و بیعلاقگی او بدرس درنتیجه متناسب نبودن موضوعها باتمایلات او بروز کرده باشد.

مربی باید بایك سلسله تحقیقات و آزمایشهای مرتب روانشناسی موجبات آنها را یافته برای نجات طفل از آن حالات دست به اقدامات موثر بزند.

هر معلمیکه نمیتواند براحساسات خود مسلط شده وشاگرد کم هوشرا بقدر شاگرد زرنك ومستعد دوست بدارد برای این شغل مناسب نیست. علمای آموزش باو توصیه میکنند تا درحرفه ایکه پیش گرفته تجدید نظر کرده کار دیگری برای خود انتخاب کند.

برای گشودن رمز غرائز وشناختن استعداد های مخفی کودکان ویافتن اسرار درونی آنها و کشف علت بیماریهای روحی، امروز تغییرات فاحشی در روش تعلیم وتربیت کشورهای مترقی روی داده که بآنها اشاره کرده وخواهیم کرد. هم دراین بخش از یك نوع سازمان تازه ایکه در مدارس بوجود آمده است بحث میکنیم و از آنجائیکه درایران سابقه ندارد و واژه معینی برای آن نیست آنرا (سازمان ارشاد) ترجمه می کنیم.

نخستین وظیفه این تشکیلات ایجاد محیط موافق است تا اطفال بتوانند دردامن آن بآزادی تجربه وعمل بکنند.

دیگر اینکه جاده پیشرفت آنها را تا بتواند ازخار و خس پاك کند وناراحتی های آنها را بر طرف سازد.

کودکان وجوانان را برای مقاومت با نامرادیها وتحمل صدمات

مجهز کند .

ازتمایلات وفعالیتهای هر کس منتهای استفاده را نموده هر یك را برای شغلیکه استعداد دارد رهبری و تشویق کند .

در پیشرفت اطفال قوی و تقویت دماغی و جسمی شاگـردان ضعیف بکوشد .

سازمان ارشاد وسایل ترقی معلم وشاگرد هردورا فراهم میکند. معلمین تازه کار ونا بلد را بافنون آموزش و پرورش نوین آشنا کرده موانع ومشکلات آنها را برطرف میسازد .

میان خانواده ومدرسه ارتباط لازم برقرار میدارد .

حتی برای اجرای منویات ونقشه های آموزشی ازطرق موثردر تمام تشکیلات اجتماعی فعالیت میکند . بالاخره امرتعلیم وتربیت راکه از کار های اساسی نهضت ترقی خواهی شناخته شده روز بروز با سبك بهتر وعملی ترقابل اجرا میدارد .

خوانندگان ارجمند تصدیق خواهند فرمود . چنین تشکیلاتـی تاچه حد برای فرهنگ عقب مانده وبی هدف و بی معنی ایران ضرورت داردوجهت یاری ویاوری شاگردان ناتوان وخانواده‌های نادان و بیسواد ومعلمینیکه بکار خود تسلط ندارند واگرهم نواقص آنرا میدانند بتنهائی ازعهده اصلاحات برنمیآیند سودمند واقع میشود واین سازمان تاچه‌حد میتواند ازغفلتهائیکه تاکنون درحق اطفال شده وزندگی آنها وملتشان

رابمخاطره انداخته جلوگیری کند ودردهای مهلکی را مداوا نماید .

آنچه در اینموضوع شرح خواهم داد گرچه اقتباس از روش امریکائی است ولی آنرا با شرایط و اوضاع اجتماعی و فرهنگی ایران مطابقت داده‌ام ویقین دارم ازهمین امروزمیتوان مقدماتش را آماده ساخته شروع بعمل واجرای آن کرد مشروط براینکه نخست احتیاج مبرمیکه بیك چنین نهضتی داریم برما معلوم شده بتغییر روش فرهنگی خود تصمیم بگیریم .

کشف استعدادها و شناختن نیازمندیهای اطفال، بهترین کارسازمان ارشادات

تربیت موقعی موثراست که هریك از شاگردان مدرسه جداگانه مورد توجه خاص مربیان واقع شده مزایا و نواقص آنها معلوم شود و هرگونه ناراحتی وکسالت جسمی و روحی که دارند کشف و برطرف گردد . اما مدارس متوسطه بخصوص در اینموضوع باشکال بزرگی بر میخورند واین محظور را دارند که چون تدریس هریك ازمواد بوسیلهٔ متخصصین فن انجام میگردد نظربکثرت معلمین واینکه هرکدام ساعات معین ومحدودی را با شاگردان تماس دارند نمیتوانند درجزئیات حرکات وسکنات شاگردان دقیق بشوند وآنطور که لازم است اوضاع عمومی و صفات و مختصات هر یك را زیرنظر بگیرند . ولی از آنجائیکه باین

عذر نمیتوان جوانان راضایع و باطل گذاشت پس ناچار راهی برای وصول بمقصد پیدا کرده‌اند یعنی هردسته از شاگردان رابیك تن راهنما یاارشاد کننده میسپارندتا آنشخص مراقبت کامل درباره اوضاع خصوصی یکایك اطفال یا جوانان مبذول بدارد و اشکالات ایشانرا بر طرف سازد نگذارد درمانده ومایوس ومنحرف بشوندوعاقبت کارشان بتنبلی وبدبینی ویا خودکشی برسد

سازمان ارشاد برای نیل باین‌منظور بوسایل زیر متوسل میشود.

۱ - هنگام ورود شاگرد بمدرسه یکی از افراد خانواده‌او راکه ولی طفل بشمار میرودموظف میدارد تا هر موقع آموزشگاه تقاضائی داشته باشد همکاری کند وبپرسشهای لازم پاسخ بدهد

۲ - رسیدگی و تحقیقات دقیق در باره اوضاع خانوادگی هر شاگرد درموقع نام نویسی بعمل میآورد.

۳ - معاینه کامل جسمی توسط پزشك مدرسه ازشاگردان‌میشود. تا نواقص بدنی اگر دارند معلوم شود ودرباره بیماریها یا ضعف حواس ومزاج آنها اقدامات موثر بعمل بیاید. پرونده بهداشت برای هرشاگرد ترتیب داده نتایجی که از مداوا حاصل میگردد در آن ثبت میکنند.

٤ - بوسیله آزمایشهای‌روانشناسی اندازه هوش وقدرت واستعداد هرکس را میسنجد.

٥ - سوابق تحصیلی طفل و گزارشهای معلمین مورد دقت ارشاد

کننده واقع میشود واگر در طرز کار او وقفه‌ای روی بدهد علت آنرا کشف ومعلوم وعلاج میکند

٦ - در دوره تحصیلی بکتابها ، تصاویر یا اشیائیکه مورد علاقه دانش آموزاست ومجموعه‌هائیکه جمع آوری میکندو بازیهائیکه دوست دارد توجه میشود تا طرز تفکر وروحیه او بدست بیاید

۷ - دقت خاصی بمعاشرت و کار های اجتماعی اطفال که غالباً کاشف از عادات خانوادگی آنهااست مبذول میدارد. دشمنیها ودوستیها وتمایلات هر کس درباره رفقای خودش زیر نظر قرارمیگیرد . چه اگر شاگرد نتواند حسن معاشرت وهمکاری‌داشته باشد مربیان‌بایستی رفع این نقصیه را بکنند

۸ - در مطالبکه شاگردان باآزادی کامل مینویسند دقت میکند

۹ - ملکات وفطریاتشان‌را معین‌میکنند

۱۰ - اختراعات و تتبعات و عملیات آزاد طفل را مهم میشمارد

۱۱ - بحضور وغیاب در آموزشگاه وکشف‌علت غیبتها رسیدگی میشود .

۱۲ - ارشاد کننده با سایر معلمین در باره شاگردانیکه سپرده باو هستند غالبـا جلسات تبادل نظروشور ترتیب داده جهت پیشرفت یکایك آنها چاره اندیشی میکند.

۱۳ - هرگاه ناراحتی یـا اختلالی در وضع تحصیلی یکی از

شاگردان احساس شود ارشاد کننده با او مصاحبه خصوصی بعمل میآورد.

۱۴ ـ هنگام لزوم ملاقات ومصاحبه های مکرر با خود شاگرد یا والدین مسئول وولی او کرده علت نا راحتی شاگرد را جستجو میکنند

فواید کشف استعداد ها وشناختن نیازمندیهای اطفال

تحقیقاتیکه بآنها اشاره کردیم دارای فواید مهم تربیتی هستند نخست اینکه مربیان ودستگاه تربیتی آموزشگاه درکار خود بصیرت بیشتری پیدا میکنند. مشکلات عمومی اطفال رابوسیله تغییرات سودمند در اسباب وسایل تربیتی بر طرف میسازند دومین فایده ایکه دارد این است که مربی بدانوسیله حالات روحی طفل را آنطوریکه هست بخود او می شناساند واز این کار نتایج نیکو حاصل میکند.

کار شناسان تربیتی براین عقیده هستند که اشتباه در صفات و خصال خویشتن مشکل بزرگی است که انسان را مادام العمر درکار خود حیران وسر گردان باقی میگذارد اگر کسی حدودتوانائی ولیاقت خود را بداند و نقاط ضعف خودرا بشناسد میتواند نقشه زندگی را از روی مدارك ومنابع حقیقی طرح نموده بسیاری از مخاطره های احتمالی را پیش بینی کند در این حـال یقیناً به ترقی زیاد تری نائل شده زود تر بمقاصد خویش میرسد.

بخصوص در این کشور احتیاج مبرمی بافتادن کار بدست کاردان احساس میشود. از این که اکثر مردم بآنچه نمیدانند دخالت میکنند

و آنچه را میدانند حرفه خود قرار نمیدهند تـا کنون زیان غیر قابل جبران باین اجتماع وارد شده است. بدبختانه اشخاص بی‌مبالات حتی در کارهائیکه حیات و ممات یك ملت مربوط بآنست از روی هوی و هوس وبدون سر رشته و اطلاع قبول مسئولیت میکنند و نفـوس کثیری را در کشتی شکسته فکر خود نشانده در اقیانوس متلاطم دنیا بدست امواج میسپارند عیب اینجاست که اوضاع مغشوش کشور هم با این اشخاص کمك میکند و آنها منافع شخصی‌را تامین میکنند و گلیم خود را از آب بیرون میکشند و ازاینکه آتش بخرمن هستی ملت بیافتد وبنیاد سعادت جمعی واژگون شود باکی ندارند.

چه بسا اشخاص در مانده یا تبه کار وقتی توانسته‌انـد خـود را آنطوریکه هستند بشناسند وریشه مفاسد اخلاق که در آنها بروز کرده پیدا کنند بهمین جهت از مخاطرات بزرگی که دچار آن بوده نجات یافته‌اند. حتی اشخاصی که درمیخوارگی افراط میکنند یابوسایلی مانند قمار بازی خود را مشغول میدارند بایستی تحت مراقبت پزشك روحی قرار گرفته علت رنج و گرفتاری درونی آنهارا جستجو بکنند و بمداوا بپردازند والا شکستن وبستن درخانه‌های فساد چندان سودی ندارد.

یکی از مجلات خارجی اخیراً شرح حال شخصی را که بدون احتیاج مادی ومقصد غائی دزدی میکرد منتشر نمود این مرد متجاوز از بیست مرتبه دزدی کرده وهر بار بزحمت وارد خانه ها شده قفل درهارا شکسته با اینهمه کـوشش فقط مقداری اشیاء کم بهاء زنانه به سرقت

برده بود غرابت عمل او در زندان توجه یك پزشك روانشناس را جلب کرد ودراثر مساعی زیاد وتحقیقاتیکه پزشك ازخانواده وکسان ورفقای ایام طفولیت اونمود ثابت شدکه دزدی اونتیجه یك سلسله ناکامی های ایام جوانی‌است. این‌مرد مدتی‌بواسطه زشتی صورت‌وکوتاهی‌وناموزون بودن قامت طرف بی اعتنائی و عدم توجه دختر ها واقـع گشته روح جوانش دستخوش طوفان غضب شده غالباً دلشکسته وعصبانی بسر برده بود بعد ها تشفی رنج درونـی را با سرقت اشیائیکه مورد علاقه خاص زنان جـوان است حاصل میکرده حتی بنامه های آنها دستبرد میزده است .

علاقه مفرط او بورزش‌محرومیت دیگر برایش‌فراهم میکرده‌است باین معنی که چون بواسطه نقص‌بدنی ازعهده استرضای‌این حس‌عزیزی بر نمیامده نسبت به رفقای ورزش کار حتی خواهر خود حسادت میورزیده‌است همین حسادت نسبت به رفقای ورزش‌کار او را وادار ببالا رفتن از دیوار وپریدن ازپنجره ها کرده و از آن لذت میبرده است .

پزشك با ارائه ادله وبراهین قانع کننده مطلب را بخود مردثابت کرد و با این تدبیر یعنی شناساندن علت اعمال آن بینوا بخودش نصف معالجه را انجام داد بعلاوه باو فهماند که یك مرد جوان نه تنها از راه جمال بلکه ازبسیاری طرق موثر دیگر مانند حسن شهرت وبلندی مقام علمی واجتماعی میتواند دردلها بنشیند وخاطرها را جلب کند باینطریق

بود که پزشك اورا از این عمل ناپسند رهائی بخشیده درجریان عادی زندگی انداخت .

غالباً در آموزشگاه به اعیان زادگانی مصادف میشویم که باوجود بی نیازی یکی دوریال پول یا اشیاء کم بهاء ازرفقای خود سرقت میکنند ولی چون وسیله یا علاقه پی جوئی اینکارها را ندارایم هیچ عمل مثبتی درباره آنها انجام نمیدهیم و عاقبت کارشانرا هم نمیفهمیم . غالباً بیهوده آنها را سرزنش کرده در بدنامی ورسوائی کسانیکه درواقع بیمارروحی هستند میکوشیم .

بسیاری از اعمال کودکان از روی حسادت و کینه جوئی یا محرکات دیگر بروز میکند ما برای تـرك دادن آنها بتنبیه و ملامت در حضور سایرین متوسل کشته کار آنهارا سخت ترمیکنیم .

سومین فایده کشف استعدادها رهبری جوانان بشغل و کارمناسب آنهااست، اشخاصیکه برای رضایت پدر ومادریا آرزوها و امیدهای بیپایه خود ویا خواهش همسر و محبوبه مشاغلی که با استعداد و علاقه آنها نا مناسب است اختیار کرده‌اند دیده میشوند که ازاین اشتباه مدتها رنج برده حتی خود را بیعرضه ونالایق تصور کرده‌اند .ولی احیاناً یك تصادف و اتفاق آنها را از مشی غلطیکه پیش گرفته اند براه درست انداخته بقیه عمرشان را بطور غیر منتظره سعادتمند شده اند مثلا بسیار دیده شده که پزشگی بازارش کساد و بی رونق بوده اتفاقاً سر و کارش

بتجارت افتاده یا معلم ناراضی بوکالت دعاوی مشغول شده چون فعالیتش مجرای صحیح یافته کارش گرفته است . حال اگر همکارانشان بطمع بیافتند واز آنها تقلید کنند ممکن است بواسطهٔ اختلاف استعداد از این تغییر شغل بقدر رفیق خود موفقیت حاصل نکرده خشنود نشوند .

تشکیلات ارشاد میتواند در اینگونه موارد کمك مـوثری برای جوانان باشد و آنها را بشغلیکه در خور استعدادشان است راهنمائـی کند .

راهنمائی مدارس والدینی راکه درباره تعیین شغل و کار طفل خود گرفتار غفلت یا اشتباهند باید مساعدت کند وبآنها بفهماند چگونه قصور عمدی یاسهوی آنهااسباب درماندگی اطفالشان میشود وبرای جبران کردن آن باشکال میافتند .

چهارمین نتیجه‌ایکه ازاین بررسیها بدست میآید اطلاع یافتن از مشکلات خانوادگی اطفال است .

درکشورهائیکه بسرمایه های ملی یعنی نونهالان خود قدرومنزلتی بسزا میگذارند اگر ندرتاً والدینی‌را بیابند که دراصلاح حال فرزندان خود با مدارس همکاری نکرده موجبات تسهیل امر تربیت را فراهـم نمیآورند بدادگاه‌خانواده‌ها جلب میکنند بشدت موردمواخذه قرارداده مجازات میکنند .

در آن کشورها بوسیله مؤسسات ملی و کشوری انواع موجبات تنویر خاطر والدین و آموختن فن بچه داری و تربیت و سازش با اولادهای جوان فراهم است حتی بپدرها و مادرهائیکه از عهده مخارج اطفال خود برنمیآیند در پیدا کردن کار و شغلی که عایدات آنها را زیاد کند مساعدت میشود . لذا جای عذر جهت والدینی که از وظیفه خود قصور میکنند باقی نمیماند و دادگاه میتواند عدم توجه آنها را بحال اطفال گناه عمدی دانسته در مجازاتشان اقدام کند . اما در میهن ما بقدری وضع خانواده ها جانخراش است که حتی والدین بقتل فرزندان خود اقدام میکنند ولی با اقامه دلائلی جهت این جنایات که اجتماع مسبب آنها است رفع مسئولیت از قاتل میشود یا لااقل از درجه مجازات می کاهد .

طفل برخلاف آنچه ما تصور میکنیم ملك طلق پدر و مادر نیست که هرچه بخواهند با او بکنند و هر ظلمی را در باره اش روا دارند . بچه ودیعهٔ است که پرورش و محافظتش بآنها واگذار شده و هر قصوریکه در انجام وظیفه میکنند خیانت باجتماع بشمار میآید . و مجازات لازم دارد برای جلوگیری از پیدایش امراض روحی که علت مهم آن بیماری های خانوادگی یا محیط غیر مناسب و یا بدرفتاری ها و محرومیتهائی است که از طرف والدین باطفال وارد میشود شایسته است در راهنمائی خانواده ها سعی بلیغ بشود مدارس بمرور یا حوصله و تدبیر و یا پیروی از علم تربیت در تغییر عادات و رسوم

ناپسند خانوادگی جدیت بکنند و محیط را برای پرورش فرزندان ایرانی آماده بسازند.

پنجمین فایده پی بردن بروحیه اطفال این است که مربیان می توانند بآن وسیله نواقص اجتماعی را درك کرده مساعی خودشان را در برطرف کردن آنها توسعه بدهند. از نویسندگان کتابها و روزنامه‌ها از تهیه کنندگان فیلم های سینمائی از مأمورین شهرداری و شهربانی و از هر مؤسسه اجتماعی دیگر برای تربیت اطفال طلب مساعدت بکنند و آنها را بمعایبیکه از آن راه پیدا میشود و جنبه عمومی دارد متوجه کنند.

اگر زنان ایران که نیروی عظیم تربیتی کشورند از علوم و اطلاعات لازم بهره‌مند شوند علاوه براینکه طبعاً در ایجاد محیط مساعد برای پرورش سجایای اطفال موثر هستند، جهت شرکت در خدمات اجتماعی که شایستگی قابل ملاحظه دارند آماده میشوند.

در امریکا روزی بدادگاه خانواده‌ها و اطفال رفتم تا محاکمه والدینی را که از پرورش فرزندان خود غفلت کرده بحکم عدالت اجتماعی و بنام حمایت از دمکراسی محاکمه میشوند تماشا کنم. هنگام مراجعت جلو در که رسیدم خانمی یك دفترچه آگهی بدست من داد. در این کتابچه نام و نشان جمعیتهای دوست دار و حامی خانواده‌ها و اطفال دیده میشد که تقریباً در تمام محلات شهر شعبات آنها دایر بود.

برای پی بردن بطرز کار آنها بوسیله همان آدرس یکی از این

موسسات رادیدن کردم آنجا بهمت چند نفر از زنان خیرخواه دانشمند اداره میشد که دست محبت وراهنمائی بسوی مادرانی که از تربیت فرزندانشان عاجزند یا اطفالیکه از نعمت سرپرست غمخوار محرومند دراز کرده بودند .

این بانوان بی نیازوخیرخواه صرفاً بهمین مقصوددردانشگاه حاضر میشوند و درکلاس مخصوص روانشناسی و سایر علومیکه برای رهبری خانواده هابکار میخورد فرا میگیرند . پس از آمادگی از بذل مال ووقت و تحمل زحمت دریغ نمیدارند . ساعات معینی دردفتر کارخودبامادران و اطفال تماس میگیرند . دردآنهارا میفهمند وازروی ترتیب صحیح برای حل مسائل آنهااقدام میکنند . ازطرفی دست عطوفت بسر و روی جوانانیکه منحرف شده اندمی کشند و با انواع وسایل آنهارا بشاهراه زندگی شرافتمند میبرند . مجلات مجانی بسیار زیبا وسودمند بچاب میرسانند تاموجبات فساد و فحشاء را مانند چراغ خطر پیش پـای والدین و جوانان قرار بدهند .

بانوی دلسوزیکه متصدی این قسمت بود پس از دادن توضیحات در باره خدمات موسسه رو بمن کرده پرسید : آیا در کشور شما روش مبارزه با فساد و گمراهی اطفال همین طور است یا طریق دیگر اتخاذ کرده اید ؟ من ندانستم چه جواب بگویم . ولی امروز پاسخ آن را

از مساعی ارجمند معلمان کشور تقاضادارم وامیدوارم این افکارذیقیمت بوسیلهٔ آنها در مغز مردان و زنان کشور ما وارد گردد و کمر بندهای همت با دست آنهابقامت جوانان بسته شود . مخصوصاً سعی کنندتازنان بزودی از انوار درخشنده حقیقت انسانیت روشن شوند و بخدمات برازندهٔ خود که شفقت ویاری درماندگان و جلوگیری از فسادوفحشاء است راغب گردند .

ما درایران جوانان هوشمند زیاد داریم اگر معلمان لایق داشته وبطور شایسته تربیت بشوند هرسال یك دسته سرباز مبارز فرهنك بدسته های پیشین ملحق میشوند و قدر و احترام خود و ملت را میافزایند . در مدرسه اطفال را آنطوریکه لازم است یاری کنید و رمز بکار انداختن استعداد های آنها را پیدا کنید تا جوان ها بنوبهٔ خود همان فنی را که درباره آن‌ها بکار برده‌اید درمورد سایرین مجری دارندو گشایش مهمی درکار تربیت فراهم نمایند

وظایف سازمان ارشاد دبیرستان

۱ - غرائز و عواطف اطفال را رهنمائی میکند

حرکات غریزی در اصطلاح روانشناسی اعمالی را میگویند که موجودات جاندار در موقع معین وبدون این که از دیگری بیاموزند انجام می دهند این حرکات در تمام افراد نوع معین یکسان است . مثل عملیات مربوط بتلاش روزی یا حفظ حیات و غرائز اجتماعی که هردسته از جاندار ها بشکل خاصی انجام می دهند . همگی مانند یکدیگر در پی شکار و یافتن طعمه میروند، لانه برای نوزادان میسازند و خویش را از آفات و صدمات بر کنار میدارند در حالیکه ابداً محتاج دیدن و تقلید کردن از سایرین نمیباشند . عواطف منشاء اعمالی هستند که حدی بغرائز وحدی بحرکات اکتسابی دارند آنچه ازانسان هنگام ترس یا خشم بروز میکند گرچه پایه و اصلش ذاتی است ولی بواسطه قوت اراده یا عوامل خارجی شدت و ضعف یافته موجب تظاهرات گوناگون میشود . همچنانکه بعضی مردم در موقع خشم حمله کرده دشنام می دهند ، اما عدهٔ دیگر ابداً برو نیاورده در خفا کینه جوئی می کنند و برخی باخشم خود مبارزه کرده آنرا از بین میبرند

۲ از تربیت غرائز و عواطف مدتها علمای آموزش و پرورش اظهار عجز میکردند تضعیف و تغییر آنها را غیر ممکن می دانستند . بعضی برای تأثیر در آنها خشونت و تنبیهات سخت را جایز میشمردند .

با وجود اینکه هنوز هم در اشکال اینکار تردیدی نیست ولی پس از آزمایش های زیاد و تتبعاتیکه در سبك تربیت روی داده پیش- رفت جالب توجهی درباره تاثیر در غرائز و عواطف حاصل شده و آن یاس و ناامیدی سابق را زایل ساخته است .

اکنون دیگر مربیان در صدد مبارزه باغرائز نیستند چوب وفلك و فشار بشاگرد را هم موثر نمیدانند بلکه میکوشند تا بنیاد آموزش و پرورش را بر روی غرائز اطفال استوار بکنند و بوسیله نفوذ در محیط این صفات ذاتی تغییر نا پذیر را بسوی هدف های نیکو رهبری نمایند .

همه کس بغذا و لباس و مسکن و آزادی و آسایش احتیاج دارد و هر کدام از این ضروریات انسان رابیك سلسله اعمال و رفتار مخصوصی وا میدارد . علمای تربیت علاوه بر اینکه چنین قدرتی در خود سراغ ندارند که این محرکات وعکس العملهای طبیعی را از بین ببرند میل هم ندارند بچنین کاری مبادرت کنند و با موجباتیکه حیات بشر را اداره میکنند مخالفت ورزند .

۳ هر غریزه تحت تاثیر محیط راه مخصوصی پیش میگیرد که ممکن

است بمناسبت نوع زندگی اجتماعی وقوانین و مقرراتی که وضع کرده اند بنفع یا ضرر سایرین بشمار بیاید . چه بسیار اطفال بی سرپرست و آنهائیکه درمحیطفاسد پرورش یافته‌اند بموجب غریزه تلاش‌معاش یاغرائز دیگر دزدی و کلاشی و تقلب پیش گرفته‌اند ، در صورتیکه اگر از اول در محیط پسندیده واقع میشدند قطعا غریزه خودرابصورت شرافتمندانه ارضا میکردند .

کسانیکه بخواهند بتربیت این اطفال منحرف که دچار عادات مذموم شده‌اند اقدام کنند نخست باید محیط آنها را تغییر بدهند اگرسختی معیشت باعث انحراف آنها شده بکسب و کاریکه احتیاجاتشانرا برآورده میسازد بگمارند . پس از فراهم کردن موجباتیکه این تغییر روش را تسهیل میکند البته تقویت قوای عقلی و تحریك عواطف محبت و نوع دوستی که مربوط بتجربیات عملی اطفال باشد در هدایت کردن آنهااثرات نیکو میبخشد .

اما درجه و نوع عواطف از قبیل ترس یاخشم وحسد واینکه این تغییرات درونی را چگونه ابرازمیدارند ارتباط زیاد باطرز تربیت اطفال دارد . بعضی بچه ها بندرت از چیزی میترسند . از تاریکی از صدای مهیب از تنهائی باکی ندارند در حالیکه عده دیگر بمحض اینکه از پیرامن ما در دور شوند هراسان میگردند کسانی را میبینیم که ترس یا خشم خود را بزودی نشان می‌دهندوحرکات و سر و صدا براه‌میاندازند

اشخاص دیگر خود دار و احتیاط کارندو عکس العمل عواطف آنها پنهانی و توام با کینه‌ورزی و زیان کاری‌های متفکرانه میباشد ظاهر آرام آنها نباید مربی را بغفلت بیاندازد .

لجاجت و حسدو تند خوئی با تربیت خانواده و مساعد بودن محیط شدت مییابد و بشکلهای مختلف در انسان بروز میکند گاهی حالات اشخاص معلول وقایعی است که در کودکی اتفاق افتاده ومرور زمان علت را بکلی در تاریکی فراموشی محو کرده ولی اثر روحی آن همچنان پایدار مانده است .

معالجه این اشخاص بایدمبنی بر شناختن موجبات آن حالت باشد ولی همچنانکه گفته شد تقویت قوه منطق طفل یا جوان و دقیق شدن در علت بروز اینگونه حالات خود باعث ضعیف کردن و احیاناً از بین بردن آن عاطفه میگردد .

مربیان مدرسه از تمام عواملیکه سبب ترس و خشم و نفرت اطفال میشوند بایستی خودداری کنند و برای واداشتن شاگردان بمطالعه وحاضر کردن دروس هرگز بآنها متوسل نکردند برعکس زیاد مواظبت کنند تا مانع بروزاین نوع تحریکات بشوند . مثلاً باطفال کار زیادتراز قوه ندهند ، تحقیر و تمسخرشان نکنند ، با سایرین مقایسه ننمایند . تا ممکن است موجبات کامیابی و رضایت خاطر و نشاط و خرسندی آنها را فراهم بیاورند .

برای اینکه بعضی از صفات بد را جلوگیری کنند . یك راه دیگر هم وجود دارد باید بکوشند تا صفات دیگر اطفال یعنی تمایلات اجتماعی و میل بخدمات ملی و فداکاری و سایر منظور های عالی را تقویت و تشویق کنند و باینطریق خصلتهای ناپسند آنها را تحت الشعاع صفات خوب قرار داده و بمرور معدوم بسازند .

دار التادیب یامدرسه اطفال ولگرد جائیکه بچه های خطا کار رادر آن تربیت میکنند بظاهر یك دبستان معمولی بیش نیست ولی باطن امر غیر از این نشان میدهد و با سایر مدارس اختلاف زیاد دارد از جمله تفاوتها که در آنجا مشاهده میشود اولا آزادی بیشتری است که بشاگردان تفویض گشته تا حدیکه بدلخواه خود بهر کلاس میل دارند ونزد هریك از معلمین که میخواهند میروند وهرچه را دوست دارند تحصیل میکنند این عمل درست نقطهٔ مقابل روشی است که مادر حق اطفال خطا کار پیش میگیریم . وباین جرم سلب آزادی از آنها کرده تحت قیدو بندشان می گذاریم .

۲ - در این محل موجبات استراحت و تفریح و تغذیه گوارا جهت اطفال فراهم میشود و ازهرحیث آنها را در آسایش ورفاه نگاه میدارند تا بمیل و علاقه بمدرسه آمد ورفت کنند

۳ - انجمن ها و کار های اجتماعی آنجا بیش از سایر دبستانها است وباینوسیله حس دیگر دوستی واحترام بقوانین که نگاهدارنده اجتماع

است در این اطفال شریر و خودکام ایجادمیکنند

٤ ـ معلمین مجرب زبر دست و پزشکان روحی مواظب رفتار و گفتار هر یك از آنها میشوند و میکوشند تا علت انحراف هریك‌را بفهمند و برای اینکه بتربیت و بتهذیب آنها موفق شوند در جستجوی نقطهٔ ضعف و چیزی که مورد علاقه شدید آنها است و بر سایر نفسانیاتشان حکومت میکند برمیآیند تا اگر فرضا اسیر محبت‌میشوند و احساسات شدید دارند یا قوای عاقله آنها برتری دارد یا ازکارهای بدنی و اسیر لذت بدان وسیله میبرند بمداوای هریك اقدام بکنند و در شفای روحشان مؤثر یشوند.

٥ ـ کارمندان مدرسه منتهای عطوفت و محبت را باطفال بروز میدهندطوریکه هرگونه‌تلخکامی و گرفتاری که دارند نزد اعضای آنجا که دوستان خیراندیش خود می‌دانند آورده از پرتوی ملاطفت وچاره اندیشی آنها تشفی روح و جسم خود راحاصل‌میکنند.

این اطفال ولگرد که در بدو ورود بآموزشگاه خود را محروم از آنهمه خ دسری وخودکامی فرض‌میکنند وابدا حس‌خوشبینی‌وعلاقه بآنجا ندارند بلکه‌منتهی درجه بغض و نفرت را ابراز میدارند دراندك مدتی چنان مانوس‌ومجذوب این‌بنگاه میشوند که هیچیك ازاسرارنهانی حتی جرمها و جنایات و خیالات شوم خود راپنهان نمیدارند وتذکرات عاقلانه معلمین را قدرو قیمت‌زیادمیگذارند.

از مدیر یکی ازاین آموزشگاهها پرسیدم آیا شاگردان‌آنهاکه

دررفت و آمد خود بمدرسه مختارند فرار نمیکنند واگر گریختند چه تنبیه یا تدبیری در حق آنها مجری می‌دارند؟

پاسخ داد: ندرتاچنین اتفاقی میافتد زیرا درهیچ جای دیگر تااین اندازه آسایش و محبت نمی بینند. درصورت وقوع چنین امری برمالازم است روش کار آموزشگاه خودمانرا طرف انتقاد قرار بدهیم و آن رااصلاح بکنیم وهر نقصی که داریم وبآنجهت نمیتوانیم جلب‌مهر محبت شاگردان را بکنیم برطرف‌سازیم.

پرسیدم آنچه تاکنون برشما معلوم شده است خطا کاری اطفال کشور شما بیشتر معلول کدام علتها است و موجبات گمراهی بچه هابیشتر از چه نوع است؟

گفت سه عامل مهم برای این انحراف تشخیص داده‌ایم یکی سختی معیشت، دیگری نداشتن سرپرست دلسوز، سوم نقص‌عقل. بعلاوه طلاق وجدائی مادر و پدر محرك بزرك فساد اخلاق اطفال آنها است زیرا بنای اتفاق و همدستی که برای تربیت فرزندلازم است واژگون میکند و در اینصورت اطفال ولو از حیث وسایل زندگی درزحمت نباشند خصومت و بدرفتاری پدر و مادر درباره یکدیگراثرات بسیار ناپسندی در روح آنهامیگذارد و بخیانات و شرارت وادارشان میسازد.

ضعف قوای روحی سازش نداشتن با محیط و اجتماع بسیاری اوقات سبب گمراهی اطفال میگردد گناه اخیر بیشتر تقصیر مدارس است زیراهنوز

بعضی از مربیان مانمیتوانند بطور شایسته اطفال را با محیط خود آشنا ساخته
برای یافتن راه موفقیت مجهز سازند لذا بچه ها از ناچاری از طریق
خیانت این نقص تربیت خودرا جبران میکنند . اضافه کرد که ماهمه ساله
آمار و خلاصه مطالعات خود را درباره علل انحراف شاگردانی که آنها
را از مدارس معمولی باین دبستان گسیل میدارند میفرستیم وجداً تقاضا
میکنیم که اداره فرهنك توجه زیادتر باین موضوع معطوف دارد.

بهر نسبت که مدارس قوای روحی شاگردهای خود را تقویت کرده
برای موفقیت آماده میسازند و با مقتضیات جامعه آنها را سازش میدهند
از تعداد مشتریان دبستان ما میکاهد.

در باره محرك دیگر یعنی جدائی و طلاق دادگاه خانواده ها از
گزارش این دبستان استفاده کلی میکند . بهمین جهت است که برای پدر
ها و مادرهائیکه ناسازگاری پیشه میکنند یا بیکدیگر خیانت میورزند
ویابی فکری وعدم مآل اندیشی بخرج میدهند وسبب قطع پیوند زناشوئی
و فساد اطفالشان میشوند مجازات های سنگین معین می شود بعلاوه پس
از هرجدائی که محکمه لزوم آنرا اعلام کند اطفال را بحکم اینکه گذشته
از خانواده بملت تعلق دارند تحت سر پرستی اداره رفاه عمومی قرار
میدهند و حتی الامکان از زیر نفوذ و تاثیر این اشخاص بی قید و نالایق
نجات میدهند . مخصوصاً هریك از طرفین را که مقصر حقیقی تشخیص
بدهند هرگونه اختیار را از او سلب و بدیگری تفویض میدارند . اگر

اتفاقاً عدم کفایت هردو نفر باثبات برسد اداره رفاه عمومی سر پرستی اورا تقبل کرده طفل را بخانواده دیگر میسپارد ومخارج اورا از پدر یا مادر هر کدام متکفل اوهستند دریافت میدارد .

حال اگر نقص خانواده که باعث ضایع کردن طفل است ناشی از بی اطلاعی یا عدم توجه پدرومادر بروحیه طفل باشد روانشناس آموزشگاه بآن خانواده آمدوشدمیکند ودستور ها و پندهای ضروری بآنها میدهد وروش تربیت و رفتار با فرزند را میآموزد تا اینکه استراحت روحی وجسمی طفل در خانه فراهم گشته دست از ولگردی بر دارد

اطفالیکه فقر وسختی معیشت آنها راگمراه کرده است اداره رفاه عمومی خود موظف بنگاهداری آنهامیباشد . اگرسنشان از شانزده سال تجاوز کرده میتوانند بکار مشغول شوند . جمعیتهای دینی و نیکو کاری مساعدتهای فراوان درباره آنها بعمل میآورند .

در کشور ما بااین تهی دستی و بی سوادی خانواده ها که آنهارا ازاغلب مزایای زندگی متمدن محروم داشته وموجبات فساد اطفال از هر حیث فراهم است اگر فکری بحال این عده کثیر ازاطفال ولگرد نشود آینده وخیم تر از حال ملت ما را تهدید میکند باید کوشید تا نادانی را که مسبب فقروموجد اغلب معایب دیگر است علاج کرد و جوانانرا تحت تعلیم وتربیت صحیح برای مبارزه با مفاسد اجتماع مهیا ساخت .

در همین مدرسه کـه ذکر آن را کردیم الحق با کمال مهارت

محرکهای بسیار جالب توجه برای برانگیختن حس دیگر پرستی و نوع دوستی و تربیت عواطف تهیه شده بود . در یکی از کلاس ها دسته ای از اطفال مشغول تحقیقات در باره وسایط نقلیه و باربری بودند در کلاس دیگر طرز فراهم شدن آذوقه شهر را مطالعه میکردند. نقشه‌ها ،تصویرها ، کتابها ولوازم کار آنها بسیار زیبا و دلنشین بود . اما منظور معلمین از تشویق شاگردها باین عملیات بیشتر متوجه کردن اطفال بود بهم‌بستگی اجتماعی که بررسی درطرز باربری یا تهیه خوراك اهالی یك‌شهر یاامثال این‌مطالعات آنها را باین‌نتیجه میرسانید واززحماتیکه سایرین در اقصی نقاط کشور یا خارج برای تیهه خوراك وپوشاك همنوع خود میکشند مستحضر میساخت .

این عملیات ومطالعات بارهبری معلمین‌اطفال را بی آنکه خود قصد کرده باشند بتفکر و تعقل وامیدارد ودر طرز جریان وتوسعه افکار وقضاوت آنها مدخلیت تام میبخشد و بمنزله نهیبی است که رفته رفته موجبات هوشیاری و بیداری وجدان آنها را فراهم کرده از اینکه بـا ولگردی ودزدی وتقلب امرار معاش کرده‌حق ناشناسی پیشه کرده اند پشیمان میشوند .

معلـم آنهارا در کار مطالـه کاملا آزادمیگذار وفقط گاهگاهی بایك پرسش بجا ویك کلمه مؤثر دامنه تفکر آنها را بسوی هدفیکه در نظر دارد رهبری میکند . بمناسبت موضوع درس شاگردها را

بدیدن بیمارستانها و موسسات خیریه و آتش نشانیها میبرد تـا در اثر مشاهده فداکاری‌های کارمندان این قسمتها تمایل دیگر دوستی در آنها تحریك شود .

کتابخانه این دبستان پربود ازداستانهای شیرین که باین‌منظور نگارش رفته بوده هرروز فیلمهای مناسب برای انها نمایش میدادند و پس از اتمام فیلم اطفال میتوانستند در باره موضوع آن پرسش یابحث بکنند ، ولی هرگز بآنها نمیگفتند (این حکایت بمامیفهماند که فلان کار را نباید بکنیم) . اطفال نمایشنامه نوشته و بازی میکردند و خود خواهی نخواهی تحت تاثیر آن واقع میشدند .

جوانان را در انتخاب شغل وحرفه کمك میکنند

یکی از هدفهای تربیت آنست که جوانان را بشغل و کاریکه استعداد و ذوق آنرا دارند هدایت کنند و بآنها کسب معاش بیاموزد . بزرك ترین ایرادیکه باموزشگاههای کشورما وارد است همین‌است که اشخاص پس‌ازاینکه سالهای متمادی عمر خود راصرف تحصیل میکنند وبگرفتن دیپلم متوسطه موفق میشوند تازه متحیرند چه حرفه ای پیش بگیرند وبکجا روبیاورند .

بد تر از همه اینکه چون در ایام مدرسه از هرگونه فعالیت آزاد و کار های عملی باز مانده اند سلسلهٔ اعصابشان هیچگونه‌عاداتی که در مقابل تمرین و تجربه عملی حاصل میشود اخذ نکرده است

حال اگردر سن هجده و بیست بخواهید بکارهای عملی بپردازند و با ماشینها وابزار واسباب آشنا بشوند کاره‌شکلی بنظر آنهامیرسد .

البته داشتن استعداد ذاتی یکی از شرایط یاد گیری است ولی آزمایشها وعکس العملها وبوقوع رساندن نقشه‌ها همه از موجباتی هستند که باید تدریجا انسانرا برای فکروتتبع واجری نیات واعمال خود مهیا وماهر بسازند . هرگاه‌دربچگی وجوانی باآنها مانوس نشده وخونگیرند مسلماًکارشان‌مشکل میشود

چه بسامردمیکه پس پایان دوره متوسطه مایل و مشتاق کارهای صنعتی شده اند ولی بواسطه ناماًنوس بود با آن بسختی و اشکال بـر خورده نا چار از این فکر روگردان وپشت میزهای اداره را باعادت وتربیت خود سازگارتر دیده اند .

عیب دیگریکه از این طرز تربیت ناشی میشود این است کـه تحصیل کرده های ما چون عادت بـه علم بی‌عمل میکنند حتی در کار های اداری‌هم دستور هاورفتار آنها غیر عملی است و غالباً با تخیل و تصور امور نظری وقت خود را میگذرانند وکار موثری انجام نمیدهند حتی تولید زحمت‌برای‌سایرین و آنهائیکه‌مشغول کسب وتجارت‌وصنعت هستند فراهم میکنند چون غالباً اطلاعات عملی ندارند قوانین که وضع میکنند ناقص است و ناچار هنوز چندروز از اجرای آن نگذشته نقض آنرا اعلام می کنند نمیتوانند آنطوریکه شایسته این‌عصراست هنرها و

صنایع کشور را ترقی بدهند ورونق کاروکسب را فراهم کنند لـذا با رقابتی که دربازارهای دنیاوجوددارد بزودی صنعتگران مأیوس ودلسرد گشته کارخانه‌های خودرا میبندند و تجارت امتعه خارجی را تـرجیح میدهند . حتی در این‌راه‌هم باهر پیش آمد کوچك‌تاب مقاومت‌نیاورده ورشکست شده مقروض وپریشان میگردند .

تشکیلات راهنمائی مدارس بر عهده دارد مساعی کافی در این قسمت بخرج بدهد و از طفولیت بچه‌ها را بفعالیتهائیکه با اجتماع خود سروکار دارند ودر آن تأثیر کـرده موفقیت حاصل میکنند تشویق نمایـند .

تمام شرایط یادگیری علم وعمل را در باره آنها رعایت نماید و قوای فکری و بدنی شاگردان را در راههای مختلف بکار میآندازدباتکرار وتمرین عادات لازم را در آنها ایجاد کند . این ترتیب شوق‌هنر آموزی را بر میانگیزد واین نقص مهم را ازمدارس ما بطرف میسازد

۳ ـ بازیها وتفریحهای اطفال و جوانان را تحت توجه قرار میدهد

بازی حرکات واعمالی را میگویندکه بطور آزاد وبرای تفریح و تفنن ازانسان سرمیزند. اگر بگوئیم اهمیت بازی درتربیت صفات‌واخلاق ودر مزید دانش وبینش‌وتشکیل شخصیت اطفال‌ودرتجربه وهنر آموزی

آنها بمراتب ازدرسهای مدرسه بیشتر است اغراق نگفته‌ایم .

بوسیله بازی کودك با اشیاء دورخود آشنا میشود ، خواص آنها را میفهمد . اگر بچه‌چیزی را زمین‌میزند برای این‌است که میخواهد با تجربه بفهمد قابل شکستن است یاخیر . اشیاء را لمس کند تا سفتی و نرمی آنها را بداند بدهان میگذارد تاطعم آنرا تجربه میکند . رفته‌رفته بازیهای اوصورت پیچیده ترپیدا میکند بخراب‌کردن و ازهم پاشیدن و بعد بساختن واختراع کردن‌میپردازد . نقشه معینی که‌درذهن‌داردبموقع اجراء میگذارد . وگاهی‌دروسط یك‌کارفکرش‌متوجه جای‌دیگرمیشود وازآن دست میکشد .

در جوانی بازیهائی طرف میل واقع میشوند که در آن‌انسان شخصیت خود را نشان میدهد . فکرمیکند ، وقشه میکشد ، تصمیم میگیرد، عمل میکند ، موفق‌میشودورضایت خاطرپیدا میکند . تجاربش را تکرار میکند ودراین گیر ودار ازحیث قدرت بدنی وروحی ورزیده میشود اخلاق وصفات اوتهذیب میگردد .

تفریح وتفنن اگر صرفاً از جنبه لذت و خوشی هم ملاحظه شود برای زندگی‌انسان‌لازم است نه تنها درعصری که مازندگی میکنیم بلکه درتمام قرونی‌که برانسان گذشته است بصرف‌کردن وقت بیکاری ونوع تفریح افراد واجتماعات اهمیت زیاد داده شده چه دراین هنگام استکه انسان آزادانه بکارهائی میپردازدکه نماینده طرز تفکر واخلاق اوست

بعلاوه این اعمال بیش ازهمه وقت دراو تأثیر دارد . دراین موقع است که جوانان ما گرفتار بسیاری ازرذائل اخلاقی وعادات خانمان برانداز گشته بنیاد خوشبختی آنها متزلزل میگردد . مسئله تفریح در کشور ما شاید بیش ازسایر نقاط دنیا شایان دقت و توجه باشد . چه هر گونه تفریح ملی وسودمند ما متروك گشته و کار بجائی کشیده که ازطریق تفریح وتفنن بلای تریاك نژاد ایرانی را مسموم میکنند . مردها زن ها حتی اطفال معصوم ما با تریاك ومتفرعات آن بخواب بیخبری رفته سستی و بیحالی و تنبلی پیشه کرده دچارضعف مزاج وضعف اراده شده‌اند . عمر خود را درحالتی میان مرك وحیات بآخر میرسانند . هم در موقع تفریح است که زنان ما پس از گشودن چهره وشرکت درمجامع عمومی بجای انجام تکالیف اجتماعی وتکمیل نواقصی که از کناره گیری آنها متوجه این ملت شده است ببسیاری ازمفاسد آلوده شده یا مستغرق درتجملات گشته منظور حقیقی را زیرپا گذاشتند وبهانه مناسبی بدست دشمنان ایران که مخالف بیداری زنانند دادند . آشنا ساختن دختر ها و پسر های مدارس با وقت گذرانی های سالم مثل تشکیل باشگاههای ورزشی و تماشای صفای طبیعت وراه پیمائی وعلاقمند شدن بموسقی ونمایش بسیار لازم است تانیروی بدنی و روحی آنها را تقویت کند و در اخلاقشان تأثیر نیکو ببخشد . الکل وتریاك وقمار بهجرقه آتش میمانند که چون بدامان کسی بیفتند در اندك مدت شعله کشیده سراپای وجودش را

میسوزانند .

متفرق کردن اجتماعات مضر که بنام تفریح و وقت گذرانی تشکیل شده وجامعه ما سالها است که از مفاسد آنها رنج میکشد جز بوسیله عادات بخوش گذرانیهای دلپذیر میسر نیست .

٤ ـ زندگی اجتماعی را اصلاح میکند

انسان متمدن با سایرین زندگی میکند تا بوسیله تقسیم کار و همدستی بار احتیاجات خود را سبکتر بدوش بکشد . در مقابل منافعی که هر کس از قبـال جمعیت میبرد فرایض و تکالیفی دارد که این همکاری وزندگی مشارکتی را میسر سازد .

ادیان یکی بعد از دیگری در تکمیل روابط اجتماعی کوشیده قوانین اخلاقی بوجود آوردند تا صلح وسازش وبی آزاری ایجاد کنندوهر گونه مناقشه ونفاق را از میان بردارند . قوانین کشوری و بین المللی ضامن تکالیف اجتماعی وممانعت از اجحاف وتعدی هستند . آموزشگاه بوسیله تشکیلات خود شاگردان را متوجه کمال مطلوب اجتماعی میکند ورفتار مستقل هریك از افراد را اندکی هم بسوی منظورهای دسته جمعی سوق میدهد تا روح افراد مثل سیر افلاك وگردش ثوابت و سیارات در عین آزادی تابع نظام کلی باشند واساس سازگاری ونیك بختی همگانی را فراهم دارند .

اداره ارشاد مدارس فراقب شاگردان کناره گیر ومنزوی میشود

و علت رنجش و بی میلی آنها را از همسالانشان پیدا میکند. شاگردان موذی ومنافق را هم از پرتو مراقبت خود بی بهره نمیگذارد.

اطفالیکه در خانواده های نا سازگار زندگی میکنند از آنجا تخم کینه وحسد و نفاق در دلمیپرورانند. متأسفانه تعداد این خانواده ها در کشور ما زیادند و بهمن جهت اطفال براه نمائی و محبت بیشتری محتاجند

فقط آموزشگاهی لایق پرورش اطفال قرن اتم است که بتواند هر گونه وسیله جنك وستیزرا ازخانه‌ها و کشورها وازروی زمین معدوم بسازد.

درسلامتی شاگردان میکوشد.

مدارس ملل مترقی بهداشترا چنان تعلیم میدهند که نه تنها تمام اطفال بدان عمل میکنند بلکه بمنازل آنها سرایت کرده درنتیجه نظافت و مراقبت بیشتری درغذا و رختخواب ولوازم زندگی خانواده‌ها پدیدار میشود. این روش درمدارس بعضی از کشور ها بخصوص خیلی رواج دارد و ازراه ارشاداطفال قوانین ومراسم بهداشت رادر خانواده‌هارواج میدهند در باره مدارس روسیه مینویسند. یکی از شاگردان کلاس چهارم بدیدن پزشك دبستان آمده‌ازاو می پرسید که پدرش را چگونه ازسیگار کشیدن بازبدارد؟ زیرا بتازگی دانسته است که‌دود سیگار برای سلامت بدن مضر است ومیخواهد بطرز موثری این موضوع را برای

پدرش بیان کند. پزشك پاسخ داد کتاب خودتانرا باو نشان بدهید و گفته های معلم را بیان کنید بعلاوه عکسهای ریتین شخص معتاد بـه سیگار را که من نزد شما بامانت خواهم گذاشت بـرای ایشان ببرید و شرح بدهید.

پزشك و پرستار آموزشگاه بوسیله سازمان ارشاد بسیاری از کج خلقی‌ها و کم استعدادیهای اطفال را که از ضعف مزاج ناشی میشود معالجه میکنند با برطرف کردن نقصهای بدنی در اصلاح حالات روحی شاگردان قدم های بلندی برمیدارند حتی بسیاری از انقلابات ناگهانی یا دائمی روحی را بوسیله معالجات جسمی و بهداشت بدن برطرف میسازند.

تامیتوانند محیط مدرسه را باشرائط بهداشت تطبیق میدهند و در آنجا وسائل پاکیزگی و پرورش بدن مانند اسباب شستشو دست و رو وفضای کافی و نور وهوارا فراهم میکنند تااطفال رابا موجبات سلامتی معتاد بکنند و درسی که بطور تئوری داده میشود وبچه ها بآن رفتار نمیکنند ارزش تعلیمات مدرسه رامیکاهد و گفته معلم را بی قدر میکند معلمین ارشاد کننده موظف هستند وسیله عملی کردن دروس رافراهم کنند و نگذارند شاگردان حالت بی اعتنائی و بی قیدی بـدانسته های خود و گفته های معلم پیدا کنند

با این مقیاس میتوانید قدر وقیمت درسهائی راکه نه فقط شاگردان بلکه خود معلم هم خلاف آن رفتار میکنند بسنجید وعلت بی حاصل بودن

تعلیمات مدارس مارا بدانید .

۶ - شخصیت اطفال را تربیت میکند .

انسان از زمان تولد دارای غرائز واستعداد های نهفته میباشد که در مقابل محرکات خارجی عکس العملهائی نشان میدهد و منشاء بروز حالات وعاداتی میگردد . ازطرفی صاحب عقل و فکر و قضاوت است که‌درمواردلزوم آنهارابکارمیاندازد. مجموعه‌عادات‌وتمایلات‌وانفعالات و طرز فکر وقضاوت هر کس شخصیت ممتاز او راتشکیل میدهد وتفاوت میان اشخاص‌را فراهم میکند شخصیت هیچکس‌تمام و کمال ارثی نیست. قسمت مهم آن‌را ازمحیط کسب‌میکند ولی ازآنجائیکه‌محیط‌خانوادگی وعادات وتمایلات ونوع عکس‌العملها غالباً از پدران و اجداد کسب میشود تأثیر وراثت زیادتر ونمایانتر است با وجود این میتوان بواسطه فراهم کردن پاره ای عوامل عکس‌العملهای مطلوب وتغییرات مهمی در شخصیت اطفال وارد نمود . بعبارت آنها را تربیت کرد .

در باره جوانان ایران بایستی توجه مخصوص بـه تـربیت غریزه استقلال طلبی مبذول‌شود تا بندهای رقیت واطاعت را که خانواده ها بر حسب عادات دیرین بر پای‌طفل‌میگذارند وتشکیلات‌اجتماعی گره‌های محکم بر آن میزند‌پاره‌نمایند .

اطفال ایرانی در حقیقت نه‌درخانواده ونه درمدرسه معنی آزادی ومسئولیت‌را درک‌نمیکنندتمام عوامل تربیتی طوریست که‌آنها بنده‌و برده

و یا خود سروبی ملاحظه بار میاورد . بازیها و فعالیتهای اجتماعی موارد بسیار خوبی برای رشد شخصیت مطلوب بدست میدهد ۰ اطفال هر یك بآزادیوارددستهوجمعیتی میشوند و بطیب خاطر مسئولیتهائیکه دربرابر رفقایخودبرعهده گرفتهاند رعایت میکنند ، دراین ضمنمفهوم بردباری و گذشتوباریومهربانی را میفهمند .

معلم دانشمند با تذکرات بجا اطفال را بعکس العملهای بهتر تشویق میکند ، مثلا بطفلی که از رفیق خودکتك میخورد وگریه کرده ضعف نفس نشان میدهد میفهماند که بهتراست شخصی متجاوز را مورد مأخذه قرار بدهد و یا بوجه موثری مجازات و تنبیه کند نه اینکه درمقابل متعدییاهرخطر کوچك شده ازترس خود را ببازد . راه صحیح اینست که آرامش را از دست ندهد و بفکر چاره بیفتد ۰

طفل را عادت میدهد تا اگر هدفی دارد و میخواهد بدان برسد از راه تکاپو وسعی وعمل ومقاومت دنبال آن برود ۰ خیانت وبدخواهی را وسیله قرار ندهد ۰ بطور کلی حفظ کردن وآموختن دروس ساختهو پرداخته، افراطدرتقلید، اطاعت کورکورانه کهدرمدارس ایرانموسوماست بشخصیت طفل لطمه میزندواورااز استقلال فکروابتکارباز میدارد وباروش تربیتی که درخانوادههامتداول استدستبدست یکدیگرداده شخصیتهای سست ونااموزون و اشخاص بد بین وضعیف النفس بوجود میاورد و از پرورش شخصیتهای مستقل ومبرز جلوگیری میکنند ۰

سازمان ارشاد احتیاجات نفسانی اطفال را بر آورده می سازد.

هر قدر تمدن عالم وظائف پیچیده تری را بعهده ما میگذارد و اوضاع اقتصادی وسیاسی و اجتماعی را مشکلتر و افراد انسان را بقیود آن گرفتار ترمیکند بیماریهای روحی رو بافزایش میگذارد . لازم است مربیان توجه ومراقبت زیادتری درباره اطفال بعمل بیاورند وآموزشگاهها که با دوره طفولیت وجوانی سر وکار دارند بیش از این در کار خود مسامحه روا ندارند . اگر درقبال کارهای فکری که زحمت جوانان را زیاد میکند مراقب بهداشت روحی آنها نشوند اختلالات عصبی وفکری کار ما را ازاینکه ؛ همت زارتر میکند .

راست است که مداوای بیماران روحی احتیاج بپزشکان مخصوص ومواظبت بسیار دارد و ازعهده آموزشگاهها بیرون است ولی چیزیکه بر معلمین فرض است معالجه بیماران نیست بلکه جلوگیری از شیوع وابتلای جوانان بآن است .

بهداشت روحی عیناً مثل سلامتی جسمی اطفال ازوظائف آموزشگاه است . تماس عده کثیری ازاطفال که واجد شرایط نامساوی هستندخود محرك عواطف شدید ازقبیل حسادت وخشم ونفرت میگردد .

حال اگر معلمین متوجه نباشند وبعلاوه روش پرورش آنها باقوه وقدرت واحتیاجات شاگردان وفق ندهد عصبانیت ودلتنگی بارمیاورد و

همین تحریکات تدریجی منجر باختلال کلی حواس میگردد .

البته تعداد بیماران را نباید متوقف برهمان عده اشخاصیکه حرکات جنون آمیز شدید میکنند دانست . بسیاری از حالات و حرکات غیر طبیعی که علت آنها برما مجهول است ورفتاریکه دال بر ناسازگاری با محیط است وعکس العملهای غیر منتظره که در مقابل جزئی تحریکاتی بروز میکند علائم و آثار بیماریهای روحی هستند که اگر جلوگیری نشود بوخامت میکشد و زندگی شخص را از حال عادی و معتدل خارج میکند .

معلمین جایز نیست که رفتار نامنظم وعجیب وزود رنجی وملالت خاطر اطفال را چشم پوشی کنند و در صدد یافتن منشاء و علت آنها بر نیایند .

مهمترین کار سازمان ارشاد مدارس پی بردن باین موضوعهااست احتیاجات فردی هر طفل و جوان را در می یابد و قبل از اینکه فشار نامرادی آن ها را در چنگال بیماری روحی قرار بدهد چاره جوئی می کند .

اکنون مهمترین نیازمندی‌های نفسانی شاگردان راکه محرومیت از آنها موجب صدمات روحی میگردد برای جلب نظر معلمین محترم شرح میدهیم .

طفل احتیاج بامنیت واطمینان خاطردارد.

کودك از زمان تولد موجودی ضعیف واتکالی ونیازمند بغمخواری وپرستاری است همینکه متدرجاً با دنیای خارج خود آشنا شد وباقدمهای لرزان به اینطرف و آنطرف روی آورد چون احساس خطر و زحمتی بکند بدامان پر مهر مادر و آغوش توانای پدر پناه میبرد و از آن ها استمداد میجوید.

همینکه بدوره جوانی رسید و گرفتار انقلابات عجیب این موقع گردید بازهم مشاور و راهنمای صمیمی میخواهد تا هنگام هجوم افکار مختلف وجنك سختی که میان تمایلات متضادش پدیدار میشود واز خود را با او درمیان بگذارد وعقده دل رابگشاید.

اگرطفل فاقد چنین یارسازگار باشد ودر اطرافش یك تن علاقه‌مند پیدا نکند که با او سهیم غم وشادی امید ونا امیدی باشد دچار بیماری روحی میگردد عدم امنیت واطمینان خاطر احساس میکند.

پسرها و دخترهائیکه از والدین روی خوش نمیبینند و آنها را مهربان وقابل همدردی خود تشخیص نمیدهند یا درکودکی و جوانی بمرك والدین داغدارمیگردند یا طلاق وناسازگاری میان مادر وپدرشان سنك تفرقه میاندازد دچارضایعه بزرگی هستند که گاهی بکلی سرنوشتشان را دگرگون می کند.

اگر با نظر کنجکاوی در اطرافیان خودمان بنگریم عواقب وخیم

کودکانی که تکیه‌گاه طبیعی خود را از دست داده اند بچشم مشاهده می‌کنیم و ملتفت معایب ومفاسدیکه ازاین طریق روی میدهد میشویم .

علمای روانشناسی دراثر آزمایشهای دقیق نتایج وخیم پرورشگاههای معمولی را کشف کرده‌اند . کودکانیکه دراینگونه مراکز تربیت میشوند هرچند ازلحاظ آسایش جسمی درکمال رفاه باشند چون مادر غمخوار وپرستار مشقت ندارند وناز ونوازش نمی‌بینند اغلب فاقد رحم و محبت میگردند واسباب زحمت اجتماع را فراهم میکنند .

لذا امروز کشورهای متمدن مخالف سپردن کودکان باین موسسات بیروح هستند وسعی دارند تا پرورشگاهها را از آن حالت خشك و نا مانوس اداره و کارخانه بیرون آورده صورت خانواده بآنها بدهند . اکنون بسیاری از بانوان خیر خواه داوطلبانه هریك سمت مادری برای یك یا چند کودك بی‌سرپرست قبول میکنند وآنهارا روی زانوی پرمهر خود پرورش داده ازناز و نوازش و غمخواری بهره‌مند شان میسازند ، تا احساسات لطیف بشری را تحریك کرده در تهذیب اخلاقشان بکوشند.

در میان اطفالیکه بآموزشگاه میروند پسرها و دخترهائی پیدا میشوند که حرکات غریبی بروز میدهند وگاهی خود را بغش وحمله‌زده زمانی بیجهت گریه میکنند یا بیعلت متغیر میشوند چند سال پیش که من مدیر دانشسرا بودم یکی از دخترهای مدرسه توجه معلمین را بخود جلب کرد زیرا بیشتر اوقات خود را صرف آزردن و خسارت رساندن

بشاگردان میکرد طوریکه موجبات گـرفتاری بزرگـی جهت اداره آموشگاه بود چون از نصیحت و ملامت هیچیك فایده‌ای ندیدیم مادرش را بمدرسه خواندیم ، و اینموضوع را با او در میان گذاشتیم . گرچه این زن بکلی از این حالات دخترجوانش غافل بودولی درضمن گفتگو معلوم شد مدتی‌است بین پدرومادر این دخترجدائی افتاده وپدرش زن‌و مادرش‌شوهراختیار کرده است هردو پس ازتجدیدازدواج‌فرزندان دیگر دارند اما پدر هرگز نامی از این دختر نمیبرد ، حتی خواهر وبرادر-هایش از حال خواهر بزرگتر خود بیخبر و شاید از اوبیزارند ٠ و بااو معاشرت ندارند ٠

بعد هاکه باوضاع خانوادگی او روشن ترشده بودیم درملاقات بادختر کرارا راجع بپدر ومادر و برادر وخواهرهایش پرسش کردم. دفعات اول جواب درستی نمیداد و بدفع‌الوقت میگذراند . تا اینکه در در اثر این مهربانی من بالاخره یکروز گریه را سرداده و عقده را از دل تنك خودگشود وراجع باوضاع زندگی خود شکوه نمود ازشوهر مادرش که با وجودتهی دستی مخارج اورا میداداظهارشرمندگی‌میکرد ولی سخن‌که بپدرش رسید ملتفت شدم‌که نسبت باوکینه شدیدی دارد و از تفاوتیکه میان او با اطفالیکه از زن دیگر دارد میگذارد حس انتقام دردل میپروراند . از این ببعد نسبت باحوال او رسیدگی بیشتری میکردم چون دختر عاقلی بود کتابهائی که درشرح احوال بزرگان‌عالم

نوشته شده و رنج و مصائبی که سبب تهذیب اخلاق و پرورش حس اتکاء بنفس در آنها شده‌است باو میدادم که بخواند وسعی کردم تادوستی واعتماد او را نسبت بخودم جلب کنم . خوشبختانه کم کم تاحدی بهبودی یافت و هرقدر رنج درونیش تخفیف مییافت درحرکات خارجی اومؤثر واقعشده کمتر پیرامن آزاررساندن بسایرین میگشت .

حس عدم امنیت باسایر عوامل اجتماعی که در طفل موثر است آمیخته گشته غالباً بصورت بدبینی کینه توزی و سایر عواطف وانعکاسات شدید دیگر ظاهر میشود و منشأ اعمال خطرناك میگردد . اگر معلمین کودکان خودخورو کناره گیر که همواره در یك گوشه ایستاده با چشم حسرت یاعیبجوئی بسایرین نگاه میکنند زیرنظر قرار بدهند ، بکشف راز درونی آن ها بپردازند و خود را یار و غمخوار آنها نشان بدهند این آتش‌های درونی که شعله‌جانسوزشان بدامان‌عده دیگر گرفته‌خسارت کلی باجتماع خواهدرساندخاموش کرده‌اند . متاسفانه بی‌اعتنائی معلمین باین موضوع گاهی مخالفتهای شدید میان شاگرد ومعلم ایجادمینماید و حتی بزدو خوردهم منجر میشود .

طفل احتیاج بمقبولیت در جامعه دارد

کودك و جوان نیازمند آنست که همسران و همسالانش بنحو شایسته او را بپذیرند . همبازی و رفیق موافق خود بدانند وجای مناسبی

در اجتماع خویش باو تفویض کند هرگاه طفل بعلتی از دسته خود مطرود و مردود شود و سایرین او را ببازی نگیرند و دست دوستی بسویش دراز نکرده یا باسردی و بی‌میلی با اومواجه شوند کودک دچار محرومیت میشود واین حس طبیعی ارضا نشده دیریازود بصورت خاص خود نمائی میکند .

اطفالیکه دچار معایب بدنی مثل شلی یا کری یا کراهت منظر هستند یا کثیف وبد لباسند غالباً مورد بی مهری همسالان خود واقع میشوند . همچنین کسانی که در اثر تربیت خانوادگی لوس و خود خواه ومتکبر بار آمده‌اند و یا توسری خور ونالایق و باصطلاح سیاه بخت پدرومادر هستند باین سرنوشت مبتلی میگرددند و درنتیجه موذی و بدخواه سایرین میشوند سازمان ارشاد اینگونه اطفال را از عواقب وخیم آن نجات میدهد و نمی گذارد این خصال نا پسند در آن ها بیدار شده ریشه بدواند .

خوب بخواهید اطفال ناقص ومعیوب آنقدر که ازسخنان شماتت آمیز اطرافیان و دلسوزهائیکه هر لحظه آنها را متوجه حال خودشان میکنند مایوس ودلتنگ میشوند وحس شرمندگی و کناره گیری ازدیگران پیدا میکنند صرفا از نقص خلقت خود درعذاب نیستند .

(این طفلك را آزار ندهید او نمیتواند مثل شما بدود ه با او مهربانی کنید دستش رابگیرید . آخ ! چه بچه قشنگی است چراینطور

شده ؟ چقدر بدبخت است)

همین جملاتیکه از روی محبت و غمخواری ادا میشوند در حکم سم مهلکی هستند که افکار طفل را ضعیف و او را عاجز ودرمانده می سازد .

معلم یا پدر و مادر هوشیار طفل را مطمئن میسازند که قدرت و مزیت انسان فقط مربوط بیك عضو بدن نیست و چون بقیهٔ بدنش سالم است میتواند این نقص کوچك را جبران کند . (تو همه کار میتوانی بکنی عینا مثل سایر بچه ها هستی یك عصای کوچك اضافه برسایرین داری) اینها سخنانی بودند که معلم یك کودکستان خارجی بطفل لنك که نمیخواست با سایرین کشتی بگیرد میگفت

(در مدرسه کورها و کر ها نخستین اقدام معلمین درباره اطفال تازه وارد تقویت روح آنها است . با اصلاح طرز راه رفتن وحرف زدن علائم ضعف ودلتنگی راازآن‌ها برطرف میسازند آن‌ها را عادت میدهند که راست راه بروندو دلیرانه رفتار کنند شجاع و امیدوارباشند اطفال ناقصی که حس تفوق خواهی آن ها شدت دارد تشویق میکنند تا سایر قوا مخصوصا وهر استعداد خاص که دارند تقویت بشود و هر گونه شهرت و مقامی را که طالبند از آن راه جستجو نمایند و برای نیل بمزایائیکه میل دارند کوشش نمایید مأیوس وافسرده نباشند .

اما حالات واطواریکه در اثرتربیت نا متناسب پیدا میشوندزودتر

قابل برطرف شدن هستند و دراثر مراقبت استادانه معلمین تخفیف زیاد پیدا می کند . مطلبی که شرح می‌دهم نمونه‌ای از طرز مداوای اینگونه بیماران است .

دختری بپزشك روحی مراجعه نموده از عدم مقبولیت خود نزد همگنان شکایت کرد . پزشك پس از تحقیقات لازم دریافت که دختر جوان بعلت وجود دختران زیبا در خانواده خود و اینکه او درخوشگلی بپای آنها نمیرسید وطرزرفتار اطرافیانش حس عدم رضایت و اطمینان و موفقیت پیدا کرده و گرفتار خجلت وکم روئی شدید شده است . این حالت اکنون در رفتارش بطرز نا مطلوبی جلوه میکند و او را خشن و خشك معرفی کرده همسالانش را از او دور میسازد . همین روحیه در طرز لباس پوشیدن و آرایش کردن او هم بی تاثیر نیست زیرا علائم بی قیدی و بی سلیقگی از ظاهر او نمایان است . لذا باین صورت شروع بمعالجه کرد .

او را بمجلس ضیافتیکه همان هفته در منزل پزشك بر پا میشد دعوت کرد . ولی بدختر دستورداد تانزد خیاط قابلی برود . بدون اینکه خودش دخالت کند بدستور خیاط لباس تهیه کند . آرایش خودرا بعهده آرایشگر بگذارد و قدری زودتر از سایرین در مجلس مهمانی حاضر شود . روز موعود پزشك از او خواهش کرد تا مراقب باشد هر زن‌مرد جوانی که تنها ایستاده و باکسی آشنا نیستند بسیایرین معرفی کرده

موجبات شناسائی آن ها را فراهم نماید و از این راه بپزشک درپذیرائی مدعوین کومك کند و نگذارد بکسی بد بگذرد .

دختر که در این شب ازلباس و موی خود رضایت داشت بااطمینان بیشتری میان جمعیت گردش می کرد و بر حسب وظیفه ای که پزشك برایش معین کرده بود بکسانیکه تنها و نا مانوس مانده بودند متوجه میشد و با آن ها صحبت میداشت چون جلب خوشنودی و محبت آنها را میکرد از درجه یاسیکه نسبت بموفقیت خودش داشت کاسته میشد ضمنا عده ای دوست و آشنا برای خود تهیه میکرد .

روان شناس با اینگونه موجبات توانست پس از چندی حس عدم مقبولیت راکه نتیجه تربیت غلط او بود تخفیف بدهد و اورا قابل پذیرش در اجتماع بکند .

طفل احتیاج بموفقیت دارد

بچه برحسب طبیعت مایل بتقلی و کوشش است . گاهی بعملیات گوناگون مستقل و زمانی تقلید و پیروی از دیگران میپردازد و چون عملی انجام دهد سبب خرسندی او شده زیر چشم بسوی مادر و پدر و اطرافیانش مینگرد تا در این رضایت خاطر باو شرکت جویند و با دیده تحسین وتمجید درپیشرفتش بنگرند . این کامیابی شخصی واظهار خشیودی سایرین بمنزله نیروی محرك کاروفعالیت بشمارمیآید وشخص رادر ابزاز شهامت وقدرت جدی ترمیگرداند .

از این غریزه بشری رهبران اجتماعی استفاده های فراوان کرده و اشخاص‌را با تشویق‌وتشجیع حتی‌برای‌فداکاری وجانبازی مهیامیسازند در تمام مسابقه ها و عملیات سربازی وجنگی سعی میکنند تا قوت قلب و امید بفتح وفیروزی را عامل افزایش انرژی قرار بدهند یا بر عکس برای اضمحلال وناتوان کردن یك فرد یایك دسته روحیه اورا خراب کرده نا امید ومأیوسش بسازند .

روی همین نظر لازم است برنامـه ودروس هریك از کلاسهای آموزشگاه را بقدر قوه و قدرت‌اطفالیکه بتحصیل میردازند تهیه کنند واز دادن هر تکلیف مشکل که فوق قدرت‌شاگردان باشد و ناچارعده کثیری بشکست وعدم موفقیت روبرو شوند وحتی از اینکه میلی را در کودك بـر انگیزند که بر آوردن آن بـرایش مقدور نباشد اجتناب کنند .

پس اگر معلم برای‌ایجادرقابت‌میان‌همکلاسها موفقیتهای سایرین را بچشم شاگردهای ضعیف بکشد واین شوق و میلی کـه ایجاد میشود نتواند هدایت کرده ومورد استفاده قراربدهد چه بسا زیان بزرگی به نفسانیات اطفال واردمیسازد وعقده‌ای دردلها میزند که دیریازوددست حسد وبد خواهی برای گشودن آن‌شرکت‌میکند . هر قدر میل شدید تر واحتیاج بموفقیت بیشتر باشدصدمه روحی سختر وعکس‌العمل آن خطرناك تراست بسیاری از شاگردان مدارس بهمین علت مخترع طرق

مختلف خدعه و نیرنك شده واز راههای ناپسند کامیابی خودرا جستجو میکنند وازبیراهه در پی تلافی این شکست میروند . اغلب بدکاران ومقصرین جنبه وجنایت که بدون علت انتفاعی بکارهای زشت مبادرت ورزیده اند از زمره موجودات شکست خورده بشمار میآیند که خواسته‌اند انتقام خود را از راههای غیر قانونی بکشند وغریزه موفقیت طلبی راکه جریحه دار شده تشفی نمایند شرح حال جوانیکه دستبرد باشیاء کم بهای زنان میزد درهمین بخش ذکر آن رفت نمونهٔ از این عکس العملها بدست میدهد .

همین‌اواخر دوستی ازوضعیت پسر پانزده ساله‌خودیمن شکایت کرده میگفت این‌جوان با اینکه کاملا سالم بنظر میآید بسیار بیعرضه وناتوان است بهرچه دست‌میزند شکسته وخراب میکند خود را برای قبول هرگونه مسئولیت وتعقیب هر نقشه ای عـاجز میداند حتی از خواهر وبرادر کوچکترش کتك‌میخورد وبجای اینکه ازخودش‌دفاع کند گریه وشیون سر میدهد

از حال او تحقیق کردم معـلوم شد تا آخر کلاس سوم شاگرد بسیار خوبی بوده ولی در کلاس‌چهارم ابتدائی چندماهی دچاربیماری حصبه شده ناچار کلاس‌را تکرار کرده است . این پیش آمد بی‌اندازه برطبع او گران بوده درآن سال با کمال کراهت بمدرسه میرفته است آخر سال برای‌قبول‌شدن دونمره‌کسر داشته ومعلم بعذر اینکه شاگرد

دوساله است وباید بیش از این لیاقت بخرج بدهد از ارتقاء او بکلاس پنجم مانع شده است . از این ببعد به تنبلی و بی عرضگی نامزد شده و سالهای بعد پی در پی با ناکامی وشکست روبرور گشته و هرسال بیش از بیش در مدرسه و در خانه او را مستحق توبیخ وتحقیر دانسته اند

حتی یکی دوباردر برابر تمام شاگرد های مدرسه سر زنش شده. با این عمل یاس و بی اعتمادی این طفل نسبت بخودش افزایش یافته است والدین او را متوجه علت درماندگی پسرخودشان کردم و توصیه کردم تا از دبستان بیرونش بیاورند وبیك کلاس خصوصی بگذارند از معلم خواهش کردند تکالیفی بعهده اوبگذار که بخوبی از عهده برآیدواز لیاقت وپیشرفت خود اطمینان حاصل کند . همین کار اندك اندك تا حدی حس عدم موفقیت را از او زایل کرد و از این روحیه خطرناك خلاص شد .

مدارسی که اطفال را باین وضعیت مبتلی میکنند ونا امید وافسرده میسازند بمنزله دستگاهی هستند که میخواهند از اطفال پرشوق ونشاط مردمانی بی حال و بی عرضه بسازند و تحویل جامعه بدهند.

طفل احتیاج بآزمایش و بکار انداختن قوای عقلی دارد

اعمالیکه فقط ازروی تقلیدو سر مشق انجام بگیرند و فاقدابتکار

و آزادی عمل باشند موجبات رضایت خاطر اطفال و جوانان را فراهم نمیکنند این موجودهای کنجکاو و هوشیار میل دارند با مسائل مبهم و وقایع پیچیده و شیرین روبرو بشوند تاگره آنها را با فکر خود بگشایند و عقل و هوش را بیاز مایند

از این حس کنجکاوی و تمایلی که اطفال بکشف وقایع مرموز و مخفی دارند میتوان استفاده های زیاد کرده و آنهارا بتمرینهای دلپسند که موجب ورزش هوش است تشویق کرد .

بازیچه هائیکه اطفال شخصاً بتوانند ساخته و خراب کنند، جدولها و معماهائیکه قادر بحل کردن آنها باشند، انجام تکالیف درسی که موضوع آن برای اطفال دلنشین و جالب باشد، بسیار نشاط آوروسودمنداست مشروط براین که موضوعها با سن و استعداد آنها وفق بدهد و آن قدر مشکل نباشد که از عهده برنیایند و یا از زیادی تکالیف خسته وفرسوده به شوند .

متاسفانه برنامهٔ مدارس ما اهمیتی باین اصل مهم ترتیبی نمیگذارد و اکثر معلمین تصور میکنند وقتیکه توضیحات کافی درباره هر درسی بدهند و بیان رساداشته باشند اطفال موظف بدرك آن موضوع و یاد گرفتن و قبول کردن آن میباشند وهمینکه دراطفال احساس بیعلاقگی کردند دلیلی بر بازیگوشی و تنبلی آنها میدانند . حال آنکه حقیقت غیر از این است طفل معلوماتی را تحلیل میبرد و جزو وجدانیاتش میشود که شخصاً هوش خود رابکار انداخته کنجکاوی بکند و آن را در یابد همانطور که بدون پیداشدن

اشتها غذا گوارا و قابل هضم نیست نفس انسان جویای حقیقتی نباشد معلوماتیکه باو عرضه میشود هرچند قیمتی وسودمند باشدبدورمیاندازد و بدست فراموشی میسپارد .

اما شوق و حرارت دانش طلبی و پی جوئی اطفال در زیر فشار وظایف سنگین غیر اختیاری مدرسه یابکلی تضعیف وخاموش میشود و از فواید آن بی‌بهره میماندیا احیانا دراطراف‌مقاصد ونقشه های بیهوده دورزده بهدر میرود .

گمان نمیکنم کسانیکه‌درمدارس ما تحصیل کرده‌اند انواع تدابیر و زیرکیهای بعضی شاگردان را که از روی کمال هوش و دقت درامور بی‌ارزش یازیان آورمثل‌هجوکردن‌معلمین‌وآزاررساندن کارمندان‌مدرسه بکار میبرند بیاد نداشته باشند .

درآموزشگاه هائیکه امرتحصیل باآزادی‌بیشتری صورت‌میگیرد و بدروس عملی و اختیاری اهمیت خاص گذاشته میشود ، اطفال آماده درك حقایق و جستجوی وقایع ضروری و سودمند زندگی میشوند و با کمال‌میل‌درباره‌موضوعهای‌تحصیلی‌وعلمی‌بتجربه‌وتمرین‌میپردازندبرنامه سازمان ارشاد این نیازمندیهای اطفال را در نظر میگیرد و دروس را با استعداد و میل شاگردان تطبیق‌میدهد ، وآن‌ها را ازرنج محرومیت و سنگینی بار مطالب حفظی وتقلیدی میرهاند ، قوای عقلی و هوش و فعالیت آن ها را بکارهای پرفایده رهبری‌میکند .

سازمان ارشاد دارای وحدت کامل است

اگر وظائف راهنمائی یا ارشادرا تحت عناوین مختلفی در آوردیم
ور نشود که برای هریك از آن ها باید تشکیلات مستقلی قائل شد و
طلاح امروز پرونده جداگانه ترتیب داد .

بدنیات و نفسانیات و تجارب و دانشهای هر انسان از هر راهیکه
اصل شود جزو وجود وشخصیت جدائی ناپذیر یك فرد بشمار میآید
باوجود تنوعیکه دارند وحدت وهمبستگی آنها مسلم است .

منظور های تربیتی هم اعم از جسمی یا روحی بایستی همگی هدف
حد داشته باشند حتی تمام دروس متنوع که بوسیلهٔ معلمین مختلف
ریس میشود هم آهنگی و سازش داشته باشند . بهمین علت است
ه تمام این امور را زیر نظر یك تن متخصص کاردان میگذارند تا
کمك و همراهی کلیهٔ معلمین و کارمندان مدرسه بریك نهج بموقع
جراء گذاشته شوند

همان موقع که شاگردان بانجام تکالیف درسی یافعالیتهای آزاد
خوانند . معلمین دقت لازم در باره هر یك مرعی میدارند تا بشناختن
صایص آنها و مشکلات و احتیاجاتشان پی ببرند ولی این عقاید و
نظریات آنها نزد مسئول متخصص متمرکز میشوند و تحت مطالعه و
مقایسه در میایند همینکه بنتیجه کلی و قاطعی رسیدند تصمیمات لازم
تخاذ شده بموقع اجراء گذاشته میشوند .

چون در کلاسهای دبستان سروکار شاگردان بایك نفر معلم است (مشروط بر اینکه آن شخص بوظیفه خود آگاه وتوانا باشد)معلم هر کلاس بهترین ارشاد کننده شاگردان خودش است و کارازهر جهت آسانتر میگردد. ولی چون تعداد معلمین دریك کلاس دبیرستان زیاد است تفکیك و جدائی تعلیمات یا اختلاف عقاید و عدم سازش روشهای تربیتی معلمین با یکدیگر بیشتر میباشد . جهت از بین بردن هرگونه دورنگی وجدائی اداره آموزشگاه وسایل و موجبات زیادی بکار میبرد . از جمله دروس متحد ترتیب می دهد ، شعب درسی وشورای معلمین رابوجود میآورد که هر یك را درجای خودذکر خواهیم کرد . علاوه براینها بمنظور بر طرف ساختن هرگونه تشتت در امور تربیتی هر دسته از شاگردان را تحت مراقبت یکنفر ارشادکننده یا معلم مشاور قرار میدهد و معلمین نظریات خود را درباره فرد فرد شاگردان بشخص مسئول می دهند وبا نظر و مشورت او درباره تربیت اطفال اقدام میکنند .

اما هر قدر دایره سازمان ارشاد یك مدرسه تنك و مختصر بوده یا بمناسبت کثرت شاگرد توسعه داشته باشد حتماً این سازمان یك مدیر معین لازم دارد که نه تنهاعقاید مختلف معلمین را درباره یك شاگرد بلکه پیشنهاد ها ومساعی تمام ارشادکنندگان را درباره اوضاع عمومی مدرسه تمرکز بدهد و روابط آن ها را با یکدیگر و با سایر کارمندان ومعلمین آموزشگاه برقرار بسازد و دستورهاواصول کلی که بایستی درآموزشگاه

بموقع اجراء گذاشته شود از روی بصیرت و باهمکاری همگی معین و مجری گرداند

باین شکل سازمان ارشاد میتواند خدمات مهمی انجام بدهد و قدرت و نفوذ قابل ملاحظه‌ای پیدا بکند .

سازمان ارشاد از برنامه جدا نیست

آنچه دربرنامه راهنمائی شاگردان نوشتیم قسمت مهمی ازبرنامه تعلیم و تربیت آموزشگاه بشمار می آید . بهیچوجه شایسته نیست که صورت یك سازمان جدا ازبرنامه مدرسه بخودبگیرد . احیاناً اگرچنین کاری پیش بیاید این منظور تغییر شکل داده و شکاف و نقص بزرگی در دستگاه تربیتی نمودار میسازد که ضررش برمنفعتش میچربد

چنانکه ذکر شدتمام‌معلمین واعضای‌مدرسه مساعی این تشکیلات و هدف آنرا دانسته بشرایط آن‌عمل میکنند طوریکه کم کم‌رویهٔ ارشاد بصورت کار عادی ومستمر معلمین در میآید و همگی میکوشند تابرنامهٔ دروس را مطابق منظورصحیحی که طبق اوضاع و احوال شاگردان‌معین شده تدریس بکنند واز نتایج مشئوم تعلیمات بی‌سروته وبیهوده امروز که باعث شده است معلمین و شاگردان در دو جبهه بر علیه یکدیگر صف آرائی کنند و بجنگ اعصاب بپردازند نجات میدهد

برعکس از طرح و نقشه‌ای پیروی میکنندکه پیشرفت فردی را میسر ساخته اصلاحات اجتماعی را صورت‌عمل بخشیده عادات نامطلوب را از بین میبرد .

این سازمان بمنزلهٔ کانون مرکزی برنامه فرهنگی بشمارمیآید که در آنجا موضوعهای درسی، مربیان، خانواده‌واجتماع بیکدیگرپیوسته اشعهٔ فکر و تجربهٔ خود را متوجه یك کانون میکنند و در پرتوی این‌منبع نورانی هر دسته از آن‌هاراه عمل و کار خودرا روشن نموده با اطمینان خاطر بسوی مقصد مشترك که سعادتمند ساختن بشر است طی طریق میکنند .

سازمانهای ارشاد مدارس‌یك کشور بنوبه خود کانون بزرگتری تشکیل میدهند و جهت مقاصد مهمتری همت میگمارند که شرح آن خواهدرفت .

بخش ششم

مسئولیت هریک از اعضای سازمان ارشاد

همانطورکه این سازمان از برنامهٔ آموزشگاه جدائی پذیر نیست و جزئی از آنست اعضای آن‌هم که در اجرای‌این منظور مشترك‌تربیتی دخالت دارند غیر از معلمین وکارمندان مدرسه نیستند .

یك تن مدیر مسئول دانشمند برای رهبری این تشکیلات لازم است . مخصوصاً تا این رویه صورت عادی بخود نگرفته ومعلمین کاملا آشنائی ندارند این شخص وظیفه سنگینی دارد که شاید اگر بعهدهٔ مدیر مدرسه‌محول شودرسیدگی تمام امور را از عهده بر نیاید . اعضاء مدرسه از ناظم ومعلمین گرفته تا دفتردارها و مستخدمین جزء در این سازمان شرکت دارند وتعلیمات لازم را فراگرفته‌با مقصد مشترك‌برنامه همکاری میکنند .

سازمان ارشاد در مدارس کم جمعیت میتواند زیر نظر مدیرقرار بگیرد‌مشروط بر اینکه قبلا‌با اصول اینکار و تربیت نوین آشنائی‌حاصل

کند . آموشگاههای پر جمعیت بهتر است کارشناس جداگانه داشته باشد در هر دو صورت این سازمان مسئول معین ، برنامه صحیح ، مشاورین روانشناسی ، دفاتر منظم میخواهد تا با روش ملایم و تدریجی پیشرفت کند .

اما اگر طبق عادتیکه در این کشور حکمفرمائی می کند فقط از نام چنین تشکیلاتی استفاده بشود وباطن امر با ظاهر آن مطابقت نکند بزودی این اسم بیمسما مبتذل شده و فایدهٔ از آن مترتب نمیگردد ، تا بحال اینمطلب درباره پیشاهنگی وانجمن خانواده ومدرسه صدق کرده و در زیر نام های بر جسته جز اتلاف وقت چیز دیگری وجود نداشته است .

وظیفه مدیر سازمان

درمدارس کوچك که رئیس آموزشگاه یا یکی از معلمین لایق اداره ارشاد را بعهده میگیرد ودر آموزشگاههائیکه یك تن مسئول جدا گانه و کارشناس معین دارد درهرصورت این شخص بایستی ازطرفی باروش تعلیم و تربیت نوین آشنا باشد و ازجهتی اوضاع اجتماعی و خانوادگی آنمحل را کاملا در نظر گرفته احتیاجات آن‌هارابداند رمشکلاتشان ر درك کند ، تالیاقت رهبری سازمان را پیدا کند .

مدیر تشکیلات وسائل ولوازم این کار را ازقبیل کتاب ها ومجلات و فیلمهای تربیتی صفحات گرامافون و دفاتر لازم تهیه میکند گزارش

معلمین را درباره پیشرفت شاگردها و گزارش پزشك را در مورد بهداشت آنها جمع آوری مینماید وخود را بمنزلهٔ رهبر سایر اعضاء وناظرحسن جریان امور میداند اگر مشکلی پیش بیاید حل کرده و جلسات مرتب مشورتی را اداره میکند . درتشویق وراهنمائی معلمین تازه کارمیکوشد مدیر این تشکیلات متدرجاً اوضاع تربیتی را پیشرفت داده سیر تکاملی را میسر میسازد این شخص هرگونه کمکی لازم داشته باشد از سازمان مرکزی شهرخود تقاضا میکند ویادرجلسات ماهیانه مدیر ومعلمین مطرح کرده درباره آن مشورت وچاره جوئی میکند ٠

شرایط وتکالیف معلم ارشاد کننده و راهنما

بعضی اشخاص طبیعتاً دارای لطف و جاذبه مخصوصی هستند که بسهولت جلب محبت واعتماد جوانان یا اطفال رامیکنند ٠ دربین معلمین اشخاصیکه ازچنین موهبتی برخوردارند پس ازفراگرفتن تعلیمات لازم وشناختن وضع خانواده ها وبدست آوردن روحیه بچه‌ها لیاقت راهنمائی راپیدا میکنند ولی کسانی که صاحب طبیعت عصبانی و لجوجند یا کـم حوصله وسخت گیرهستند ولو معلومات کافی پیدا کنند بندرت میتوانند طرف اعتماد اطفال واقع شده بحالت درونی آنها پی ببرند وشایستگی این شغل را داشته باشند .

تمام مربیان بخصوص کسانیکه میخواهند مشاور و راهنما باشند لازم است طبعی سلیم وخیر خواه و مهربان داشته شغل خود را دوست

بدارند .

معلمینی که درکارهای عملی و بازیها وانجمنهای شاگردان شرکت دارند ودرحال آزادی عمل باآنها تماس پیدامیکنند برای راهنمائی از دیگران شایسته ترند و زودتر میتوانند افکار وعقاید اطفال رادریابند .

معلمین مشاور باید همان معلمین مدرسه باشند ولی ساعت درس کمتر داشته باشند تا فرصت رسیدگی بشاگردان را پیدا بکنند ۰ لازم است که بیشتر اوقات را درمدرسه بمانند. مخصوصاًدرساعاتی که شاگرد های سپرده بآنها درس ندارند در دفتر خود حضور یافته با اطفال تماس بگیرند۰ لزومی ندارد که اداره مدرسه بتعداد معلمین مشاور اطاق دفتر تهیه کند این معلمین بوقت خود از یکی دو اطاق استفاده میکنندولی هر کدام از آنها یك طبقه یاقفسه مخصوص برای حفظ دفاتر وپرونده های شاگردان احتیاج دارند ۰ معلمین مشاور هفتهٔ یك ساعت جلسات دسته جمعی برای شاگردان خود ترتیب میدهند تا آنها را بامقررات و روش کار آموزشگاه آشنا سازند ومسائل ومشکلات عمومی آنها را مورد مباحثه ومذاکره قرار بدهند و شاگردان را برای حل آنها بتفکر و چاره اندیشی تشویق بکنند ۰ روش نوین مطالعه وتجربه را که بآن معتاد نیستند یاد بدهند. در باقی اوقات این ساعت را به اختیار شاگردان میگذارند تا صرف بازیها یا سرگرمیها یامذاکرات اجتماعی بکنند البته نباید برای حاضر کردن و انجام دروس و کارهای فردی تخصیص بیابد .

مصاحبه باشاگرد .

همین که معلمین یااداره‌مدرسه ازشاگردی احساس ناراحتی کردند یا اینکه ازتأخیر ورود پی درپی وغیبت نا موجه و آشفتگی حال کسی مطلع شدند ویا خود شاگرد تقاضا کرد معلم مشاور با شاگرد بمصاحبه خصوصی میپردازد . زینهارکه جز لطف و مدارا و همدردی روش دیگر اتخاذ نگردد وحتی در وهله اول از شاگرد متوقع نباشد هرچه در دل دارد بگوید ۰ بگذارد تا هرچه میل دارد بگوید ۰ معلم با حوصله و خونسردی بسخنان شاگرد گوش بدهد رشته سخن او را پاره نکند ، و عجله بخرج ندهد ، بسته برفتار اوست که شاگرد محرمیت پیدا کرده حقیقت ناراحتی خود را بروز بدهد یا از ابراز آن خودداری کند ومعلم را باشتباه بیاندازد .

دراینگونه‌مصاحبه‌اگرمعلم‌قلم‌دردست گرفته گفته‌شاگرد رایادداشت کند مرتکب اشتباه بزرگی شده است چه طفل را هراسان کرده عالـم صمیمیت را از بین میبرد و روابط آنها را تا مقام بازپرس و متهم تنزل میدهد معلم هرچه کمتر بپرسد وبیشتر مجال حرف زدن وصحبت کردن بشاگرد بدهد بهتر است . اگر میل دارد یادداشتی بکند درغیاب طفل یاجوان بآن کاربپردازد .

هرگاه شاگردشخصاً ازمشاورخودتقاضای‌مصاحبه کردحتی‌الامکان وقت نزدیکتربرای ملاقات تعیین بکند ونگذارد تأخیر درکارسبب یأس

شاگرد ازدلسوزی معلم گشته یا بعلت دیگر از مشورت کردن پشیمان شود ، یا موقع کمك کردن ازدست برود .

بررسی در سوابق شاگرد

چنانکه دانستیم یکی از وظائف مهم ارشاد کننده رهبری کردن شاگرد در انتخاب موضوعهای درسی یا تعیین رشته تخصصی است برای این کار و هرگونه قضاوت دیگر در باره وضع تربیتی شاگرد احتیاج برسیدگی دقیق میباشد .

بایددرنتیجه تستهای هوشی واطلاع یافتن ازسوابق تربیتی وگزارش سایرمعلمین داردتامیزان استعدادوقدرت هرکس رادریابد . یاعلت انقلابات روحی وپیش آمدهای جوانان را بداند . اگرشاگرد ازیك معلم ارشادکننده بمعلم دیگر سپرده شود البته مشاورجدیدسوابق اوراکاملا تحقیق میکند ولی تنها بعقیده مشاور سابق اکتفانکرده بطور مستقل درباره اورسیدگی می نماید ، دفاتر ثبت طوری تنظیم میشود که دسترسی بهر قسمت آن آسان باشد .

آشنائی باحالات کنونی شاگرد

معلم ارشادکننده برای آشنائی بشخصیت شاگردان هرقدرممکن باشد در عملیات خارج برنامه و مهمانیها واجتماعاتیکه شاگردان درآنها شرکت دارند حضور میبابد و آنها را ضمناً بحسن معاشرت ودوست یابی واعتماد برنفس رهبری میکنند وبرای نجام مسئولیتهائیکه هرعضو اجتماع

برعهده دارد آماده میسازد .

یکی از مزایای شخص تربیت شده اینست که خواهان پیشرفت اجتماع باشد و کارهای برجسته رفقای خود را با نظر تحسین وقدردانی بنگرد اگر معلم ارشاد کننده برای مطلع شدن از حال شاگردها ویابنام تشویق وتحریك آنها بدرس خواندن میان شاگردان شیوه خبر چینی و همچشمی و رقابت رواج دهد نفاق وبد اندیشی وحسادت‌را وجایگزین صفات اجتماعی میکند . رسیدگی بهیچ یك از مسائل و مشکلاتی‌که با زندگی طفل یا جوان تماس دارد از حیطه تکلیف ارشاد کننده خارج نیست .

هرگز نبایدبا جملاتی مانند (این موضوع بمدرسه مربوط نیست چنین کاری از عهده ماخارج است) دست رد بسینهٔ شاگرد گذاشته واو را دلسرد نمود . زیرا مشکلات ومسائل یك جوان از خود او جدائی ناپذیر و بهمین جهت بامور تربیتی اوارتباط تام دارد . البته بعضی‌موارد هست که معلم نمیتواند بنفع شاگردمستقیماً عمل مثبتی انجام بدهد ولی بوسیله تقویت وتوسعه فکر ومجهز کردن او باسلاح برد باری و شهامت و نصایح سودمند طفل یا جوان را جهت مبارزه با ناملایمات آماده می سازد .

دیده شده است که طفل یاجوان گاهی در سر یك امر بی‌اهمیت طوری خودرا می بازد که بی مهابا بکار های خطر ناکی دست میزند

مثلا در اثر شکست در امتحان یا نزاع با برادر و خواهر خود کشی میکند این حوادث معلول ضعف نفس واقدامات شدید جاهلانه ای است که یك فکر توانا بخوبی میتواند از آن جلوگیری کرده مجرای اینگونه سیلهای خروشان احساسات راتغییر بدهد .

رهبری خانواده ها

در مورد هر گونه پیش آمد مربوط بطفل باید پدر و مادراو را مطلع کرده از آنها یاری طلبیده چه بسا اوقات اطلاعات و کمك آنها بزودی حلال مشکلات شده وچاره آنها را میکند در مواقع عادیهم معلم ارشاد کننده باید مواردی پیش بیاورد که باوالدین اطفال تماس بگیرد و آنهاراتشویق بآمدن بدفتر خود بکند . یا در مجالس سخنرانی و اجتماعات مدرسه دعوت نماید از آنجائیکه بعضی والدین رویه سلوك باطفل وجوان را نمیدانند ممکن است گاهی مطلع شدن آنها از پاره‌ای قضایا اثر معکوس ببخشد و شدت عمل وسخت گیری آنها طفل را بخشم و لجاجت بیاورد یا دلسوزی بیش از اندازه آنها کار را مشکلتر کند .

معلم ارشاد کننده با رعایت اطراف وجوانب ومتوجه کردن والدین بنتیجه تند روی ها رفع این نگرانی را میکند و در مورد لزوم شخصاً از خانواده شاگرد دیدن کرده و آنچه توانائی دارد با لطف و مدارا بآنها میفهماند . اما هر گز با مطلع ساختن اولیاء طفل رفع مسئولیت

از خود نمیکنند .

پس اگر معلم ارشاد کننده را در عین حال راهنما و مشاور خانواده بنامیم سخن بحقیقت گفته ایم حتی این معلمین گاهی جانشین والدین میشوند و آنچه را که پدر و مادر از طفل خود دریغ داشته‌اند جبران مکنند . با جلب محبت و اطمینان شاگرد خودرا دوست مهربان وغمخوار او معرفی نموده ازاین طریق راهنمائیهای گران بهائی میکند وجلوی بسیاری از لغزشها وعصبانیتهای آنهارا میگیرد . معلم مشاور هنگام ملاقات با والدین شرایط دوستی وصمیمیت را رعایت میکند نمیگذارد کار بمخاصمه بکشد و با پیدا شدن اختلافات مقاصد اصلی تربیتی زیرپا بماند درهرحال نرمی وملایمت شیوه کار ارشاد کننده است .

تاثیر در مقررات اجتماعی

طبق حقایقیکه باثبات رسانیدیم اموزشگاه باید قدرت ونفوذ خودرا در جامعه بحدی برساند که بتواند این حسن نیت را در کلیه سازمانهای اجتماعی رسوخ بدهد وازهر جهت بحمایت شاگردان خود برخاسته اولیاء امور را متوجه بیماریهای روحی اطفال و علل آنها کرده تقاضا کنند تا برای کاستن این موجبات اقدامات جدی بعمل بیاورند .

متخصصین بیماریهای روحی تشخیص داده اند که اغلب مشتریان دارالتادیبها و زندانهای اطفال را پدر ها و مادر هائیکه معنی حقیقی

ازدواج را درك نكرده، وبكانون خانواده احترام نميگذارند بوجود آورده اند

صرف نظر از بيماريهای آميزشی كه‌خود موجب اختلال جسمانی وروحانی كودكان است خانوادهائيكه در اثر ناسازگاری ازهم‌متلاشی میشود كاخ سعادت اطفال را فروميزيزد وآنهارا بی‌سر وسامان ميكنند پدر ومادرهائيكه‌بجای همكاری وصرف مساعی مشترك درايجاد محيط آرام ومناسب برای‌تربيت كودكان باتفاق وزدوخورددائمی‌محيط‌عصبانی كننده‌فراهم ميكنند مسبب تضعيف روحيه اطفال وفساد آنهاهستند .

كسيكه از خانه خود بيزار ميشود ونسبت بعواطف پدر و مادر كه سر چشمه محبت شناخته شده است‌مشكوك ميگردد روش‌خصمانه نسبت بآنها پيدا ميكند ، چگونه ميتواند پای‌بند مهر ميهن و دوستدار نوع بشر باشد :

اكثر والدين ايرانی بی‌قيدی را در باره ضروريات تربيت اطفال خود باعلی درجه رسانده و از زيانهای‌اخلاقی‌وروحی كه اعمال نامناسب آنها بجوانان آينده ميرساند غافلند . هيچيك ازمقامات رسمی يا افراد صالح مملكت در انديشه عاقبت اين‌كار برنمیآيند متاسفانه دانشمندان تربيت وپزشكان روحی ماهم بقدری سر گرم ماجرای زندگـی خود هستند كه فرصت ندارند باين قضايارسيدگی كرده وآماراين فجايع روز افزون را تهيه ودر انظار عمومی‌بگذارند وآنرا آئينه عبرت مردم

قرار بدهند . هرسال برتعداد دخترها وپسرهائیکه دراثر فقر وبدبختی یا ظلم وجور خانواده یا نداشتن سرپرست خودرا بدامان فحشاء وفساد میاندازند درافزایش است اما دیگران که بارزش اطفال کشور پی برده‌اند و هستی و خوشبختی ساکنین هر سرزمین‌را بدست آنها میدانند وانتظار دستهای غیبی و پیش آمدها را نمیکشند چنانکه قبلا اشاره کردم دادگاههای مخصوص تشکیل داده‌اند وباین امور مهم اجتماعی باکمال دقت رسیدگی میکنند . مردی که زن خود را بی جهت طلاق میدهد یا اطفالش راکه به سرپرستی احتیاج دارند رها کرده دنبال هوسرانی میرود زنی که مهر مادری رازیر پاگذاشته بی‌علت‌قانع کننده شوهرو فرزندان‌را ترك میکند و با این خیانت و بی‌مبالاتی لطمه بزندگی باجتماع میزند و سبب مرك یافساد اطفال جامعه را فراهم می کند مقصر میشمارند ومجازات می کند اجازه نمیدهند خود سری یك‌زن ویامرد بموجودات بی گناه لطمهٔ باین بزرگی بزند .

دستگاه تربیتی کشور ماهم اگر بخواهد وظیفه خودرا بنحو پسندیده انجام بدهد نمیتواند این قضایا را با خون سردی‌تلقی کند . میدانیم که آموزشگاهها و مربیان قوه و قدرت دادخواهی ندارند ولی بطور غیرمستقیم در تمام این امور صاحب نفوذ میباشند بر عهده آنها است که ازیك‌طرف نتیجه بررسیهای خود را در باره اینگونه مسائل بمعرض توجه متفکرین قوم بگذارند .

ازطرف دیگر چراغ خطر پیش پای جوانانیکه موسس خانواده خواهند شد قرار بدهند وزیانهای اخلاقی اینگونه اعمال راباآنها مدلل بدارند و بفکر چاره اندیشی بیاندازند .

معلم‌مشاور با مهارت وتدبیر والدین‌شاگردان را بتفکر وداوری در باره اعمال خودشان وامیدارد . هرگونه مشکل حیاتی یا کسالتهای موقتی سن بلوغ را که منشاءبروزحالات مخصوص میشود بیاری پزشك آموزشگاه و یا متخصص‌روانشناس وخانواده شاگردان برطرف‌میسازد ودر مسائل جنسی جوانان‌را رهبری‌میکند درتنظیم برنامه آموزشگاه و کلیه مقررات آن رل‌مهمی را انجام میدهد ضمنا در کار خود برد بار وثابت قدم میماند ونمیگذاردنظریات خصوصی یاقوانین مدرسه مانع و مخل کارش بشود هرآموزشگاه بایستی‌فراهم کردن موجبات تسهیل کار ارشاد کنندگان واحترام نظریات آنهارا ازوظائف خود بداند .

راهنمائی شغل وحرفه

یکی ازاساسی ترین کارهای آموزشگاه اینست که‌جوانان را بشغل و کار مولدیکه زندگی آنها واحتیاجات‌جامعه را تامین میکند راهنمائی نماید .

بهترین موقع‌این کارسالهای‌اول دبیرستان‌است زیراسن‌شاگردان دبستان مقتضی بروز ذوق واستعداد مخصوص آنها نیست نه معلم ونه شاگردنمیتوانند تصمیم قاطعی‌دراین‌خصوص اتخاذکنند . اطفال خردسال

هنوز دوره اول رشد را طی میکنند وازشاخی بشاخ دیگر میپرند ومشغول آزمایش عالم خارج هستند بعلاوه قوه وقدرت زحمت کشیدن ندارند کار کردن کودکان خرد سال در ایران سبب انحطاط نسل و نژاد ما است ونباید گذاشت قبل ازسن شانزده که موقع سرعت رشد ونموطفل است از روی فقر و اجبار اطفال را زیر شکنجه اعمال شاق مثل قالی بافی که بلای جان اطفال این سرزمین است یاسایر مشاغل پر زحمت خرد کنند و در بهای لقمه نان این موجودات بدبخت را در معرض خطر سل ریوی که از تنفس خردههای پشم رنك کرده تولید میشود یاکم خونی و نرمی استخوان که نتیجه کمی نور وهوا و محرومیت از ورزش وگردش و غذای مکفی است قرار بدهند و پا ها وکمر آنهارا از یکجا نشستن دائمی مفلوج نمایند .

در دهات که اطفال در حدود دوازده سالگی بکمك والدین خود مشغول کشاورزی میشوند دبستان آنها را درضمن تحصیل بشغل خود تا حدی که ممکن است آشنا میسازد ولی ضمناً از توجه باستعداد وقریحه خاص آنها غفلت نمیکنند زیرا بعضی اطفال در کارهای دیگر هوش و آمادگی کافی نشان میدهند وبایستی بدبیرستان بسپارند واز بکارانداختن استعداد آنها که سرمایه معنوی کشور است غفلت نکنند .

بنابراین بهترین موقع راهنمائی شغل وحرفه سالهای اول متوسطه است ودردوره دوم هریك از جوانان در رشته تخصصی واردشده پس از

خاتمه آن بکار وحرفه مشغول میشوند . یاوارد دانشکده ها میگردند البته بازهم ازروی ناچاری ممکن‌است برای‌عده‌ای ازاطفال پس‌ازخاتمه دبستان کلاسهای کار آموزی ترتیب داد ولی در این‌حال باز هم نباید راه ادامه تحصیل را بروی هیچ یك از افراد کشور مسدود کرد و مانع پیشرفت و ترقی آنها شد بایستی هر کس بادامه تحصیل مایل گردد در ساعات آزادی خود بتواند باین منظور موفق شود و با تسهیلاتیکه در کار آنها فراهم میشود تجارب و معلومات خـود را تکمیل کند بهر صورت تأکید میشود اطفال را بکار هائیکه برای رشد آنها خطرناك یا پر زحمت است نگمارند و بیش ازنصف روز کار نکنند .

عجالتاً ما از دوره اول متوسطه که بهترین هنگام آزمایش شاگرد برای کارهای تخصصی‌است صحبت‌میکنم. برای‌رهبری‌کاروشغل معلم نخست مشاغل وهنرها وصنایع رایج‌در کشور ومخصوصاً آنهائیکه در محل زندگی شاگرد مرسوم است تحقیق میکند مزایای هر یك را سنجیده عایدات آنرا معین کرده مجموع آن اطلاعات را بطوریکه‌در خور فهم ومطابق ذوق وسن‌شاگردان باشد در دسترس آنها میگذارد .

۲ ـ کتابها و مجلات و مقالاتیکه در موضوع مشاغل و حرفه ها قلم‌فرسائی کرده مزایا ومشکلات‌هریك‌را با روش جالب وشیرین بیان میکند تألیف یاجمع آوری نموده در کتابخانه میگذارد تا هر کس در هرزمینه میل‌دارد اطلاعاتی کسب بکند ویاموضوع بحث وسخنرانی کلاسی قرار بگیرد

۳ ـ شاگردان را بدیدن کارخانه هاو مزارع وتجارتخانه ها و

سایر مراکز صنعتی وعلمی برده باطرز کار ومزایا ومشکلات آنجا روبرو میکنند .

٤ - شرایط نفسانی یابدنی وانواع وسایلی که برای نیل بمقصود وپیشرفت هریك از حرفه ها وصنایع بکار ومیرود در نظر شاگـرد ها روشن میسازد .

ارشاد کننده در این گردشها بایجاد محرکات قناعت میکند و میگذارد تادانش آموزان بفعالیت وجستجوهائیکه از میل طبیعی آنها سرچشمه میگیرد پرداخته تحقیقات خودرا درمسیر آن جریان بدهند بعدها با هر شاگرد به تنهائی در باره هدفیکه درنظر گرفته است صحبت کرده درباره یك یاچند شغلی که بانها علاقه مندشده کفتگو میکند و به پرسشهای او جواب میدهد .

اگر شغلی که دانش آموز برای خود انتخاب کرده مناسب حالش نمیداند بازهم از هرگونه فشار واجبارخود داری میکند فقط عقیده خود را با او واگر لازم باشد با والدینش درمیان میگذارد تا آنهارا بمطالعه بیشتری در باره این انتخاب دعوت بکند پس از آن اختیار را بدست شاگرد میسپارد . البته پذیرفتن شاگرد در رشته هائیکه توانائی آنرا ندارد موکول باینست که مدت بیشتری وقت صرف بکند و بقدر کفایت پیشرفت نماید ولی هرگاه راه مختلف پیش پای جوانان بازباشد البته مشاغلی راکه مطابق استعداد آنها است ترجیح میدهند .

و بی جهت دنبال کار های خارج ازحدود توانائی خود نمیروند . باین ترتیب کارها بدست کاردان افتاده ترقی میکند وجوانان کشور ازاینکه مطابق ذوق و استعداد خود کار میکنند رضایت خاطر حاصل نموده عصبانی و بد بین نمیشوند .

معلمین مشاور شغل و حرفه لازم است با مؤسساتیکه احتیاج بکارمند دارند ارتباط پیدا کنند و از مزایائیکه آن ها برای مستخدمین و کارگران خودقائلندمطلع بشوند تادرضمن تدریس و تعلیم رعایت آنها راکرده نواقص فنی و صنعتی و علمی را تاجائیکه مقدور است برطرف بسازند بعلاوه برای شاگرد های خود باین وسیله کار تهیه کنند وترتیب استخدام آن ها را بلافاصله پس از خاتمه تحصیل بدهند .

درکلاسهای پیشه وری یا حرفه‌ای بسیاری ازشاگردان نصف‌وقت خود را در کار خانه یا مغازه بکار انتفاعی صرف و نیم دیگر را به هنرآموزی میپردازند . اینها بنام شاگردان ذوج معروفند زیرا اغلب دو نفرشاگرد بایکدیگر همکاری میکنند ویك هفته این یك درمغازه یا کارخانه انجام وظیفه میکند و آن یك درمدرسه بتحصیل می‌پردازد هفته دیگر شاگردی که درکارخانه یا مغازه بوده بمدرسه بر میگردد و دیگری بجای اومیرود .

هر شاگر در عملیاتیکه غیبت کرده یا دروسیکه حضور نداشته از دیگری کمك میگیرد و مزد خود را هم تقسیم میکنند .

من معتقدم که برای کشور ایران شایسته است که اغلب مدارس

حرفه‌ای یا کشاورزی از این رویه تقلید بکنند کارگران جوان را جهت پیشرفت شغل و هنر آماده بسازند

وظیفه ارشاد کننده حرفه وشغل در دوره دوم

پس از اینکه شاگرد از دوره انتخاب گذشته وارد رشته فنی خود شد معلم شرایط موفقیت در آن شغل بخصوص را باو نشان می دهد ، نواقصیکه دارد برطرف میسازد صفات وعادات لازمیکه برای انطباق و سازش با محیط شغل خود لازم دارد تقویت میکند اقتصاد شخصی و خانوادگی وطرز نگاهداری وافزایش مزد واندوختن سرمایه را نشان میدهد ازمراسم قرارداد ها وبیمه اورا مطلع میدارد روش تکمیل آن حرفه را باو می‌آموزد تا هرگاه لیاقت طی درجه بالاتر صنعت وهنررا دارد در حال یکنواخت خسته کننده نماند . پیش آمدهائیکه زارعین یاپیشه وران وتجار یا کارگران را دچار خسارت و زحمت میکند یاد آورمیشود تا برای پیش بینی ومقابل شدن باحوادث مجهز شود .

چنانکه‌یاد آور شدیم درکشورهای مترقی هیچیك از رشته های تحصیلی قطع شده تلقی نمیشوند . برای تمام آنها دوره تکمیلی هست و امید ترقی میرود . این قاعده طبیعی همه جا حکمفرما است که جوانان از انتخاب هرراه بن بست برای زندگی خود متنفرند کمااینکه تا نیمه آن راه هم پیش نروند . بی جهت اولیاء فرهنك ما میکوشند تا بوسیله مسدود کـردن جلوی رشته هـای فنی و محروم کـردن

شاگردان از طی مقامات عالی فنون بقول خودشان کاری بکنند تاجوانان دیگر گرد مقامات دولتی نگردند و حال آنکه بر عکس موجبات کساد کلاسهای فنی رافراهم آورده جوانان‌را ازورود باین رشته‌هامیترسانند ، هم چنانکه در عمل مشاهده میشود کلاس های خانه داری دختران چون بن بست است سال بسال از تعداد داوطلبان آن کاسته میشود . درحالیکه لازم‌بود بعضی ازدوره‌های‌عالی فنی‌مثل آموزشگاه پرستاری و مانند آن فارغ‌التحصیلهای کلاس خانه داری را بپذیرند و برای اشخاصی که بعدها مایل شوند بقسمتهای‌علمی‌وفنی‌واردشوندشرایطی‌ازقبیل‌تحصیل کردن بعضی مواد ضروری و دادن امتحان قائل شوند تارونق کلاسهای خانه داری کاسته نشود امروز حتی شاگرد هائیکه خیال ادامه تحصیل ندارند ازاین کلاسها که راه بجائی ندارد گریزانند .

ایراد دیگری که باین‌عمل‌فرهنك وارد میباشد این است که‌وظیفه دستگاه تربیتی یك کشور تشویق جوانان بپیمودن مراحل عالی علمی و فنی است تا استعدادهای خفته رابیدار کند وروش تجربه وانکشاف ویاد گیری‌را هدایت وعلم وعمل را توأم بسازدواساس درسنی وانتظام فکر‌را بریزد . چنین دستگاهی نباید بخاطر اشتباه خود درتربیت‌شاگردان‌تلافی را بسر اطفال درآورده وآنهارا دلسرد وناراحت‌کند تا دست ازافزایش معلومات بکشندپسرها یا دخترها درپانزده سالگی‌نمیتوانندتصمیم قاطع بترك تحصیل بگیرند و فرهنك کشور که اطفال را برای آینده روشنتر

آماده میکند نباید زیر نفوذ سیاستهای وقت برنامه خود را تهیه کند و بعملیات ضد فرهنگ نام جلوگیری از هجوم جوانان به ادارات دولتی بگذارد . اصولا سواد وسیله ارتزاق نیست چراغی است که در روشنی آن کشاورز و تاجر وهنرمند بهتر میتواند راه را تشخیص بدهد وحرفه خود را رونق بخشد .

پس آنچه جوانان ما را اعم از باسواد و بی‌سواد باشغال کرسیهای ادارات دولتی تشویق میکند نقص تعلیم وتربیت وسوء سیاست دولت است ازطرفی بجوانان باسوادهیچگونه حرفه وصنعتی نمی‌آموزند که معلومات خودرا برای‌تکمیل آن بکار ببرندوازجهتی‌فشارهای ناروا بمتصدیان مشاغل آزادواردمیکنند وورودامتعه‌خارجی‌را بدون‌مبادله و صدور جنس آزاد میگذارند والا در ممالکی که مدارس عالی آنها رونق زیاد دارند علوم وصنایع وکارهای مولدثروت بطرز بسیار جالبی پیشرفت مینماید دولت جز بطور ضرورت کسی را استخدام نمیکند .

عجیب تر اینکه برخلاف‌اصول تعلیم وتربیت ملل‌متمدن درایران غالباً برای‌آموزگاران اشکال‌تراشی‌میکنند تا بتحصیل خود ادامه‌ندهند. مبادا طالب کار دبیری بشوند زیرا هرکس معلوماتی داشته باشد حاضر نیست در دبستان خدمت بکند ومیکوشد تا دبیریا استاد باشد ۰ شکی نیست که این ترتیب لطمه جبران ناپذیری‌بمدارس ابتدائی ومتوسطه که

محل نشو ونمای توده مردم است وارد میسازد. درصورتیکه باید تاممکن است معلمین را در هر درجه و مقام علمی که هستند تشویق کنند تا دائم با جریان علم وفرهنك هم آهنگی بکنند ودرجای خود متوقف نشوند. بهترین معلمین در کودکستانها ودبستان هامشغول فعالیت باشند و بنای تربیت را پی ریزی بکنند.

اساساً تعیین مقام و اسامی معین آموزگار و دبیر و استاد برای کسانیکه دردبستان ودبیرستان و دانشکده ها تدریس میکنند موهن و تفاوت حقوق هریك از این مقامات زیاد است. باید این اختلافات را حتی‌الامکان کاست و کوشش کرد تاسطح معلومات معلمین ابتدائی بالا برود و با پایه بلند علمی طالب تدریس دبستان باشند. دانشمندان عالی قدر ما مساعی خود را در راه بالا بردن سطح فرهنك عمومی از طریق خدمت در دبستان‌ها ودبیرستانها بکار بیاندازند و نائل شدن بنام و مقام وحقوق استادی را هدف خود نپندارند. البته وقتی که وزارت فرهنك پایه وحقوق را نسبت بمحل خدمت معین میکند و هر کس در دبستان تدریس کند اعم از اینکه لیسانسیه یا صاحب معلومات کمتر یا بیشتر باشد پایه و حقوق آموزگاری میدهد وهر بیسوادی که چندی در دبیرستان خدمت کرد باومقام دبیری میبخشد ومزایا وحقوق واحترام این دودسته بایکدیگر تفاوت فاحش دارد. شکی نیست که معلمین بهر وسیله بتوانند خودرا بدبیرستان یادانشکده میاندازند. مثل تمام دنیا مزیت را بدرجه

معلومات وابتکاراینکه درحرفه خودبروزمیدهند بگذارند تاذوق وعلاقه معلمین را بتدریس دردبستان مشاهده کنید .

راهنمائی بهداشت .

اغلب عقب ماندگیها و کم استعدادیهای اشخاص و بد رفتاریها و عصبانیتها وتحریکات شدید عواطف درنتیجه بیماریهای جسمی بروزمیکند. در ایران تقریباً تمام اطفالیکه بمدرسه میروند محتاج مراقبت های زیاد روحی ومواظبتهای جسمی میباشند. هرقدرخانوادهها درباره بهداشت کودکان خود کوتاهی کنند نقیصه های تربیتی که از آن حاصل میشود کارمعلمین را مشکلتر میکند.

برای رفع کردن اغلب امراض روحی شاگردان باید تا حدی متوسل بمعالجات مزاجی بشوند . درانتخاب پیشهوشغل شرایط جسمیِ دانش آموز را مراعات کنند وجوانانرا به اشتغال کاریکه قدرت بدنی کافی برای آن ندارند تشویق نکنند . هنگام بروز ناخوشیها و کسالتهای مربوط بسن بلوغ با دستور پزشك جوانان را از وخیم شدن آن بیماری نجات بدهند.

هر آموزشگاه محتاج یك پزشك است که قسمت زیادی ازوقت خودش را درمدرسه بگذراند ویك پرستارلازم دارد که همیشهازشاگردان مراقبت کند و برای تمام آنها پرونده بهداشتی منظم داشته وضعیت رشد وحالات مزاجی هریك رانحت مراقبت بگیرد . بامعاینه دقیق مقدار شنوائی وبینائی اطفال را تشخیص بدهد .

اگر طفلی نقص بدنی دارد حتی الامکان آنرا برطرف سازند و بوالدین درباره بهداشت اطفالشان دستور بدهند .

شکی نیست که معاینه بهداشتی معمولی مدارس ما بیفایده است زیرا بطوریکه متداول است سالی یکی دوبار پزشکان وارد کلاس شده اطفال را بطور دسته جمعی دیدن میکنند . یعنی آنها را فقط در جای خود تماشا کرده اگر کسانی مبتلا بناخوشی یا زخم خیلی آشکار باشند بطوریکه از نظر آنها مکتوم نماند اخـراج میکنند یا نسخه دوائـی مینویسند و میروند . چشمان اطفال غالباً بقدری بعجله و بدون رعایت قواعد بهداشت معاینه میشود که خود باعث سرایت بیماری تراخم است درصورتیکه اغلب اطفال تنها ماسك سلامتی بروی خود دارند و درنهان با حملات خفیف امراض هولناك دست بگریبانند . ضعف مزاج و زحمت تحصیل با سرعت آنها را بسوی ناتوانی و مرك میکشد بی آنکه کسی را بر آنها دل بسوزد یا از رنج وفشار روحی وبدنی آنها بکاهد یالامحاله از زحمت تحصیل آن ها را معاف داشته بحال خودشان بگذارد .

همجواری عده کثیری اطفال با یکدیگر بروز بیماریهای واگیر دار را افزایش میدهد اطاق های مرطوب وکم نور و تنك مدرسه خطر عظیمی برای اطفال است درحالیکه سزاوار است بهترین بناها و ساختمان های موجود در شهر بدبستانها و دبیرستانها اختصاص بیابد تا نسل و نژادما قوت عرض اندام در دنیای امروز را پیدا کند .

موقع ظهر بجای اینکه اطفال درهوای سرد زیر برف و باران بدون لباس مکفی بلرزند و بسوی خانه رفته پس از صرف غذای کم رمق بمدرسه برگردند باید اطاق پاکیزه و گرم داشته باشند تادر همانجا آش یا شیر با ارزانترین قیمت بآنها بدهند و از مادر های آنها بخواهند تا صبح چند تکه نان خوب و قدری گوشت یاپنیر یا تخم مرغ بطور ساندویچ برای طفل خود تهیه کنند و بآنها بدهند تا بآسانی در کیف یا سبد جا داده در مدرسه بخورند و موقع ظهر بجای رفت و آمد در خیابان، درمدرسه باستراحت بپردازند .

ناظم ارشاد کننده عمومی مدرسه است.

اگر ناظم خود را متصدی زنك مدرسه وحضور وغیاب شاگردان بداند یااینکه بخواهد نظم وانضباط را بوسیله تنبیهات بدنی یا سرزنش وتحقیر شاگردان برقرار بسازد اشتباه کرده است .

جدول ساعات درس را اگر بدست مستخدم مدرسه بسپارند بموقع زنك رامیزند حضور وغیاب هم چنانچه ترتیب صحیح داشته باشد ازعهده معلمین وحتی شاگردان ساخته است اما شلوغی و بی نظمی و هرگونه اشکالات دیگر که با ترس وسخت گیری مربی جلوگیری شود بهیچوجه پایدار نمیماند و بجای اینکه اجتماع را اصلاح کند آنرا معیوب میکند وعوض اینکه آزادی واقعی را بآنها بیاموزد خودسری و کینه ورزی و شرارت رارونق میدهد .

ناظم راهنمای عمومی و دسته‌جمعی شاگردان است و تکالیف مهم اوبقرار زیر میباشد .

۱ــ دراجرای دستورهای پزشك مدرسه میکوشد وآب خوراکی وتمیزی اطاقها وبهداشت شاگردان رامراقبت میکند .

۲ـدرتشکیل انجمنها بازیها وتفریحات ، نظارت کرده‌شاگردانیکه اداره‌هرقسمت رابعهده دارند راهنمائی میکند. نظریات‌خوددرادربارهٔروش و رفتاردسته‌جمعی یاانفرادی‌شاگردها یادداشت کرده به‌علمین‌ارشادکننده میدهـد .

۳. باکمال‌مهربانی بشاگردان دستورهای‌لازم دربارهٔادب ونزاکت داده آنهارا بکمك‌وهمکاری یکدیگر تشویق کرده از هرگونه‌دادوقال و تنبیه وتوبیخ که اهمیت و محبوبیت‌اورا میکاهد اجتناب‌می‌کند . برعکس باروی‌خوشی ولطف و مدارا صمیمت و اعتماد شاگردانرا جلب میکند ناظم بمنزله پدر یا مادر مهربان است که اطفال با رضا ورغبت گرد او جمع شده‌درمسائل اجتماعی یافردی بااومشورت‌میکنند وتظاهر وتزویر درحضور او روانمیدارند .

ناظم بامهارت کامل مواظب پیشرفت روح‌اجتماعی شاگردان‌است وهمواره‌درصدد تسهیل‌مقاصدتربیتی مدرسه‌برمیآید وباهمکاری‌انجمنهای شاگردان‌وظیفه‌شناسی وانضباط رابرقرارمیسازد بقدری‌این کاررابامهارت انجام میدهدکه اگر تازه واردی ازشاگردان بپرسد : (این مدرسه‌راکی

اداره میکند؟) با کمال صراحت پاسخ میدهند (ما) یعنی شاگردان و ومدیر ومعلمین وناظم .

آنچه معلمین ارشاد کننده از آنها دوری میجویند .

مهمترین شرط موفقیت معلم راهنما ومشاور انست که هرچه ممکن است بیشتر طرف اعتماد ومحبت شاگردان واقع شود ازشرکت وحتی حضور ودخالت درامور یکه متضمن بازخواست وملامت کردن با آنها باشد احتراز کند . جز بکار هائیکه مستلزم رفاقت و صمیمیت است اقدام نکند . مطلقا معلم مشاور شیوه پلیسی ومفتشی درحرفه خود بکار نمیبرد وهرگز باین وسیله نمیخواهد ازحال کودکان وجوانان آگاه شود .

در کشف خطاهای شاگردان بحدس و گمان متکی نمیشود و حتی الامکان ازاینکه برای امور شخصی وخانوادگی اطفال دستور صریح بدهد خودداری می کند . چه محتمل است درست بوضعیت شاگرد آشنا نگشته یادر کشف علت اشتباه کرده باشد . بشاگرد کمك می کند تا شخصاً بعلت گرفتاریهای خودش پی ببرد وبابصیرت زیادتر چاره آنرا بیابد .

معلم مشاور عقیده خودراهمواره باقید احتیاط وبصورت اندرز صمیمانه بیان می کند ودرپیروی ازآن شاگرد را مختار وآزاد میگذارد .

برای معلم ارشاد کننده شایسته نیست که اشتباهات وخطاهای شاگرد را بقدری بزرك کند که طفل یاجوان خودرا مستغرق درگناه تصور کرده راه چاره وبازگشت رابرروی خودش بسته به بیند برعکس نوید بخشش

و امید و بازگشت و جبران مافات است که ازتکرار و ادامه اشتباهات جلوگیری می کند وشخص رابسوی نیکوکاری برمیگرداند

مدیر مدرسه ارشاد کننده نباشد بهتر است .

مدیر یك دبیرستان کوچك که مشغله وکارفراوان نـدارد اگر شرایطی که برای راهنما ومشاور ذکرکردیم واجد باشد از آنجائی که باشاگردان ومعلمین سروکاردائمی دارد وغالباً باولیاء آنها ملاقات کرده تماس پیدا می کند البته مشاورشدن برای اوکار مشکلی نیست وبخوبی میتواند رل پدر ومادر مهربانی رابازی کرده راهنمای اطفال بشود : اما تنها اشکالی که دارد اینست که اگر مدیر شخصاًعهده‌دار اجرای مقررات ونظم امور داخلی باشد شاگردن بالطبع از اوبیمناکنند وتاحدی ملاحظه میکنند ونمیتوانند تا آن درجه صمیمیت پیدا کنند که راستی ودرستی در گفتار خود نشان داده بی‌پرده همه چیز رابگویند از این‌رواگر این کار را بعهده یکی ازمعلمین آزموده محول کند و خود شخصاً مدیر تشکیلات باشد و ارشاد کردن معلمین‌را برعهده بگیرد سزاوار تر بنظر میرسد .

معلمین مدارس برای آگاهی از روحیه جوانان ودانستن طرز فکر آنان غالباً پرسشنامه ها و سئوالاتی بشاگردان میدهند و ازآنها میخواهند که جواب آنرا با کمال صراحت و بدون امضاء تهیه کنند در این اوراق از مطالبی که میل دارند مورد بحث واقع شود

واصلاحاتیکه درامور آموزشگاه بنظر آنها میرسد ومشکلاتی که در زندگی آنها را رنج میدهد پرسش میکنند وپاسخها را برای اصلاح کار خود وتطبیق درس با احتیاجات شاگرد طرف توجه قرار میدهند

دفترهای مربوط باین سازمان

معلمین ارشاد کننده برای رهبری شاگردان احتیاج بدفترهای بسیار منظم ومرتبی دارند که بسهولت تمام سوابق شاگردرا در دسترس آنها بگذارد ولی رعایت این موضوع لازم است که غیراز معلم مربوطه کسان دیگر از جزئیات احوال شاگرد ها مطلع نشوند و گزارش حال آنها را شهرت ندهند.

در این دفاتر مطالب زیر ثبت ونگاهداری میشود.

سن - وضع بهداشتی - سوابق شاگرددر کودکستان یا دبستان نمرات دروس وملاحظات معلمین - رشته تحصیلی - عادات و رفتار و شخصیت شاگرد - نتیجه تستهای هوش و آزمایشهای حرفه‌ای - روش و رفتار اجتماعی - همکاری - انتظام - فعالیت - خصوصیات زندگی - شغل خانوادگی - نظر ولی یاپدرومادر - مصاحبه ها پرسشنامه های با امضاء.

سازمان ارشاددبستانها

اگر چه مطالب این کتاب بقصد تربیت جوانان ومدارس متوسط تهیه وتنظیم شده است ولی از آنجائیکه تومار تربیتی از آغاز تا انجام

متصل و مربوط بهم است نمیتوانیم بیان این مطالب را از وسط شروع کرده قبل از طی مقدمات بسوی نتیجه برویم وهنوز از پله اول بالا نرفته پله های دوم وسوم را به پیمائیم لذا بهتر دانستیم که در هر قسمت این کتاب از تربیت دبستانیهم ذکری بکنیم

چون هر کلاس دبستان یك معلم دائمی دارد که بیشتر وقت را با شاگرد ها میگذراند معلم کلاس بهتر از هر کس میتواند مهیای انجام وظائف ارشاد بشود، واین کار را با موفقیت انجام بدهد . مشروط بر اینکه تمام معلمین زیر نظر یك مدیر یا سر برست دانشمند انجام وظیفه بکنند وتمرکزیکه لازمه این سازمان است وبآن اشاره کردیم برقرار بدارند وهدف کلی تربیت را همواره پیش نظر تمام کارمندان و معلمین دبستان نگاهداشته مراقب باشند تا از آن منحرف نگردند .

چون بچه های یك کشور دمکراسی برای بندگی و اطاعت از قدرت مطلق تربیت نمیشوند و بر عکس کسانی هستند که در آینده مسئول اعمالشان میباشند وباید بر امیال وآرزو ها و اعمال خود شخصاً غلبه پیدا کرده سرنوشت خود را بدست بگیرند و با اجتماعیکه زیست میکنند همکاری داشته باشند . لذا دبستان عموم افرادیکه بشر شناخته شده دارای حقوق مسلم و مساوی هستند برای زندگی در زیر لوای آزادی تربیت میکند والفبای حق ومسئولیت وعدالت را بآنها میآموزد شخصیت اطفال را رشد میدهد و آماده استفاده از حقوق حقه خود

ورعایت حقوق سایرین را میکند و بوسیله این گونه مراقبتها قوانین اخلاق را عملی و مؤثر یاد میدهند اگر آموزشگاه رویه استبداد وفرمانفرمائی پیش گیرد وشاگردانش را عادت باسارت وبندگی بدهد ریشه ظلم و جور راطوری غرس میکند که نسلهای بعدی تا مدتی از کندن بنیادش عاجز میمانند و هر وجدان پاکی گناه این آموزشگاه را غیرقابل جبران میداند.

در این مکان است که اطفال باشرایط نا مساوی و اختلافات زیاد مادی ومعنوی واخلاقی وارد میشوندوچشم امیدوارند که همگی از تعلیم وتربیت بهره مند بشوند ودراثر پشت کار ومساعی مربیان برمحرومیتها وناکامیهائیکه اجتماع برای آنهافراهم کرده تاجائیکه ممکن است فائق گردند واستعدادهای نهفته خودرا بروزبدهند وباستقبال آینده درخشانی بروند

در این صورت معلم نمیتواند در برابر مشکلات خصوصی آنها بی اعتنائی پیشه کندیا ازهمگی بطوریکسان توقع ابراز لیاقت داشته باشد

اطفال دبستانی مراحل رشدرا باسرعت زیادتری طی میکنند ولی در این راه پیمائی همگی همقدم ومساوی نیستند بعضی تند تر وبرخی کندتر رو بکمال میروند واستعدادیادگیری هم تابع رشد آنها است. همانطور که استعدادها یکی بعداز دیگری نمو دار میشود مربی از هر کدام بموقع خود در تربیت استفاده میکند. هرگز باستقبال استعداد



میزها وصندلی‌های دبستان قابل حمل و نقل است وشاگردان بزودی وضع کلاس را بهر صورت میل‌دارند تغییر میدهند اطفال عکسها و مجلات مربوط بموضوع درس را تهیه و بدیوار نصب کرده اند

هائیکه هنوز پیدا نشده نمیرود و در باره اطفالیکه هنوز طبیعت آنهارا آماده نکرده است سخت نمیگیرد وفشارنمی آورد .

برای این منظور بهترین وموثرترین روش اینست که اطفال را برخلاف آنچه در مدارس ما معمول است تحت انفعال وتعلیم قرار ندهند بگذارند تا خودشان فعال بوده بمقتضای رشد در جستجوی معلومات و تجربیات بر آیند ، معلم بامهارت کسی است که نخست وسایلی برانگیزد ومحرکی بکار برد اگر کودك عکس‌العمل مساعدت نشان داد واز آن استقبال نمود دنبال کند والا بگذارد موقع مناسب آن برسد .

طفل همواره از محیط خود پند میگیرد وهر چه درصفحه ضمیر او با قلم تجربه‌حك بشود در تمام عمر نقش ابدی باقی میگذارد و پایه مکتسبات بعدی اومیگردد . هر گاه ازمعلم‌خودبدی‌دید نسبت باوخشم‌و نفرت پیدا کرده ودرس خواندن را اجباری و پرمشقت دانسته‌آتش ذوق وعلاقه ایکه‌شاید قبل‌ازورودبدبستان دردل او روشن شده‌رو بخاموشی میرود و تنبل و بی اعتناء میشود .

طفلیکه با شادی‌قدم بمدرسه‌میگذارد اگراورادرمقابل چیز های مطبوع قراربدهندوروی‌خوش نشانش‌بدهند باشوق‌وافر بجستجومیپردازد وبنا بر طبیعت خود هرلحظه بر تجارب خود میافزاید و هرچه را نفهمد میپرسد .

آیا بهتر نیست‌مربی‌بجای اینکه مطلبی راطرح کرده وسخنرانی

کند به پرسشهای آنها پاسخ بدهد وبجای اینکه دانسته های خود را برای آنها شرح بدهد بگذارد تا خودشان آزمایش کرده و نتیجه را بدست بیاورند ؛ البته ممکن است معلم زمینه بحث و گفتگو را آماده کند ولی دنبال کردن آنرا اگر باختیار شاگرد ها بگذارد خیلی زود تر به نتیجه میرسد .

غالباً گفتن یك حکایت نشان دادن یك عکس یا یك شیئی یاشروع بیك کار عملی کنجکاوی آنها را برمیانگیزد آن وقت است که اگر معلم چیزی بگوید یانشان بدهد شاگردها باصراحت میفهمند واز آن لذت میبرند . اما موقعیکه بدلخواه خود مطالبی را بیان میکند ومتوجه روحیه اطفال نمیشود هرقدر توضیح داده شاخ و برك آن را زیادتر کند کودکان علاقه واصراری بفهمیدن آن نشان نمیدهند اگر بطور اجبار برای یاد گرفتن آن کوشش بکنند زود خسته میشوند و بنای ناراحتی وشلوغی را میگذارند

در میان شاگردان یك کلاس بعضی اطفال بسیارهوشمند و زیرك پیدا میشوند . عده‌ای متوسط وچند نفر کند ذهن وضعیفند . تشخیص درجه ذکاوت شاگردها ازوظائف جدی معلم است چه برای کودکان مستعد که شاید زمینه نبوغ در آنها باشد باید راه وسیعتری بگشاید تا کسل ومعتاد بکاهلی نشوند بچه های متوسط را مطابق توانائی آنها به پیشروی تشویق کند تا ناتوان وخسته نگردند حال اگر با تمام آنها بطور مساوی رفتار کند در حقشان ظلم وستم روا داشته است .

بچه ها حرکت و فعالیت راپیش از آرامی و استراحت دوست دارند واز آن لذت میبرند زیرا در حال عمل و کار موجبات استرضای امیال خود را فراهم کرده بر تجربه و اکتسابات خویش میافزایند ممانعت از ارضای این غریزه یعنی نشاندن آنها روی نیمکتهای کلاس دو ضرر دارد . یکی نتایج بدی که از مخالفت باخواهش درونی آنها حاصل میشود و بیجهت معلمین نام بی ادبی و بی‌نظمی و فضولی وموذی گری بر آنها میگذارند و میخواهند گناه را از گردن خود بر دارند

دیگر جلوگیری از افزایش معلومات و اکتسابات آنها است که‌سبب کودنی و سستی و نادانی میگردد

بهترین کلاس دبستان آنجائی نیست که میزها و صندلیهای مرتب در آن چیده کودکان‌را صف در صف ساکت وآرام روی آنها نشانده باشند چنین محلی را بهتراست برای سخن رانی بزرگسالان اختصاص بدهند وبچه هارا بخصوص در چهار سال اول دبستان بگذارند تا در اطاق بزرگ تمیز آفتاب رو که دارای هوای معتدل باشد حرکت کرده میز و صندلیها را باختیار خود از جائی بجای دیگر بکشند گاهی روی زمین گرد هم بنشینند و مشغول هر قسم بازی که میل دارند بشوند زمانی بدیوار ها عکس بچسبانند ونقاشی بکنند . گل ونبات تازه که‌در حال روئیدن باشد دراطاق نگاه دارند وهر روز بآن توجه کنند . هر کتابی راکه میل دارند ازمیان کتابخانه کوچك اطاق جدا کرده

بخوانند . هر چه را میل دارند از معلم بپرسند .

بجای اینکه معلم با ابهت در صدر کلاس و بر کرسی بلند قرار گرفته اطفال را مراقبت کند و بخواهد تا خاضع و خاشع چشم و گوش بفرمان او بدوزند و حرکت نکنند در میان کودکان قرار بگیرد و آنها غالباً دورش حلقه زده باشوق و نشاط فراوان برای انجام نقشه های خود که شخصاً طرح کرده اند با او مشورت و طلب رهبری بکنند یا در نوشتن و خواندن چیزهائیکه خود انتخاب کرده‌اند از او کومك بخواهند ترس و ملاحظه از معلم زیان بسیار دارد و با اصول تربیت مباین است زیرا ترس از عواطف نامطلوب انسانی بشمار میرود و طفل یا بزرك از چیز های موحش و مخوف هراسان و گریزان میباشد بچه ای که از دیدن معلم بر خود میلرزد و درخواب خوش یاد قیافه او مضطرب و متألمش میدارد صلاح آنست که درچنان مکانی قدم نگذارد و همان ندیدن روی کسانیکه در اولین سنوات زندگی اوقات اورا ناخوش و نا مطلوب میکنند توفیق عظیم بداند واز مضارش برحذر بماند .

تا میتوانید دبستان را خوش آیند و فرحبخش کنید دوستی و رضایت خاطر کودکان را بر تحمیل معلومات ثقیل بآنها ترجیح بدهید فعالیت و تجربه را مادر مکتسبات حقیقی بشمارید برای کلاسها . کتابهای شیرین . نقشه ها . عکسها . گرامافون . رادیو . پروژکتور . لوازم کار های دستی تهیه کنید .

راست است که وضع فعلی مدارس ما اقتضا نمیکند تمام آنهارا یکباره فراهم نمایند ولی از اشیاء ارزان قیمت و عکسهای مجلات اگر متدرجا جمع آوری کنید بزودی کلاس خودرا با روح وشاگردان را شادوفعال . می بینید

این عقیده که بعضی انتشار داده میگویند دیوارهای کلاس باید ساده باشد تا موجب حواس پرتی بچه هارا فراهم نکند مبنای صحیحی ندارد باالصاق تصویرها ی مناسب وتازه وجذاب میتوان توجه شاگردان را بسوی مطالب سودمندی معطوف داشته پرسش و بحث ومطالعه را تحریك کرد ،

بخش هفتم

سازمان ارشاد معلمین

پیش از این مطالبی در باره تکالیف سنگین مربیان نوشتیم و گفتیم وظیفه آموزشگاه کمك برشد طبیعی وتقویت استعدادهای اطفال و بر طرف ساختن موانع پیشرفت آنها است تا اینکه هر کس بقدر مقدور دارای معلوماتیکه شایسته آدم متمدن امروزی وعضو کشور دمکراسی است شودو حاکم برمقدرات خود گشته عظمت قرنیکه در آن زندگی میکند دریابد .

از آنجائیکه دانستیم محیط موثرترین عوامل تربیت است نخست لازم است مدرسه را نمونهٔ حقیقی کشور دمکراسی بسازیم و رفته رفته شعاع آنرا بتمام شئون اجتماعی برسانیم ولی چگونه از این حقیقت غافل شویم که معلمین یعنی همان کسانیکه این خدمات مهم را از آنها انتظار داریم خود پرورش یافته همین محیط نامساعد ودستگاه فرهنگی ناقصند و برای تلاش معاش وانجام وظیفه بامحظورات بسیار دست بگریبان هستند .

معلمین نه فقط در تمام مشکلات و ناکامیهای گوناگون که برای قاطبه

مردم کشور موجود است سهیمند میتوان معتقد بود چون رنج دوره تحصیلی که درمدارس ما باعمال شاقه شباهت دارد کشیده‌اند واکنون هم وظیفه آنها سنگین تر از شاغل سایر طبقات است از اینرو طبع آن ها بمراتب حساس تر وعواطفشان رقیق تر و بی شبهه هر عکس العملی در آنها شدیدتر است .

بسی دشوار است که معلم با جراحت درونی وتنگدستی بتواند در این بحران اخلاقی باجرای تکالیفی که اشاره کردیم توفیق بیابد .

بعلاوه برای مربیان ما که راه تربیت را غلط یاد گرفته و غلط پیموده و به این رویه خوگرفته اند هرگونه تغییر مشی خالی از زحمت نیست .

اما تصوراتیکه اصلاح تعلیم وتربیت را از فارغ التحصیلهای آینده دانشسراهامیخواهیم وکم کم معلمین تازه را جانشین معلمین وارد درکار بکنیم فکر پیشرفت را کند تر ورسیدن بسرمنزل مقصودرا بسیار دور تر میکند . شکی نیست که بایستی دراسرع اوقات روش نوین رادرتدریس دانشسراهامعمول بداریم ولی اینکارمربوط به این نیست که معلمین فعلی را نه فقط از راه اجبار واحتیاج بلکه بجهت تجربیات و معلومات بسیار ذیقیمتشان لازمداریم .

با اینکه معتاد کردن معلمین به روش تازه چندان آسان بنظر نمیرسد ولی بهیچ وجه غیر ممکن نیست . مشروط بر اینکه با متد

درست شروع به رهبری آن ها بکنیم و مشکلانشان را متدرجاً بر-
طرف سازیم.

پس ناگزیریم سازمان ارشاد معلمین را برسازمان شاگردان مقدم بداریم و طرحی نو بریزیم تا مربیان را از معلومات و اطلاعات لازم بر خوردار ساخته بند های فراوانیکه از هر سو بدست و پای آنها پیچیده بگشائیم و از استقلال فکر وعمل بر خوردار سازیم. آنگاه چشم توقع بسوی آنها بدوزیم.

برای رهبری معلمین و معتاد ساختن آنها با روش نوین تربیت همچنانکه پیش از این متذکر شدیم هر آموزشگاه بیك مدیر دانشمند ومجرب احتیاج دارد تا متخصصی مسئول ورهبراجرای برنامه تازه بشود. ولی مادامیکه این چرخ بکار نیافتاده و فن تازه بصورت عادی درنیامده بیم آن می رود، معلمینیکه مدتها است باطرز معمولی خو گرفته وهمواره در کلاس سخنوری کرده اند، و شاگردانیکه پیش از این حسب الامر و از روی اجبار درس خوانده بانضباط تحمیلی عادت دارند وهرگز آزادی عمل وفعالیتهای دسته جمعی را تمرین نکرده اند تمام مساعی رهبرخود را بهدر بدهند. زیرا آنها پس از تغییر مشی تامدتی درمعرض پیش آمد های غیر منتظره واقع ودچاراشکالات مهمی میشوند که دراین حال اگر مدیرمسئول از عهده حل آنها برنیاید ازتعقیب هدف وامانده و مأیوس می گردند.

اما محظور دیگری که بتصور میاید وتقریباً در حکم یقین است پیدا نشدن عده کافی مدیر مجرب و کار آزموده است که بتوانند ازعهده استقرار این روش برایند وزیر نام تازه همان اصـول کهنه را تعقیب نکنند .

برای پیش بینی این محظورات است که نخست بیك دستگاه مرتب ارشاد وراهنمائی معلمین احتیاج داریم . زیرا نه افزایش بودجه فرهنك ونه تشکیل سخنرانی باوضع حاضر برای رفع این همه آشفتگی ومحظوراتیکه درکار معلمین موجود است کافی بنظر نمی رسد وتأثیر عمیق درکار مدارس نمیبخشد .

برای اجرای اینمنظور اقدامات زیر سودمند است :

۱ — اداره بازرسی فرهنك را به سازمان ارشاد معلمین تبدیل بکنیم .

همه میدانیم که اداره بازرسی فرهنك اگر بکلی بی‌فایده نباشد لامحاله منشاء اثر کلی‌هم نمیتواندباشد . این اداره وطرز کار آن‌طوریست که فقط برای کسانیکه میل دارند بدون داشتن مسئولیت و انجام کار مثبت‌حقوق بگیرند محل مناسبی بازکرده‌است . حتی افرادی که‌درواقع مایل بخدمت هستند همینکه دراین‌ماشین وقت تلف کنی‌میافتندبخودی خود ازهرکار وفعالیتی باز میمانند چون باز رسان نه وسایلی دارند که بمعلمین کمك بکنند و نه باندازه ای مقتدرند که اشخاص نالایق را بر

کنار بدارند .

گاهی اقدامات بازرس علیه یك معلمین نردبام ترقی او میشود زیرا بمحض اینکه معلم نالایق از رویه بازرسی درباره خودش مشکوك میشود درصدد تشبث و یافتن واسطه و وسیله بر میآید واحیاناً کارخود را محکمتر و مقامش راارجمند تر میکند . یکی ازمدیران دبستانها که بامن مسابقه آشنائی داشت از معلم کلاس ششم بعلت دل بکار نبستن و غیبت زیاد ببازرس مدرسه اظهار عدم رضایت کرد طولی نکشید که آن معلم بشغل ناظمی همان دبستان و پس از اندك مدتی بمدیری دبستان دیگر ارتقاء یافت وتمام کارمندان مدرسه دانستند که این ترفیع درجه بواسطه تحریك شدن معلم باقدامات مجدانه و عکس العمل شکایت مدیر و بازرس است .

اولین ایرادیکه میتوانیم متوجه اداره بازرسی بکنیم انتخاب نام اداره یعنی (بازرسی) است . این لغت درخود بازرسان و معلمین هر دو سوء اثر میبخشد واز همان روز اول آنها را نسبت بیکدیگر بد گمان میسازد . بازرس یا مفتش هر اداره معمولا برای این بمحلی اعزام میشود که بکشف جرائم وخطاها و اموری که با موازین قانون مطابقت ندارد. یا دزدکی و مخفیانه اجرا میگردد اقدام کند وگزارش بدهد تا مجرم و خطاکار تحت تعقیب قرارگرفته بسزای اعمالش برسد .

شکی نیست کسانیرا که فرهنك باین نام میخواند بالطبع وظیفه

خود را دراین می پندارند که چون وارد مدرسه شدند در پی ایراد و انتقاد بگردند. نافرمانیهای مدیر و کارمندان وغیبت وتأخیر ورود آنها را گزارش بدهند. ساعتی‌راکه در معیت معلم بسر میبرند نظرشان اینست که اشتباهات وندانم کاری های او را روی کاغذ آورده بمدیر بازرسی تقدیم بدارند ودردفتر مدرسه بنویسند وبا این اقدام سلب مسئولیت از خود بکنند.

درعین حال بازرس ومعلم هر دو میدانند که اگر معلم با نفوذ و پشت گرم باشد بر این گزارش ها ابداً اثری مترتب نبوده واوضاع بحال سابق باقی میماند حد اکثر کاری که ندرتاً انجام میشود اینست که پس ازشکایتهای متوالی یك معلم را از مدرسه‌ای بمدرسهٔ دیگر روانه کرده ومعلم آنمحل را بجای او میفرستند ودر اثر این تغییر و تبدیل جدول ساعات هر دو مدرسه را بهم میریزند و تا مدتی ناراحتی برای دفتر آموزشگاه و شاگردان ایجاد میکنند بدون اینکه کوچکترین بهبودی در وضعیت تدریس نمودار شود. تنها چیزی که حتمی است واثر پایدار میبخشد کینه وعداوتی است که میان بازرس ومعلم تولید میشود. شاید بعضی ازمعلمین بی پناه در اثراینگونه گزارش‌ها صدماتی دیده وبزحمت افتاده باشند ولی در هر صورت درامر تدریس کوچکترین تأثیری نمی بخشد و اوضاع تربیتی اطفال‌تغییری‌نمی کندبهمین‌دلیل است که‌بازرسان محتاط و بی آزار غالباً بجای رفتن بکلاس در اطاق مدیر با صحبتهای

معمولی وقت خود را میگذرانند و آخر وقت سطری در دفتر مدرسه نوشته پی کار خود میروند .

حال اگر یکی از بازرسان مقصودش راهنمائی بمعلم باشد و خود را برای اینکار مهیا کند تازه در اجرای منظور خود در میماند و دچار اشکال میشود . معلم چون طبعاً از بازرس هراسان است وتجربه‌خوشی نسبت باین دسته ازا شخاص ندارد مایل نیست اسرار کارش را دریابند ونواقص اورا بفهمند واعمالش را بمقاماتی که ممکن‌است‌مزاحم او بشوند گزارش بدهند . این فکر بقدری در اغلب معلمین راسخ‌است که اگر دوست صمیمی آنها سمت بازرسی پیدا کند از او بیزار میشوند و او را بد خو و بد اندیش می‌پندارند . احیاناً شخص اگر خیر خواه و مهربان باشد و نصایح بیریا بکند برای قبولش راضی نمیشوند وحتی با مباحثه ومشاجره میخواهند حقانیت خود را ثابت کرده از روش خویش باهزار عذر وبهانه دفاع بکنند . البته وقتی کـه گفته کسی را بغرض گیرند پیروی ازآنرا نمی‌پذیرند.

آنچه دراین زمینه مینویسم مبنی برحدس وگمان نیست تجاربی هستندکه درطول خدمت فرهنگی‌اندوخته ودر زمان مدیری آموزشگاه گرفتار آن بوده ام . هرچه جد و جهد کردم هرگز نتوانستم روابط دوستانه میان معلم وبازرس برقرار بسازم وبازرسانیرا که ازحسن نیت آنها مطمئن بودم بمعلمین آنطوری‌که بودند معرفی بکنم و بی غرضی

آنها را مدال بدارم .

دومین علت اینکه بازرسان هرچندمایل باشند نمیتوانند بخدمتی نائل بشوند تشکیلات غلط اداره بازرسی است. یك بازرس فنی یاعمومی مأمور است بچند مدرسه سرکشی کند ، طرز کار عده‌ای از معلمین را گزارش بدهد . باین دلیل شاید ماهی یکبار یا فقط سالی چند بار هر معلمی را در کلاس میبیند و بی شك در آنموقع رفتارشاگرد ومعلم بقدری ساختگی است که بعید بنظر میرسدشخص دراینمدت کوتاه معایب تربیتی را دریابد زیرا در حضور بازرس بانواع وسایل متشبث میشوند تا بهانه بدست ندهند . درحالیکه بدست آوردن میزان پیشرفت‌شاگردان محتاج رسیدگی دقیق و کسب اطلاعات ومشاهدات زیاداست که بازرس نه‌وقت دارد ونه حق دارد این قبیل بررسیهارا بکند .

نقل این واقعه از دفتر خاطراتم برای خوانندگان بیمزه نیست . طفلی ازبستگان من پس ازمراجعت ازدبستان با التهاب فراوان نقل می کرد « امروز اتفاق غریبی برای ما افتاد وخدا را شکر که بخیر گذشت. طرف صبح یك بازرس بمدرسه ما آمده بود وچقدر خوب شدکه ما از پشت‌شیشه اورادیده وبخانم خبردادیم خانم بماامر کردند تانظافت خود را درست کنیم (اصطلاح خودبچه است) چون در آنموقع نمیتوانستیم سر حوض برویم پشت دستها را خوب لیسیدیم وبا پیراهن زیرمان پاك کردیم . با شانه یکی از بچه ها همگی سرمان را صاف کردیم . بعد

باخنده اضافه کرد بازرس از کلاس ما خیلی خشنود شدو بما آفرین گفت و رفت . » این مثال که نمونه‌ای از طرز قضاوت وتفکر معلم و شاگرد درباره بازرسان فرهنك است کم و بیش درهمه جا صدق میکند . حال تصور نتایجیکه از این روش حاصل میشود بسته بداوری شما است .

رعبیکه ازحضور بازرس در دل شاگردها ایجاد میشود ، تغییراتی که درسیما وحرکات معلم روی میدهد ملاحظاتیکه پس از رفتن بازرس بین شاگرد و معلم رد وبدل می‌گردد ، گفتگوهای مسخره آمیزشاگرد ها در خارج کلاس غالباً تماشائی است .

سومین ومهمترین ایرادی که باداره بازرسی فرهنك وارد است عدم اطلاع و احاطه اکثر بـازرسان بروش صحیح تـدریس میباشد . بهیچوجه معلوم نیست که این اشخاص ازمعلمین وارد درخدمت بیشتر بدانند و درجریان پیشرفتهای تازه فرهنگی باشند . زیرا رسیدن باینمقام مستلزم هیچگونه برتری و اطلاعات و تحصیلات مخصوصی نیست . چه بسا معلمینی که بواسطه عدم لیاقت درکار تدریس وارد جرگه بازرسان شده بعیب جزئی از دیگران مشغول شده اند یا اشخاصیکه بکلی از امر تدریس بی سر رشته هستند و با توصیه و سفارش باین سمت برقرار گشته‌اند .

چهارمین ایرادی که بر بازرسی وارداست این است که هیچگونه وسایل و کلاس هائیکه بتوانند آنهارا از تحول فرهنگی دنیا باخبر کنید ویا کتاب‌ها

و مجلات آموزشی که با روش سایر کشورها آشنا بسازد وبجهت افزایش تجربیات ومعلوماتشان مفید باشد تهیه نشده است . بلکه معلمین چون وارد در امر تدریس میباشند ودر مقابل شاگردان و اداره مدرسه و امتحانات مسئولیتهائی دارندا گر دلگرمی بکارشان داشته باشند و سختی های زندگی مجالشان بدهند بیشتر ممکن است نواقص را با هوش و تجربه دریابند و بتکمیل کار خود بکوشند .

حقیقتاً اگرازوجوداداره بازرسی کاری ساخته بود این عده کثیری که حقوقشان رقم بزرگی از بودجه فرهنك را تشکیل میدهد میبایستی تا بحال در انتشار دستور های جامع و گزارش های قابل استفاده برای معلمین وخانواده ها قدم های بزرگی برداشته و طرز تعلیم و تربیت را بمقتضای احتیاجات عمومی کشور وهمدوشی با فرهنك دنیا اصلاح کرده باشند . درحالیکه این سیر قهقرائی نمیتواند کوچکترین دلیلی بر این گونه اقدامات بودهموجب حسن گمان ما بشود . جزاینکه قرائن وامارات از هرجهت بازرسی را پست زائدی معرفی میکنند که هیچگونه برنامه وهدف درستی ندارد ودرپیشرفت واصلاح معلمین مسئولیتی را بر عهده نگرفته وکارموثری انجام نمیدهد .

پس صلاح در این است که بساط این اداره را یکسر برچینیم و بجای آن سازمان سودمندی پی ریزی کنیم .

هیئت مرکزی سازمان ارشاد معلمین

تربیت کار شناس

برای آغاز چنین عملی بیك عده دانشمند فن تعلیم و تربیت که در یکی از کشورهای مترقی در این رشته بخصوص تحصیل کرده باشند و بقدر کفایت از مدارس ایران و اوضاع جاری آن مطلع باشند احتیاج داریم تا آنها را بمنزلهٔ هسته مرکزی سازمان ارشاد مدارس کشور قرار بدهیم ولی تعداد آنها متجاوز از ده نفر اشخاص همفکر نباشد این اشخاص پس از اینکه بین خود ایجاد هم آهنگی کرده هدف صحیحی از روی اصول فن تربیت اتخاذ نمودند هریك مسئولیت قسمتی از امور راهنمائی مدیران و معلمین را بعهده بگیرند و مستقیماً مسئول تربیت اعضای سازمان ارشاد مدارس یا ارشاد کنندگان فنی یا کـارشناسان روانشناسی میشوندودر بارهوظیفه خوداز روی نقشه معین بذل مساعی میکنند. درضمن اجرای این برنامه مرتب مجالس شور عمومی بین خود تشکیل میدهند و با یکدیگر درباره پیشرفت هدف کلی ومشترك تشریك مساعی میکنند . مخصوصاً سعی بسیار درایجاد سازگاری میان شعب کار خود مبذول میدارند تا دچار اختلاف عقاید و انحراف از برنامه نشوند . در بین عده‌ای ازفرهنگیان کار آزموده که داوطلب مشاغل نامبرده میشوند کسانیکه لیاقت آنها مورد آزمایش قرار گرفته باثبات برسد انتخاب میشوند وتحت تعلیمات وسرپرستی هیئت مرکزی ارشاد آماده خدمت

میگردند . بسته بنظر خود این هیئت است که ببینند چند هفته یا چند ماه باید جلسات درس و بحث داوطلبان ادامه یابد تا آنهارا ازهدف وروش نوین مطلع کنند . پس ازاینکه عده کافی کارشناس آماده شدند و کتابها ومجلات و دستور های مرتب بهمین منظور تهیه و تدوین شد مقدمات شروع بکارفراهم است .

خیلی بهتراست عده‌ای ازاین متخصصین که بایستی روانه شهرستانها بشوند از اهل همان محلها باشند تا بمناسبت آشنائی با اوضاع خاص محلی مشکلات کار خود را مورد نظرقراربدهند و آمادگی پیدا کنند . البته این تمرکز سازمان ارشاد نباید اداره فرهنك را از تعلیم و تربیت که برای اطفال نقاط مختلف ایران لازم است غافل بکند . باین معنی که خوداین سازمان وبنیاد آن برروی رعایت اختلافات فردی ومحلی استوار است . منظور اینست که همگی اطفال را از تعلیم و تربیت که برای یك ملت دمکرات لازم است برخوردار بسازند و در عین رعایت تفاوتهاآن ها را بسوی هدف واحدتربیت که درجای دیگر کتاب از آن صحبت شد رهبری بکنند

آغاز کار در مدارس

مدیر یا رهبر سازمان یك مدرسه تمام اوقات خودرا در همان آموزشگاه میگذراند ومسئولیت پیشرفت اداره مدرسه وطرز کارمعلمین را بعهده میگیرد . درعین حال مرتب درجلساتیکه زیر نظر نمایندگان

سازمان ارشاد معلمین تشکیل میشود راجع بمسائل لازم بحث و اتخاذ تصمیم میکنند . مدیر ارشاد مدرسه چنان که گفته شد ممکن است مدیر اداری مدرسه یا معاون او باشد .

مدیر سازمان ارشاد هرمدرسه در اول کار جلساتی باحضور ناظم و معلمین فراهم ساخته هدف و مقصود خود را بیان و از آن ها طلب همکاری میکند البته تنها درچند جلسه درس و بحث آگاه کردن تمام مربیان برموز کار میسر نیست و معلمین مدرسه همچنان تحت مراقبت مدیر سازمان خود باقی میمانند ودرضمن عمل بتکمیل معلومات و رفع نواقص خود میپردازند . مدیران ارشاد مدارس چون از معلمین تجربه کرده و بااستعدادهستند همینکه قدمی برداشتند اول جای پای خودرا محکم میکنند بعدقدم های دیگری برمیدارند ازهر گونه عجله وشتاب درعمل میپرهیزند اعضای هیئت مرکزی ارشاد معلمین مسئول حقیقی پیشرفت امور ورفع اشکالاتیکه در عمل پیدا میشود هستند .

چون پیش بینی تمام وقایع قبل ازوقت مقدور نیست بهترین دستورها ر در حین اشتغال بکار بمدیران و معلمین میدهند تا اینکه متدرجاً مهارت کافی پیدا میکنند .

سخنرانیها و مجلات

از کارهائی که تشکیلات ارشاد معلمین میکند آنست که سخنرانیهای همگانی مرتب برای مدیران راهنمائی ومعلمین مدارس ترتیب می دهند

در آن روز کسانی که قبلا وقت خواسته‌اند و موضوع جالب توجهی برای مطرح کردن دارند نظریات و تجربیات خودشان را که در این مدت پیدا کرده‌اند در باره اجرای روش نو اظهار میدارند. دیگران اگر پرسش یا پیشنهادی دارند در همان مجلس مطرح و بحث میکنند. متن سخنرانیها در مجلهٔ ماهیانه چاپ و منتشر میشود تا هر کس از هر قسمت کشور ایرادی دارد یا راه بهتری بنظرش میرسد بنوبه خود در اطراف آن بنگارد و یا بدان وسیله از افکار سایرین استفاده کرده در تکمیل کار خود بکوشند،

هیئت مرکزی راهنمائی بعدها برای اجرای این تصمیمات و نظریات اقدام میکند و تسهیلات فراهم می‌دارد باین صورت معلمین و مدیران مدارس شخصاً در امور فرهنگی شرکت می کنند و محصول آزمایش آن‌ها در تعلیم و تربیت بموقع اجراء گذاشته میشود و مدارس نمونه حقیقی یك آزمایشگاه پرورشی میشود که شاگرد و معلم در آن عمل و تجربه کرده به پیشرفت خود ادامه می دهند.

ارتباط با خانواده ها

معلمین هر مدرسه بوسیلهٔ ملاقاتهائی که با والدین می کنند یا تشکیل مجالسیکه در آن برگزیدگان محل حضور دارند کمکهای متقابل مدرسه وخانواده راتوسعه می‌دهند. مادامیکه بیشتر والدین بی‌سوادند و نمیتوانند منظور تعلیم و تربیت را دریابند از ایجاد روابط والدین و معلمین منظور روشن

کردن ذهن پدران و مادران و آگاه کردن آن ها بوظایف خودشان است بعد ها که والدین متدرجاً با سواد ودانامیشوندمدارس بسهم خود از افکار و عقاید آن‌ها استفاده میکنند .

باشگاه معلمین

سازمان ارشاد بتأسیس باشگاههائی که دارای رستوران ومحل ورزش و کتابخانه وقرائت خانه و سالن برای مهمانی و سخنرانی باشد اقدام میکند. معلمین بیش از کارمندان دیگر زیر بار زحمت فرسوده میشوند و احتیاج مبرم بتفریح وتجدید قوای روحی خود دارندمخارج این باشگاه را میتوان بوسیلهٔ ماهیانه اعضاء و اعانات محلی تامین کرد متصدیان امور باشگاه حتی‌الامکان ازمعلمین داوطلب یا اشخاص متقاعد انتخاب میشوند و حقوق و مزد کافی دریافت می دارند ۰ اداره و انتظامات باشگاه را برگزیدگان معلمین بر عهده میگیرند .

تقسیم اوقات هیئت مرکزی سازمان ارشاد

این اشخاص نباید شغل دیگری غیراز اداره سازمان ارشادداشته باشند تابتوانند اوقات خودرا مصروف این کار مهم بکنند . قسمتی ازوقت را در دفتر خودشان حضور یافته ازمعلمینی که مراجعه میکنند پذیرائی کرده پرسش های آن‌را پاسخ بدهند۰ قسمت دیگر درمدارس بسرکشی اوضاع آنجا وطرز کار مدیران ارشادبگذرانند . جلسات مرتبی‌هم برای خودشان ترتیب داده جهت‌تکمیل سازمان و پیشرفت آموزش وپرورش

تصمیمات تازه بگیرند .

اجرای تصمیمات

نکته قابل توجه این است که هیچگونه دستور وبرنامهٔ اصلاحی تازه را قبل از اینکه ذهن مدیران ومعلمین با آنها آشناشود وموانع آنرا مورد توجه قرار بدهند نباید برای اجرا بمدارس فرستاد . کسانیکه مجری امری هستند تا منظور را درك نکنند و بر آن مسلط نشوند و موجبات ولوازم را تهیه نکنند نمیتوانند بخوبی از عهده انجامش بر آیند بنابراین آموزشگاه گرفتار نتایج نامطلوب آن میشود و از آبرو و اعتبارش نزد شاگردان کاسته میگردد .

درحال حاضر اداره فرهنك ما یك برنامه یادستور تازه‌ای را موقعی بمدارس ابلاغ میکنند که هیچگونه آمادگی لازم برای بکار بستن آن در مدارس مهیا نیست و طرف ایراد و اعتراض اغلب مدیران ومعلمین واقع میشود . بعضی این عقیده خود را صریح یا باشاره حتی بشاگردان هم میفهمانند بدتر از همه اینکه جوانان را بمتابعت ازدستوری که آنرا بر خلاف میل و تصویب خودشان معرفی کرده‌اند وا میدارند و اجرای امری که نفع آن بر مربیان مشکوك است از شاگردان میخواهند . البته چنین برنامه ودرسی نمیتواند جلب علاقه شاگردان راکرده وطرف احترام آنها واقع شود .

بار ها در مجالس سخنرانی و بحث معلمین امریکائی حضوریافته

ناظر گفتگو های پر شور و مباحثات منطقی آنها بوده‌ام . هر معلمیکه تدبیر تازه یا راه حلی برای یکی از مسائل فرهنگی یافته بود یا تغییرو تبدیل برنامه‌را ضروری میدانست موضوع را با توضیحات کافی وروشن مطرح میکرد. مذاکرات پر حرارتی که بهیچوجه خسته کننده و ملالت آور نبود در اطراف آن بعمل میآمد حتی پس ازانقضای مجلس درکافه باشگاه یا باغچه آن هر کجا چند نفر معلم گرد میزی نشسته بودند در در ضمن صرف قهوه یا غذا با یکدیگر دوستانه تماس میگرفتند و در دنبالهٔ مطلب صحبت میکردند بکرات دیدم که یك معلم از دیگری دعوت میکرد تا در کلاس او حاضر شده در باره روشی که بکار میبرد نظر خود را اظهار بدارد و نواقصی که می بیند بگوید .

بطور یقین هر یك از این جلسات منافع معنوی بسیار در برداشت و مشکلاتی را از پیش پای مربیان برمی‌داشت

سازمان ارشاد میتواند بوسایلی که ذکرشد میان کلیهٔ اعضای یك مدرسه روابط نیکو بر قرار سازد وتمام معلمین آموزشگاهها رابهمکاری و مشورت و پیروی از هدف معین تشویق بکند .

معلمین را بمطالعه کتابهای تازه و تفکر وتجربه و بکار بردن متد نوین آموزش علاقه‌مند بسازد بردباری ومتانت را که از اسرار موفقیت است ترویج بکند .

دلبستگی معلم بکار خود

همه کس می داند که هر چه معلم بشغل خود بیشتر دل ببندد در انجام وظیفه بهتر میکوشد . اما از این نکته گویا غفلت دارند که علاقه بزور و جبر تحمیل نمیشود و یا با پندواندرز بخرج کسی نمیرود وقتیکه این موجبات فراهم گردد علاقه بخودی خود پیدا میشود

۱ ـ عزت و احترام گذاشتن بمعلم درجامعه نه فقط سبب دلگرمی او بخدمت میشود بلکه درخلق و خوی او تاثیر کرده کودکان و جوانان از فوائد آن برخوردار میگردند بهمین علت مقام و شخصیت معلمین در جامعه باید بیش از سایر صاحبمنصبان اجتماعی محترم باشد و بر اداره کنندگان فرهنگ لازم است که پیشرو اینکار شده و با رفتار خود قدر و منزلت معلمین را بیافزایند .

از توهینهائیکه کارمندان اداری فرهنگ ما نسبت بمعلمین روا میدارند و هتك حرمتی که بآنها میکنند داستان های دلخراشی میدانم که از ذکر آن ها دم فرو میبندم و سخنی بر لب نمی آورم و چون از باز گوی آنها شرم دارم . همین قدر میگویم این شیوهٔ ناپسند از آنجائیکه روح شرافتمندی و آزادمنشی را در فرزندان این کشور محکوم بفنا میکند قابل گذشت نیست و بایستی نه تنها مورد اعتراض جامعه معلمین واقع شود بلکه اولیاء اطفال هم دراین موضوع با معلمین همصدا بشوندو بنام شرافت فرزندان خود مقام معلم رادر جامعه بالا ببرند و خواستار افزایش مقام آنها باشند

کسیکه حقوق مسلم بشری او را پایمال میکنند و از بیم لقمهٔ نان تن بذلت می دهد و نفس خود را در سینه حبس میکند خواه و نخواه نمیتواند درس بزرگ منشی و مناعت طبع بدیگران بدهد و جامعه ما را از این فرومایگی و انحطاط اخلاقی نجات بخشد .

ازمعلمینیکه حتی بتوهین وخشونت‌مستخدم دراطاق وزیرورئیس تن در داده‌تحمل میکنندنباید متوقع باشیم که روح دمکراسی در اطفال بدمند و آن ها را زنان و مردان بزرگ منش و شرافتمند بار بیاورند و ایران و ایرانی را در دنیای امروز سر بلند سازند .

۲ - بهبودی اوضاع اقتصادی و آسایش خیال معلم ازجمله اصلاحات اولیه مدارس و اقدامات مهم سازمان ارشاد معلمین است باید بتمام اموری که مربوط بمعلم‌است حتی درگرفتاری های خانوادگی‌بآن ها مستقیم یا غیرمستقیم مدد کنند، حتی‌الامکان ازدغدغه معاش‌خیالشان را راحت نمایند.

بهداری و بیمارستان دوای رایگان . کودکستان مجانی برای اطفال آنها تهیه کنند با تشکیل شرکتهای خوار و بار و انواع وسایلی که در بهداشت جسم و روح معلمین موثر است آن هارا دررفاهیت‌قرار بدهند .

۳ - از جابجا کردن هر ساله معلمین یا تدریس یک‌تن‌معلم در چند مدرسه اجتناب بشود تغییر محل وتقسیم وقت در چند مدرسه

موجب تفرقه خیال معلمین است و با نها مجال نمیدهد باهمکاران خودشان یا شاگردان وخانواده‌های آنها آشنا بشوند و مدرسه‌را ازخود بدانند و بدان تعلق خاطر پیدا کرده در کلیه امور آن خودرا ذینفع وعلاقه مند بشمارند ،

۴ - برای هر معلم اعم از ارشاد کننده یا غیر آن بجز از اوقات تدریس ساعاتی را معین کنندتا مرتب در دفتر بمانند و بشاگردان خود وقت ملاقات بدهد . این اوقات جزو کار رسمی معلم بشمار بیاید و مطابق ساعات تدریس حقوق دریافت بدارد تا از ماندن در آن ساعت طفره نرفته و یا بکار شخصی نپردازد . این فرصت غیراز ملاقات شاگردان فواید دیگری دارد و معلم میتواند با اداره مدرسه و مقاصد آن آشنا بشود و در کار های عمومی آموزشگاه شرکت کرده خود را جزو تمام تشکیلات بداند . معلمینیکه بمحض خارج شدن از کلاس از در مدرسه بیرون میروند و بهیچوجه شریك و سهیم انتظامات کلی آموزشگاه نمیشوند بمنزله مزدورانی هستند که یك کار کم ارزش موقتی انجام میدهند فقط میخواهند قیمت آنرا در یافت کرده ودر پی خیال خود بروند این روحیه باتعلم وتربیت که امر حیاتی است وباتن وجان اطفال ارتباط دارد ودر سرنوشت ملت تأثیر میکند جور درنمیآید . معلمین باید فرصت این را داشته باشند که باشاگردان در یکی از انجمنها وکار های خارج برنامه شرکت کنندتا باآنها رفاقت و دوستی پیدا کنند .

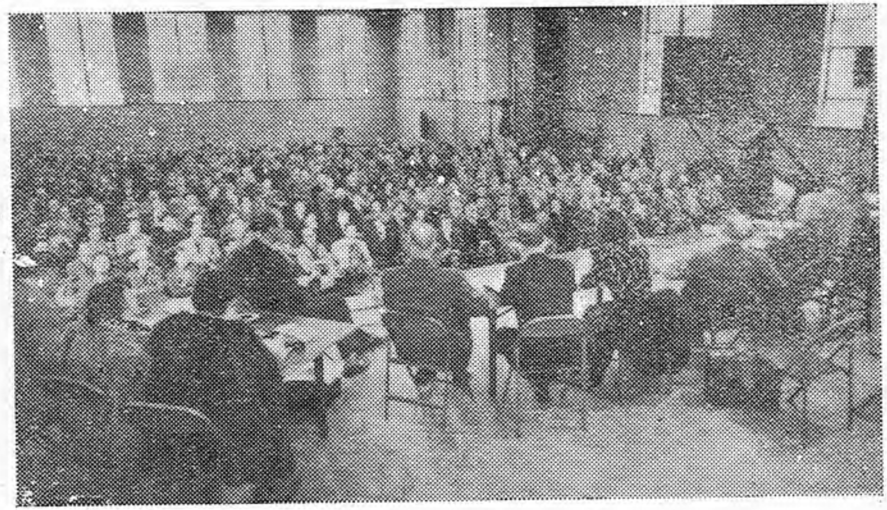
۵ ـ در شورای معلمین بطور مرتب حضور بهم رسانند و بامدیر وناظم ومعلمین درباره امور اجتماعی مدرسه مشورت کنند تا روح وحدت وهمبستگی ودوستی درمحیط پرورشی بر قرار گردد

۶ ـ آزادی عمل در تدریس و انتخاب کتاب و جابجا کردن وسبك وسنگین کردن مواد داشته باشدتا بتناسب محل وموقع واحتیاج دخالتهائی بکنند. تامعلمین مهارت بیشتر پیدانکرده‌اند بهتراست شورای معلمین راجع به‌تصمیمات تازه‌ایکه هر معلم اخذ میکنند نظر بدهد. همینکه باشیوه تازه بحدّ کفایت آشنا شدند دست آنها درکار خودشان باز بگذارد.

واضح است وقتیکه درجه معلومات معلم بالارفت و درطرز عمل تدریس بصیرت پیداکرد نظر ورفتار اودر باره امور مربوط بشاگرد از هرجهت قابل اعتماد می‌شود و دیگر مانند امروز اداره فرهنك احتیاج به تفتیش وجاسوسی اعمال اورا نخواهد داشت.

اقدامات هیئت مرکزی سازمان ارشاد معلمین در خارج آموزشگاه

هر آموزشگاه زیر نظر سازمان مرکزی ارشاد بادر نظر گرفتن شرایط محیط خود ازاولیا اطفال ومعاریف واشخاص فرهنك دوست محل دعوت میکنند تا در باره بعضی ازنیات مدرسه مانند بهداشت منازل. تأسیس درمانگاه، مراقبت درآب آشامیدنی محل. تهیه زمین بازی ورزش



معلمین ومعتمدین محلی واولیاء آموزشگاهها بایکدیگر جلساتی تشکیل داده
در باره پیشرفت تربیت عمومی و احتیاجات فرهنگی تبادل نظر میکنند

رسیدگی باطفال بی بضاعت یابی سرپرست مساعدت بکند .

غالباًاوراقی دایربردستورهای بهداشتی ومطالب دیگریکه ضرورت آنرا احساس می کنند باخط خوانا و تصاویر روشن چاپ کرده بوسیله آموزشگاه برای خانواده‌ها میفرستند .

اگر پدر ومادر سوادندارند اطفالشان برای آنها میخوانند و در اجرای آن باوالدین خود همکاری می کنند . دراینگونه اقدامات باید بملایمت جلورفت . وفقط بذکر دستورهای ساده ومصور عملی که از عهده خانواده هاساخته است قناعت کرد .

دایرکردن کلاسهای اکابر شبانه درهرآموزشگاه برای با سواد کردن خانواده‌هالازم‌است . ازوظائف مهم این کلاسهاآموختن خانه‌داری تربیت‌فرزند وروش همکاری والدین بامدرسه‌است این تعلیمات برای مردهاو زنها هردو ضرورت دارد .

سازمان باید کمال جدیت رابکند تا توجه مؤسسات کشوری از قبیل اداره شهرداری وشهربانی را بمعاونت بامقاصد مدرسه جلب کند . ادارات نامبرده بافراد پلیس ومأمورین اتوبوسهای شهری دستورمیدهند تااطفال رامحافظت کنند وشرایط احترام ونزاکت رادرباره آنها مرعی دارند. بامجاهدت آنهارفته‌رفته کسبه و کارگران آزادی کلمات ودشنامهای زشت ورکیك درمعابر خودداری کنند . نسبتهای ناشایسته باطفالی که با آنها معامله می کنند ندهند از سینماها وتاترها بخواهند تابرای کودکان

فیلمهای مخصوص تهیه کنند و آنهارا برای تماشای موضوعهای نا مناسب نپذیرند. اداره رادیو باگفتارهای شیرین و مفید که بوسیله دانشمندان فن تهیه میشود مردم‌را از نیت اداره فرهنك وشرایط تربیت نوین مطلع بکنند. توده‌های مردم‌را تشویق بکند تاهریك بسهم خود دراین نهضت مساعدت کرده شرایط محیط تربیت‌را بهبودی بخشند ضمناً در قصه‌ها ومطالبی که برای کودکان در رادیو گفته میشود نظارت کنند تاآنچه‌را برای‌اطفال صلاحیت ندارد نگوئید قصه‌ها ومطالب راجع بکودکان راقبلا از نظر متخصصین تربیتی بگذرانند. نظر خواننده این کتاب را بقصه غیاث‌خشت‌مال و بسیاری‌ازقصه‌های‌مانندآن که برای کودکان‌در رادیو گفته میشود جلب می کنم.

شهرداری برای کسادکردن قهوخانه‌ها که‌سبب ابتلای به تریاك میشود درهرمحل زمینهای ورزش و گردش و کافه‌های تمیزوارزان دایر کنند. بستن شیره کشخانه شکستن‌یاتوقیف حقه‌وافور هرگز مبتلایان‌را ترك نمیدهد. آنهائیکه بواسطه نداشتن‌سرگرمی‌پیرامن‌مراکزمیگردند از خطر محافظت نمی کنند بلکه سبب‌قاچاق وتذویر واعمال خلاف‌قانون میشود حتی‌منع کردن‌هرچیزدرجه‌رغبت‌مردم‌رانسبت بآن‌زیادترمی کند.

سازمان مرکزی ارشاد از نویسندگان و دانشمندان بخواهد تا کتابهای شیرین وسودمندکه‌بکار جوانان میخورد و بمذاق آن‌هاسازگار است تألیف یاترجمه بکنند و در مجلاتیکه طرف توجه جوانان است.

مطالب مخالف اخلاق ننویسند .

این تشکیلات همواره مراقب روحیه جوانان میشود اگر دانش آموزان‌را به‌بینند که میل باعمال ناصواب دارند مثلا بنوشته های زشت اظهار علاقه میکنند بمدرسه بدبین هستند از آزارمردم تفریح میکنند در برنامه تربیتی خود روش مبارزه‌بااین تمایلات‌راپیش‌بینی واز راه درست آنرا ضعیف بکنند

شعب این سازمان در تمام آستانها و شهرستانهای بزرك تشکیل می‌شود مدیران ارشاد مدارس که در شهرستانهای کوچك انجام وظیفه میکنند مرتب مردم بوسیله اوراق چاپی و مجلاتیکه بوسیله سازمان بچاپ میرسد اطلاعات خودرا تکمیل میکند و م وقع تشکیل جلسات عمومی بیکی از مراکز نزدیك خود میروند تا درجریان اموریاشند .

وظیفه تبلیغاتی سازمان

هیئت مرکزی ارشاد یك نوع وظیفه تبلیغاتی در حوزه خدمت خود دارد تاقدر بلند فرهنك‌رابتمام طبقات‌مردم بشناساند و کاری بکند که دیگر وقتیکه دولت میخواهد تحولی در ادارات‌شروع نموده بتصفیه کارمندان اقدام کند نگوید اشخاصیکه صلاحیت باقیماندن در ادارات را ندارند بفرهنك منتقل خواهند شد - چنین عملی‌اهانت‌بکارخانه‌آدم سازی یك‌کشور کردن ومدارس را (بنجل‌آب‌کن) تمام دوایر دانستن است . اگر تصفیه‌کارمندان‌را پاك کردن‌ادارات ار اشخاش آلوده‌بدانیم

یا اخراج مردم نالایق و بی عرضه از آنجا بشماریم . یادور کردن بیماران روحی و اشخاص بی علاقه باجتماع را از مردم سالم و نوع‌دوست فرض کنیم پس مفهوم عمل دولت از فرستادن آن‌ها بمدارس این است که معلمی را شغل عناصر آلوده و ناتوان و بی علاقه بمردم میشمارد .

تا این سنخ فکر عوض نشود فرهنگ ایران سازنده جوانان دلیر و شرافتمند نمیگردد

فرهنگ خودتان را آزمایش کنید

در هر نقطه ایران که هستید دستگاه تربیتی را با پرسشهای زیر آزمایش کنید . اگر پاسخ تمام یا اغلب آنها مثبت باشد امور پرورشی محل شما مایه امیدواری است و بزودی آرزو های جامعه را بر آورده میسازد . هر گاه نصف یا بیشتر پرسشها سزاوار پاسخ منفی است آنوقت است که هر کس بایستی از انحطاط قوم خود بیمناک شده بوظیفه وجدانی عمل کرده تغییر سریع اوضاع تربیتی را خواهان بشود و از هر اقدام موثری کوتاهی نکند .

۱ — آیا دستگاه فرهنگی شهر شما اجتماع را تدریجاً به پیشروی هدایت میکند و از اعمال مضر عوامانه میکاهد ؟

۲ ـ مدارس صنایع مورد احتیاج عمومی را تکمیل میکند و بقدر کفایت شعب فنی و حرفه ای دارد ؟

۳ ـ هر شاگرد احساس میکند که این برنامه درست مطابق احتیاجات

اوست .

٤ ـ آموزشگاه با اصول دمکراسی اداره‌می‌شود وشاگردهابرای آزادی وشناختن مسئولیتهای خود تربیت میشوند؟

٥ ـ برای شاگردهای باهوش ومستعد وسایلی فراهم می‌شود که بتوانند تعلیمات عالیه را ادامه بدهند و در رشته های مطابق ذوق خود ونیازمندی‌جامعه لیاقت پیدا کنند ؟

٦ ـ معلمین کوشش می کنند تا روز بروز تعلیم دانشها ازصورت نظری بیرون آمده با عمل توام بشود ؟

٧ ـ تعلیم وتربیت ازروی‌اصول فنی‌ومتناسب بااحتیاجات‌واستعداد های‌عمومی‌است یااختصاص‌بعده‌معدودی‌دارد. یعنی هرسال اقلاسه چهارم داوطلبان امتحان موفقیت حاصل میکنند ؟

٨ . جامعه از آموزشگاهها رضایت دارد وتعلیمات آنهارا موجب سعادت اطفال میداند ؟

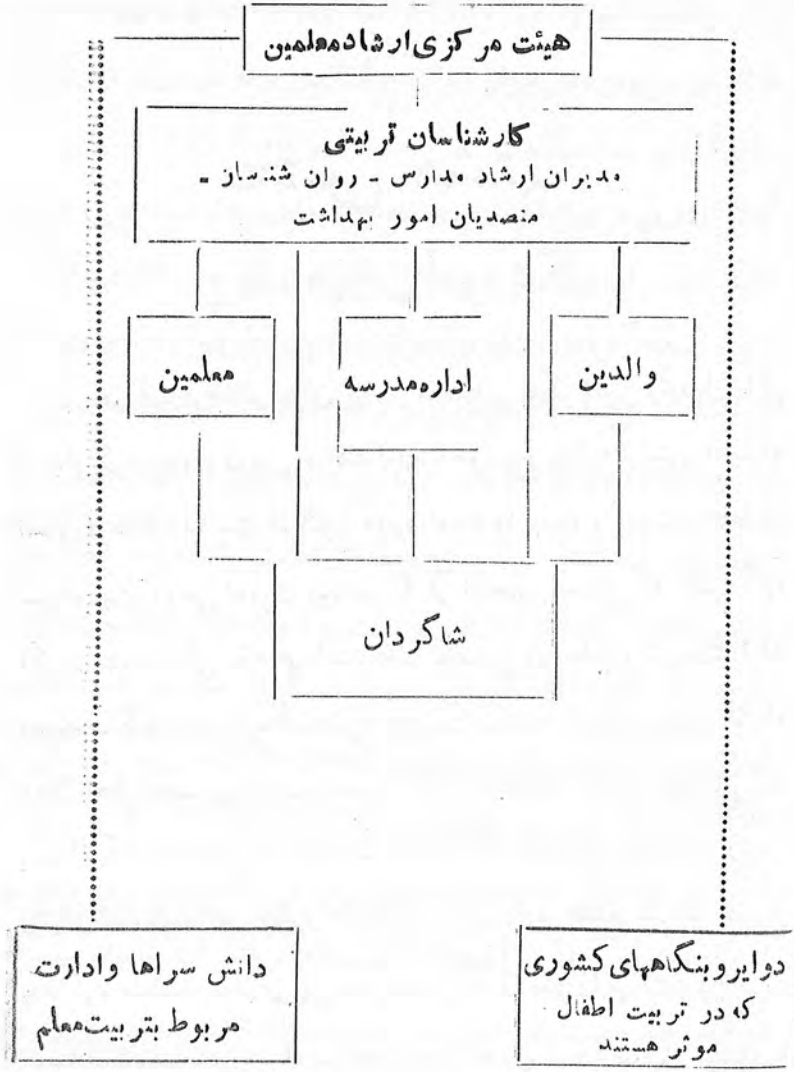
٩ ـ حدّ اکثر استفاده از حدّ اقل بودجه فرهنگی می‌شود ؟

١٠ ـ در توسعه فرهنگ وعملی کردن تعلیمات همگانی وتربیت اکابر قدمهای برجسته و نمایان برمیدارد ؟

١١ ـ مردم‌راتشویق میکنند تابوسیله‌ایجادمؤسسات‌ملی‌آرمانهای فرهنگی را بر آورده بسازند .

١٢ ـ کسانیکه در صف مخالفین فرهنك هستند کم‌کم بصف موافقین ملحق میگردند ؟

سازمان اصلاح مدارس



خطوط ارتباطی حاکی از نفوذ مستقیم هیئت مرکزی ارشاد معلمین و خطوط نقطه چین نفوذ غیر رسمی آن است.

بخش هشتم

برنامه دروس آموزشگاه

هروقت فرهنك ایران بنا بر مقتضیاتی بفکر تغییر وتبدیل یاکم و زیاد کردن مواد درسی میافتد (زیرا موضوع برنامه تربیتی با اینکه اساس فرهنك دنیااست تا کنون مورد توجه ما نبوده و نیست و فقط ما بموضوعهای درسی اهمیت میدهیم) از اشخاص مختلفی که اغلب آنها اگر دانشمند عالی مقام هم باشند غالباً تخصصی در تعلیم و تربیت ندارند دعوت میکنند تا در باره انموضوع مشورت بکنند . ایشانهم بدون اینکه هدف اصلی تعلیم و تربیت را معین کنند یا تحقیقات لازم و مقدماتی در باره اشکلات مدارس واحتیاجات جوانان امروزبعمل بیاورند و ازپیش رفتهای تازه ایکه در کشور هایدیگر روی داده مطلع بشوند شروع بمذاکره میکنند بقدری این سخنهای بی هدف بدرازا میکشد وجلسات خسته کننده ادامهمیابد که سرانجام شورا بدون نتیجه تعطیل میشود یا یا از ناچاری تصمیماتی مطابق دلخواه شخص محترمتر ومقتدر تر مجلس گرفته بامضای وزیر رسانده ابلاغ میکنند .

ناگفته نماند که این تغییرات درسی بیشتر اوقات باسیاست بقای وزیر وقت وجلب رضایت هیئت حاکمه ارتباط دارد و بهمین جهت بار اضافه ای بردوش نسل جوان ایران میگذارد وبهانه تازه برای خفه کردن روح آزادی پیدا میکند.

گاهی رؤسای فرهنگ که خواسته اند خود راطرفدار سبك نوین تربیت معرفی کنند عده ای را بترجمه لفظی یکی از برنامه های خارجی واداشته بدون اینکه آنرا با اوضاع و احوال ایرانیان تطبیق کنند بمورد اجرا گذاشته اند من باب مثل میگویم در برنامه فعلی مدارس متوسطه دختران که بتاریخ ۱۳۰۷ نوشته شده موضوع خیاطی عینا از یك برنامه کهنه فرانسوی ترجمه شده است چون هیچیك از معلمین یك مدرسه معنی بعضی اسامی که در آن ذکر شده است نفهمیدند، بیك خانم فرانسوی مراجعه کردند ومعلوم شد نام لباسهای زنانه وبافندگیهای مخصوصی است که نیم قرن پیش در فرانسه مرسوم بوده و اکنون سالیان متمادیست بکلی از مد افتاده فراموش شده است.

برنامه فعلی ما بانقلابات عظیم وسریعی که در دنیا روی داده و اوضاع اجتماعی وعلمی را دیگر گون ساخته و تغییرات بسیار مهمیکه در تعلیم وتربیت نمودار شده بمنزله پیه سوزی است که در برابر چراغ برق عرض اندام میکند یا اینکه تفنك فتیله دار قدیمی رامیماند که جهت مقابله با اسلحه اتمی مهیا شود.

نوشتن برنامه دروس تا آنجاکه فقط گردش زبان وقلم دخالت کند بسهولت انجام میپذیرد ناراحتی وقتی پیدا می‌شود که این عبارات نسنجیده بصورت بخشنامه بمدارس ابلاغ و در تمام آموزشگاههای مرکز و شهرستانها اجرای آن اجباری بشود .

پیش از این بعضی معلمین یا مدیران بمحض روبرو شدن باین مطالب بی سابقه و نا مناسب اعتراض کرده هیاهو براه میانداختند و چندی درمقابل اجرای آن ایستادگی میکردند تا این که فشار های روز افزون از تعداد مدارس ملی کاست و مربیان با شخصیت را بترك شغل خود یا اطاعت وفرمان برداری بی‌چون و چرا وادار کرد . برنامه ها و کتابها و دستورهای یك نواخت اجباری رقابتیکه همواره باعث ترقی آموزشگاهها میشد بدل بسستی وسردی در کارنمود و اوضاع امروزی را بوجود آورد . درحالیکه تنها بازگذاشتن دست علاقه‌مندان بفرهنك در ایجاد مدارس ملی وتهیه برنامه های مختلف ومطابق احتیاج مردم کافی بوده که نهضت عظیم فرهنگی در ایران بوجود بیاورد و آموزشگاهها را قدم بقدم با ترقی تعلیم وتربیت دنیا جلو ببرد .

معلمین امروزما کاملا بزور شنیدن و ندانسته درس دادن عادت کرده اند . معمولا درمقابل هرتغییر بحق وناحق بسهولت تسلیم میشوند وبدون درنك مواد درسی را بصورت جزوه‌از روی کتابهاجمع آوری کرده بدست میگیرند وبا حالتیکه پژمردگی و بی‌علاقگی از آن هویدا

است درمقابل اطفال‌وجوانان قرار گرفته آنرا میخوانند وباینکه درخور فهم شاگردان یا متناسب بااحتیاج آنها هست یا نیست کاری‌ندارند.

اما این جریان در اطفال‌جلوه‌دیگردارد. چون در نظرماشاگرد خوب آنست که بدون اشکال زیر بار زور برود ومقررات را بپذیرد بعلاوه خود میداند که‌میان درسهای مدرسه و احتیاجات او یعنی دیپلم گرفتن وبرای زندگی آماده شدن مسافت‌بعیدی‌فاصله است لذا هرچه معلم میگوید بی‌چون چرادر دفترخودمینویسد ومیگذارد بماند نزدیك امتحان که شد چند روزی بحفظ کردن‌وبخاطرسپردن آنهامیپردازد واین صدمه وزحمت را بنام گرفتن دیپلم برخود هموارمیکند.

بگوش خود شنیدم جمعی از شاگردان متوسطه یکی از رفقای خود را بجهت اعتراضیکه در کلاس برمطالب جزکرده بود نصیحت کرده باو میگفتند:

آخر بتو چه که این مزخرفات را میفهمی یا نه چه کارت مانده که بی جهت معلم را عصبانی میکنی مگر بقیه درسها را فهمیده ای که غصه این‌یکی‌را داری؟ اصلا اینهاکه نه بدرد دنیای مامیخورد ونه آخرت قعلا بنویس وبرو موقع امتحان هم خدا بزرك است» این گفته تقریباً نمونه واقعی از روحیه وطرزفکر واستدلال اکثراطفال مادرباره دروس خودشان است در نتیجه چنین برنامه وطرز تدریس که غیراتلاف عمر عزیز چیز دیگری نیست هرگونه شورونشاطیکه لازمه تعلیم وتعلم‌است از کلاسهای ما رخت بر بسته شاگرد و معلم دلتنك و ناراضی را بجا

گذاشته است .

حاصل این تدریس و این برنامه موقع امتحان بخوبی نمودار میشود . آخر سال صدی سی از داوطلبان با مرارت بسیاریکه دراه انباشته کردن حافظه خود کشیده اند یا فقط بوسیله انواع نیرنگها وباز کردن جزوه وردوبدل کردن کاغذ قبول میشوند وصدی‌هفتاد که اکثر آنها دارای هوش واستعداد کافی میباشند مردودمیگردند .

ازاین شکست هر ساله‌اطفال وجوانان نه دنیا زیرورومیگرددونه حادثهٔ تازهٔ اتفاق میافتد-سال تحصیلی باموفقیت ! بپایان میرسد . مدارس جشن وسوری برپاکرده دیپلمهای آن چندنفر قهرمان امتحان را توزیع میکنند ، وزارت فرهنگ‌هم آمار قبول شدگان رادر سالنامه چاپ میکند وسند خدمات خود بکشور قرار میدهد .

اما اگر در این سرزمین هم مثل سایر ممالك کسانی بودند که بیماریهای روحی جوانان را تحقیق کرده در پی کشف علت آنها بر میآمدند از انواع بدبختیها و فساد اجتماعی که دراثریأس و خستگی جوانان پدیدار میشود آماری برمیداشتند ، فواید یامضرات اجتماعی آن را درکفه های ترازوی عقل گذاشته داوری میکردند یا لااقل درجه کفایت دیپلمه‌های مدارس‌را درانجام وظائف شخصی یااجتماعی رسیدگی میکردند ، هرگز نمیتوانستند از این جرم وجنایت‌عظیم که بنام تعلیم و تربیت در ایران مجری میشود در گذرند ، و مرتکبین را

تبرئه کنند :

حال ببینیم چه باید کرد .

۱ - برای رهبری وتهیه برنامه دروس وهرگونه تغییر وتبدیل آن کسانی صلاحیت دارند که متخصص در تعلیم و تربیت باشند وروش آموزش یك کشور مترقی را کاملا مطالعه کرده باشند .

۲ - در جریان اوضاع فعلی تعلیم وتربیت بوده ومشغول تدریس باشند بعلاوه شهرستان یادهکده ایکه میخواهند برای آنجا برنامه تهیه کنند کاملا بشناسند واحتیاجات ومزایا ونواقص اشخاص محلی رابدانند

۳ - هدف روشنی از تعلیم وتربیت را در نظر بگیرند

٤ - قوانین رشد وغرائز کودکان وجوانان وقانون تکامل جسمی و نفسانی را در تقسیم و تنظیم مواد بسالهای تحصیلی مراعات کنند .

٥ - معلمین مدارس رادر تهیه برنامه شرکت بدهند اگر درحال حاضر این کار تا حدی اشکال داشته باشد اقلا نظر برگزیدگان آنها را رعایت کنند . برنامه هر چه باشد و هر که بنویسد بدست معلمین اجرا میشود بهترین برنامه ها برای معلم بی سابقه که از هدف وروش آن بی اطلاع است فایده ندارد

٦ - قبل از بموقع باجرا گذاشتن برنامه تازه یاکوچکترین تغییری که در آن بدهند معلمین را از آن مطلع ساخته ازنظر آنها استفاده کنند درباره اینکه چگونه میتوان تمام معلمین کشور را رفته رفته در

این کار دخالت داد راه همان است که در بخش هفتم و سازمان ارشاد معلمین توضیح دادم والاهر چند جملات ومطالب برنامه‌را فریبنده وجذاب بنویسیم وبا اصول جدید تربیت تطبیق بدهیم از آن نتیجه نمیگیریم .

برنامه تعلیم و تربیت دبیرستانها ودبستانهای امریکائی

دراین مبحث اگر ازبرنامه تربیتی یك کشور دیگر که خودشاهد چگونگی آن بوده‌ام ذکری بمیان میاورم تصور نشودکه جزئیاتشرا در اینجا قابل اجرا میدانم .

نه تنهابمناسبت اختلاف واحشیکه بین‌زندگی‌اهالی این دوکشور موجود است این کار غیرعملی است . حتی درنقاط مختلف یك استان‌هم بمناسبت تفاوت آب و هوا وصنایع وحرفه ها وسطح فکر ومعلومات خانواده‌ها وعادات وعقاید آن‌ها باید طرزکار را تغییرداد چون دستگاه فرهنگی برای اینکه درزندگی مردم تأثیر نماید وآن را بهبودی‌بخشد باید نخست با طبایع اهالی سازش داشته نیازمندیهای آن ها برآورده حتی کتاب های درسی اگر یکجور باشد نمیتواند برای بچه های تمام قسمتهای کشور سودمند اتفاق بیافتد . مثلا اطفال تهران بمحض اینکه نام اتومبیل وهوا پیما رابخوانند مفهوم آن‌را در ذهن خود پیدامیکنند اما اطفال دهاتی دورافتاده که وسیله نقلیه آن ها قاطر والاغ است خیلی مشکلتر آن را درك میکنند بهداشت خانه و مراقبت آن بمناسبت‌سبك ساختمان واوضاع طبیعی هرمکان روش دیگر دارد .

اما مطالبی که اشاره شد راجع بفروع برنامه آموزشی است نه اصول آن . مدارس یك کشور یا ممالك مختلف روی زمین بخوبی می توانند ازهدفهای کلی شبیه یکدیگر پیروی کنند و آنها را با مقتضیات منطقه خود مطابقت بدهند . مثلا همه کس باید سلامتی خود را رعایت کند وشغل و کاری برای تأمین معاش خویش داشته باشد همچنین اصول تربیت ملل زنده که از روی بررسیهای دقیق علمی و اجتماعی تهیه شده است در ایران و سایر کشور هائیکه مرام دمکراسی را تعقیب میکنند قابل اجرا است .

مشروط براینکه جزئیات آن ازروی بصیرت ومتناسب بازندگی عادی مردم تعین بشود وبتدریج سیر تکاملی طی کرده پیش برود .

در کشور های متحده امریکای شمالی پس از جنك جهانی دوم کمیسیونی ازیك عده دانشمندان ومعلمین متخصص فن تربیت مأمور رسیدگی به احتیاجات عمومی فرهنگی کلیه ایالات متحده شدند . این کمیسیون درطی بازدید تمام قسمتهای کشور ومطالعه دقیق و باز جوئی ازعلت عقب ماندگی بعضی نقاط امریکا گزارش مبسوطی تهیه و منتشر کرد .

نخست با دلایل واضح به اثبات رساند که هریك ازایالات درامر آموزش وپرورش بیشتر توجه مبذول میدارند و متد بهتر بکار میبرند درطریق تندرستی وخوشبختی مردم وآبادی آن سرزمین با گام های

بلند تر جلو میروند . بهمین علت بدولت مرکزی امریکا توصیه کـرد تا قسمتهای عقب مانده کشور را بوسیلهٔ توسعه و ترویج فرهنگ تـرمیم کنند .

کمیسیون مزبور هدف تعلیم و تربیت عمومی جوانان یعنی برنامه دبیرستان هارا بطوریکه خلاصهٔ آن نوشته میشود معین کرد :

۱ - منظور های فردی : سخن گفتن . خواندن . نوشتن . حساب کردن . تربیت حواس جهت درست دیدن و شنیدن وتمیز وتشخیص دادن . تشویق ذوق دانش طلبی استفاده از وسایل سالم تفریح و تفنن لذت بردن از زندگی . پرورش قوای عقلی . پرورش ذوق و هنر .

۲ - منظور های اجتماعی : احترام بانسانیت، رفاقت، همکاری آداب معاشرت، احترام بخانواده، تشکیل خانواده و تدبیر منزل . رعایت اصول دمکراسی درخانواده .

۳ - منظور های اقتصادی : علاقه بکار های انتفاعی . انتخاب شغل . ابراز کفایت درحرفه و کار . سازش با محیط شغل . احترام کار وکارگر . اقتصاد شخصی . معامله وداد وستد .

٤ - منظور های مدنی : آزادی و عدالت اجتماعی . فعالیتهای دسته‌جمعی . حسن تفاهم . قضاوت وانتقاد . بردباری وسازش . حفظ قانون . ابراز لیاقت وهمکاری درانجام وظائف سیاسی وکشوری

کمیسیون معتقد است هیچیك ازاین منظورها نباید تحت‌الشعاع

دیگری واقع شود در تهیه برنامه و اجرای این چهار منظور طوری رعایت تساوی بشود تا انسان کامل که بکار زندگی امروز میخورد و منظور نظر تعلیم وتربیت است پرورش یابد این منظورها در هر شهر و نقطه بفراخور احتیاجات اهالی آنجا اجرا میشود وتحمیل کردن برنامه یك نواخت را براطفالیکه ازحیث شرائط زندگی‌وتربیتی اختلاف دارند موجب فلج کردن قوای طبیعی و کشتن علاقه و اشتیاق فطری آن ها می دانند .

اکنون اشاره ایهم بسالهای تحصیلی مدارس امریکائی و تقسیم مواد میکنیم تا خاطر خوانندگان گرامی متوجه رشد و نیازمندیهای اطفال بشود .

تعلیمات عمومی ممالك متحده امریکای شمالی
به سه دوره تقسیم می‌شود .

دوره ابتدائی ـ اطفال درشش سالگی‌وارد دبستان میشوند‌برنامه دوره شش‌ساله این آموزشگاه مطابق رشد ومقتضیات نفسانی آن‌هاتهیه شده است طوریکه هیچیك از کودکان سالم همان طورکه هرگزدوسال یك سن نیستند دوسالهم دریك کلاس نمیمانند .

شاگردانیراکه بموجب آزمایشهای‌هوشی کندذهن‌وناقص تشخیص میدهند برای آن‌ها روش تربیتی جداگانه اتخاذ میکنندکه آن ها نیز سنوات تحصیلی را موافق با استعداد خود مرتب پیش میروند و از این



در این کودکستان پس از اتمام وقت بازی درفضای مدرسه بقصه گفتن پرداخته‌اند. بچه‌های پنج ساله در محیطی تربیت‌میشوند که شخصیت آنها رشد میکند. درعین حال که یادمیگیرند بحق‌سایرین احترام بگذارند عقیده و میل خودشان را با کمال آزادی ابراز میدارند

موفقیت خود شادکامی حاصل میکنند .

توضیح اینکه تفاوت دبستانهای اکثر ملل مترقی با مال ما اینست که آنها بتربیت استعداد ها وغرائز طبیعی اهمیت میدهند و برنامه کلاسها را مطابق بروز ونمو نفسانیات و بدنیات طفل ترتیب داده اند و هرگونه آموزشی را طبق پیشرفت طبیعی کودك وازروی متد صحیح انجام میدهند، بطوریکه هرکس با رغبت و آزادی و باندازه گنجایش شعور و قدرت و عقل وادراك خود از آن استفاده میکند ، ومرتب کلاسهای درسی را درهر سال میپیماید .

درمدارس ما تمام کوشش معلم صرف یاددادن خواندن ونوشتن وحفظ کردن مطالب متحدالشکل ویك نواخت میشود هیچگونه توجهی باختلافات ونوع فعالیتهای ذهنی وبدنی اطفال نمیگردد . با اینحال حتی خواندن ونوشتن هم چون طبق موازین تربیتی انجام نمیشودوازاستعداد های نا مساوی انتظار مساوی دارند ناچار کودکان ازعهده آن تکالیفیکه باطبیعت آنها منافات دارد برنمیآیند ودرآن قسمتهم چیزی یاد نمیگرند وناچار هرکدام چند سال دریك کلاس میمانند تا بکلی افسرده وکسل از مدرسه بیزار میشوند یابعبارت ساده تراصول تعلیم وتربیت مالمترقی سواد را یکی از ارکان تربیت طفل میداند ولی درنظر فرهنگ ما سواد منظور اصلی آموزش وپروش است و باقی استعداد ها یا خوب بخواهیم وجود کودكرا فرع آن میپندارند.

در آن کشورها بکمیت معلومات اطفال اهمیت نمیدهند . میکوشند تاکودکان هرچه رامیدانند بتوانند انجام بدهند بعلاوه صاحب ذوق سلیم شده راه مطالعه وتحقیق را بلد بشوند وازدانستنیهای بیحدوحصر عالم هر رشتهٔ را که میل میدارند تعقیب کنند . ولی ما چیز هائی که بطفل یاد میدهیم که هرگز مجالی برای تکرار وتمرین آن ندارد بزودی بدست فراموشی میسپارد وبعد ها بر عمریکه صرف یاد گرفتن آنها کرده است افسوس میخورد .

در صورتیکه اگر بگذاریم حس کنجکاوی او قوت بگیرد وروش جستجو و آزمایش را بداند شکی نیست که در هر سن غریزه طبیعیو عادات اکتسابی اورا بدنبال کردن نیازمندیهای خود میکشاند و از آنها بنحو اکمل استفاده میکند .

کلاسهای ابتدائی یك دبستان که با روش جدید اداره میشوند محل زندگی و آزمایش وآموزش کودکان است نه جای نشستن وگوش دادن آنان .

فقط استعداد هائیکه بروز میکند مورد استفاده و تربیت قرار میدهند وقبل ازآمادگی هیچگونه تحمیل وفشار بشاگردان وارد نمیکنند ازهرکس بفراخور قدرتش توقع دارند ، پیشرفت شاگرد را با توانائی او میسنجند ، اطفال را بایکدیگر مقایسه نمیکنند .

معمولا کلاس های اول تا چهارم دبستان های امریکائی سه درس

بیشتر ندارند که روزانه در ساعات جـدا یا مخلوط بیکدیگر ادامه میدهند .

یکی عملیات مربوط بشماره وحساب دیگری تعلیمات عمومی یا اجتماعی ، یعنی دروس مربوط بشناشائی محیط زندگـی خودشان . سومی خواندن و نوشتن . در ضمن این دروس تمام مطالبی راکه با زندگی اطفال مربوط است در هم آمیخته و بآنهـا میآموزند بخصوص مراقبت میکنند تا بین معلومـات شاگرد با خود او وحدت و ارتباط کامل برقرارشود یعنی آنچه رایاد میگیرد از آنچه بدان عمل میکند جدا نداند . موسیقی و کار دستی در تمام کلاسها تعلیم میشود تربیت بدنی یعنی شنا رقص وبازیهای مختلف ورزشی، مراقبتهای بهداشتی ازوظائف روزانه است .

معلم مختار است که تمام دروس راضمن یك کار عملی کهاز صبح تاشب بطول بیانجامد تحت تمرین بگذارد یا اینکه وقت آن هارا تقسیم کند .

اگردقت کرده باشیم این شیوه چیز فهمیدن درست مطابق روشی است که بشر بطور طبیعی برای شناسائی دنیابکار میبرد • همینکه یك شی جاذب نظر طفل را جلب میکند نخست آن را لمس کرده اطرافش را بدقت ملاحظه میکند زمین میزند واز حیث استحکام میسنجد بدهانش میبرد وطعم آنرا می چشد در باره نام وصفت و خاصیت آن از مادرش

پرسشهائی می‌کند بالاخره تمام اطلاعاتیکه در باره آن شی پیدا کند در ذهن او وحدت کامل پیداکرده مفهوم همان چیزیکه در دست دارد تشکیل میدهد وبرای همیشه در خاطـرش میماند ، بعد ها همیکه بچیزهای شبیه آن بر میخورد تعمیم میدهد وآنهارا بـاوجود بعضی تفاوتها بهمان نام میخواند .

ولی موقعیکه شما مبحث شیشه وبلور را در کتاب درس‌میدهید طفل آن مطالب را نفهمیده با کمال زحمت از بر میکند ولـی حتی با شیشه در اطاق ودوات خودشهم تطبیق نمی‌کندوپس از چند روز دیگر تمام آنها از خاطرش محو میگردد . این است اختلاف فاحش بین این دو روش .

منظور از بیان این قسمت آنست که‌نه‌تنها در ضمن چند موضوع بسیاری از مطالب مـورد احتیاج طفل را میگنجانند بلکه خـود این دروس را هـم در ضمن یك رشته عملیاتیکه مطابق ذوق و صلاحیت طفل است بهم‌مربوط‌میکنند ومیگذارندتاکودکان مورد بررسی‌وتمرین قرار بدهند وخودشان حقایقی را که لازم است بدانند واستنباط بکنند

تاریخ و جغرافیا و اطلاعات بهداشتی و مانند آنها در ضمن خواندن ونوشتن‌ومطالعات اجتماعی گنجانده‌میشود . بمطالبیکه مربوط باوضاع حاضر است پیش از گذشته اهمیت میدهند . در باره سایر کشور ها بمناسبت روابطی‌که باکشور خـودشان دارند آشنائی‌حاصل



اطفال هریك با کمال انتظام سینی و لوازم خوراك را بر داشته
بارفقای خودسرمیز می نشینند . بعدازصرف غذا مجددا
ظروف را بمحل شستشو میبرند

میکنند ،

وقتیکه شخص وارد یك دبستان میشود از کلاس اول تاچهارم اطفالی را مشاهده میکند که‌در میان اطاقهای وسیع بازی میکنند . روی پارچه‌ایکه بدیوار کوبیده شده با رنـك یاکاغذ رنگین نقاشی میکنند عمارت وحیوان وانسان وهرچه میل دارند میکشند یا می چسبانند . ومفاهیمی که درذهن‌دارند مجسم میکنند .

عده‌ای جلومیز نشسته با تخته های نازك ومقوا وکاغذشکل خانه های شهری یادهاتی و سایر لوازم زندگی را میسازند . میز ها وصندلیها قابل حمل و نقل و کف اطاق از مشمع قابل شستشواست . عده‌ای از بچه‌ها روی زمین نشسته بخواندن داستانهای مصور مشغولند وهردسته درموقع لزوم از معلم کمکهائی خواسته وپرسشهائی میکنند

اگر هوا مساعد باشد بچه ها را در باغچه یا مزرعه میابید که بمواظبت نباتات یاحیوانات أهلی ومراقبت‌طرزرشد آنها مشغولندوحتی یاد داشتهائی بر میدارند . پس از آن ساعتی هم در کتابخانـه بتحقیق پرداخته بر اطلاعات خود میآفزایند ، کتبی که بچه ها در دست دارند بسیار متنوع است . گاهی کتابهای شیرین راجع بحیوانات میخوانند زمانی داستانهای تاریخی را تفحص کرده برای دادن تاتر یاساختن اسباب های بازی ازآنها استمداد میجویند . بعضی اوقات درباره نباتات و طرز پرورش آنها اظهار علاقه میکنند .

قسمتی ازوقت اطفال صرف امورجدی دبستان میشود میـز های کوچك غذا خوری را آمـاده میسازند .غذا تقسیم میکنند . ظرف میشو یند . مخارج غذا را حساب میکنند . درباغچه گل‌میکارند بنظافت شخص یا عمومی میپردازند . دست و روی خود را شسته سر را شانه میزنند کفشهای را واکس زده روشوئی را تمیز میکنند .

در ضمن همین عملیات وتمرینات لذت بخش بدون اینکه کودك خسته بشود یا حوصله اوسر برود کوشش میکند دقت و مراقبت بخرج میدهد ونتیجه میگیرد .

غرائز واستعداد های نهفته او بیدار ورهبری میشود با موجودات آشنا میشود . خاصیت مواد را میفهمد . اختلاف نباتات و حیوانات را تمیز میدهد . روش تحقیق وتعقیب هدفهارا یادمیگیرد . بامشاغل و حرفه های مختلف آشنا میشود . میزان قدرت خودرا میسنجد درحین این کار های پر شور است که شخصیت طفل روبه تکامل میـرود . قوه قضاوت ومقایسه او قوی میشود . بفعالیتهای دسته‌جمعی عادت میکند . آداب و اخلاقیکه متناسب سازش با اجتماع است یادمیگیرد . نتیجه و ضرر خصال ناپسند مثل حسادت تجاوزبه حق دیگری وخودخواهی را عملا احساس میکنند . این اطفال هیچوقت مثل فارغ‌التحصیلهای دوره متوسطه ما که میخواهند وارد دانشکده بشونددر آزمایش هوش باین نتیجه نمیرسند که « تمام حیوانات دوپا دارند » .

کلاس پنجم و ششم

در این کلاس ها تا حدیکه برای هرعضواجتماع لازم است سواد و موضوعهای علمی را تعقیب میکنند. ازاوضاع اقتصادی وسیاسی کشور خود مطلع میشوند. روابط آنرا با دنیای بزرك میفهمند اهمیت زمان خودرا درك میکنند. نمونه های صنعتی وهنری از روی صنایع معمولی ومحلی میسازند. وظائف وتکالیف خودرا در خانواده ومملکت میفهمند وعمل میکنند. اگر درمحل کشاورزی زندگی میکنند زراعت وسبزی کاری ومواظبت از حیوانات اهلی راتمرین میکنند. وسایل حمل ونقل وارتباط را یاد میگیرند. بتدریج صاحب شخصیت گشته هدف و ایده آل برای زندگی خود در نظر میگیرند.

کلاس پنجم وششم غالباً کتابخانه و اطاق کار جداگانه دارند شاگردها جدی تر شده عملیات آنهابصورت مسائل پیچیده تر در آمده است. موضوعهای مهمتری طرف توجه آنهاگشته باتدابیر معلم ومحرکاتی که بکار میبرد فوائد تحصیل را درك کرده علاقه بیشتری پیدا کرده اند بعضی از ساعات را درکلاس درس نشسته بارفقای خود و معلم در باره مسائل درسی گفتگو میکنند. گاهی درکتابخانه یا آزمایشگاه بمطالعه مشغولند. برای ادای بعضی از تکالیف وتهیه موضوعهای درسی بدسته های چندنفری تقسیم میشوند هر دسته با عادتیکه باین کار دارند فوری

دور هم جمع شده مسئولیتها را تقسیم میکنند و بلا فاصله هر کدام بانجام وظیفه خود میپردازند پس از اتمام کارهای انفرادی مجدداجلسه ای تشکیل میدهند و نتیجه تحقیقات را عرضه‌داشته آنهارابهم ربط داده بصورت یك موضوع کلی تنظیم میکنند

مثلا یك دسته از شاگردان میخواهند راجع بیکی از کشور های همسایه وروابط آنها با کشور خودشان تهیه درس بکنند. معلم صورت کتابهائیکه مورد استفاده است بآنها داده است‌این عده در اولین جلسه ایکه در یك گوشه اطاق تشکیل میدهند وظائف خودشان را تقسیم میکنند یکی مأمور تحقیق درباره لباس وعادات و رسوم آن کشور گشته ، دیگری اوضاع اقتصادی و سیاسی ، سومی طرز حکومت واوضاع‌اجتماعی را باید بررسی کند. شاگرد ها هر یك بتنهائی یا هر دو سه نفر باهم تکلیف خود را انجام میدهند نقشه عکس یا اشیاء جالب توجه را جمع آوری میکنند . در آخرین جلسه معلوم‌میدارند کدام یك کلاس را اداره کنند و چگونه موضوع را شروع بکنند در ساعت معین هر کدام با کمال انضباط بیانات خود را در مقابل سایر رفقای کلاسی اداکرده از حضار خواهش میکنند اگر پرسشی‌دارند بگویند پاسخ هرسئوال را یکی از این‌عده که آماده تر میباشد بعهده میگیرددرآخردرس معلم‌چنانکه‌لازم‌بداندچیزی بر آن گفته ها میافزاید ونظر خود را بیان میکند ولی بیشتر اوقات میکوشد تامباحثه ومذاکره

بین خود شاگردهاادامه یافته همگی وارد وعلاقه مند باشند .

درصورتیکه موضوع بیشترجالب توجه وتعقیب اتفاق بیافتد یا تحقیقاتشان ناقص بنظر برسد غالباً مطلب ادامه پیدا میکند اما دفعات دیگر تنوعی بکار میبرند که خستگی پیش نیاید .

مثلا نمایشنامه تهیه کرده بازی میکنند یا قطعاتی از موسیقی آن محل را مینوازند . باموم صحنه‌هایا مجسمه های آنهارامیسازند نقاشی میکنند . مساحت ها وجمعیت هارا بوسیله تصاویر جالب روی کاغذرسم کرده مقایسه میکنند . حتی از اشخاص مطلع دعوت میکنند تا بکلاس آمده برای آنها صحبت بکنند یا پرسشهای آنهارا پاسخ بگویند . بر ما است که این روش را باا وضاع معمولی مدارس خودمان مقایسه کرده تفاوت آن دورا در نظر بگیریم .

همچنانکه قبلا نوشته ام تکرار میکنم که عملی کردن این روش درمدارس ما بخوبی میسر است مشروط براینکه نخست بهمان ترتیب که در موضوع ارشاد معلمین نوشتم بتربیت مربیان لایق بپردازیم وبا کمال آرامی این نهضت فرهنگی را آغاز کرده پیش برویم . این کار را اگر بخواهیم میتوانیم همین حالا شروع کنیم . بنا بر این فقط یك چیز برای بر داشتن اولین گام کسرداریم و آن خواستن است

هر روزیکه در اصلاح فرهنك تاخیر میکنیم مقدار معتنابهی بر

میزان خسارتیکه تاکنون متوجه این ملت شده است میافزائیم .

دوره اول متوسطه

گرچه هنوز دوره بعضی از دبستانهای امریکائی هشت سال و متوسطه آن چهار سال است ولی بدلایلی که‌شرح آن بطول میانجامدو مهمترین آنها عدم تناسب سنی میان شاگردان شش‌ساله و چهارده‌ساله استاکنون اکثر آموزشگاههای ابتدائی‌ومتوسطه به شش سال‌تحصیلی تقسیم شده است‌وبقیه مدارس‌هم‌رفته‌رفته از این ترتیب تبعیت مینمایند

دوره شش ساله‌متوسطه بدوقسمت میشودکه سه سال آن بدورهٔ تکمیلی یا تعلیم وتربیت عمومی‌اختصاص یافته ضمناً دوره آزمایش شغل وکار هم میباشد .

برنامه آنرا طوری‌تنظیم میکنند که‌دانش وتجرباتیکه برای تمام مردم لازم‌است بیافزاید و تربیتی که‌در دبستان پیداکرده اند تکمیل کنند . بعلاوه درظرف‌این‌مدت شاگردانرا با حرفه‌های گوناگون تماس میدهند تاانگشت اختیار روی یکی ازآنها بگذارند وشغلی که معاش آنها را تامین کند و مورد علاقه و متناسب با استعداد شان باشد انتخاب نمایند .

تشکیلات راهنمائی در این دوره رل مهمی را بر عهده دارد و جوانان را در گذشتن از این مرحله کمك میکنند دردوره دوم‌متوسطه هرکس‌قسمت تخصصی‌را تعقیب میکنند عده‌ایهم برای ورودبدانشکده‌ها

حاضر میشوند . اولیای دبیرستان بخوبی متوجهند کـه در این سن انقلاب مهم حیاتی که بمنزله طوفان عمر انسانی است برمیخیزد و هم در این اوقات است که کشتی زندگی جوانان از بـی مبالاتی بسنگ بوالهوسیها خورده غرق میشود لذا ازهـر جهت دست‌یاری بسوی آنها دراز کرده موجبات رهائی جوانان را از هرخطری پیش بینی میکنند . ارشاد کنندگان دبیرستان دراین‌موقع بیش از همه وقت وظیفه خود را در نگاه‌داشتن دل جوانان میدانند . بوسیله مهروعطوفت وراهنمائیهای سودمند قوای‌دماغی آنها را تقویت میکنند وآنـها را بتفکر و تعقل وامی‌دارند .

دوره دوم متوسطه

مدت این‌دوره سه سال وچنانکه گفتیم بشعب تخصصی گوناگون تقسیم میشود . شاگردان میتوانند با ورود دریکی از آن قسمتها برای کاروشغلی‌مهیابشوندو بلافاصله پس‌ازاتمام‌مدرسه‌بآن‌اشتغال ورزند تجارت کشاورزی . هنرهای‌زیبا . طباخی‌ومهمانخانه‌داری . تند نویسی - ماشین نویسی خیاطی و طـراحی لباس . مکانیك . آرایشگری فـروشندگی . سلمانی - کفاشی - خلاصه انواع کسب‌وکاردر دوره دوم مدارس‌متوسطه تعلیم میشود

فقط کسانیکه میل بادامه تحصیل در دانشکده ها دارند سه سال دیگر شعبه عملی را طی میکنند و اگر بعضی از جوانان هنوز

در انتخاب رشته تحصیل مردد مانده و در مرحله تصمیم بیشتر توقف کرده اند شعبه دیگری هست که مواد آن قدری سبکتر است و پس از اتمام آن دوره میتوانند در بعضی از دانشکده های علوم یا ادبیات یا هنر ها و صنایع پذیرفته شده بتحصیل خود ادامه بدهند .

برای معلمی هم اعم از ابتدائی یا عالی باید کلاس علمی را تمام کرده دانشکده معلمی را طی بکنند .

بطور کلی شاگردان در این سالها تحت نظر کارشناسان بتمرین صنعت وهنریکه مورد نظر آنها است مشغولند و برموز حرفه خود آشنائی حاصل میکنند وراه ورسم پیشرفت را میآموزند . ازفواید بیمه هاو اتحادیه ها وتمام مسائلی که برای صنعتگران وپیشه وران سودمنداست آگاه میشوند

شاگردان هر مدرسه حتی مدتها پس از اتمام تحصیل برای حل مسائل و مشکلات خود بکار شناسان آنجا مراجعه میکنند وبا کمال گرمی پذیرائی ورهبری میشوند

در تمام سالهای متوسطه بعضی از دروس انتخابی و برخی دیگر اجباری هستندرویهمرفته هر کس میتواند ذوق وسلیقه خودرا درتحصیل مواد بکار بیاندازد و زیر قید و اجبار نرود

گمان میکنم بزرگترین علت رکود صنایع ایرانی همین است که هنرمندان ما از دانستنیهائیکه موجب ابتکاروترقی دادن حرفه ها میشود بی بهره مانده اند وآنهائیکه معلوماتی دارند باعمل آشنانیستند وآنچه

را میدانند بکار نمیبندند . برای تجدید حیات ورونق صنایع ایرانی و آماده شدن جهت رقابت بامحصولات خارجی بایستی درتمام مدارس متوسطه یك یا چند شعبه صنعتی ترتیبداد وشاگـردان را دردوره اول متوسطه با آنها آشنائی داده وتشویق کرد این کار اگر رواج بیابد علاوه بر محسنات دیگر از این پیش آمد که اطفال بواسطه کمی استعداد یا بدی برنامه از تحصیل بیزار میشوند وبولگردی عادت میکنند جلوگیری خواهد کرد

بعقیده من در حال حاضر بعضی از مدارس تخصصی را بمناسبت فقر عمومی میتوان درخاتمه دوره ابتدائی شروع کرد اطفال بی بضاعت را برای حرفه‌ها وصنایع آسان مهیا ساخت ولی بطور کلی شعبه هـای تخصصی همچنان در دوره دوم متوسطه باید تشکیل شود و تا جائیکه مقدور است در های دانشکده های علوم وصنایع بروی طالبین هنر که مشغول کارند بازباشند تاتحول صنعتی بدست کسانیکه اهل علم وعمل هستند دراین کشور پدیدار گردد

اگر موجبات کسب معیشت وپیدا کردن کار مستقل ومولد ثروت فراهم شود وجوانان آنطوریکه شایسته است تربیت بشوند پسر یادختر باختیار خود درپی فعالیتهائیکه در آن حس ابتکار وابراز شخصیت بیشتر مقدوراست میروند واز کارهای دستوری وفرمایشی میگریزند کسانیهم که تحصیلات عالی را ادامه میدهند بیشتر آنها معلومات خود را در راه تکمیل صنایع وهنر هائیکه در آبادی کشور موثر است بکار میبرند

اما جلوگیری از تحصیلات عالی در کشوریکه ارباب هنر تا این حد انگشت شمارند بهر عذر و بهانه که باشد صورت ناپسند بخود میگیرد و گناه عظیمی محسوب میشود و ملت نمیتواند مسببین آن را عفو کند اگر بخواهند جوانان را از هجوم بادارات دولتی و سربار شدن ببودجه مملکتی منع کنند کافی است بعوض اینکه آنهارا از ادارات برانند درهای مشاغل دیگر را برویشان بگشایند باز هم اضافه میکنم که دبیرستانها و دبستان های هر شهرستان بایستی نیازمندیهای محل خود را در نظر بگیرند صنایع محلی را ترویج کنند و دردهای اجتماعی خود را درمان بکنند. مثلا در نقاطیکه کشاورزی شغل مهم مردم آنجا است بآن قسمت توجه زیاد تر مبذول بدارند، درشهرهای صنعتی برای پیشرفت کارگران وهنرمندان کوشش بکنند. نواقص تربیتی واخلاقی را بر طرف بدارند از کلاسهای ابتدائی تا عالی اطفال را برای مبارزه با بیماریهائیکه بمردم این سامان صدمه میرساند آماده بسازند.

بالا بردن سطح زندگی، بهداشت منزل، جلوگیری از مرگ نوزادان، طبخ خوب ونگاهداری اغذیه، ایجاد اسباب تفریح وسرگرمی سالم برای جوانان بمنظور اینکه معتاد بتریاك والکل نشوند و نشاط وفعالیت داشته باشند بایستی جزو برنامه تحصیلی باشد و بطور عملی وساده ودرحدود قدرت مردم تعلیم و تشویق شود. مشکلات خانوادگی امروز مثل بی خانمانی عده کثیری از اطفال مرگ روز افزون نوزادان

وبی‌اعتنائی جامعه‌بسعادت جوانان نفاق و دشمنی دسته های مردم با یکدیگر بایستی در کلاس های مدرسه حل گردد دختر و پسر از قوانین و مقرراتیکه در زیر لوای آن زندگی میکنند[۹] قبل از دانستن فورمول اسیدازتیك و املای لغات غیر مصطلح و ثقیل اطلاع پیدا کنند.

بخش نهم

روش تدریس

طفل یاجوان نه لوح سفیداست که معلم هرچه میخواهد بآسانی روی آن بنویسد نه ازسنك و چوب وفلزاست که باسختی وفشار نقوش مطلوب را در آن حك بکنند بچه هوش وغرائز واستعداد های خود را از پدر و مادرش ارث برده اوضاع واحوال خانواده و همسایه و خویشاوندانش باو عکس العمل ها و تجربیاتی آموخته ، گفتار و حرکات مردم خیابان ، رانندگان اتوبوس، فروشندگان دکانها در او تلقیناتی نموده است . این عوامل نیروی عظیم ومقتدری هستند که هرمانع وعایق و مخالفی که در مسیرشان واقع شود شسته از بین میبرند .

فقط یك روش بسیارعالمانه ودقیق که قوه سازش با طبیعت طفل داشته باشد و در جریان موافق آن بیفتد و تاب رو برو شدن با عوامل اجتماعی را داشته باشدمیتواندبطرزشایسته از این نیروها استفاده کرده آنهارا تربیت کند.

یك واقعه عادی که خودم شاهد آن بودم و شماهم نظیر آن را

زیاد دیده‌اید جهت اثبات گفته بالا ذکر میکنم : روزی پسر بچه ۹ ساله‌ای را دیدم که در یکی از خیابانهای تهران مقابل طبق مرد شیرینی فروشی که نزدیك مدرسه قرار گرفته باطفال شیرینی میفروخت ایستاده و با کمال ادب باو خطاب کرده گفت «عمو جان این اشغالها را چرا اینجا آورده میفروشی؟ دیروز یکی از شاگردان مدرسه ما از این شیرینی های شما خریده بود لحظه‌ای بعد از اینکه چند دانه از آنها را خورد حالتش تغییر کرده بیمار شد یکی دیگر از بچه ها که منکر تأثیر شیرینی بود برای امتحان آنرا گرفت و خورد ولی چیزی نگذشت که او هم بهمان ناخوشی مبتلا گشت . آخر انصاف داشته باش این کثافتها را به بچه ها قالب نکن اگر این بچه ها مرده بودند آیا شما خجالت نمیکشیدید ؟)) طفل با کمال سادگی و حرارت و در عین حال با ادب مشغول ادای این بیانات بود که عده دیگری هم دور آن‌ها جمع شدند و یکنفر پلیس هم از آن نزدیکی جلو آمد طفل شرح قضیه را تکرار کرد پلیس پس از شنیدن آن مطالب نگاه حقارت آمیزی بطفل کرده و گفت « برو بچه مگر این بیچاره خودش شیرینی ها را میسازد که تو از او باز خواست میکنی و آنقدر داد و قال راه میاندازی زود برو پی کارت بگذار کاسبی بکند)) ضمناً مردی از میان جمعیت با خنده میگفت آهای بچه راست بگو به بینم چه گرفته‌ای که بیائی کاسبی این مرد را بهم بزنی ؟ طفل فوراً حالت دفاع بخود گرفت و برای اثبات بی غرضی شروع بقسم خوردن کرده مرد فروشنده چون

میخواست ازموقع بیرون آمدن شاگردهای مدرسه استفاده کرده بفروش بپردازد بطفل گفت « حالا یکی از این شیرینی ها مفتکی بتو میدهم بگیرو دست از سر ما بردار »طفل مثل اینکه درمانده شده بود دیگر جوابی نداد ومتفکرانه از آنجا دور گشت .

اگر خوب دقت کنید آن پسر بچه درهمین واقعه کوچك سه درس مؤثر تربیتی بوسیله اجتماع خود گرفت یکی بی اعتنائی مامور دولتی بشکایتیکه بنظر کودك اهمیت حیاتی داشت . دوم تهمتی که شخص دیگر بواسطه گفتن حقیقت ودفاع ازحق متوجه او کرد . سوم پیشنهاد رشوه گرفتن که فروشنده بنام حق السکوت باو داد . آیا متد تعلیمات مدارس ما میتواند با تاثیر این درسهای عملی برابری و آنها را خنثی کند ؟ یا اقلا مدرسه و معلمین شاگردان را برای مبازره با اینگونه پیش آمد ها آماده میسازند ؟ برای اینستکه گفتیم طفل بایستی مشکلات ومسائل شخصی واجتماعی خودرا بمدرسه بیاورد و بکمك معلمین آنها را حل بکند تادر مقابل آنها مغلوب نشده سر تسیلم فرود نیاورد حال بعضی از نکات مهمیکه معلم بایستی در طرز تدریس خودرعایت کندذکر میکنیم .

دروس بایستی کش دار باشد

اغلب معلمین ما از اینکه در یك کلاس سی یاچهل نفری تنها دوسه تن شاگرد از درس استفاده میکنند وتکالیف را بجا میآورند و بقیه

جز اتلاف وقت و بازگوشی و کاهلی کاری ندارند شکوه میکنند ولی باکمال جرئت باید گفت این گله ایشان کاملا بی مورد میباشد واگر توانسته اند حتی چند نفری را پیدا کنند که این مطالب محدود ومعین بقواره آنهادر آیدموفقیت عظیمی است که بایستی خیلی هم خوشحال وراضی باشند

این شاگردان هستند که حق دارند زبان بشکایت بگشایند واز معلم خود که درس رافقط برای یك اقلیت خیلی کوچك میگوید واکثریت را از فیض گفته خود بی نصیب میگذارد اظهار عدم رضایت کنند وکسی هم برای این ایراد بجا جواب قانع کننده ای ندارد که بآنها بدهد مادامیکه این برنامه غلط با روش غلط اجرا میگردد ومعلم مطابق میل خودش موضوعها را تهیه کرده درکلاس میگوید این نقص همچنان بجای خود باقی خواهد ماند .

باید دروس طوری تهیه شود که هرکس بقدر ذوق و لیاقت خود در آن موضوع پیشرفت بکند ونتیجه بگیرد آنهم وقتی ممکن است که معلم موضوعی را مطرح کند و بعهده شاگردان بگذارد تا هر یك بوسیله کتابخانه و آزمایشگاه و سایر موجباتی که برای مطالعه و تحقیق یافت میشود در باره آن معلوماتی پیدا کنند و نتایجی که بدست میآورند در کلاس بیان و عمل بکنند . غالباً بین شاگردان مباحثه ومحاوره برپاباشد تا گفتگو و پرسشهائیکه بمیان میاید

جریان افکار را توسعه بدهد و از تصادم عقاید مختلف برق حقیقت در ذهن اطفال جستن کند .

معلم بوسیله تستهائیکه هرهفته میدهد و آزمایشهائی که میکند ازمیزان کار هر شاگرد مطلع میشود اگر بعضی از آنها بحد لزوم کوشش نکرده ومعلوماتی‌را نگرفته‌اند بپیشرفت آنها کمك می کند . ازجمله ضررهائیکه دروس ساخته وپرداخته باطفال میرساند اینست که چون هرکس بموجب سوابق تربیتی و عقاید و افکار خانوادگی یا شخصی در باره گفته معلم خود قضاوت میکند پس بتعداد نفراتیکه در یك کلاس حضور دارند مفهوم مطالب تغییر یافته هرکس با طرز مخصوص بخود آنهـا را تغییر وتفسیر مینمایـد مثلا معلم یك حکایت تـاریخی را شرح میدهد یکی از شاگردان شیفته رفتار پهلوان‌داستان می‌شود درحالیکه دیگری بهیچوجه اورا مطابق طبع خود نمی‌یابد وسومی حتی کار های اورا تحقیر وتمسخر می کند

همینکه مطابق معمول مدارس ما معلم نظر شخصی خود راراجع به پهلوان داستان اظهار میکند شاگردان مطابـق روحیه خود نسبت بمعلم قضاوت میکنند بعضی درباره‌عقاید او خوشبین‌میشوند وبرخی‌اعتنا بگفته او نداشته یا از اونفرت میکنند .

با این تفصیل اظهارات معلم آنطوریکه خود او متوقع است در شاگرد ها اثر تبلیغی‌نمی بخشدوتغییری درطرزفکر آنها نمیدهد . برفرض

چند نفر حرف های اورا نسنجیده تصدیق کنند این ظاهر سازی یاتقلید بی رویه‌ازنظر تربیت ارزش‌ندارد حال اگر معلم این‌تکلیف واظهارنظر در باره وقایـع یا اشخاص را بعهده خـودشاگردان‌بگذارد چون شخصاً مطالعاتی میکنند بآنچه‌میگویندمعتقدند ومعلم اگرعقیده آنها راصائب ندانست بتحقیق بیشتری تشویـق میکند و دور نیست که باین شیوه بنتیجه مطلوب‌برسدبهرحال شاگردان را بفکر واستدلال وداوری‌درست واداشته و کلید گشایش رمز معرفت را بدستشان داده‌است .

بعلاوه این سبك وروبه با ذوقهای مختلف و هوشهای کم و بیش سازش میکند ودرپرورش قوای عقلی تأثیر دارد . درسی راکه معلم قبلا تهیه میکند اگر زیاد آسان وپیش پا افتاده باشد شاگردان تیز هوش و قوی را بی میل میکند وبه تنبلی‌وکاهلی وا میدارد . هر گـاه مشکل و پیچیده باشد اطفال ضعیف وکم هوش را خسته و درمانده کرده از کار بازمیدارد وشاید ترس از شکست خوردن‌و علاقه بهم چشمی هوس‌تقلب وتشبث کردن را درسر آنها بپروراند .

درسها باتخصص‌وذوق‌شاگردهاسازش‌کند .

حتی در سال‌های اول‌متوسطه شاگردان میتوانند هریك ازدروس را ازجنبه تخصص‌باتمایل خودمطالعه بکنند . درس‌زبان،تاریخ‌وجغرافیا ریاضیات ، وطبیعیات وعلوم اجتماعی همگی قابل این هستند که‌ازطرق مختلف علمی‌یاصنعتی یا اقتصادی و یا هنری مورد استفاده وبررسی قرار

بگیرند . اگر هر درس فقط از یك راه دنبال شود برای عده ازشاگردان رضایتبخش نیست وهر گاه بدون هدف و نتیجه تعقیب گردد برای همه کس بیمصرف بنظر میرسد حال اگرهر شاگرد از آن جنبه که میل دارد وبدان محتاج است آنهارا تحقیق کند وبازندگی خویش وفق بدهد و از آن متنفع شود ذوقش افزایش مییابد .

یك شاگرد ممکن است جغرافیا را ازلحاظ سیاحت و مسافرت دیگری خلبانی وکشتی رانی سومی کسب و تجارت چهارمی کشفیات علمی یاهنرهای‌زیبایاحرفه های مخصوص هرسرزمین مطالعه کنند . معلم از تمایلات هریك استفاده میکند واز همان طریق آنها را جلو میبرد . فقط تاسف وقتی‌جایزاست که‌طفل نتواند درسی‌را که برای آن زحمت میکشد درزندگی عملی بکارببرد وفایده‌آنرا بداند .

دریك برخورد معمولی باآشنایان‌یاگردش وتفریح‌ساده‌دقت کنید تاببینند که علاقه ها و تمایلات چگونه چرخ اکتشافات و تحقیقات ما را میگردانند چندنفریکه‌درمقابل‌یك‌فردمعین که‌ممکن‌دوست‌وآشنای آنها باشد درخیابان قرار می گیرند از خلال توجهات و پرسشهای آنها میتوان تمایلات وافکار هریك رامشاهده کرد یکی ازاحوالات خصوصی دیگری تازه های جهان‌وآن‌یك معلومات فنی آن شخص میپرسد. بعضی لباس اورا وبرخی حرکات و رفتارش را مورد دقت قرار میدهند اینها نمایشی ازتمایلات‌درونی هریك میباشد که‌بایك‌دیگر اختلاف زیاد دارد

پس چگونه میتوان این تنوع سلیقه را در باره دروس ندیده انگاشت و از تمام شاگردها یك نوع علاقه انتظار داشت البته وقتیکه رعایت این قاعده روانشناسی نمیشود بی علاقگی محض جای هر گونه ذوق ومیل را میگیرد .

شاگردان در انتخاب موضوعها شرکت داشته باشند

برای اینکه درسها بیشتر مطابق میل شاگردان بوده در نظر آنها ارزش وفایده داشته باشد تا جائیکه میتوانید در انتخاب نوع فعالیتها و تکالیفیکه بایدانجام بدهند آزادشان بگذارید تا به بینیداین کارچقدر بر شوق وحرارتشان میآفزاید ودروس رامفرح و مطلوب میکند و باطفال پشتکار وشکیبائی میدهد بد ترین تکالیف آنستکه معلم امرانه بگوید « حرف همان است که گفتم چون وچرادر گفته من روانیست »

اوضاع روزرا در نظر بگیرند

زمان وزمانه بیك حال نمیماند . گفتیم که خواهشهای انسانی در هر سنی متفاوت است اکنون علاوه میکنیم که احتیاجات وتمایلات اطفال بمناسبت وضعیت روز اختلاف فاحش پیدا میکند . معلمینیکه یك کتاب یاجزوه معینی تهیه کرده مدتها همانرا درس میدهند و برنامه هرسال را مثل سال پیش آغاز کرده انجام میدهند کار غلطی میکنند . بمحض اینکه عقربه شرایط زندگی درصفحه زمانه اندك چرخی زد خواه ونخواه عقربه ضروریات اطفال هم گردش میکند ودر نقطه دیگر قرارمیگیرد . معلم

دانا همواره برنامه راطوری تنظیم میکنند که رفع حوائج وخواهشهای روزانه اطفال را بکند و با اوضاع جاری در تماس باشد .

گاهی این تغییر وضع خیلی سریع ومحسوسی اتفاق میافتد ودر کیفیت زندگی اجتماعی ونوع کاروتفریح وصنایع مردم موثر واقع می‌شود. دستگاه آموزش و پرورش باید مثل یك هوا سنج دقیق اتفاقات را پیش بینی کرده جوانان را آماده برخورد باتحولات وافکار آنهارا برای نهضت جدید رهبری کند

از برنامه های محدود و معین که سالهای متوالی بموقع اجراء گذاشته‌ایم وکمال بی قیدی که نسبت باوضاع روز مرعی داشته‌ایم تاکنون ضرر های زیاد دیده وفرصتهای مناسبی را از دست داده‌ایم .

همان موقعیکه شرکت زنان ایرانی در اجتماع مورد توجه دولت وقت واقع شد این عمل که یکنوع تاثیر سریع و غیر منتظره در اجتماع ما بخشید جا داشت که آموزشگاههای دخترانه و پسرانه قسمتی از برنامه خود را صرف راهنمائی جوانان دراین وضعیت تازه میکردند تا آنهارا ازقدم اول درشاهراه زندگی وارد کرده باوظیفه خودشان که متضمن خیروصلاح جامعه است آشنامیساختند . غفلت از این کار بود که زنان را گمراه کرده باشتباه انداخت وشرکت بامردان را نهادر تقلید کردن از خطا های آنها دانستند و برای همسری و با تمدن برقابت در مدلباس و سایر تظاهرات بی ارزش پرداختند .

حتی دانشکده ها که برای اولین بار پسرها و دخترهای جوان را در سر یك میز برای تحصیل نشاندند جوانان را هیچگونه رهبری و راهنمائی دراین وضعیت نا مانوس نکردند. درهمان زمان توسعه تشکیلات پیش آهنگی و اصراری که اولیاء امور در ترویج آن داشتند یکی از مواردی بود که مفت از چنك ما بدررفت و بجای منفعت ضررهای معنوی و مادی بجا گذاشت . در آن مدت که بیشتر وقت آموزشگاهها را تعلیمات پیش آهنگی اشغال می کرد جوانان را بکارهای بیهوده سرگرم ووقت آن‌ها را باقدم زدن در میدان ها تلف کردند درحالیکه باپرورش غریزه اجتماعی و حس نیکوکاری و عادت بکارهای دسته جمعی میتوانستند نظم وانظباط وهمکاری و خیر خواهی رایادداده جوانان راپیش آهنگان واقعی بار بیاورند

گاهی یك تصادف نا گهانی خاطرها را بخود جلب میکند. و یك حادثه افکار جوانان را در اطراف خود تمرکز می دهد ، مثل شهرت یك اختراع تازه یا حدوث واقعه غیرمترقبه دراین موقع است که معلم میتواند از حس کنجکاوی شاگرد ها در باره آنموضوع استفاده کند و آن ها را با روش کسب اطلاع و تفحص آشنا سازد و حتی در صدد ربط دادن بسیاری از قسمتهای درسی با آن موضوع بر آید و باین وسیله دروس روزانه را جالب و شیرین بکند .

مثلا مسافرت یك شخص نامی از یك کشور خارجی باین مملکت مورد بحث جراید واقع میشود و افکار عموم را بخود مشغول میکند این ایام بهترین موقعی است که میتوان شاگردها را بروابط ایران با کشور مورد توجه و واقعات تاریخی مهم و بسیاری از مطالب مفید آشنا ساخت وقتی که یك مسابقه جالب توجه ورزشی صورت میگیرد و جوانان با مسرت و هیجان آنرا تلقی میکنند بهترین وسیلهٔ جلب کردن افکار بتفریحات سودمند یا بعمل عضلات و ساختمان بدن انسان و شرایط بهداشت یا بتاریخ عصر پهلوانی و مانند آن‌ها است

آموزشگاهها هر سال بلکه هر ماهٔ لازم است پیش آمد ها و تازه های اجتماعی را بررسی کرده آن‌ها را در برنامه کارخود پیش بینی بکنند و آن چه از نظر افتاده و منتفی شده حذف نمایند

هدف درسها روشن باشد

کودك یا جوان در کاری انرژی خودرا صرف میکند و پشتکار و انضباط فکری نشان می دهد که موضوع آن را بنفع خودش تشخیص بدهد یا بآن علاقه پیدا کند.

هر گاه هدف دروس مبهم یا از زندگی فعلی شاگرد دور باشد طوری که دانستن فایده آن در حوصله او نگنجد آن موضوع خسته کننده و ناگوار است. نباید کتمان کرد که اکنون اغلب دروس متوسطه ها ولو دانستنش سودمند باشد بصورتی تدریس می گردد که در نظر شاگردان پوچ و

بی حاصل جلوه می کند و بهمین علت ذوق تحصیل را می کاهد
حتی برای ذکر هر موضوع گذشته از زندگی حقیقی شاگرد وزمان حال شروع کنید و از آن نقطه رفته رفته دور بشوید و نظرها را بگذشته عطف کنید!. اطفال یاجوانان بیشتر طالبند که با محیط خود آشنا بشوند واوضاع عصر حاضر را بدانند. اگر شما برای ذکر تاریخ نیاکان از زمان حال شروع ووقایع گذشته را با آن مقایسه کنید درس سودمند مینماید و شاگردان را سر ذوق می آورد . اما موقعی که بی مقدمه از زمان پیشدادیان و کیان آغاز سخن میکنید یك موضوع خسته کننده را مطرح کرده اید که بادیده تیز بین از چهره شاگردان بی میلی نسبت بآن را می خوانید. جغرافیای حقیقی برای هر کودك خانه ومدرسه و محل زندگی اواست که طبعا بشناسائی آن ها بسیار راغب و مایل است . ولی بخوبی میتوانید بوسیلهٔ نشان دادن خطوط مسافرت و حمل آذوقه و اجناسی که از سایر شهرها وارد میشود و تجارت و داد وستد و قرار داد ها وروابطی که موطن او با سایر کشور ها دارد مطابق سن و فهم هر شاگرد نقاط مختلف دنیا را باو معرفی کنید مشروط بر اینکه علت وفایده این شناسائی برای او واضح باشد .ریاضیات وطبیعیات وسایر رشته های درسی میتوانند با اغلب موضوعهای طرف علاقه شاگرد پیوستگی یافته بآن وسیله طرف توجه واقع شوند .

در دوره دوم متوسطه چون شاگرد ها رشته خاصی را تعقیب

می کنند تمرین دروس اگر در اطراف موضوع هائی که مربوط به شغل آن ها است دور بزند بخوبی می توانند رضایت خاطر شاگردان را جلب بکنند .

تکالیف درسی از قوه شاگردان خارج نباشد .

هرگاه منظور برنامه تربیتی را بدرستی دریابیم می دانیم که اگر برای شاگردان تکالیفی معین میشود باین علت است که دانسته های خود را در موارد مختلف آزمایش کنند و با معلومات پیشین ربط بدهند بکومك موضوع های درسی و بوسیلهٔ تمرین آنها برای زندگی مدبرتر و ماهرتر بشوند . بانضباط و ترتیب عادت کنند نیروی فکری وعملی آن ها در موارد مختلف بکار بیفتد . اگر تکالیف عملی یا فکری از حدودقدرت واستعداد اشخاص بیرون باشد گذشته از آنکه این مقاصد تربیتی انجام نمیشود ذوق وعلاقه را از بین میبرد وانجام آن ها بمنزله محکومیت باعمال شاقه محسوب میشود

پرسشها وتمرینهائیکه پاسخ و اهتمام آن ها مخصوص تمام کلاس است طوری انتخاب کنید که شاگردان ضعیف بتوانند مقداری از آنها راجواب بدهند . شاگردان متوسط که اکثریت کلاس را تشکیل می دهند اغلب و با هوشترین دانش آموزان تقریبا تمام را پاسخ بدهند . همواره پیش نظر داشته باشید که در یك کلاس هیچکس نباید با عدم موفقیت در انجام تکالیف درسی روبرو شود وحل آن ها را بکلی

از قدرت خود خارج بداند .

فرصت کافی برای انجام تکالیف داشته باشند .

بعضی از معلمین باین نکته توجه ندارند که از عهده بر آمدن هر عملی مدت لازم دارد . زیادی و کمی آنهم بسته بطرز کار اشخاص است بعضی کند تر و برخی تندتر کاری را از پیش میبرند .

مخصوصا در کلاسهای متوسطه چون عده معلمین زیاد است رعایت نکردن وقت موجب بی‌قیدی و تنبلی وحتی وادارشدن شاگرد هابتقلب میگردد و قدر معلم را در انظار می کاهد .

از مادری شنیدم که پسر هشت سالهٔ او چون یکروز درسش را حاضر نمیکند معلم او را موظف میدارد که در منزل بیست مرتبه از روی صفحهٔ کتاب جریمه بنویسد . بچه در مراجعت بخانه پس ازاینکه فقط پنج باراز روی کتاب مینویسد خواب وخستگی اورا ازپادرمیآورد . چون صبح میشود از ترس تنبیه شدن و شدت یافتن خشم معلم جداً از رفتن بدبستان امتناع میکند . همین عدم مراعات حال طفل باعث میشود که متجاوز از یکهفته از درس بازمانده وبالاخره مادرمجبورمیشود بعذر بیماری او را از این وضعیت رهائی بدهد

تعداد موضوهای درسی کم کرده بر ساعات آنها بیافزایند

در دبیرستان های ماهرهفته متجاوز از پانزده درس گفته میشود

که وقت بعضی از آن ها بیش از یك ساعت در هفته نیست این تنوع دروس‌وداشتن تکالیف مختلف و ساعات غیر مکفی فکر شاگردان را مغشوش کرده نمیگذارد بهیچ یك از آن‌ها برسند .

حتی برنامه بعضی از موادمفصل و ساعات آن کم است بطوری که حقیقتاًبرای معلمین و شاگردان گرفتاری های سرسام آوری تولید میکنند . بایستی مطابق معمول اغلب کشور هاسال تحصیلی را بدوقسمت بکنیم و در هر نصف سال اجازه خواندن بیش از پنج یا شش درس بشاگردان ندهیم تا اینکه وقت کافی‌صرف هر موضوع بکنند وفرصت لازم برای تمرین و تحقیق درباره آن ها داشته باشند و بتوانندساعاتی از روز را در کتابخانه و آزمایشگاه بگذرانند .

اینکار فایده‌دیگری‌هم‌داردومدرسه میتواند هر نصف سال تعداد کمتری شاگرددر هر کلاس داشته باشد وبهتر بکار آنها رسیدگی کند اصلا دروسی که فقط یکی دو ساعت از هفته را اشغال میکنند و شاگرد وقت رسیدن بآنرا ندارد بهتر است بکلی از برنامه حذف شود .

کارهای دسته جمعی انجام بدهند .

بارها در این کتاب گوشزد کرده ایم که تمرین همکاری برای شاگردان کمال لزوم را داردا‌طفال یك کشور بایستی‌بدسته خود ، کلاس خود و جمعیت خودعلاقه پیداکنند تا بتوانند میهن دوست ونوع‌دوست

باشند و بخدمات اجتماعی که محتاج کوشش برای منافع جمع وفدا-
کاری و ازخود گذشتگی است توفیق یابند .

هر گاه اطفال دبستان و دبیرستان برای اجرای یك نقشه و هدف مشترك همدستی کنند و بمنظور پیش بردن یك مقصود کوشش نمایند بعدها بتشکیل شرکتها . وجمعیتها که برای پیشرفت یك ملت ضرورت دارد موفق میشوند . کار های تجربی و عملی بهترین زمینه را برای تمرین همدستی فراهم میکنند . شاگرد ها متفقاً باغچه را گلکاری و مراقبت میکنند ، نمونه‌هائی از ماشین یا هوا پیما میسازند ، کتابخانـه را اداره میکنند ، وسایل مهمانی فراهم میکنند ، چند نفر باهم درتهیه یك درس شرکت میجویند وماحصل آنرا بکلاس ارائه می‌دهند ، بامور راجع بمدرسه رسیدگی میکنند ، اینست معنی کار های دسته جمعی . این کار ها از افراط در غرور و خود خواهی میکاهد و بدرسهای فردی که اطفال راخودکام ومتکبر میکند وبهم چشمی وامتیازدتعدیلی می‌دهد واین نقیصه بزرك اخلاقی مردم اینکشور رااعلاج میکند .

اطفال بکارهای عام المنفعه تشویق بشوند

انسان برای اجرای عدالت اجتماعی و برقراری انتظام عمومـی نه تنها بخاطر خود بلکه برای خیر و مصلحت سایرین باید بکوشد و حتی بعضی اوقات از منافع شخصی بگذرد و الا رواج خود پرستی امور جامعه را مختل میکند . برای اینکه اطفال در موقع تحصیل بکار

های خیر و کمك بدیگران تشویق بشوند حس دیگر پرستی در باطن آنها قوت پیدا کند باید اولا هیچگونه اجبار وترس و ملاحظه در این کار ها دخالت نکند و بخاطر تظاهر و ریا نباشد . برای اجرای این نیت جوانان بکار هائی تشویق شوند که نتیجه آنرا بعیان ببینند تااز کرده خود رضایت وجدانی و لذت نفسانی حاصل کنند . شاگردان را به محبت وکمك یکدیگر تشویق کنند ، از آنها بخواهند تا کتابخانه یا موزه مجانی برای استفاده دانش آموزان تهیه کنند . برای گردش بمحلات پائین شهر بروند تا حس همدردی آنها تحریك بشود و هر کدام سعی کنند تا یك خانواده یا یکی از اطفال خانواده های ناتوان را زیر نظر بگیرند وازهرحیث بآنها مساعدت کنند . برای پیش بردن کارهای خیر بتشکیل انجمن‌وجلب نظر وهواخواهی‌سایرین بکوشند بزنهاخانه‌داری وبهداشت‌بیاموزند باشخاص بیسواد درس بدهند برای همسایگان خود سودمند باشند .

عده‌ای از امریکائی‌ها کـه فراغت زیادتری‌دارندومیخواهند وقت خود را درراه خدمت بنوع بگذرانند . نخست‌بکلاسهائیکه‌دردبیرستان یا دانشکده محل آنها بهمین منظور یعنی جهت آموختن روش خدمت باشخاصیکه احتیاج بمساعدت دارند یافت میشود رفته چند ماه درس میخوانند و پس ازاین که دانستند از چه راه وچگونه‌می‌توانند بخانواده های دهاتی یا شهری عقب مانده خدمت بکنند و ضروریات آنها را بر

طرف سازند روانه بلوك و دهات اطراف میشوند تـا از نزدیك وضـع مـردم را مشاهـده کرده نواقص آنها را بفهمند . مثلا اگر درطرز خانه ساختن عدم مهارت بخرج میدهند یا بهداشت منزل را نمی دانند واز پرورش بچه های خود عاجزند یا اجاقهای مطبخ آنها دود دارد و باهل خانه آزار میرساند یا لباس دوختن بلد نیستند پس از مراجعت بشهر بتناسب اوضاع اقتصادی آنها از مواد و مصالحی که در آنمحل بارزان ترین قیمت تهیه میشود طرح درستی بکمك متخصصین فنی برای خانه یا اجاق یا افزایش محصول و یا بهداشت آنها میریزند و اسباب کار خود را تهیه کرده مجدداً بآن ده بر میگردند و در عمارت مدرسه یا محل مناسب دیگر نمایشگاه کوچکی تهیه میکنند و اوازم مورد نظر را در آنجا بمعرض تماشا میگذارند . ضمناً خودشان خانـه بخانه سرکشی کرده از آنها خواهش میکنند تابنمایشگاه آمده استفاده کنند . در روزهای پذیرائی با کمال مهربانی و خیر خواهی با یکایك مراجعین دهاتی گفتگو کرده اسباب ولوازمیکه میتوانند جانشین اشیاء نا مناسب آنها باشند نشان میدهند . طرز ساختن و قیمت وفوائدآنها را بیان میکنند. حتی از کمك مالی تاحدیکه مقدورشان باشد مضایقه نمیکنند . درس بهداشت و دستور های علمی برای صرفه جوئی وقت و هنر هایمناسب جهت ازدیاد درآمد بآنها تعلیم میدهند و در اجرای این پیشنهادات آنها را یاری میکنند . و پس از دوسه ماه با وجـدانـی

راضی بخانه خود بر میگردند . در این کار ها اغلب پسرها ودخترهـای جوان پیشقدم میشوند ودر تعطیل‌تابستان‌عده‌ای از آنها تفریح و خوشی خود را در خدمت بنوع قرار میدهند باینوسیله گردش و راه پیمائـی هم می‌کنند .

دریك کشورعقب‌مانده مثل‌میهن ماچرادانشکده ها ودبیرستان‌های آن نبـاید مـروج نیکـوکاری باشند و خانواده های شاگردان بخصوص آنهائیکه صاحب ده و ملك هستند ویا هر سال معمولا بدهات دوردست برای هوا خوری‌میروند باین‌گونه خدمات تشویق شوند ؟ یا هنگامیکه هموطنان مادرآتش نادانی وبیسوادی میسوزند واز بهداشت شخصی یا پرورش اطفال چیزی نمی دانند حتی ازغذا پختن‌و لباس دوختن بـی اطلاعند ، از طرز تهیه و مصرف سبزی و میوه که بآسانی میتوانند در اطراف خانه‌خود بکارندبی خبرند ، هیچ گونه توجهی بنظافت بدن و منزل ندارند برای چه جوانان با سواد ما قوای خود را بیش از هرچیز برای نجات توده مردم از غرقاب فلاکت ونادانی صرف نمیکنند ؟

درصفحات قشقائی با چشم خود مناظرجگر خراش‌این بی‌اعتنائی مردم بحال مردم را مشاهده کردم . دستهای زنانیکه با گـرفتن کتیرا از بوته های پر تیغ امرار معاش میکنند تمام مجروح و آلوده بخاك و خون است درصورتیکه فقط با استفاده از یك قطعه چرم میتوانند آن قسمت ازدستها را که در معرض تصادم‌تیغ است حفظ کنند ولـی چون

شهر نشینان فارغ البال بحال خواهران و برادران زحمت کش خـود غمخواری ندارند و بفکر آنها نیستند همچنان از سوزش آن زخمها رنج میبرند و با سخت ترین شکلی بحیات خود ادامه می‌دهند ، شهر - دار ، استان دار ، رئیس ومدیر هم گویا در اینکه آن موجودات بدبخت از نوع خودشان باشند شبهه دارند ومعامله ایکه یك آدم با آدم میکنند در حق آنها روا نمی‌دارند .

درخت علمی که کبر و منیت بار آورد و عزیزان بیجهت تحویل جامعه بدهد در نظرخاص وعام قیمت واعتباری ندارد . وقتی آموزشگاه درنظر مردم جایگاه مقدسی بشمار میآید که منبع انتشار خیر و سعادت بـاشد .

از طرفی متوجه باشیم مدارس ما گدا پرور نباشند یعنی وسایلی برنیانگیزند که بعزت نفس اطفال لطمه وارد کنند عده ای را بدنامی وسر شکستگی و جمعی رابتکبر و خود فروشی عادت بدهند . یکی از دبیران هوشمند نقل میکرد در یکی از دبستانها بچشم خود دیده بود که‌یك طفل‌هشت ساله موقعیکه مدیر مدرسه‌میخواست باو لباس و کفشی که پول آنرا از اطفال غنی جمع آوری کرده بود بپوشاند . سرخ شده با کمال غرور آنها را رد کرده گفته بود مادرم برای من همه چیز میخرد خانم من محتاج نیستم و اعانه نمیگیرم همان طفل روز بعد با گردن کج و سیمای افسرده به دفتر مدیر مراجعه کرده باکمال

خجلت اظهار کرده بود : مادرم برای اینکه لباس رانگرفتم مرا سخت تنبیه کرده و گفت که برای عید نه روپوش دارم و نه کفش حالا آمده ام تا آنهارا بگیرم . شما از این تغییر روش طفل چه میفهمید ؟ درباره این تنزل یافتن او از مقام بلند عزت نفس تاقبول احسان و سؤال کردن چگونه قضاوت میکنید ؟ !

در اغلب دبستانهای امریکائی بتمام اطفال اعم از غنی یا فقیر غذای ظهر راکه عبارت از یك گیلاس شیر ویك دانه سیب و بمقدار کافی گوشت وسبزی است مجاناً یا بقیمت خیلی ارزان می دهند . مخارج این خوراك را والدین متمول میپردازند انجمن محلی هم اغلب مساعدت میکند خرید اجناس و نظارت در طبخ را مادر هائیکه فرصت دارنـد انجام می دهند . باین شکل عده‌ای از مادر ها و پدر ها پول و وقت خود را جهت تهیه خوراك ارزان برای تمام اطفال بمصرف میرسانند ولی بچه‌ها همگی بیك صورت از آن استفاده میکنند و یکسان هستند و ابـداً معلوم نیست که این قبیل اعانات را چه کسانی داده و یا گرفته اند .

موضوعهای درسی را بایکدیگر و با معلومات قبلی طفل ارتباط بدهند .

هر کس موجود واحدی است که نفسانیات و بدنیاتش ازیکدیگر جدائی پذیر نیستند . موضوعهای درسی هم بایستی جزو سازمان واحد نفسانیات طفل در آیند و همگی در پرورش شخصیت او تأثیر داشته

باشند . از این جهت مطالب درسی را طوری آغاز کنید که با اطلاعات سابق یاد گیرنده بستگی پیدا کند و در وهله اول برای او بیگانه و دور از ذهن نباشد .

فرضاً میخواهید قوانین فشار مایعات و بخارات را شاگردان بدانند با فواره یا تلمبه و چیزهائیکه اطفال دیده اند و میتوانند بذهن بیاورند یا در حال حاضر آنرا مشاهده کنند درس را شروع کنید و قوانین کلی را در آخر بگوئید یا اینکه بگذارید خودشان از روی آن تجارب شخصی قوانین را استخراج کنند . اول وسائل ساده را بشاگرد ها یاد بدهید مثلا یك قلم نی در گیلاس آب بگذارید و تخلیه هوا را بوسیلهٔ بالا کشیدن نفس نشان بدهید . پس از اینکه تمام تجربیات را در یك مایع معین مثل آب انجام دادید و باثبات رساندید سخن از سایر مایعات بمیان بیاورید و قوانین را تعمیم بدهید .

وقتی که درس با تجربیات و دانسته های طفل ربط پیدا کرد هر قدر تدریجاً در مراتب علمی بالا برود هر گز با چیزهای مشکل و نا مأنوس رو برو نمیشود و برای تحلیل بردن بزحمت نمیافتد و مجبور نمی شود که آنها را بسختی حفظ و بآسانی فراموش کند بلکه هرچه رامیاموزد چون در تعقیب معلومات قبلی خود می‌داند بآنها مربوط کرده بآسانی فرا میگیرد.

کودك در حال عادی میل دارد اشیائیکه در اطراف اوست مثل

سنك و کاغذ وشیشه را بشناسد . خواص هر یك و اختلاف آنها را بـا یکدیگر بداند . با حیوانات مانوس شود نام آنهارایاد بگیرد . دبستان هم مهارت او را در همان موضوعهای طرف توجه زیاد میکند ودر واقع با تمایلات طفل همکاری مینماید . خواندن و نوشتن رابرای این یاد می‌دهد که حکایات قشنك زیر عکسهارا بخوانند واز آنها لذت ببرند .

دبیرستان از طرفی معلومات پیشین شاگردان را زیاد تر میکند و تجربه و ترکیب ودسته بندی آنها را یاد می‌دهد ازطرف دیگر چیزهای تازه‌ایکه مورد علاقه جوانان واقع گشته است با آنها میشناساند . دراین حال طفل احساس سنگینی و خستگی نمی کند ، با کمال ذوق معلومات خود را توسعه می‌دهد . اما همینکه ازاول اسامی نامانوس مثل طبیعیات وفیزیك و شیمی بر آنها میگذارند وباآب و تاب مخصوصی عرضه می‌دارند شاگردان هراسان شده کار خود را مشکل می‌پندارند .

درسها بازندگی شاگرد ارتباط داشته باشد.

دبیرستانهای ما معمولا مواد را جدا از یکدیگر تدریس میکنند و از آنجائیکه موضوعهای تجربی و عملی هم در کار نیست هیچگونه موردی برای ملحق کردن آنها بیکدیگر پیدا نمی شود پس هر درسی باصطلاح پرونده جدا پیدا میکند و همین جدائی و تفکیك آنها رابرای طفل که یك موجود واحد میباشد ثقیل و بیمصرف جلوه گر میسازد و از اینکه آنها را دریکدیگر بیامیزد و بمعلومات قبلی خود اتصال بدهد

عاجز میماند .

بهترین وسیله الحاق دروس بیکدیگرزندگی حقیقی شاگرداست اگر هر معلم درس را با زندگی کودك کاملا ارتباط بدهد یك کانون مرکزی تشکیل می‌شود که تمام دانسته های او درهم میامیزند وتماس پیدامیکنند . ادبیات . طبیعیات . ریاضیات . زبان خارجه . کارهای‌دستی بالاخره هر موضوع دیگری با خوراك و پوشاك و خانه و بهداشت و تفریح و وسائط نقلیه و شغل و اوضاع محیط او مناسبتی پیدا می کند و بخوبی دروس با یکدیگروبا خود شاگرد مربوط می‌شوند ولی‌موقعی که دروس را فقط از جنبه علمی آنها بحث میکنند یا مثالها را از چیز های دور از ذهن و دور از علاقه طفل اختیار میکنند طبعاً این مطالب از دنیای‌واقعی که‌شاگرددر آن زندگی‌میکند دور میافتد و طرف بی‌میلی او واقع می‌شود .

دروس حسی و تجربی باشد

بعضی ازمعلمین ما میل دارند دروس رامحسوس وبرای‌شاگردان قابل درك بکنند ولی ممکن است احیاناً در این عمل چندان مهارت نداشته باشند و تصور کنند اگر خودشان فرضاً چند برك یا شاخه گیاه را بدست بگیرند و جهت شاگردان چگونگی آنها را توضیح بدهند موضوع را محسوس ساخته اند ودانش آموزان از آن بهره کافی‌میبرند تنها قرار دادن اشیاء در مقابل دیدگان برای اینکه قوه ادراك طفلرا

بکار بیاندازد کفایت نمی کند. باید خود اطفال بواسطهٔ تجربه و دقت بمفهوم و معنای آنها برسند و خواصش را دریابند. بسیاری از مواقع ما چیز هائی را میبینیم و اصواتی رامیشنویم درحالیکه جزو ادراکاتمان نشده و بمحض این که اصل احساس برطرف شد یادی از آنها درخاطرمان باقی نمی ماند. پس این شکل تدریس دست کمی از خواندن روی کتاب ندارد.

برای این که درسهاازصورت محفوظات خارج شده برای اطفال معنی دار بشوند بجای شرح و بسط زبانی آنها را با حقیقت اشیاء روبرو کنید مشروط بر اینکه فرصت بدهید تا در باره محسوسات خودشان تجربه و دقت و فکر بکنند و بنتیجه برسند. یقین بدانید هر چند مفاهیم اطفال نا رسا و ضعیف باشد از مطالب مفصل و مشروحی که شما برای آنها بگوئید سودمند تر است. پس محسوس کردن دروس هرگاه درست انجام شود فایده میرساند و الا بی ثمر است. باینطریق عمل کنید تا بمقصود نائل شوید:

۱ ـ محرکاتی برانگیزیدتایك موضوع طرف علاقه دانش آموزان واقع شود مثلا فیلم یا عکسی نشان آنها بدهید یا پرسش هائی بکنید و یا کتابهائی بدهید تا بخوانند. پس از پیدا شدن تمایل آنها رامساعدت کنید تا راه جستجو وپیدا کردن اطلاعات را یاد بگیرند. برای روز دیگر لوازم عمل وتجربه را بیاورید و اگر غیر منقول هستند شاگردان

را برای مشاهده آنها ببرید. بکوشید تا انضباط فکری در کلیات و جزئیات عمل بر قرار باشد و دانش آموزان تشویق بشوند تا هر قدر در قوه دارند بکوشند. با تذکرات و پرسش های بجا آنها را رهبری کنید تـا به نتیجه برسند

برای جلوگیری از مغشوش شدن فکر از پیشنهاد های زیاد وجور بجور در یك دفعه خود داری بکنید مثلا اگر گیاهها و طبقه بندی آنها مورد توجه است نخست تنها در باره یك نوع از آن آزمایش بکنند پس از رسیدن بنتیجه در صدد مقایسه آن با سایر نباتات بر آیند اگر از اول بخواهند تعداد زیادی از آنها را مورد مطالعه قرار بدهند اطفال باشکال بر میخورند ودرمانده میشوند.

اصولا آموزشگاههائی که اسباب و لوازم کافی برای محسوس و تجربی کردن موضوعهای درسی نداشته باشند کلاسها محیط سرد وملالت آوریست که هوشها و ذوقهای جوانی را راکد گذاشته و ازبین میبرد. ولی گمان نکنید تهیه آزمایشگاه و موزه برای دبستان یا دبیرستان کار مشکل و مستلزم مخارج هنگفت میباشد. با همدستی معلمین و شاگردان میتوان هر سال مقداری اسباب ساده بـرای آزمایشگاه فراهم کرد. کتابهای مورد لزوم. نقشه. کارت پستال. گلدان. نباتات تازه. مجموعه نباتات خشك. اقسام سنگها. قطعات فلزات و شیشه و مانند اینهارا تدریجاً جمع آوری کرد.

بعلاوه معلم اطفال را برای دیدن باغها یا دهات مجاورو کار خانه ها وادارات میبرد ویا توجه آنهارا بشهودات خودشان مانند دکانهاو وسایط نقلیه جلب میکند وازمشاهدات روز مره اطفال در باره محسوس کردن دروس استفاده میکند.

شرحیکه درباره عملی کردن دروس در یکی از دبستانهای انگلستان در آخر کتاب نوشته شده است دراین باب بشما کمك میکنند.

شاگردان بی رغبت را تشویق کنید

برای توضیح این مطلب یکی از مشاهدات خود را در یك مدرسه خارجی شرح میدهم:

بکلاس چهارم ابتدائی. بقصد مطالعه روش تدریس رفتم شاگرد ها مشغول حل مسائل مربوط بحساب بودند در آنحال یکی از اطفال بدون توجه بدرس مقداری خمیر مخصوص و چند کتاب وعکس جلوی خود گذاشته باکمال دقت چیزی میساخت و تا آخر درس دست از آن کار بر نداشت پس ازختم جلسه درس موقعی که معلم آن کلاس در اطاق دیگر بپرسشهای من پاسخ میداد علت اینکه یکی از شاگردانش بکار دیگر غیر از حساب مشغول بود چنین گفت چنانکه از سابقه تحصیلی این طفل معلوم میشود در کلاس اول و دوم هیچگونه رغبتی بخواندن ونوشتن وحساب کردن نداشت درحالیکه معاینه جسمی و تجربیات هوشی بهیچ وجه اورا در ردیف شاگرد های کم استعداد قرار ندادو برای عقب ماندگی اوسببی غیر از عدم علاقـه بدرس شناخته نمیشداین بچه در بازیها و کارهای اجتماعی کاملا عادی وزرنك بود. معلمین وسائل زیادی

جهت تشویق او برانگیختند و داستانهای شیرین برای او خواندند تا بکتاب خواندن مایل بشود ولی نتیجه ایکه از آن حاصل شد بسیار نا چیز بود. در اواسط دومین سال تحصیلی پدرش مسافرت کرد معلم چون شدت علاقه طفل را بپدرش دریافته بود توانست بوسیله تشویق او بنامه نگاری مختصری اورا پیشرفت بدهد

اواسط سال سوم یك روز معلم طفل را پیش خود خواند وبا او دوستانه مشغول صحبت شده ازاوخواهش کرد برای اینکه بکلی بیکار نه‌نشیند ازاین‌پس هرچه میل دارد برای مشغول داشتن خـود بکلاس بیاورد.

روزدیگر مشاهده کرد کودك مقداری خمیر آورده ازروی عکسهای کتاب بساختن اشیائی مشغول است. چون اینکار ادامه پیدا کرد معلم توانست ازذوقیکه در باره تقلید ازعکسها وساختن آنها باخمیر نشان میداد استفاده کرده او را بخواندن مطالب کتاب تشویق کند. اکنون که در اواخر سال چهارم هستیم این شاگرد باندازه ای در شبیه سازی ازروی تصویر ها باقلم یا خمیر نسبت بسن خود مهارت بخرج میدهد که باعث اعجاب وتحسین است.

پس از آن م.را بموزه مدرسه راهنمائی کرد وصحنه ای از سالن سازمان ملل‌متحدرا که این طفل باموم و مقوا وکاغذ ساخته بود نشان داد مجسمه عده‌ای ازنمایندگان را با درنظر گرفتن قیافه ومختصات

نژادی آنها تهیه ورنك آمیزی کرده بود ودریك جزوه زیبا داستانهای مصورساخته وزیر آنها مطالب‌خنده‌دار نوشته‌بود . اینهاالبته برای یك طفل ده‌ساله نشانه‌هوش ودقت سرشار بود . چنانکه معلم اظهار میداشت همین عشق به‌شبیه سازی سبب شده است که طفل بخواندن کتاب و داستانهای تاریخی میپردازد . حتی درحساب‌وهندسه هم پیشرفت میکند پس از آن اضافه کرد :

«مگر ما معلمین از اطفال چه میخواهیم؟ آیاجز اینست که هر کس باید معاش و زندگی خود را تامین کند وبرای جامعه سودمند باشد؟!»

چنانکه می بینید اکنون بخوبی هوش واستعداد این کودك رشد میکند ودر کاری که میل دارد فعالیت کرده از آن لذت میبرد . شاید در شبیه سازی سر آمد اقران بشود . چه بسا ممکن است این تمایل اورا بطرف‌زیست شناسی وعلوم اجتماعی سوق بدهد یا فرضاً یکنفر مجسمه ساز عادی بشود . هرچه هست فعلاازهمین طریق دربسیاری از هدفهای تربیتی جلومیرودپشتکار ودقت وانضباط یاد میگیرد درخواندن ونوشتن کم بیش ترقـی میکند . این پسر از اول با نشاط و باهوش و اجتماعی وخوش رفتار شناخته شد بی‌میلی بدرس تنها نقص او بشمار میرفت . اگر باین جرم او را دو سال در یك کلاس نگاه میداشتیم یا برای انجام تکالیف مدرسه در حق او سخت گیری روا میداشتیم ودائم

در معرض مقایسه با سایرین قرار داده سر زنش میکردیم دور نبود که بصفات نیك او یعنی فعالیت ونشاط و روح اجتماعی که داشت لطمه میزدیم وطفلی گریزپا و حسود و کینه جو تحویل جامعه میدادیم . تازه اگر خواندن ونوشتن رابزور تنبیه وتوبیخ یاد میگرفت معلوم نبود در چه راه وبرای چه مقاصدی بکار میبرد و از آن چه زیانهائی بخود و بجامعه میرساند .

تصور میکنم تا حدی باین پرسش که اگر شاگردی با استعداد ولی بتحصیل بی رغبت باشد چه بایدکرد بوسیله مثال بالا پاسخ داده ام . چیزی که مسلم است دانستن فلان مقدارحساب یا خواندن چند جلد کتاب وهرگونه علم واطلاع وقتی ارج دارد که باتهذیب باطن وتربیت نیکو همراه باشد . طفل عصبانی و بد رفتار که از همسالانش بیزار است یاعادت بحقارت و بندگی دارد وحس ابتکار وذوق او ازبین رفته است بر فرض چند فورمول شیمی وچند ماده تاریخ و بعضی عملیات حساب را بداند چه فایده ای دارد ؟ بعلاوه بچه در حال خشم و نفرت که نوعی از شکنجه روحی است نمیتواند منشاء کار مرتب و مؤثری باشد وعملی را که بزور انجام میدهد طرف علاقه او واقع شده شوق ورغبت در آن بروز بدهد .

اطفال راعادت بنظم وانضباط بدهید

از آن میترسم که برخی ازخوانندگان محترم تصور کنند روشی

که در این کتاب مورد بحث قرار گرفته ودر کشور های بزرگ دنیامعمول میباشد مستلزم آنست که نظم آموزشگاه رابرهم زده جار و جنجال فراهم سازند. اما چنین نیست ودر اینکه مدرسه برای پیشرفت تعلیم وتربیت وسهولت کارهای اجتماعی اطفال محتاج بانضباط است حرفی نیست اختلاف ما فقط درمفهوم وطرز اجرای آن میباشد.

نظم وانضباط حقیقی درمدرسه وقتی برقراراست که حس مسئولیت اجتماعی دراطفال پیدابشود وهمگی اساس کردار خود را بر پایه های تعاون واشتراك مساعی بگذارند و از این راه برای سهولت کار وزندگی شخصی و همگانی تسهیلاتی فراهم کنند.

وحشت یا ترس از تنبیهات بدنی، نمره بد دادن وسرزنش کردن که معمولا برای ایجاد نظم و انضباط درمدارس مابکار میرودبا تعریفی که برای انضباط کردیم درست در نمیایـد زیرا نه فقط موجب پیدایش حس همکاری و تعاون نمیشود سهل است عکس العملهای زیانبخش آن از عوامل مهم فساداخلاق وسوء رفتار بادیگران میباشد

دلیل دیگری که مارا بضرر دیسیپلین اجباری واقف میکنداینست که اولیاء آموزشگاه همچنانکه گفتیم با کودکان یا جوانانی سروکار دارند که قسمتی از غرائز و عادات و معلومات خود راارثی یا اکتسابی با خود دارند طفلیکه تحت اینگونه انضباط توام با وحشت و ترس واقع میشود اگر طبعا جبون وضعیف باشد این صفات او افزایش یافته

بزودی در مقابل هرقدرتی سر فرود میآورد و بآسانی تن بظلم و جور می‌دهد و فاقد آزاد منشی و شهامت اخلاقی می‌شود . حتی جرات اظهار وجود و ابراز لیاقت در کارهای پسندیده ازاو سلب میگردد . از آنجائی که معلمین اختلاف سلیقه دارند طفل همواره هراسان است که مبادا حرفی بزند وعقیدهٔ اظهار بدارد یا عملی بکند که هرچند در نظر خودش عیبی ندارد عدم رضایت معلم را فراهم کند و مورد تغیر و تشدد واقع شود پس میکوشد تا ساکت و صامت از ابراز هر عقیده خود داری کند . ابتکار و فعالیت و آزادی اورفته رفته در زیر این فشارمضمحل میگردد .

اگر بر عکس معلم با طفلی مقابل باشد که این سخت گیریها نتواند طبیعت جسور او را خاضع و خاشع کند این بار حس بدبینی و نفرت وانزجار نسبت بمدرسه و معلمین پیداً میکند و این حال در اوقوت میگیرد بموذی گری و تقلب و ارتکاب کار های نا شایسته پنهانی میگراید و در حقیقت با این شیوه آزادی از دست داده را جبران می کند .

در آموزشگاههای ما مسخره کردن و پیدا کردن انواع وسایل برای آزار معلمین رواج زیاد دارد و این خود دلیل واضحی بر خشم و نفرت شاگردان نسبت بمعلمین و مدرسه است . پدری با کمال تاثر برای من نقل میکرد که پسرش هرشب بجای انجام تکالیف درسی باکمال

دقت درصدد یافتن نیرنك تازه‌ای برای آزار کردن معلمین بمنظور مسخرگی و خنداندن شاگردان است ضمناً حیله هائی از او حکایت کرد که دلیل هوش سرشار و چابکی بسیار او بود که متاسفانه منحرف شده باینصورت جلوه گر شده است . این پدر در تعقیب بیانات خود میگفت چه خوب بود اگر پسر من کوشش و زیرکی خود را در راه آموختن علم و هنر مصرف میکرد .

هرچه خواستم باین پدر و سایر پدر ها و مادرهای دل سوخته که غالباً بانها برمیخورم جواب قانع کننده‌ای بدهم و برای اینکه چرا آرزوهای آن ها را بر آورده نمی سازیم و قابلیت فرزندان دلبند شان را هدر می دهیم دلیلی بتراشم عذر موجهی نیافتم و ندانستم برای چه ما از تجارب تلخ خودمان پند نمی گیریم و باین اوضاع رقت بار خاتمه نمیدهیم لذا بایشان گفتم اصلاح امور تربیتی فرزندان یك ملت وظیفه ایست که خود مردم باید بخواهند و با تمام قوا موجبات آنرا فراهم کنند و شما هم یکی از آنها هستید .

عکس العملهائی که جوانان و بچه‌ها هنگام خارج شدن ازمدرسه بروز می دهند نشانهٔ بارز دیگری از اثرات بد انضباطهای زورکی و محرومیت های اطفال است کودکان بمحض آزاد شدن ازاین قفسهائی که روح بزرك آنها را از طیران بازداشته و فعالیت جسمی آن ها را زیر شکنجه قوانین ظالمانه بی‌تناسب مانع شده است دل پری خود راظاهر

می سازند . نهال های خیابان را شکسته بشیشه ها سنگ می‌زنند ، در خانه ها را کوبیده مزاحم خانه داران یا عابرین میشوند

روزی در خیابان کودك ده سالهٔ رادیدم که مقابل یك درخانه که تازه رنك روشنی بآن زده بودند و بسیار پاك و براق بود ایستاد تصور کردم مجذوب لطافت و زیبائی آن رنك شده است ناگهان مشاهده کردم دوات شیشهٔ پر از جوهر را از کیف خود بیرون کشیده محکم بـدر نـواخت و فرار کـرد . یقین کـردم بچهٔ بینوا بواسطه انقلاب درونی که عکس العمل صدمات مدرسه را نشان میدهد باینکار مبادرت میجوید بمنظور خالی کردن عقده دل نقاب از باطن خشم آلوده خود برمیدارد بسیار مایل بودم با او بنشینم و دوستانه صحبتی بمیان آورم شاید از آتش درونی او که ساعتها زیر خاکستر ریا و محافظه کاری پنهان شده و اکنون که نسیم آزادی بدان میوزد شعله کشیده است چیزی بفهمم و آبی بر آن ریخته وبجراحت درونش مرحمی بگذارم ولی او باکمال رضایت خاطر و تسکینی که گویا از این عمل پیـداکـرده بود هم چنان بسرعت رفت و از نظرم نا پدید شد .

شما هم یکروز هنگام خروج شاگردان مدرسه در معبر آنها بایستید و بدقت نتیجهٔ انرژیهای فشرده شده راکه در این لحظه موردی برای توسعه و خود نمائی پیدا کرده‌اند مطالعه کنید و ببینید چگونه پابند هیچگونه اصول اخلاقی وتربیتی نیستند . آنوقت ازخودتان بپرسید

آیا لیاقت ناظم و مدیر در این‌است که از شاگردان چشم ترس بگیرند و مادامی که در مدرسه هستند آن ها را ساکت نگاه دارند یا اینکه موظفند انضباط و ادب باطنی پایدار برقرار نمایند . ؟

انتظام کلاس باین نیست که اطفال وجوانان موقتا درحال‌سکوت خواب آلود بر روی نیمکتها چرت بزنندو هرلحظه آرزوی شنیدن زنك خاتمه کلاس و رهائی از قید و بندرا بکشند . برعکس هر کجا شوق و نشاط و هیجان باشد و شاگردان‌با مسرت برای تعقیب یك هدف و کشف یك معما خود را آماده کنند بزودی میتوان انضباط حقیقی بر قرار ساخت و آنها را بنظم‌در کار هائیکه رسیدن بهدف را میسر میسازد تشویق و بهمکاری با یکدیگرو رعایت نوبت وبعهده گرفتن مسئوایت فردی که از موجبات سهولت کارهای اجتماعی است دعوت کرد .

مدرسه باید نمونه حقیقی‌اجتماع باشدتا بتواند افراد وظیفه‌شناس برای جامعه تربیت کند یك‌کشور وقتی بدمکراسی حقیقی نائل میشود که مدارس آن با اصول دمکراسی اداره شوند یعنی شاگردان که افراد این کشور کوچکند در انتظامات و عملیاتیکه پیرامن آن ها درجریان است دخالت کنند با این تفاوت که اینجا مرحله تجربه و تمرین‌است و معلمین و کارمندان مدرسه حق دارند هر کجا بواسطه بی تجربگی اطفال ممکن است ضرر و عیب کلی یا اشتباه بزرگی پیش آمد کند از راهنمائی دریغ ندارند

بهترین شکل نظم و انضباط اینست که بوسیله خود اطفال و جوانان بر قرار شود و آنها شخصا واضع و مجری آن باشند تا فواید آنرا بدانند و بقوانین و مقررات احترام بگذارند و هر کس از آن سر پیچی کند و مخل آزادی و آسایش اجتماع خودش بشود در باره او عادلانه حکمیت کرده در اصلاحش بکوشند .

تشکیلات راهنمائی وسیله خوبی برای اجرای انضباط و نظم مدرسه است هر یك از مفاسد و معایبی که در افراد و اجتماع پیدا میشود معلول علتی است که اگر رفع آنرا بکنند بآسانی از بین میرود وچون برعکس از راه کج باآن مبارزه کنند برشدتش میافزایند . نظم که راهنمای دسته جمعی دانش آموزان است و معلمین ارشاد کننده میتوانند با همان ترتیب که گفتیم از حال شاگردانیکه مرتکب خلاف میشوند با مهربانی بازجوئی کنند و آن‌ها را بحق خود که در طلب آن از بیراهه میکوشند برسانند یا دلایل صحیح و قابل قبول بر عدم حقانیت آن ها بیاورندو هرگاه بی دلیل یا بنا بر امر مشکوك مخل انتظامات شدند عقل و استنباط و قضاوت آن ها را بمحاکمه بخوانند تا دادگاه باطن آنها را از کرده پشیمان بکند

آموزشگاه خانه اطفال است اگر آنها آشیانه خود را دوست نداشته باشند و از وحشت آن برخود بلرزند ناچار سر بکوچه و خیابان می گذارند و اختیارشان بدست رفقای نا اهل میافتد . بسیاری از مادرها مدعی

هستند که اطفال خردسالشان را با اشتیاق فراوان بمدرسه فرستاده‌اند همینکه ناظر تنبیهات بدنی همسالان خود شدند یا از کارمندان آنجا خشونت دیدند از مدرسه فراری‌شده بهیچ قیمتی حاضر نگشته‌اند بمدرسه بروند و هر روز بیك بهانه شانه خود را اززیراین بار طاقت‌فرسا خالی میکنند.

هم‌اکنون عده از معلمین بیمن شیوه پسندیده مهربانی وعطوفت در کلاسهای خود انضباط حقیقی را برقرار می‌سازند اگر تمام معلمین بایکدیگر در پیش بردن این رویه همدلی کنند یقیناً بنتیجهٔ رضایت بخش‌تری میرسند اما ضرر دیگر انضباطهای زورکی این است که‌چون هر گونه تغییری که‌در جامعه روی می دهد باید پایه های آن بر تربیت کودکی استوار شود اکنون که ملل دنیا بنای حکومت خود را بر آزادی و دمکراسی و حکومت مردم بر مردم گذاشته‌اند ایرانیان هم از معلمین خود خواستارند بچه ها و جوانان آنها رابرای آزادی بار بیاورند . پس هر گونه نظم و و انضباطیکه باستقلال فکر و عمل اطفال لطمه میزند ، قوه ابتکار آنها را از بین میبرد ، شخصیت و حیثیت شاگرد رازیر پا میگذارد ، درنظر طرفداران آموزش و پرورش نوین و طالبان آزادی این کشور بشدت مردود و منفور است .

آزمایش کنید

درس خوب کدام است ؟

هرموضوع درسی راکه برای شاگردان تهیه میکنید نخست بوسیله این پرسشها بیازمائید اگر پاسخ تمام سؤالات مثبت بود مطمئن باشید کاملا رضایت بخش است و نظم وانضباط کلاس بآسانی بر قرار میشودو شاگردان از آن حسن استقبال میکنند .

اینك پرسشها

۱ ـ آیادانش آموزان ارزش موضوعی راکه میخواهید درس بدهید بخوبی پی میبرند ؟

۲ ـ رعایت معلومات قبلی شاگردان شده است که مطلب غیر مانوس نباشد ؟

۳ ـ باسن و محیط و ذوق اطفال متناسب است وهمگی میتوانند در آن شرکت کنند ؟

٤ ـ مسرت انگیز و موجد شوق وفعالیت است ؟

٥ ـ طوری تنظیم شده که اطفال یکی از مجهولات خود را در شرف حل شدن ببینند ؟

٦ ـ یك یا بعضی از احتیاجات فعلی شاگرد ها باین وسیله برطرف میشود ؟ (منظور تمام شاگردان است نه بعضی)

۷ ـ منافع اجتماع در آن رعایت شده و در برطرف کردن برخی از نواقص کمك میکند . ؟

۸ـ در تقویت استعداد ها و تحریك حس ابتکار و تخیل موثر است؟

۹ ـ نتایجی بر آن مترتب است که شاگرد ها را بهمدستی و تعاون بایکدیگر عادت بدهد؟

۱۰ ـ باتجربیات پیشین اطفال وفق میدهد طوری که در تکمیل یکی از آنها باشد؟

۱۱ ـ دانش آموزان خودشان در تهیه و تحقیق تمام یا قسمتی از آن کوشش میکنند؟

۱۲ ـ اسباب ووسایل و فرصت کافی دارند؟

هرچه بیشتر جواب ها منفی باشد بهمان نسبت از قیمت درس میکاهد.

بخش دهم

کارهای اجتماعی

دنیا در تحول و تغییر است امروز هر کس بوسیله تجربیات و معلومات خود بایستی تا جائیکه استعدادش یاری میکند برای گشایش مشکلات زندگی مهیا شود و با قوه تفکر وتدبیر نقشه تازه ای برای خوشبختی اجتماع طرح کندپس محصول فکرپیشینیان یا همعصرهایش گرچه ارث گرانبهائی است که باو انتقال یافته و قدرش‌را میداند ولی بهمان درجه ازمعلومات اکتفا نمیکند وفکر خودش‌را راکد نمیگذارد بلکه آنهارا بعنوان مصالح ولوازمی‌میداند که در یك ساختمان نو بکار می‌اندازد .

آموزشگاه یك کشور مترقی نمونه این تحول اجتماعی است وهر روز از روز پیش جلوتر میرود وشاگردانش را مدام باسیر زمانه دمساز میدارد . کارهای اجتماعی مدرسه یعنی مقاصدیکه دسته های شاگردان آزادانه باهمدستی یکدیگر انجام میدهند ، فعالیت ذهنی وبدنی دانش آموزان را افزایش‌میدهد و فرصت بسیار مناسبی مهیامیکند تا اطفال

یا جوانان در باره مطالبی که‌در کلاس یاد گرفته اند تجربه و تمرین بکنند ودر اجتماع کوچك خود آنهارا بکار ببرند .

کارهای اجتماعی حس قانون شناسی را تقویت میکند

ایجاد نظم وانضباطو حفظ قوانین مدرسه‌بدون رضایت وهمکاری شاگردهاغیر ممکن‌است . چنانکه‌ذکرشدتنبیهات‌بدنی‌وهرگونه‌موجبات وحشت وترس‌ضررهای معنوی‌فراوان دارند ودر مقابل فقط باعث‌تظاهر بادب یااطاعت زورکی‌وموقتی‌میگردند . برای اینکه از زمان کودکی زنجیر بندگی در پای‌کودك نگذاریم وضمناًایمان واحترام‌بقوانین ونظم اجتماعی را در او ایجاد کنیم بایستی شاگردان مدرسه را هم عیناً مثل رعایای کشور در امورمربوط بخودشان شرکت بدهیم . در این‌صورت اطفال چون خود واضع قوانین اجتماعی‌هستند وفواید و علت آنها را میدانند دیگر قانون شکنی را نوعی شهامت و مبارزه باظلم و زور نمیشمارند .

اطفال را بزندگی اجتماعی عادت میدهد

هرگاه تمام کارهای‌تحصیلی شاگردان مستلزم مجاهده وپیشرفت انفرادی باشد حس‌سلوك‌را میکاهدواشخاص‌راخودکام نموده بهمبستگی اجتماعی زیان میرساند هم اکنون مشاهده‌میکنیم‌شاگردان بجای‌اینکه نمره خود را باسوابق‌وپیشرفت‌خودشان‌مقایسه کنند دائم باحال سایرین میسنجند وبرای کم‌وپیش آن‌از روی حسادت جنك ونزاع برمیانگیزند

بحدیکه شاگردان بااستعداد غالباً منفور همکلاسهای خودشان هستند و افرادیکه باید از زمان تحصیل رابطه دوستی بین آنها بر قرار باشد تخم خصومت در دل میکارند . اما چون بکار های اجتماعی مشغول شوند ناچارند خود را با سایرین هم آهنك بسازند . بردباری ومحبت پیشه کنند متوجه مصالح جمعیت شده پیشرفت دیگران را برای رشد اجتماع خود لازم بشمارند .

همبستگی ایجاد میکند

با تمدن کنونی کسی قادر نیست بتنهائی تمام مایحتاج زندگی خود را فراهم بسازد چه رسد باینکه از عهده کارهای مهمی که اوضاع امروزی دنیاایجاب میکند برایدو بتواند استقلال و سعادت خود را تأمین کند . مادامیکه محسنات همبستگی وهمکاری آنطورکه باید برهمگان معلوم نیست هرکس زورش برسد میخواهد عدهٔ را تحت نفوذ خود در آورد و بار خودرا برگرده آنها بگذارد و باصطلاح امروز آنها را استثمار کرده با زحمت آنها راحت خودش را میسر بسازد . عادت بکار های اجتماعی مدرسه جوانان را هوشیار وزرنك کرده حق وعدالت را برقرار میسازد وعادت به همکاری را تقویت میکند وسبب حق شناسی میگردد .

موجب خود شناسی میشود

دروس نظری و تقلیدی چه بسا ممکن است شخص را باشتباه

بیاندازد وخود را بیش از آنچه هست بپندارد و هوس کارهائیکه از قوه او خارج است در دل او بپروراند . حال آنکه سر و کار داشتن باعملیات آزاد انسان را متوجه نیرو و قدرت واقعی میکند و خودش را همانطور که هست میشناسد . و در عمل متوجه کاریکه از او ساخته است میشود واز لاف و گزاف خود داری میکند .

استعداد هنر و صنعت را تقویت میکند

سه چیز هنرمندی را تحریك میکند : یافتن ذوق و استعداد طبیعی خود ، دسترسی بوسائل ولوازمی که آنرا پرورش بدهد . پشتکار وتمرین . اودر ضمن فعالیتهای اجتماعی هر کس کمال مطلوب خود را مییابد و با رهبری معلمین هوشیار در پی کسب اطلاعات و تهیه لوازم پیشرفت او برمیآید و با اشخاص مطلع و منابع مناسب تماس میگیرد و بتعقیب وتمرین آن مقصود همت میگمارد . مثلا عدهٔ دختر یا پسر جوان برای تهیه یك جشن شرکت میجویند هر یك خویشتن را محك زده میفهمند آیا ساز و آواز و رقص یا بازی در نمایش نقاشی ودکور سازی یا تهیه نمایشنامه کدام یك مناسب حال آنها است و میتوانند در آن ابراز لیاقت بکنند . پس از انتخاب یکی از آنها دنبال فراهم کردن وسائل و تمرین عملیات میروند و بسیار اتفاق میافتد که این نخستین پله مقدمه ارتقاء بمقامات بالا میباشد و پس از چندی هنرمندان لایقی بجامعه معرفی میشوند .

درسهای شفاهی کتابها و مقالات روزنامه گفتارهای رادیو آن

قدرت راندارند که‌در روح جوانان تأثیر عمیق ببخشند و آنهارا بسوی مطلوب مناسبی رهبری کنند تجربه و عمل لذت دیگری دارد و ماهیت وجودهر کس‌رابخودش میشناساند واورا سر ذوق وشور وشعف میآورد مخصوصاً برای‌قومی که همواره‌ازمرحله حرف پا بیرون‌نگذاشته ودروازه عمل را زیارت نکرده‌است اهتمام در آن ضروری‌است .

عادت بقبول و انجام مسئولیت میکند .

طفل‌یاجوان وقتی که بامیل‌و انتخاب‌خودوارد جمعیتی‌شد وبدون ملاحظه و ترس از مافوق با صمیمیت در انجام وظایفی که قبول کرده یا باو محول شده بذل‌همت نموددر عین آزادی‌احساس مسئولیت میکند واز اینکه تکلیف خودرابنحوشایسته‌ای‌انجام‌بدهد شوق‌وشعف‌و رضایت وجدان‌حاصل میکند

هر قدر بتوانیم مدرسه را محلی‌بسازیم که شاگرد خودرا منشاء قدرت وعهده دارمسئولیت‌باطنی بشماود نه اینکه‌چون‌زورو قدرت مافوق را بالای سر خود ببینند تابع و عبدو عبید باشد و چاپلوسی بکند و بمحض اینکه‌چشمی مراقب او نبود هرج‌ومرج‌وشلوغی بر پاسازد کار های اجتماعی مدرسه شاگردان راعادت بقبول وانجام مسئولیت میدهد وزندگی کردن در اجتماع را آسان میکند .

سبب مهارت وچابکی میشود

اگرسالها نت موسیقی بخوانیم تمام پرده های ساز را بشناسیم تا

زمانیکه انگشتان خود را بحرکت نیاوریم و گوش‌را عادت ندهیم وتمرین وتکرار نکنیم موسیقی دان نخواهیـم شد تـا فقط از روی نقشه و کتاب رموز راندن ماشین را یاد میگیریم و پشت‌رل نمی‌نشینیم بقدر یك راننده ساده که چند درس‌عملی گرفته است کفایت راه بردن ماشین را نداریم . مثالهای‌زنده وفراوان دیگری هستند که این حقیقت را باوضوح نشان میدهندو آنها شاگردان مدارس ماهستند که سالهادر پشت میزها نشسته صفحات کتاب را ورق زده‌اندولی بیك کمال‌مطلوب جالب نرسیده درهیچکار صاحب اطلاعات عمیق وپرمغز یا مهارت کافی نشده انـد .

احترام کار و کارگر را می‌افزاید

تعلیم وتربیت مانند تمام اختراعات بشر همواره در حال تکامل است ونظر تیزبین معلمین‌هوشمندومتخصصین این‌فن دائم نواقص آنرا در مییابد واصلاح میکنند

درکشور ما گرچه‌اغلب آن‌نواقص در زیر ذره‌بین خرده گیری کسانیکه‌خودشان‌آنهارا ایجاد یاتقویت‌میکنند صدها برابر بزرك میشود اما نه بقصد اصلاح وپیشروی‌بلکه‌برای‌اینکه افکار عمومی را بمخالفت با آموزشگاه برانگیخته سدی درمقابل باسوادشدن مردم ایجاد کنند یکی از نواقصی که هنوز درصـدد بـر طرف کردنش بـرنیامده ایم اینستکه اشخاص تحصیل کرده صرفاً داشتن دیپلم را موجب مزایا

و فضائلی برای خود شمرده سندتحصیلی را برای یافتن کار ومقام ومنصب کافی میدانند حتی سبب خود پسندی آنها شده تحصیل کرده ها ازتوده مردم کناره میگیرند وخودرا اهل نظر دانسته ازطبقه کار گر جدا و بالاترمی پندارند .

در کار های اجتماعی مدرسه چون محصلین رشته های مختلف اعم از کسانیکه برای صنعت وپیشه وری آماده میشوند یا آنهائیکه مستغرق درعلوم وادبیات هستند همکاری میکنند دوستی و محبت بین همگی ایجاد گشته ارزش مهارت بدنی و کاروعمل آنطور که لازم است برهمه کس معلوم میشود واین خود ملت را از خطر نفاق ودسته بندی رهائی میبخشد میان اهل گفتار و کردار برخلاف امروز همدستی بر قرارمی کند و شاگردمیفهمد که علم تادر عمل بکار نیاید ودر خدمت اجتماع موثر نباشد بی حاصل است .

سطح اخلاق اجتماعی را بالا میبرد

در مدرسه ایکه ازفعالیتهای دسته جمعی اثری نیست و هر یك از شاگردان ومعلمین بخیال خود و برای خود زندگی میکنند . رابطه صمیمانه وعلاقه حقیقی میان شاگردان و کارمندان آموزشگاه ایجاد نمیشود ونمیتوانند در باره ترقی دادن سازمانیکه بهمگی آنها تعلق دارد اشتراك مساعی بکنند . انجمنها و بازیهای اجتماعی تمام اعضای مدرسه را اعم از معلم یاشاگرد بیکدیگر نزدیك میکنند و روابط نیکو بین آنها برقرار

میسازد معلمین بشاگردان خود نزدیك میشوند و شاگردان صمیمانه معلمین را رهبر ومشوق وعضو سازمان خودشان میدانند . این برداشته شدن فاصله هرگونه اختلاف و نفاقی را بزودی مرتفع میکند و بجای اینکه هرکس ازمحسنات عمل خود لاف بزند وخطای سایرین را از روی خود پسندی بزرك کند بجای « من » « ما » میگوید وسخن از دسته و جمعیت بمیان‌میاورد ورسیدن بهدفهای اخلاقی وتربیتی راآسان میکند . اساساً درس اخلاق که مادر برنامه گذاشته ایم ومهر وشادی و برد باری رامیخواهیم درساعت معین و زبانی تدریس کنیم هیچ حاصلی ندارد بهترین طرز تهذیب اخلاق آنستکه شخص به نتیجه اعمال خود فکر کند وعملا رشته هائیکه افراد اجتماع را پیوسته بیابد و احساس کند که سعادت او با خوشبختی دیگران و حفظ‌حقوقش با برقراری عدالت اجتماعی میسر است .

اینك فواید مهم کارهای اجتماعی در این مثال خلاصه میشود .

فرض میکنیم‌یکی ازشاگردهاچندی بانك دار یاخزانه دارانجمن خودش میشود . این شخص‌در ضمن انجام این عمل لذت بخش درس ریاضی‌راتمرین‌میکند ، بدقایق انضباط‌ونظم آشنامیشودفوایددرستکاری وخوش حسابی وسروقت حاضر شدن را میفهمد نتایج غفلت از وظیفه را بچشم میبیند . بهمکاری با رفقا در انجام یك هدف مشترك وبتعاون وهمبستگی عادت‌میکند ، از میزان‌لیاقت وقدرت‌خود درانجام مسئولیت

باخبر میشود ؛ تجربه میکند و پند میگیرد ونتایج آنها را بکار می بندد بعلاوه بایکی از مشاغل آشنامی‌شود و استعداد خودش را در آن کار میسنجد تمام آنچه گفتیم‌در پرورش شخصیت او اثرات نیکو می‌بخشد ودرس اخلاق میگیرد .

اولین مرتبه که‌یکدسته از دختران دانشسرا که من مدیـر آن بودم بیك کـار اجتماعی پرداختند وخود را برای دادن یك‌نمایش در سالن اجتماعات حاضر کردند عدم بصیرت و بی‌تجربگی آنها بقدری زیاد بود که تصور نمیرفت‌باین زودیها رفع آن بشود . کارها در کمال بی نظمی و آشفتگی بود . هیچکس‌مسئولیت‌خود را نمیدانست . دوندگی زیاد شد انرژیهای بسیاری بهدر رفت . در پشت پرده شلوغی و معطلی بی اندازه پیدا شد . حتی روزهای بعد دریافتند که‌مقداری ازاشیائیکه بعاریه گرفته اند چون بموقع جمع آوری وتحویل صاحبانشان‌نشده از بین رفته وخرابشده است وناچارند خسارت آنرا بدهند اما برای دفعه بعد همان شاگرد ها دور هم جمع شدند نواقص کار خودشانرا شرح دادند بادقت بتقسم کارها وانتظام امور پرداختند . نخست وظیفه هرکس‌را مطابق‌با لیاقت او معین کردند برای جبران خسارات گذشته بلیطهای ارزان جهت نمایش فروختند . مرتبه دوم بقـدری کار ها پیشرفت کرده بود که گوئی سالها است درآن تمرین کرده اند بیخود نیست‌که آموزشگاههای پیشرو امروز دیگر کارهای اجتماعی را بنام

سابق بعضی عملیات فوق برنامه یا خارج برنامه نمیخوانند و معتقدند ـ بمناسبت جایگاه رفیعی که در تربیت دارد اگر آن را اصل برنامه و ماحصل برنامه بگویند اولی تر است . حتی بعضی از دانشمندان علم تربیت در باره آن غلو کرده تعلیم و تربیت را منحصراً از طریق فعالیتهای دسته جمعی ممکن میدانند و بس . در کشور ما که اصلا توجهی باین موضوع نداریم فعلا سزاوار است میانه روی را شیوه مدارس خودمان قرار بدهیم .

« شرایط اصلی کارهای اجتماعی »

برای اینکه برنامه کار های اجتماعی ثمرات نیکو بار بیاورد و نتایجی که گفتیم از آن حاصل شود رعایت این چند نکته بایستی اساس اجرای آن را تشکیل بدهد .

۱ - بوسیله کارهای اجتماعی شاگردان خود را رکن مهم سازمان مـدرسه بـدانند ، حقوق و احتراماتی برای خویش احساس بکنند . هر نوع مسئولیت و تکلیفی که بآن ها تعلق می گیرد با رضای خاطـر تقبل کنند .

۲ - برنامه کارهای اجتماعی بدست خود شاگرد ها و با میل و رضای آنها تنظیم شود . ابداً ماده یا موضوع تحمیلی در آن نگنجانند تا همواره شاگردان با شوق وجدیت درانجام آن بکوشند .

۳ - این عملیات بمنظور تظاهر و سر و صدا راه انـداختن در خارج و خوش آمد مقامات یا اشخاص مخصوص نباشد . در صورتی کـه

شاگرد ها میل داشته باشند البته در روزهای جشن از والدین خود ویا مهمانهای مدرسه پذیرائی میکنند ولی این قبیل نظریات نبایدمقصداصلی کارهای اجتماعی شناخته شود .

٤ - برنامه کار های اجتماعی درساعات رسمی مدرسه اجرابشود زیرا با این عمل اهمیت آن محرز میگردد ، بعلاوه تمام شاگـرد هـا فرصت حضور یافتن پیدا میکنند و حـال آنکه در غیر ساعت مـدرسه ممکن است بعضی از آنها مشاغلی داشته ناگزیر از غیبت باشند . البته به دلخواه خودشان میتوانند بعضی ازفعالیتهای دسته جمعی را پس از تعطیل کلاسها انجام بدهند .

۵ - تمام شاگرد ها لامحاله در یکی از این کار ها شرکت کنند اگر احیاناً کسانی یافت شدند که شوق و نشاط برای هیچیك از آنها نشان ندادند معلم راهنما دربارهٔ آنها رسیدگی کند تا فعالیت مـورد علاقه خود را پیدا کنند و بسر ذوق بیایند . مبادا در این باره زور و اجبار بکار برود و معنی حقیقی خود را که آزادی عمل است از دست بدهد فقط هردسته وانجمن بطوری رهبری بشوندکه یکایك اعضای آن مسئولیتی قبول کرده وکاری انجام بدهند .

اگر چند نفر تمام امور را بچرخانند و محل ابراز وجود برای سایرین باقی نگذارندکار صحیحی نیست .

٦ - در هرقسمت وجود لیدر های توانا وموثر سودمند است ولی

قابلیت این اشخاص در این است که بتوانند همگی را تشویق کرده مشغول نگاه دارند نه اینکه خودشان تمام کارهارا انجام بدهند وسایرین را هیچ بشمارند .

۷ - استثنا گذاشتن در کار های اجتماعی رخنه نکند . مثلا اشخاص غنی یا خوشگل یا با هوش زیاده از حد خود نمائی نداشته و بعضی از کار ها را درانحصار خودشان قرارندهند .

تمام کسانیکه در این انجمنها شرکت میکنند بتوانند بقدر قوه پیش بروند وبنوبه خود عرض وجود نمایند .

۸ - هر انجمن یا دسته بوسیلهٔ یکی از معلمین مدرسه رهبری بشود و این وظیفه جزو کار مرتب و رسمی او بشمار میاید . رهبر انجمن تمام امور رابا دقت زیر نظربگیرد وبدون اینکه مزاحم شاگرد ها باشد آنها راهنمائی بکند و اندرز بدهد ولی امر نکند وروزنگوید تا جائیکه هدف آموزشگاه اجازه می‌دهد آزادی عمل واستقلال کامل کارکنان آنرا مراعات کند .

۹ - هر انجمن ودسته وباشگاه با مطالعه تأسیس بشود بامراقبت کم‌کم رشد کند ولی هرگز اجازه ندهد که بجزئی پیش آمدی یك انجمن منحل شده از بین برود و پشت کار و جدیت اعضای آن را لطمه بزند .

۱۰ - خرج و دخل هرانجمن درست‌اداره‌بشود وحسابش منظم

باشد . ممکن است هزینه آن را مدرسه بپردازد یا کمك خرج بدهد ویا بکلی بوسیله شاگرد ها وجوه آن جمع آوری گردد ، در هرحال از حیف و میل جلوگیری بشود و تمام اعضای انجمن ازجزئیات مخارج مطلع باشند .

این انجمنها که نمونه ای از اجتماع حقیقی ملی بشمارمیآیندباید از هرگونه فساد و جوریکه باعث بروز اختلافات میشود برکنار بماند. نکات و دقایقی که برای بهبودی جامعه موثر است رعایت گرددتا این که شاگرد ها برای کار کردن و موفقیت یافتن در اجتماع آماده شوند .

« شورای دانش آموزان »

پیش ازاینکه درباره انجمن‌های مختلف مدرسه صحبت کنیم در باره شورای دانش آموزان توضیحاتی می‌دهیم .

برای اینکه ارتباط معنوی بین شاگردان و انجمنهای آفان با سازمان مدرسه ایجاد شود حس معاضدت را در برقراری انتظامات بر - انگیزد جوانانیکه برای یك کشور دمکراسی تربیت میشوند علاقمند بامور اجتماعی بشوند ومحیط مدرسه محل زندگی طبیعی آنها جلوه‌گر گردد ، درتمام‌مدارس‌مترقی‌شورای‌دانش آموزان را بهترین‌وسیلهٔ‌رسیدن بمقاصد فوق می‌دانند .

دراین شورا که نمایندگان دانش آموزان شرکت میکنندبسیاری

از امور راجع بمدرسه اعم از انتظامات و پیشرفت دروس وضع قوانین ومقررات ضروری و کار های اجتماعی شاگردان مورد بحث واقع می گردد و تصمیماتی درباره آن اتخاذ شده بموقع اجرا گذارده میشود. منافعی که از شورای دانش آموزان متوجه آموزشگاه میشود میتوان بدوقسمت کرد:

۱ - سودی که مستقیماً بخود شاگردان عاید میشود.

۲ - آنهائیکه سبب تسهیل کارمربیان است.

شورای دانش آموزان مساعی شاگرد ها را بکار های سودمند تمرکز می‌دهد واطفال را بحکومت برخود و تسلط برنفس عادت می دهد. احترام قوانین را در نظر آن‌ها میافزاید. می‌دانیم که درمدارس ما شاگرد ها غالباً اداره آموزشگاه را مورد عیب جوئی قرار می دهند واز پاره‌ای مراسم وقوانین آن شکوه و شکایت می کنند دراین انتقادات اگرچه بسیاری اوقات حق با آن ها است ولی گاهی نیز باصطلاح تنها بقاضی میروند و راضی بر میگردند حال اگر خودشان در این قانون گذاری شریك باشند و علت آن‌ها را بفهمند و بامشکلات مدرسه‌تماس بگیرند رفع بعضی از عیب جوئی ها شده اهمیت قوانین برآنها مکشوف میگرددوخودرا مکلف برعایت آن مقررات می‌دانند بعلاوه محتمل‌است کار های اجتماعی مدرسه خط مشی خود را از برنامه جدا نموده ازاین راه اولیاء مدرسه را دچار نگرانی بکند اما وقتی که شورای دانش

آموزان بواسطهٔ برقرار کردن روابط صحیح میان آموزشگاه وشاگردان باشد جای نگرانی باقی امیماند .

اگرچه تعداد شاگردان سرکش وآن هائیکه همواره علم طغیان برضد مدرسه بلند می کنند و آشوب برپا می‌دارند زیاد نیست ولی بی-شبهه این چند نفر از طرف عده کثیری تشویق و تقویت میشوندو بهمین جهت است که می‌توانند عملیات خود را مخفی نگاه دارند . درحالیکه اعضای شورا بر گزیدگان شاگردان هستند و خود را واضع و نگهبان مقررات می داند این گونه افکار و عملیات کمتر صورت عمل بخـود میگیرد .

در تشکیل شورای دانش آموزان این نکته قابل توجه است : همان طور که حکومت دمکراسی باهستگی رشد میکند وپیشرفت آن موکول بتربیت اکثریت مردم برای احراز این مقام است آموزشگاههم میبایستی شوراوسازمان های شاگردان را با نرمی وملایمت ترقی بدهد تا عادی شاگردان نشده است تند روی نکند وانتظار آن را نداشته‌باشد که از چنین تشکیلاتی بسرعت نتایج کلی حاصل کنند . در بدو امراگر بعضی پیش آمد ها و اتفاقات موافق دلخواه اولیای مدرسه نباشد نباید مایوس‌شده تشکیلات‌رابهم بزنند . مراقبت وکاردانی‌وثبات موجب کامیابی درهر کار است .

مدیر آموزشگاه حق وتو دارد

آموزشگاه نمیتواند و نباید با تشکیل شورای دانش آموزان و شرکت دادن اطفال یا جوانان درامور مدرسه سلب مسئولیت ازخودش بکند و کار ها را یك باره درکف آنها بگذارد زیرا اطفال هنوز بسن رشد نرسیده اند و تخصص دراداره یك سازمان تربیتی ندارند بنابراین مسئول مستقیم امور شناخته نمیشوند پس حق وتو یعنی متوقف کردن یك تصمیم نهائی در باره امورمدرسه برای مدیر باقی میماند و هروقت رأی شورا مخالف وظیفه ومسئولیت او ومقررات تربیتی بود متوقف داشتن آنرا تقاضا میکند. اما مدیر با تدبیر کسی است که هرگز این حق خود را بنام یك فرمانفرمای بی بند و بار و یك دیکتاتور مقتدر بکار نبرد وبا اقامه دلائل قانع کننده وروشن ازشورا تجدیدنظر درباره آن راخواستار شود .مدیر بشخصیت شاگردان احترام میگذارد وبمقام شورا خلل وارد نمیاورد .

چون در شورای دانش آموزان نماینده معلمین هم حضور دارد البته ترتیبی میدهد که شاگرد ها کمتر با این مخالفت مدیر روبرو بشوند و رأی خود را پس بگیرند و درحقیقت خود را مغلوب بهبینند .

اعضای شورا نماینده شاگردان هستند

اگر مدیر مدرسه خود عده‌ای ازشاگردان لایق را برای عضویت شورا انتخاب کند یا نظر دبیران را در این باره ملاك قرار بدهد شاید

بهتر ازخود شاگرد ها دربر گزیدن نمایندگان مهارت داشته باشد ولی باین ترتیب مقصود حقیقی تربیتی بعمل نیامـده است . گفتم منظور از تشکیل شورا این است که شاگـردان احساس کنند بوسیله نمایندگان خود در تمام تصمیمات مدرسه دخالت دارند . بشرطی این تصور مقرون بحقیقت میشود که باکمال آزادی در باره نمایندگان خود رأی بدهند و هر کس اکثریت را برد باین سمت بشناسند . گذشته از آن اداره مدرسه از تشکیل شورا تنها این منظور را ندارد که حق انتخاب کردن بشاگردان بدهد بلکه میل دارد شرایط ومسئولیت اینکار راهم بآنها بیاموزد . ولی اگر معلمین راهنما قبلا رعایت نکات انتخاب کردن و شرائط نماینده لایق را گوشزد آنها بکنند ابداً باآزادی انتخابات مباینتی ندارد . انتخابات ممکن است بوسیله تمام شاگردان مدرسه یا هر کلاس یا هر باشگاه و انجمن انجام بگیرد ولی بهتر از همه انتخاباتی است کـه بوسیله تمام مدرسه یا کلاس‌ها صورت بپذیرد .

چون اگر دسته های تخصصی دست در کار انتخابات باشند غالباً لیدر ها اشخاصی هستند که سرآمد آن صنعت و هنر بشمار میایند مثلا قهرمان بازیهای ورزشی یا موسیقی و نقاشی یا بهترین شاگرد ادبیات هستند و معلوم نیست در چنین کسانی شرایط نمایندگی شورا وجـود داشته باشد . بهتر این است که نمایندگان ازنظر لیاقت نمایندگی انتخاب بشوند نه مزیت داشتن دررشته‌های تحصیلی .

شورا از نمایندگان شاگردان و معلمین
هردو تشکیل میشود

مدرسه تنها جای شاگرد نیست مربیان و کارمندان آموزشگاه خود در امور آن جا ذینفع و ذیعلاقه میباشند پس ناگزیر بایستی یك یادو نفر نماینده‌ازطرف معلمین در آنجا عضویت داشته‌باشند و بهمین‌علت نمایندگی آن ها صورت قانونی دارد و مانند سایر نمایندگان حق هرگونه اظهار عقیده و رای به آنها تعلق می گیرد. از آنجائیکه شورا ازنمایندگان شاگردها ومعلمین تشکیل میشودهرگاه آنراشورای آموزشگاه بنامیم شایسته است.

شورا قدرت مجریه لازم دارد

اگر کار شوراتنها حرف زدنو قانون گذاری باشد و دخالتی در اجرای مقررات نکند وجودش بیفایده است. شورا باید مقصد و هدف روشن داشته باشد حدود تکالیفش معین و مسئولیتش محرز گردد. این حدود و وظائف را مدرسه تعیین کرده بشورا تفویض میکند ولی چیزی که نباید فراموش بشود اهمیت رای شورا است که در حدود اختیاراتش در نظر شاگرد و معلم باید محترم و قابل اجرا بشمار بیاید.

هیچکس‌تصورنکند شورا بازیچه یا اسم بی مسمی است یا اینکه برای امور ناچیزو دلخوشی شاگرد ها بوجود آمده است همچنین

خیال نکنند اداره مدرسه برای اجرای مقرراتی که از تحمیل آن بر شاگرد ها عاجز است بتمهید این مقدمه پرداخته‌است . منظور از شورا در برابر تمام مدرسه باید تهیه یك محیط دمکراسی برای تربیت نسل جوان کشور باشد .

انتخابات

هر عیب و نقصی که در ملتی پدیدار میگردد باید بدست مربیان باکفایت آموزشگاه بر طرف شود . اوضاع مغشوش انتخابات مجلس شورایملی، دخالتهای نابجاو اعمال‌نفوذهای یك‌عده متنفذ ، نظرهای ناصواب در باره تعیین نامزد های نمایندگی ، زدو خورد ها و مبارزات بی‌رویه ثابت میکنند که تاچه حد ما بتربیت جوانانی‌احتیاج داریم که رشدکافی و مهارت در انتخاب شدن وانتخاب کردن که وظیفه هر فرد ایرانی‌است داشته باشند . برگزیدن لیدرو نماینده‌از کار های حیاتی افراد یك ملت است باید در طفلی و جوانی برای مبارزه در این راه ورزیده و مهیا بشوند درانتخابات مدرسه باطفال‌حق‌بدهند تا آزادانه در اطراف نامزد های خود شور بکنند ، صفات‌لازم یك‌نماینده‌را معین کرده کسی راکه دارای آن ملکات باشد جستجو کنند . معرفی نامزد ها . نوشتن‌اسامی آنها . دادن اعلامیه و گرفتن رای مخفی هر کدام را میل دارند بهر صورت که میتوانند واراده کرده‌انداجرا بکنند . اغراض شخصی راکنار بگذارند متانت و سنگینی بخرج بدهند . بآرامی و نظم رفتار کنند .

وقتیکه انتخابات بآزادی انجام شد نمایندگان اکثریت راهمگی قبول بکنندو رای آنهارادرمدت نمایندگی قاطع بشمارندو آن هارامساعدت وتقویت بکنند.

انتخاب منشی و خزانه دار

اگر انتخاب منشیها و خزانه دار بعد از انتخاب عمومی از میان نمایندگان منتخبه بعمل بیاید بهتر است . زیرا در اینموقع کسانیکه برای کارهای اختصاصی لیاقت دارند قبول مسؤلیت میکنند در صورتیکه اگر انتخاب بوسیله تمام شاگرد ها باشد شاید تنها حسن شهرت وصفات عمومی آن هارا در نظر بگیرندومهارت فنی را قابل ملاحظه قرارندهند .

تقسیم اعضای شورا بکمیسیونهای مختلف

چون انجمنها و دسته هائیکه برای کار های اجتماعی تشکیل می شوند بایستی زیر نظر و مسئولیت شورا باشند پس شورا هریك تن از اعضای باکفایت خود رابرای کمسیونهای مختلف وکارهای آزاد شاگردان انتخاب میکند و این شخص اعضای دیگریکه لازم دارد از میان شاگردهائیکه برای این نوع فعالیت داوطلبند انتخاب میکند یکتن معلم مشاور هم از طرف مدرسه برای هر کمیسیون معین شده بمعیت شاگردان برنامه خود را ترتیب میدهند این کمیسیونها یا انجمنهائیکه از اعضای کشورها منشعب میشوند همان انجمنهای متنوع مدرسه هستند که فعالیتهای اجتماعی یا عملیات واحتیاجات شاگردان را اداره میکنند. برای تعیین نوع وتعداد انجمنها اوضاع اجتماعی و احتیاجات شاگرد ها رادر نظر می گیرند و تقریباً انجمنها از این قرار خواهند بود :

انجمن نمایش وموسیقی ۰ هنرهای زیباو صنایع . شعروادبیات ، بازیها و مسابقه های ورزشی ۰ نشریات دیواری یا مجله ۰ حمایت

شاگردان . کتابخانه و موزه تفنن و تفریح . خانه داری . بهداشت عمومی . مواظبت باغچه و نباتات مدرسه همکاری با ناظم و معلمین مدرسه .

هر گونه انجمن دیگری که احتیاجات و پیش آمد ها و یا میل شاگرد ها ضرورت آنرا ایجاب کند پس از بحث در شورا و در نظر گرفتن شرایط ومقررات لازم تاسیس میشود .

شورا برای تاسیس هر انجمن تازه از خود میپرسد . مقصود و منفعت آن چیست؟ با مقررات مدرسه سازش دارد ؟آیا طرف میل و توجه شاگرد هاهست ؟ با کار سایر انجمنها مباینت ندارد ؟ چه عده شاگرد درآن شرکت خواهند کرد ؟ آیا رهبر ولیدر برای این منظور یافت میشود؟

بازی و تفریح

ماهر کار نابخردانه را بتحقیر بازی مینامیم و هرچیز بیهوده را بازیچه می‌دانیم زیرا بمفهوم حقیقی بازی و تفریح و تفنن پی نبرده‌ایم و اهمیت فراوانیکه در زندگی بچه‌ها و جوانان و بزرگسالان دارد نمیدانیم .

یکی از قویترین خواهش های نفسانی طفل و جوان بازی است بچه حیوان علاقه وافری بآن دارد بمحض اینکه توانائی بدنی پیدا کرد بجست وخیز و حرکاتی میپردازد که غیر از ارضاء خواهش نفسانی و

جلب لذت آنی مقصدی ندارد ولی در همان حال بی‌اراده عملیاتی راکه برای آینده او لازم و با فایده است تمرین میکند و بجهت زندگی آماده میشود. مثلا بچه گربه در حین بازی گاهی در کمین نشسته پنهانی بطرف منگوله میز حمله میکند. بدنبال گربه دیگردویده اورا گاز میگیرد. از درخت بالا رفته و پائین میجهد. جز تفریح و خوش آمد خود محرکی ندارد. اما بعدها همینکه مادر دست از تغذیه و حمایت کردن او کشید شکار وتهیه غذا و حفظ حیات و ادامه زندگی بعهده خود او افتاد، جز بوسیله آزحرکات زندگی برایش محال است. کودك انسانهم عینامثل بچه گربه یا هر حیوان دیگر صرفا بخاطر خوشی و تفریح خود بازی میکند حال آنکه از همان راه اعصاب و عضلاتش تقویت شده حواسش بکار افتاده بخواص اشیاء پی میبرد. با دنیای نا مانوس خارج انس و آشنائی پیدا میکند. در تمام دوره کودکستان و نخستین سال دبستان جز استفاده ار بازیهای اطفال برای تربیت حواس واستعداد های نارس آنها درس دیگری مورد ندارد.

بوسیله بازیهای مناسب است که در تمام دوره های دبستان و دبیرستان میتوان با بهترین شکلی هدف های تربیتی را بموقع اجراء گذاشت و ثمرات نیکو از آنها برداشت.

می گویم و باثبات میرسانم که آموزشگاههای ما بزرگترین ضربه را بر پیکر پرلیاقت ایرانی وارد ساخته و او را ضعیف و ناتوان کرده‌است

زیرا در مدتی که رشد بدنی وروحی با منتهی درجه سرعت خود جلو میرود آن ها را درپشت میز های خشك و جامد آلت بلا اراده ساخته با تحمیل برنامه سنگین روح آن ها را خسته واز بازیهای متداول بچگی که در قدیم معمول بود و نیروی ابتکار و مهارت بدنی آن هارا اداره میکرد محروم داشته است دختر بچه های ما وقت زیادی را صرف عروسك بازی می کردند و از این طریق خیاطی و خانه داری و آداب معاشرت یاد می گرفتند. عروسك ولباس و جهیز ولوازم یك خانواده بادستهای این هنرمندان خردسال با کمال ظرافت وسلیقه تهیه میشد. اغلب طوری قدرت ابتکار بخرج می دادند که مادرهای خود را بشگفتی میانداختند. برای عروسکهای خود مهمانی ترتیب میدادند. از قول آن ها تعارفات و رسوم و آداب اجتماعی را بجا می آوردند. پسرها بادبادك و فرفره و اشیاء گلی و باغ و فواره واقسام اشیاء مفید و زیبا تتبع کرده مهارت صنعتی بروزمیدادند: متجاوز ازبیست سال قبل بچه ها بوسیله بادبادك وبالن که خودشان میساختند تا درجه بالابردن سك توله بآسمان ذوق وابتکارنشان دادند. فشفشه و اسباب‌های آتش بازی گوناگون میساختند اشیاء چوبی از قبیل مبل و میز وگهواره درست میکردند و نقوش‌زیبا در آن‌ها بکارمیبردندمدرسه های امروزبجای اینکه لوازم کارزیادتری دردسترس اطفال بگذارندوقوه متفکره وچابکی بدنی آن‌هارا تمرین بدهد

این فرصت ذیقیمت را هم از بچه ها گرفته و اگر انصاف بدهیم بجای آن هیچ چیز با ارزش بانها نداده اند

آیا تنها تعلیم خواندن و نوشتن که آنهم بیشتر صرف مطالعه نوشته‌هائی میشود که بفساد اخلاق کومك میکنید برای خردمند کردن اطفال ما کافی است؟ چه مانع دارد اگر بجای اینکه آنهارا درزیرزمینهای مرطوب و تاریك حبس کنید درصحن حیاط یااطاق وسیعی بگذارید تا فرصت بازی و تفریح داشته باشند و آداب ورسوم اجتماعی ومعاشرت را بیاموزند. ذوق و علاقه و مجاهده نشان بدهند. بآرزوهای خود برسند. شخصیت آنها ساخته بشود. از خستگی دچار امراض عصبی و اختلالات روحی نگردند. غرائز گرانبهائی که فقط خواندن و نوشتن آنها را ارضا نمیکند بکار بیاندازند. ساختمان بدنی آنها تشکیل بشود. قوای جسمی راتمرین کنند. اراده آنها قوی بشود بی شبهه در این گیرودار زندگی عروسك پنبه‌ای و آدمك مقوائی که فقط سر راتکان داده حرف بزند بدردنمیخورد.

در اجتماعات مدرسه است که اطفال و جوانان وقار و ادب پیدا میکنند. طرز ورود به جمعیت و برخورد با خودی و بیگانه رایادمیگیرند در مقابل جزئی پیش آمدی بزودی دست و پای خود را گم نمیکنند وتوانائی ابراز وجود از آنها سلب نمی‌شود. پس از پانزده‌سال تحصیل هنوز دختر ها و پسر های دانشگاه (اگر در خانواده خود معاشرت نداشته باشند) طرز برخورد وتعارف ورعایت نوبت و نظافت و نزاکت

رانمیدانند وبجای اینکه نیروی اخلاقی بر آنها حکومت کند با سلطه ومقررات شدید آنهارا اداره میکنند. عدهٔ ازاین دانشجویان بمعلمی دبیرستانها برگزیده‌میشوند در حالیکه از همان ساعت اول مورد ایراد اطفالیکه بنکات‌زندگی واقفند واقع گشته باصطلاح هو میشوند حال اگر این جوانان از ما باز خواست بکنند وبگویندما چند سال‌از عمرخودمان را باختیار شما گذاشتیم تا راه موفقیت در اجتماع را بما یاد بدهید وشما آنرابکلی ضایع وبیمصرف گذاشتید چه جواب خواهیم داد؟

بازیها سبب ایجاد آشنائی میان شاگردها می‌شود. اشخاصیکه در بچگی با هم بازی کـرده اند انس وعلاقه ای بیکدیگر دارندکه‌در بزرگی دوستی پایه دار و صمیمی میان آنها بر قرار میسازد و پیشرفت منویات آنها را آسان می کند بطور خلاصه بایـد گفت رهبری بازی وتفریح‌اطفال وجوانان‌ازوظایف‌مهم‌تعلیم‌وتربیت‌است. شورای آموزشگاه بایستی‌زمینه تفریحات سالم را برای‌نسل‌جوان آماده سازدونگذارد هر روزعصر بلافاصله پس از ختم ساعات درس سالنها وباغچه باصفا وزمین ورزش مدرسه درسکوت مطلق فرو رفته بیمصرف‌بماندوازطرفی اطفال سر گرمی‌های خودرا در مجامع فاسد ومحلهای کثیف جستجو بکنند وسجاف خیابانها شده بعابرین متلك بگویند یا فورا بخانه های محقر و دلتنك خود برگردند. اکنون اطفال ما مدرسه را جای زحمت و رنج کشیدن میدانند نه‌تفریح وبازی کردن گناه انتشار این فکر مساویست

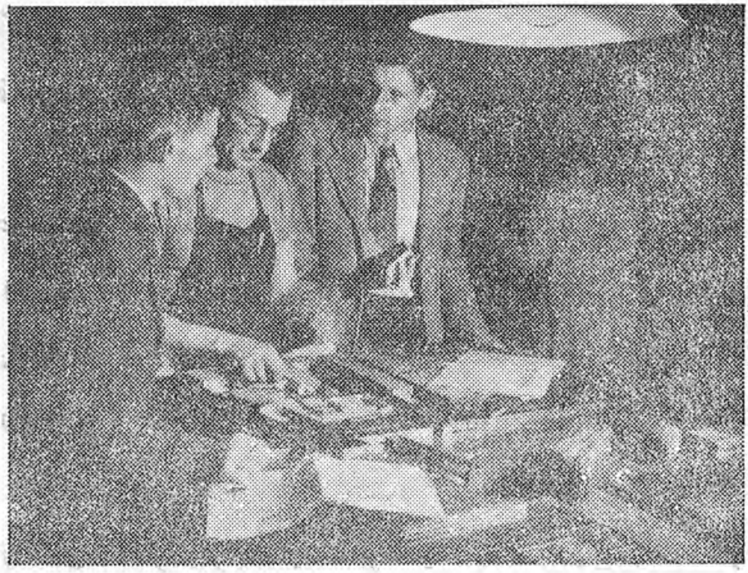
با تمام مضار و مفاسد اخلاقی که دربین جوانان رواج دارد .

انتشارات مدرسه

وقتی که میخواهیم آموزشگاه نمونه اجتماع باشد لازم است در آن روح مشترك و مقاصـد مشترك موجـود بوده دانش آموزان از افکار یکدیگر مستحضر گشته پشتیبان اصلاحات اجتماعی باشند

روزنامه هفتگی یا مجله ماهیانه وسالنامه درایجاد هدفهای مشترك خدمتی بسزا میکند و موجبات آشنائی وهمبستگی اعضای این جمعیت را فراهم میآورد . فایده دیگری که دارد کومکی است که برشد و بروز استعداد های دانش آمـوزان میکند و آنهارا بتهیه مقالات ادبـی وداستانها وترجمه هاو آگهی ها و انتقادات بجا ونقاشی‌ها وتصویر سازی و عکاسی و تهیه اخبار مختلف تشویق میکند و میل و علاقه هریك را در کاری که طرف توجه اوست براه میاندازد . و در پیشرفت منظور اصلی آموزشگاه خدمت موثری انجام میدهد .

در کودکستان ها و دبستانها میتوانند روزنامه را با دست نـوشته ونقاشی کـرده بدیوار نصب کنند ولی برای دبیرستان ها بهتر است که آن راچاپ وتوزیع کنند زیرا طرز انتشار و فروش و چاپ و غلط گیری وکارهای اداری آن هر کدام برای‌دسته‌ای از دانش آموزان که‌دررشته های مختلف کار آموزی مشغولند سودمند واقـع میگردد .



دانش آموزان درچاپخانه بمراقبت چاپ روزنامه مدرسه مشغولند .
دردبیرستانهای ممالك متحده امریکا روزنامه ها بطور مختلف شامل از یك
تاهشت صفحه هستند

بعلاوه معنی نشریات سودمندرا می‌فهمند. اداره‌روزنامه بمسئولیت یکی از اعضای شورای دانش آموزان مانند سایر انجمنهادایر میگردد وهمان طور بارهبری یکی از معلمین وشرکت دانش آموزان پیشرفت می کند هر قدر کارمندان روزنامه بتوانند افکار عده بیشتری از شاگران رابه نشریه خود جلب کنند،دلیل برمهارت وکاردانی آنها است .

مسابقه‌های ورزشی

تربیت‌بدنی‌قدیمی‌ترین قسمت تعلیم وتربیت دنیا است . زیرا بشر پیش ازاینکه‌بتوسعه وتربیت‌فکری‌توجه‌کند نیروی بدنی‌را اهمیت‌میداد دویدن شکارکردن کشتی گرفتن را از کارهای مهم اجتماعی میدانست این‌عملیات بخصوص در ایران و اسپارت و رم رونقی بسزا داشت و زور مندی اساس‌پیروزی درجنگها بشمار میآمد . در این کشور زورخانه های زیاد درقدیم ساخته میشد مردم قسمت مهمی‌ازوقت‌تفریح را دراین محلهای عمومی یاخصوصی بخوشی میگذراندندوعلاوه برتقویت بـدن تهذیب‌اخلاق وتقویت صفات راستی وشجاعت وجوانمردی از هدفهای این‌سازمانهای ملی بود تاموقعی که‌خیانتکاران بمنظور تضعیف جسم‌و جان ایرانیان وازبین بردن اراده وغرور ملی‌ومزایای‌اخلاقی آنان تریاك کشیدن را ترویج کردند وکوشیدند تا اندك اندك زورخانه ها جای خود را بشیره کش خانه ها تعویض کرد وچنین شد که می بینید .

عملیات ورزشی و پهلوانی فواید تربیتی فراوان دارند. بازیکنان هرتیم برای مظفریت دسته خود کوشش میکنند. هر دسته برنده جام پیروزی‌را باعث افتخار خود می‌داند این بازی ها حس انتظام ومسئولیت را تقویت میکنند میان فکر وتصمیم و عمل رابطه نزدیك بر قرار می - سازد. صداقت و درستی که مستلزم رعایت قواعد بـازی است رواج می‌دهد خلاصه اینکه اسپرت من های تربیت شده منش و شخصیتی‌پیدا میکنند که اجتماع بداشتن آن اعضای شایسته مباهات مینماید و از وجودشان بهره مند میگردد. بر آموزشگاهها فرض است کـه عملیات ورزشی را میان دخترها و پسر ها ترویج بکنند وهر دولت دلسوزباید بکوشد تا اینگونه بازیها را از تفریحات عمومی کشور قرار بدهد وتوده مردم‌رابآن‌ها متمایل‌بسازد.

باشگاههای علمی ..

در میان جوانان کسانی هستند که بمناسبت ذوق فطری وبدون هیچگونه قید و اجبار و چشم داشت منفعت میل دارنـد حتی اوقات تفریح و وقت گذرانی را صرف تحقیق و تتبع علمی یا هنری بکنند. برای تشویق و رهبری این عده از شاگردان باشگاههای مخصوصی‌دایر میشود که اعضای آن با همکاری یکدیگر بموفقیت های بیشتری نائل گردند. ممکن است هر یك از این باشگاهها در یکی ازمدارس شهر تمرکز یابد وشاگردان سایر دبیرستان ها در آن عضویت یافته حاصل



شاگردان یك کلاس دبیرستان برای پیشرفت کارهای اجتماعی و تحصیلی خود مشغول تبادل نظر و مشورت هستند

مطالعات و جمع آوری های خود را بآن جا واگذار کنند وبنوبه خود از سایرین استفاده کنند این باشگاهها عبارتند از باشگاه ادبیات . هنر بحث و مناظره . عکاسی . زبان های خارجه طبیعیات و مانند آن‌ها .

دادگاه شاگردان

اگر مرام و مقصود مربیان بار آوردن افرادی باشدکه بتوانند خود را مسئول‌وجدان‌دانسته در مقابل اجتماعی که حیات آن‌ها و آزادی و سعادت آن ها را تأمین میکند دین خویش را اداکنند سزاوار است دانش آموزانی کـه از مقررات مدرسه تخطی میکنند یا از تربیت و تحصیل که آن‌هم از وظایف ملی و اجتماعی است شانه خالی میدارنـد به دادگاه برای داوری گسیل دارند واین دادگاه بوسیله خود دانش‌آموزان تشکیل بشود تا فکر کردن . قضاوت درست داشتن . چاره جوئی و اصلاح کردن خودشان را یاد بگیرند وحتی اشکالات برقراری عدالت را بفهمند .

درآموزشگاه ملل پیش افتاده دادگاه صورت‌جدی بخودمیگیرد ولی در ایران میتوان تدابیری کرد که تا حدی شاگردان بسوی این مقاصد جلو بروند ولی با عدم آمادگی تربیتی خیلی بتدریج راه بـه پیمایند .

روزی در یکی از دبیرستان های خارجی شاگرد ها جلسه ای تشکیل داده بودند تا درباره کسانی که اطاق غذا خوری را شلوغ کرده

رعایت نظافت ونزاکت را نمیکردند تدبیری بیاندیشیدند . یکی از شاگردان پیشنهاد کرد هر هفته دو نفر بعنوان مأمور انتظامی تعیین شده مواظبت اطاق غذا خوری را برعهده بگیرند ولی‌این پیشنهاد فوری رد شد زیرا اکثریت آن ها با بازرسیها و دستور های آمرانه مخالف بودند و آن را بیفایده می دانستند . مذاکرات ادامه پیداکرد وبالاخره قرار شد آگهیهای زیبا و جالب توجه تهیه در راهروی ناهار خوری نصب شود وشاگردان برعایت پاکیزگی و نظافت ونزاکت دعوت کنند یابوسیله درج کاریکاتور ها و موضوعهای خنده دار در روزنامه مدرسه نتیجه این بیقیدی را گوشزدکنند اگر بازهم چاره نشد اوضاع واحوال اشخاص متخلف را طرف بازجوئی قرار بدهند و در صدد اصلاح آن‌ها بر آیند .

موقعیکه مدیر مدرسه بودم یکنوع مسابقه ای در آموزشگاه خود ترتیب دادم تا بتوانم کم کم مقدمات دادگاه شاگردان را فراهم بیاورم . از آنجائیکه خوشبختانه در مدت کم نتایج نیکو ازآن حاصل میشد و ذوق و استعداد جوانان ما را در این گونه امور یعنی قبول مسئولیت وانجام تکلیف مینمود لذا چگونگی آن رامینگارم و ترتیب این‌گونه مسابقه‌هارا بذوق مدیران با تدبیر میگذارم .

برای اینکه درخود کامی وحسادتیکه شاگردان معمولاً در حق یکدیگر دارند تعدیلی بدهم جهت هر کلاس دفتری ترتیب دادم تا هر

یك از معلمین در آخر ساعت درس یکنمره برای انتظام و مراقبت و یکی هم برای پیشرفت دروس بکلاس بدهند. یعنی اگر طرز کار تمام شاگردان رضایتبخش بود نمره خوب واگر بعضی بیقیدی میکنند متوسط و هرگاه بیش از نصف شاگردان پیشرفت نداشته باشند نمره بد بکلاس آن ها بدهد. درآخر هفته کلاسهائیکه نمرات خوب آن ها از دوثلث تجاوز میکند برای اخذ جایزه خودرا معرفی بکنند.

رسیدگی باین دفاتر را بعهده نماینده شاگرد ها گذاشتیم باین ترتیب توانستیم بجای اینکه پیش از این هرشاگرد تنها بفکر پیش افتادن خود بوده سود خودش را ولو بزیان سایرین فراهم میکرد آن ها را متوجه منافع همگانی نموده بخدمات اجتماعی ترغیب کنیم درنتیجه ازهر کلاس یك یا چند تن از شاگردان داوطلبانه بفکر رهبری سایرین افتادند و برای اصلاح حال و حاضر کردن دروس شاگردان کاهل و بی نظم که مانع جایزه گرفتن کلاس می شدند نهایت جدیت را مبذول می داشتند.

هفته های بعد عده ای نزد من آمده شکایت کردند که بعضی از شاگردان کلاس بهیچوجه ترك تنبلی و کاهلی را نکرده پیروی انتظامات نیستند و متوقع بودند من آن ها را ملامت کرده مجبور بترك این رویه کنم ولی من موقع را مغتنم شمردم و آن‌ها را تشویق کردم تاقدمی فراتر بگذارند وازپله دوم بالا بروند.

لذا از رهبر های کلاسها مجلس مشورتی تشکیل دادیم تا تبادل نظر کنند و بکوشند راه حلی برای این مشکل پیدا کنند. بعضی پیشنهاد کردند شاگردهای ناراحت را هر هفته نزد ناظم بخوانند که مورد بازجوئی قرار بگیرند برخی بهتر دانستند که رهبر هر کلاس با مساعدت یکی ازمعلمین علت بی علاقگی رفقای خودراجویا شود وهر گونه مساعدتیکه لازم است با مهر و ملاطفت درحق آنها مبذول بدارد. با کمال مسرت مشاهده کردم که این تدبیر اخیر روحیه تازه‌ای در آموزشگاه بوجود آورد ودرطرز فکروقضاوت اطفال تأثیر کرد.

هنگام مشورت درباره کسانیکه ازوظایف خویش قصور میکنند بسیاری از نکات تربیتی و اخلاقی مکشوف میشود حتی موجب عطف توجه جوانان نسبت بحرکات خودشان میگردد ومیفهمند که بسا اوقات با سکوت یا بی اعتنائی یا یك خنده و تبسم رضایتبخش اعمال زشت سایرین را تشویق میکنند و از اینکه عاقبت دودش بچشم خودشان میرود غفلت دارند. جلسات مشورت درباره شاگردان خطاکار ویاکاهل و ضعیف دقت و دلسوزی سایرین رابرمیانگیزد وآن‌ها را بخیرخواهی ونوع دوستی عادت می‌دهد. البته دادگاه دانش آموزان باید با نظر یکی از مربیان مجرب رهبری بشود و برای ایجاد محبت در شاگردان باشد.

« آموزشگاه در تعطیل »

ملتی که از حیث تربیت ملی از کاروان دنیا عقب مانده است برای بهبودی اوضاعش باید هر دری که ممکن باشد بگشاید وبهر وسیله میتواند تشبث کند . در مبحث راهنمائی توضیح دادم که تربیت اطفال بدون اصلاح خانواده‌ها وطلب مساعدت از آن‌ها غیر مقدوراست اگر آموزشگاههای ما رویه کنونیرا تعقیب کنند و از اتخاذ موجباتی که برای رفع اشکالات شخصی و رهبری خانواده ها است کوتاهی کنند امید بهبودی در وضع کشور بسیار ضعیف و بعید بنظر میرسد . ساعت چهار که معمولا کلاسهای آموزشگاه تعطیل میشود در مملکتیکه هیچ گوشه آن موجبات تفریح و سرگرمی سالمی برای جوانان پیدا نمیشود بایستی صحن مدارس و اطاقها و سالن‌ها با همکاری و رهبری معلمین و شورای دانش آموزان برای کار های اجتماعی وتفریحی شاگرد ها بجنب و جوش بیاید و صورت باشگاه جوانان را پیدا کرده بعملیات آزاد و ترتیب دادن مجالس موسیقی و نمایش و مانند آن اختصاص پیدا کند . همچنین عده ای از محصلین داوطلب دبیرستان زیر نظر معلمین متخصص در کلاس های اکابرتدریس کنند و نوشتن و خواندن بوالدین بیسواد شاگردان بیاموزند یا اطلاعات بهداشتی و آنچه مورد ضرورت جامعه است تعلیم بدهند و برای ترقی دادن حرفه ها ومشاغل محلی موجباتی برانگیزند . در دهات ونقاط کشاورزی افزایش محصولات

وحفظ آن‌ها وخیاطی وطباخی وخانه‌داری وتربیت فرزند رادر کلاسهای شبانه تعلیم بدهند .

هنگام تابستان یا سایر تعطیلات باید درمدرسه بروی شاگردان باز باشد وبتوانند بمیل خود در آن‌جامحیط شاد ومتناسب باسن‌خویش فراهم آورده بمشغولیتهای دسته جمعی یا فردی بپردازند . یا هر دسته بسر پرستی معلمین بجا های خوش آب و هوا و کوهستانی و محلهای دیدنی برای گردش و مزید تجربیات واطلاعات ووقت‌گذرانی مسافرت کنند . در مخارج این گردش ها کمال صرفه جوئی بشود و بکومك والدین متمول وانجمن محلی تادیه‌گردد .

این راندن اطفال‌ازمدرسه وخالی‌گذاشتن‌اطاقهاوباغچه وبیمصرف ماندن کتابخانه وآزمایشگاه درمواقع فراغت اطفال‌کارنامناسبی است. اولیاء آموزشگاه نباید ازبازنگاه داشتن آموزشگاه درتعطیل و ترتیب دادن باشگاه برای جوانان واطفال ومعلمین نگران شده تصور کنند در این صورت مرخصی آن ها از بین‌میرود . اغلب دانشکده‌ها ودبیرستانها و دبستان ها میتوانند این منظور را انجام بدهند بدون اینکه معلمین را از تعطیل خودشان محروم بدارند .

هریك از معلمین دو ماه مرخصی خود را درهر موقع سال که احتیاج دارند وتقاضا میکنند و مدرسه هم اگر اشکالی برای قبول آن ندارد موافقت میکند ومعلم دیگر در این مدت جانشین او میشود در

این صورت کسانیکه در جریان سال تحصیلی تعطیل کرده‌اند درتابستان سر پرست باشگاهها یا کلاسها میشوند .

این کار نه تحمیلی بر بودجه مدرسه میکند نه بمعلمین. حتی برای کسانیکه میل دارند غیر از ایام تابستان بعضی از نقاط کشور را دیدن کنند یا بکار های لازم شخصی برسند موجب رضایت خاطر است. بعلاوه همینکه این روش بجریان افتاد و برای شاگردان عادی شداطفال و جوانان شخصاً کلیه انتظامات و کار های اجتماعی را بعهده میگیرند و تنها یکی دو تن سرپرست برای نظارت وراهنمائی آن‌هاکافی است .

هرگز حضور شاگردان در این‌گونه مواقع نباید اجباری باشد . فقط جالب وخوش آیند بودن مشغولیتها بخودی خود سبب دلبستگی آن‌ها رافراهم بیاورد .

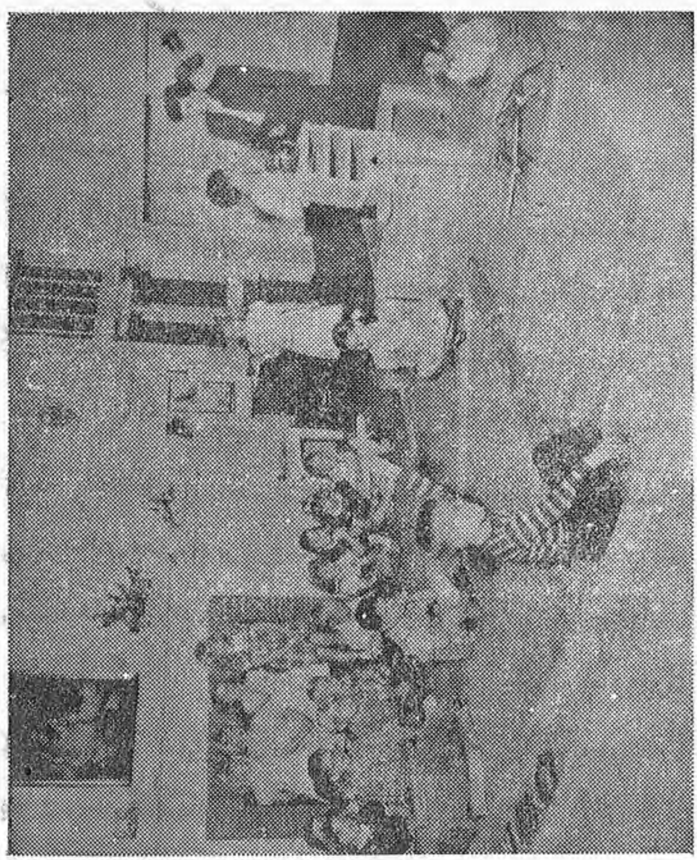
بسیاری ازتفریحات هستندکه جوانان کمال میل را بآن‌ها ابراز می‌دارند درحالیکه ازنظر تربیت هم سودمند میباشندمثل اقسام مسابقه های ورزشی ، ساختن اشیاء چوبی و مقوائی و ماشینها ، باغبانی ، جمع آوری مجموعه های‌نباتات ، پروانه‌ها ، تمبرهای پستی، مقالات وعکسها. طباخی . خیاطی و بافندگی . شاگرد ها میتوانند اشیائی برای مصرف شخصی یا فروش در مغازه هـا تهیه کنند ـ مهمانی ، کنسرت و نمایش بدهند . کتاب ومجله بخوانند . لوازم آزمایشگاه و موزه مدرسه را گرد آوری کنند . سینما و مجالس مناظره‌ومباحثه وسخنرانی تهیه کنند

باتهیه نمونه‌های صنعتی و هنری و هر گونه تمرین و مطالعه که میل دارند خود را مشغول بدارند.

یك خانم انگلیسی که تعلیم و تربیت روسیه‌شوروی را مطالعه کرده است در کتاب خود مینویسد :

در موقع تعطیل تابستان وارد دبستانی شدم ، از اینکه در آنجا عده کثیری از شاگردان را در فعالیت و رفت و آمد دیدم متعجب شدم. اطفال وقت خود را درکمال خوشی با یکدیگر بکار های مختلف می گذراندند چند نفر تحت نظر جوان هفده ساله‌ای مشغول فرا گرفتن طرز معلق زدن درهوا بودند . دسته دیگر یك خانه چوبی میساختند . عده‌ای در یك اطاق که محل بازیهای ساکت بود شطرنج بازی میکردند. جمعی درسالن مدرسه برای یك نمایش آماده میشدند و چند نفر از روی نقشه های روزنامه نمونه پلی که قرار بودروی یك رودخانه ساخته شود تقلید می کردند . مدیرمدرسه توضیح داد دراینموقع که آموزشگاه تعطیل است اینجا برای شاگردان بصورت باشگاه در آمده و اختصاص بتفریحات و سر گرمیهای آنها پیداکرده است .

موضوع جالب توجه این بود بااینکه اغلب دسته هاسرپرست نداشتند و بوسیله خود شاگرد ها اداره میشدند نظم کامل حکمفرمائی میکرد و همه درکارهای خود شائق وعلاقه مندبودند ودرکمال مسرت وفعالیت بسر می بردند . ازقراریکه میگفتند هریك ازمدارس شهر نمونه‌ای از کارهای



پس از اینکه اطفال فرودگاه هواپیمائی شهرخود رادیدن کرده از خطوط هوائی وخدماتیکه هواپیما بمسافرت وتجارت ومحافظت کشور انجام میدهد اطلاع یافتند اکنون در کلاس نقشه آنرا بانخته رسم کرده در اطراف آنمطالب صحبت میکنند

شاگردان که در تعطیل انجام میدهند بنمایشگاه میفرستند کتابخانه آنجا بسیار جالب توجه بود . عکسها وتصاویر قشنك آویخته بودند ، یك معلم آنجا را اداره و شاگردان‌را راهنمائی میکرد . عده کثیری شاگرد غرق مطالعه بودند .

این گونه فعالیتهای شاگردان درعین‌حال میتواند بحال خانواده‌ها تاثیر ببخشد . هرکدام احتیاج بکومك دارندآموزشگاه باهمین‌وسایل آنها رایاری کند و برعکس خانواده هائیکه شایستگی دارند با مقاصد مدرسه همکاری بکنند . یقین‌دارم اگرچنین دعوتی ازطرف آموزشگاه بشود عده‌کثیری از مردم خیرخواه و نوع دوست اجابت میکنند و با کمال میل در اموری که نفعش بطور غیر مستقیم بخود آنهابرمیگردد شرکت میجویند

در دهات ماکشاورزان پس از انجام کارهای‌روزانه غالبا بدورهم جمع شده بکشیدن دخانیات وصحبتهای مختلف می‌پردازند چقدرباعث رضایت خاطر و خشنودی آن‌ها خواهد شد هرگاه این فرصت خود را در سالن دبستان محل صرف نوشیدن چای و شنیدن دستور های‌عملی کشاورزی بکنند یا بتماشای فیلم و دیدن نمونه های محسوس از چیزهائی که در خانه و مزرعه و در زندگی بکار می رود مشغول بشوند .

اگرموزه‌و کتابخانه‌وسالن‌مدرسه‌عصرهاودرتعطیل‌تابستان‌درهایش

بروی شاگردان باز باشد و از دسترس والدین دور نباشد . مادرها و پدرها از تعلیماتیکه بفرزندان آن ها میدهند مستحضر میشوند . لیاقت همکاری با آموزشگاهرا پیدا می کنند . این وظیفه آموزشگاه است که بهر طریق مقدور است وسائل آنرا فراهم کند . هم اکنون در بعضی از نقاط ایران که با مساعدت اشخاص خیر چنین وسائلی برای کشاورزان دایر شده دیده میشود که حسن استقبال از طرف اهالی بعمل میآیدو در زندگی آنها بهبودی میبخشد .

کلاسهای تابستانی

هر سال در امتحان داخلی آموزشگاه یا امتحانات نهائی عده کثیری شاگرد از یك یاچند یا تمام مواد تجدیدی شده در امتحان بعد از تعطیل شرکت می جویند بدون اینکه اولیای مدارس باین فکر بیفتند که این عده شاگرد که بمراتب بیش از تعداد قبول شدگان هستند در کدام کلاس درس میخوانند و چگونه برفع نقیصه خود موفق می شوند .

با این عمل در حقیقت ما از شاگردان می خواهیم با اینکه مدت هشت ماه زیر نظر و مراقبت معلمین کاری انجام نداده اند در مدت دو ماه بدون معلم بجبران مافات بکوشند .البته چنین حکمی خالی از غرابت نیست . باید هرسال در چندین نقطه شهر کلاسهای تابستانی در محل آموزشگاه ها دایر شود و کسانیکه بتجدید امتحان مجبورند با درنظر

گرفتن استطاعت بدنی آن‌ها مجانا یا بقیمت مناسب صبحها درس بخوانند ولی تنها در بعضی از مواد محدود و معین اجازه تحصیل بشاگرد بدهند و نگذارند فشار زحمت زیاد مزاج آن‌ها را از حال اعتدال خارج کرده بیمار و ناتوان بشوند ، بنابراین تجدیدی کردن از تمام مواد بهیچ وجه مورد ندارد و باید بکلی منسوخ شود زیرا اگر تعطیل تابستان را بواسطه گرمای هوا موسم نا مناسبی برای تحصیل تشخیص داده‌اند و مدارس را بهمین علت تعطیل میکنند چگونه از شاگردان ضعیف و وامانده متوقعند که تمام دروس عقب مانده را در این فصل پیشرفت بدهند .

((بخش یازدهم))

هدف امتحانات مدارس وروش آن

وضع فعلی امتحانات اخلاق جوانان را فاسد میکند

اگر بگوئیم در آموزشگاه هائیکه با اصول صحیح اداره میشوند و برنامه آنها با موازین تربیتی وروانشناسی تطبیق میکند ترس از امتحان معنی ندارد شاید در این کشور که فصل بهارش همواره خزان امیدها و آرزوهای دانش آموزان است باور کردن آن خالی از اشکال نباشد. ولی کسانیکه این کتابرا از اول تا بـآخر می خوانند و بمسئولیتی که دستگاه تربیتی در مرتفع کردن موانع از راه پیشرفت اطفال ملت دارد پی می برند و بموجباتی که برای پرورش استعداد ها بکار میرود توجه می کنند و می بینند که آموزشگاه هر دانش آموز را مطابق با کفایت ذاتی او برای کار تخصصی تشویق می کند و قوه سازش او را بـا محیط می افزاید در اینصورت تصدیق میکنند دلیلی نـدارد

امتحان آخر سال بیرحمانه مهر باطله بر عمر صدی هفتاد تن از دانش آموزان بزند ودر میان این فقر و پریشانی و فقدان آسایش و رفاه عمومی غمی بالای غمهای خانواده ها بگذارد و جوانان را از غصه ضایع شدن عمر و دسترنج پدرو مادر چنان درمانده کند که گاهی علاج منحصر را خودکشی بدانند یا از شدت تاثر مسلول و رنجور شده از پشت میز های مدرسه ببستر بیماری منتقل بشوند .

در میان اوضاع ناگوار فرهنگ ما یعنی مدارسی که در آن هیچگونه تسهیلات برای آموزش و پرورش و تجربه و تفکر و تهذیب اخلاق موجود نیست و بوسیله فشارهای گوناگون و تنبیهات فراوان از رشد شخصیت اطفال جلوگیری میشود و شاگردان را بجای اینکه افرادی فعال بار آورده قوه مقاومت آنها را در برابر عوامل معارض زیاد کنند زبون و خوار می سازند طریقه امتحان کردن ازهمه خرابتر و خجلت آورتر است .

نمیدانم در کدامیک از مدارس ملل مترقی دنیا سرنوشت جوانان محصل را بصورت فال گیری و بخت آزمائی معین میکنند که ما از آنها تقلید می کنیم ؟ نمی‌دانم کدام عدالت و انصافی بما اجازه میدهد که بدون سابقه آشنائی واطلاع از جریان تحصیلی ومیزان کوشش ولیاقت سالیانه شاگرد با شهادت چند سطری که معلوم نیست ازکجا بدست اورسیده و

درچه حالتی آنرا نوشته قضاوت باین مهمی را بکنیم ؟ مگر تجربه کرده‌اندکه این عمل بازار تقلب کردن و رشوه دادن وتشبث نمودن را رواج داده جوانانرا بفساد اخلاق تشویق و ازتحصیل باز می دارد بازهم دست از اینکار برنمی دارند و آنوقت ناچار در جائی که یکعده جوان تربیت شده مشغول آزمایش میزان معلومات و رشد قوای نفسانی و شخصیت خودشان هستند ومی‌خواهند ثابت کنندکه با نیروی اخلاقی وعلمی خود میتوانند کشور را اداره کنند برای ایجاد امنیت و جلوگیری از اغتشاش بزور سرنیزه پلیس متوسل میشوند ، معهذاقادر نیستندازافروخته شدن آتش بی نظمی محیط امتحان را برکنار ومانع این شوند که هر سال چند نفر فرهنگی کتك خورده یا درها و پنجره ها شکسته شود . مضحك تر اینکه اوراق امتحان شهرستانها را غالبا بمرکز انتقال می‌دهند و کسانی که حتی نمی‌دانند معلم چگونه روش‌وشخصیتی دارد و شاگردان‌دارای چه نوع سابقه تربیت و اطلاعاتی می باشند و ازاین پرسشها چه‌استنباط کرده‌اند آنها را نمره گذاری میکنند .

این‌قسم امتحان باعدالت وانصاف تطبیق نمیکند

جمله بالارامن اززبان‌مدیران ومعلمین‌مدارس نقل‌ومفهوم گفته‌های آنهارا خلاصه کرده‌ام. نه یك‌ودو بار بلکه بعد ازهر امتحان چندین بار معلمین انگشت ندامت وتاسف بدندان گزیده میگویند فلان‌شاگردمن باوجوداین که

کاملااستحقاق موفقیت داشت مردود و دیگری که لیاقتش مشکوک است قبول شده است . این مطلب که عین حقیقت است وتمام دلایل و مدارک بر صحت آن گواهی می دهد حیرتی ندارد اما تعجب در این است که مدیران و معلمین ما با علم باینکه اینکار با مراتب عدالت درست در نمی آید شریك جرم می‌شوند و بر خلاف ندای وجدان خود رفتار می کنند و بعد هم از تشبث و توسل شاگردان گله کرده حق اعتراض وچون وچرا بآنهانمی دهند . اگر این اوراق در بسته را که ممتحنین بـدون اطلاع از سوابق و مشکلات نویسنده آنها نمره گذاری کرده‌اند بسینه صاحبانش نصب کنیم و فصلی از قصور یا اشتباهاتیکه درتعلیم تربیت آنها از طرف اولیاء آموزشگاه شده‌و حتی‌اینکه درعرض‌سال غالبامعلم برای برای آنها نیاورده و لوازم کارشانرا آماده نکرده و فرصتهای زیادیرا فوت کرده‌اند اضافه کنیم کدامیك از آقایان و یا خانمهای‌ممتحنین‌هستند که از این داوری ظالمانه پیش وجدان خود خجالت نکشند و پشیمان نشوند . ؟ باید با چشم باز میزان جدیت وکوشش شاگردانرا در مدت سال سنجید ودر قوای طبیعی آنها حکمیت کرد و فراهم بودن وسائل تحصیل را در نظر گرفت پس از آن ارزش کار آنها را تعیین کرد تا اطفال بحقانیت این داوری ایمان داشته نمره‌ایکه گرفته‌اند مقیاس صحیح لیاقت خود بدانند آنوقت است که میتوان اعتراض و شکایت شاگرد ها رابجا

ندانست و اگر پیرامن تقلب و تشبث گشتند ملامتشان کرد .

کثرت مردودین دلیل بارز بر خرابی برنامهٔ تربیتی و بمنزله اعتراف واضحی بر محکومیت این روش مبتذل است بیجهت ماتوقع داریم کسی براین ظلم وجور اعتراض نکند و از ضایع شدن یکسال عمر و زحمت و آمدو شد بمدرسه متاثر نشود ۰ و حال آنکه اثرات این بی‌عدالتی از پیکر ناتوان جوانان و استعدادهای زنك زده آنان روزبروز آشکار تر می‌شود و آن‌ها را بطرف انحطاط اخلاقی و بیماری روحی و جسمی می کشاند. از شما می پرسم اگر یك خیاط از یکصد لباس که برای دوختن باو میسپارند فقط بیست یا سی دست آنرا قابل پوشیدن و بقیه‌را بقامت صاحبانش تنك و کوتاه و نا موزون بدوزد آیامشتریان می‌توانند نسبت باو اعتراض بکنند و او رامقصر بشمارند یا خیر ؟

امتحانات نهائی ماچند عیب کلی دارد

هرچه میکوشم بحکمت این موضوع پی نمیبرم که شاگردان چرا بجرم عدم تکافوی یك یا چند نمره از تمام دروس مردود می شوند . ضعیف بودن از ریاضی چه کار بفارسی یا نقاشی دارد ؟

۲ ــ سئولات امتحان غالباً باقوه شاگردان تطبیق نمیکنند . بزرگترین دلیلش اینکه می‌دانیم پرسشهائی صحیح هستند که دو ثلث شاگردان بتوانند بطور متوسط آن‌ها را پاسخ بدهند و نمراتی در حدود چهارده روی بیست داشته باشند و حال آنکه غالباً در امتحانات عده قلیلی نمره

متوسط می‌گیرند و اکثر اوراق کمتر ازده دارند .

۳ ـ تعداد سئوالات کم‌است بهمین جهت بعضی از شاگردان این شانس را می‌آورند که آن یك یا دو پرسش‌را پاسخ بدهند و بقیه‌باوجود اطلاعات کافی گرفتار بد شانسی شده از عهده‌جواب دادن بسئوالات بر نمی آیند .

٤ ـ عده کثیری شاگرد در مراکز امتحان تجمع میکنند وآن هائیکه از خودشان اطمینان ندارند غالبا هم خود را مصروف تقلب می‌کنند ودر میان این جنجال باحتمال قوی موفق میشوند .

٥ - مهمترین عیب امتحانات این است که سوابق شاگردان و کار سالیانه آن‌ها درقبول شدن مدخلیت‌ندارد . این پشت پازدن بکارسالیانه از طرفی شاگردان را نسبت بکوشش در مدرسه و حضور مرتب در کلاس بی علاقه می‌کند و از جهتی امتحان را در نظر معلم و شاگرد غیر عادلانه جلوه‌گر میسازد .

٦ـ از عجایب امتحان اینست که‌اگر شاگردای در امتحان‌خرداد ماه دریك یا دوماده نمره کافی نداشته باشد تجدیدی میشود ومیتواند درحالیکه معدل اوکافی باشد فقط همان یك یا دوماده را در شهریور ماه امتحان بدهد . اما اگر همین‌اتفاق برای او در شهریور ماه بیفتد باید یکسال تمام درس بخواند و همه مواد را ازنو امتحان بدهد معلوم نیست علت این اختلاف فاحش در تفاوت بین فصل بهار و پائیز است یادلیل دیگر دارد که‌بما اجازه‌اتلاف یکسال‌ازوقت جوانان را میدهد ؟

چگونه باید امتحان کرد

دردوره ابتدائی مطلقاهیچ طفلی نباید مردود شود و در کلاس بیش ازیکسال بماند دلیلش اینست که معلمین هر طفلی را مطابق سن ورشد و توانائی او با عملیات تجربی و دانستنیهای ضروری و متناسب تماس می دهند وحتی الامکان در هدایت و بکار انداختن غرائز آنها کمك میکنندو هریك از اطفال را بفراخورظرفیت خوداز تربیت و تعلیم متنفع میدارند بدون اینکه بیش از مدت معین در کلاس بمانند و یا از تکرار درس ملول شوند زیرا اطفال از حیث سن هرسال بزرگتر میشوند ادامه روش سال قبل بضرر آنها است هرگز تمام اطفال از حیث استعداد مساوی نیستند وهرگونه شکست خوردن و عقب ماندن آنهارا دلتنك ودرمانده میسازد

هرماه لازم است معلم بوسیله آزمایشهای مخصوص عملی و نوشتنی رشد قوای بدنی و نفسانی اطفال را اندازه گیری کند . قدرت و مهارت چشم و گوش ودست توانائی فکری هریك رابسنجد . این آزمایشهابواسطه جور کردن و ساختن اشکال مختلف رنك آمیزی ، و تشخیص و تعیین صورتها و فهمیدن و نقل کردن حکایات حل معماهای ساده و پیدا کردن جوابهای مناسب برای پرسشها میسر می شود .

شرط آموزگاری اطلاع داشتن از شرایط و طرز تهیه آنها است که دانشسراهای ما باید اصول برنامه خود قرار بدهند. هرگز خواندن ونوشتن را نمیتوان ملاك رشد اطفال قرار داد و بوسیله آن شاگردان را طبقه بندی کرد تمام استعداد های های اطفال ارزش خاصی دارند که اگر آن ها را در نظر بگیرند اطفال عقب مانده جز بندرت دیده نمی شوند

بعلاوه طفلی که در سالهای نخست بکندی جلو میرود دور نیست سالهای بعد ترقی کرده جبران گذشته‌را بکند همانطور که معلوم نیست اسبی که مسابقه را میبرد از اول جلوتر ازسایرین باشد .

در آخر سال ششم قوه وهوش ولیاقت آنهارا امتحان کرده نظر خود را بمدرسه متوسطه یاهر آموزشگاهی که در آن وارد میشود اطلاع میدهند . شاگردانیکه در ردیف کند ذهن وضعیف در آمده‌اند بکارها وصنایع نسبتاً اسان و متناسب تشویق میکنند در حالیکه دانش آموزان قوی ومستعد را بادامه تحصیل در رشته های گو نا گون علمی اندرز میدهند .

در سال اول متوسطه چنانکه دانستیم علاوه بر اینکه موادی تدریس میشود که‌جزو معلومات عمومی است و بـرای پرورش انسان کامل مورد ضرورت است دوره آزمایش شغل وکارهم میباشد در این دوره کسی که باوجود نداشتن نقص روحی وحضور مرتب در مدرسه از تمام مواد مردودشود تقریبا وجود ندارد واگر چنین چیزی باشد دلیل برنقص دستگاه تربیتی است . اما اگر احیاناً موادی را نتواند از عهده برآید فقط برای تجدید همان یك یا چند ماده در ساعت معین بکلاس سابق میرود وبقیه اوقات در کلاسی که استحقاق آنـرا دارد یعنی در کلاس بالاتر انجام وظیفه میکند در بعضی از دروس مثل ریاضی اگر شاگرد کم‌استعداد باشد بشرط اینکه در دوره دوم وبرای رشته تخصصی محتاج بآن نباشد باید کلاس مخصوصی دردبیرستان دایر شود که این قبیل شاگرداق بتوانند آن ماده را بمقداریکه تمام مردم لازم دارند با اصول ساده یاد بگیرند وپس‌ازطی کردن آن کلاس بتحصیل این رشته

خاتمه بدهند وقوای خود را صرف موادديگری كه‌استعداد دارند بكنند
سالهای دوم متوسطه دوره تخصص است كسانيكه ميخواهند وارد دانشگاه بشوند بكلاس علمی وادبی ميروند البته بـايستی مـواد ضروريرا بخوبی از عهده برآيند . امتحان اين كلاسها مثل دوره اول متوسطه است يعنی اگرشاگرددر بعضی مواد قبول نشود تنها همانها را دريك‌نيمه سال‌تكرار ميكندوچنانچه موفقيت‌او كاملا مشكوك‌باشدناچار است‌بيكی ازشعب‌تخصصی ديگرمنتقل‌شده ازخيال‌ادامه‌آنقسمت‌منصرف گردد نبايد اجازه داد شاگردی‌چندسال داوطلب‌امتحان وهربار مردود گشته سال ديگر نيزوقت خودرا باينصورت تلف‌كند و بالاخره بانمرات خيلی ضعيف پذيرفته شده بكلاس بالابرود ياخسته و درمانده از ادامـه تحصيل‌نااميد گردد .

بتمام مواد تقريبا ارزش مساوی بدهند

معلوم نيست ما روی چه مأخذ برای بعضی از موضوعهای درسی در امتحان مزيت بيشتر قائل هستيم وبرخی را قابل اعتنا نميدانيم مثلا خياطی يا كارهای‌دستی وورزش ونقاشی را از حساب وفيزيك و شيمی و زبان خارجه كمتر ارزش ميدهيم ودر امتحان داخلـی اگر شاگـرداز موادیكه بنظر ما مهمتر است‌مردود شود از سايـر نمراتش ميكاهيم تا معدل اوبپائين‌تراز حد قبولی رسيده در كلاس بماندومواد موردملاحظه را تكميل كند . درصورتيكه اين شاگرد در سالهای بعد معلوم نيست بموادی كه استعدادش راندارد پيشرفت بدهد اما مسلم است اين‌ماندن در كلاس اورا نسبت‌بتمام دروس بی ذوق و بيعلاقه ميكند . بجای‌اينكار اگر هركس را در علوم وهنرهائيكه مهارت بخرج ميدهدتقويت كنيم وبادامه وتكميل آن تشويق نمائيم كاری بجا وسودمند انجام داده ايم

براي يك جامعه نجار وخياط زبردست يا نقاش و پرستار با لياقت همان اندازه قدر و منزلت دارند كه دارو ساز وحسابدار و اديب وسخنور بكار ميآيند . از طرفی ما زبان بشكوه و شكايت ميكشائيم كه چرا اكثر جوانان تحصيل كرده اعم ازدختر يا پسر متمايل بكارهای اداری ونويسندگی ميباشند وبساير حرفه ها اعتنا ندارند و حال آنكه عملا هنرمندی وصنعتگری را در مدارس تحقير ميكنيم وآنهارا قابلملاحظه نميدانيم .

معدل گرفتن از نمرات امتحان كار پر زحمت و بی‌فايده است برای تمام موضوعهای دانستنی‌بايد حد اقل معين كنيم وتا پايه‌معلومات شاگرد بآنجا نرسيده نگذاريم دوره بالاتر آن‌درس‌را بخواند زيرا هر موضوع ضروری‌بايد بحد كافی برسد وشاگردان اطلاعاتی بر آن مواد پيدابكنند گرفتن معدل سبب‌ميشود كه‌اكثر دانش آموزان با نمره‌های يك ودو (روی بيست) بكلاس بالاارتقا يافتهٔ ودوره بالاترهمان درس را تحصيل ميكنند باين جهت شاگردان ضعيف درمانده تر شده‌زحمات خود ومعلم را بهدرميدهند واقعا بايد فكر كرد كه داشتن نمره بيست از ديكته وفارسی چه ربطی به فيزيك يا رياضی دارد كه بايد نمراتش بمعدل بآنها افزوده گردد . يا بر فرض شاگرد از تاريخ وزبان خارجه صفر بگيرد چرا بايد ساير دروس را تجديد كند هرماده درسی ارزشی دارد وبايد شاگردان بمقدار لزوم از آن بهره مند شوند . همين معدل گرفتن سبب‌ميشود كه در سالهای چهارم وپنجم متوسطه شاگردان بعضی از دروس را بقدر سال اول هم نميدانند و با اين وضع ميخواهند روی پايه پوسيده وبی ثبات بنای عظيم بسازند ودوره های عالی را بپيمايند

فقط معلم شاگردان خود را امتحان بکند

در تمام دوره تحصیلی بایستی امتحانات شاگردان در مدرسه و بوسیله معلمین کلاس بعمل بیاید و رعایت تمام نکات تحصیلی سالیانه بشود. میزان کار و کوشش هرشاگرد و شرایطیکه برای زندگی و سازش با محیط لازم است مورد توجه قرار بگیرد. هیئت معلمین لیاقت شاگردان را مطابق ملاك و میزانیکه برای آن درجه از تحصیل و تربیت معین شده تصدیق بکنند.

روش و هدف امتحان

روش مدرسه و معلمین در موقع امتحان باید مثل تمام دوره تحصیلی محبت وراه نمائی بشاگردان و فراهم کردن تسهیلات برای پیش بردن آنها باشد. بوسیله امتحانات صحیح معلم میخواهد ازوضعیت روحی و مزاجی و تمایلات و احتیاجات و فعالیتهای شاگردها و میزان هوش و معلومات آنها اطلاع بهم برساند تا نواقص کارشان را بر طرف کند و برای مقامیکه در جامعه میتوانند احراز کنند حرفه و شغلی که باید پیش بگیرند رهبری نماید. با چنین منظور مهم وجدی چگونه میتوان مبنای کار را برشانس واتفاق نهاد ودر زیر چند سطر نوشته یك شخص ناشناس قلم روی کاغذ گذاشته سرنوشت او واجتماع را معین کرده امتحان نباید برای پاك کردن خورده حسابهای معلم باشد ودرطی سال مکرر خط و نشان برای شاگردان کشیده بمردود کردن در امتحان تحدیدشان بکنند باید بداند که هر گونه ضعف ونقص در شاگرد است یا مربوط بطبیعت و میراثی است که باو رسیده است و گناهش را نباید بپای شاگرد نوشت ویا مولود شرایط محیط تربیتی است که خود معلم و مدرسه از

مسئولین آن هستند. پس بغض و کینه بـا شاگـرد هیچ مورد ندارد لازم‌است بآنها دل بسوزانند. بانوش داروی امید وشجاعت اصلاحشان بکنـد.

امتحان نباید ایجادحسادت و همچشمی بین شاگردان بکند پس هرگز نمرات آنهارا بایکدیگر مقایسه نکنند نواقص یا پیشرفت هـر کس‌را بخودش بشناسانند. جوانان‌را احترام‌بگذارند حیثیت‌وشرافتشان را لطمه نزنند آنها را بتقلب متهم نکنند اگر برنامه و روش تدریس درست بشود معلم‌وشاگـرد آنطوریکه گفتم بوظائف خود عمل کنند امتحان یك امرعادی و بی درد سر تلقی شده بدون نگرانی‌انجام‌میشود.

احتیاجات جوانان ملاك امتحان متوسطه است

دانش آموزانیکه دوره تحصیلی دبیرستان را با تمام میرسانند باین قصد وارد مدرسه میشونـد و باین امید از آن فـارغ‌التحصیل میگردند که بتوانندحوائج زندگی‌خود را برآرند و بطرز شرافتمدانه بقای خود را تامین کنند. امتحان صحیحی که در آخراین دوره بعمل میآید آنست که‌درجه لیاقت جوانان رابرای انجام آن وظائف بسنجند وآمادگی آنهارا اعلام بدارد تنها مهارت در حل‌مسائل جبرومثلثات و روان بودن‌عبارات‌وصرف ونحوبرای اینکه خوشبختی جوانان راتأمین بکند کافـی نیست ومـلاك تحصیلات بشمار نمیآید اینك احتیاجات جوانان را درچند سطر خلاصه میکنم:

۱ ـ بمزاج سالم ، نیروی بدنی و قدرت تفکر و هوش احتیاج دارند تا بدانوسیله آزادی وحقوق وخوشبختی خود را فراهم کنند

۲ ـ شغل‌و کاری که عایداتش‌کافی برای تأمین استقلال مالی

آنها باشد آموخته باشند .

۳ ـ لیاقت تشکیل خانواده را پیدا کرده بتوانند برطبق شرایط مناسب وظائف زناشوئی و پدر و مادری را انجام بدهند

٤ ـ اعتماد برنفس و کـوشش وخویشتن داری واطلاع از فلسفه زندگی داشته باشند

٥ ـ دارای شرایط واطلاعاتی باشند که برای هر رعیت کشور دمکراسی لازم است وحکومت مشروطه رامیسر میسازد .

٦ ـ میل بتفریحات سالم و شرکت در اجتماعات ملی داشته سعادت خودرا در سازش ومحبت بادیگران بدانند .

۷ ـ درفکر بالا بردن سطح اخلاقی خـود وخدمت به پیشرفت اجتماع باشند

در آنچه گفتم زن و مرد تفاوت ندارند هریك از افراد بشر باید درمقابل ضروریات روزمره یا حوادثیکه حیات آنها را اداره میکند قوه ایستادگی داشته باشند

مدرسه حق دارد تنها بجوانانیکه واجد شرایط نامبرده هستند خاتمه تحصیلات متوسطه رااعلام بدارد . والااشخاصیکه با از بر کردن چند جلد کتاب بهداشت بی قیدی در حفظ بدن از کثافت لباس و بدنشان پیدا است ، تکلیف خود را در خانواده و جامعه نمیدانند ، سر رشته هیچکاریکه گذرانشان را فراهم کند در دست ندارند ، بیحال ومأیوس و بیهدف وبی عرضه هستند چه مزایائی برای آنها متصوراست که دیپلم حق استفاده از انهارا بایشان اعطاء میکند . بهمین دلیل است که جوانان ناچار سوادرا وسیله تهیه نان و آب میدانند و برای استفاده از معلوماتیکه دوازده سال یا بیشتر در سر آن وقت تلف کرده‌اند بدولت که تنها خریدار گواهی نامه خودش است مراجعه میکنند .

بخش دوازدهم

تدریس موضوعهای مختلف

درروش کلی تعلیم وتربیت پیش از این مطالبی نوشتم اکنون جهت تطبیق کردن کلیات باتدریس هر موضوع ودادن توضیح بیشتر در باره این مطالب سزاوارمیدانم در مورد تدریس هر یك از مواد درسی جداگانه تذکراتی بدهم نخست یادآورمیشوم اگر یك دبیرستان برای هر موضوع درسی احتیاج بچند نفر معلم دارد مثلا دو یا سه معلم فارسی یا زبان خارجه وطبیعیات در کلاسهای مختلف تدریس میکنند لازم است یکی از آنها که مبرز تر ومجرب تر است سمت مدیر یامشاور شعبه درسی را پیدا کرده بقیه معلمین آن ماده را در انتخاب کتابها وطرز تدریس راهنمائی بکند این کار یك نوع تمرکز میان تدریس یك موضوع درسالهای مختلف درسی ایجاد میکند وهم آهنگی واشتراك مساعی که برای پیشرفت شاگردان ضرورت دارد برقرار میدارد واز اینکه معلمین هر کلاس از روش معلم سال پیش گله داشته واین موضوع را سبب عدم موفقیت خود بشمارند جلوگیری میکنند و معلمین تازه را زود تر بکار مسلط میسازد.

تدریس زبان فارسی

گرچه سال بسال بر تعداد شاگردان دبیرستان افروده میشود ودرس فارسی یکی از مواد مهم وضروری تمـام دانش آموزان بشمار میآید ولی از آنجائیکه تمام محصلین منظورشان ورود بدانشکده ادبیات و نیازمند بدانستن نکات خیلی دقیق ادبی نیستند واغلب میخواهند شعب گوناگون صنعت وتجارت وکشاورزی وپزشکی یاماشین نویسی و دفتر داری را تعقیب بکنند این درس لازم است چنان تدریس شود که هر کس بمناسبت ذوق واحتیاج خود از آن بهره مندشود. مخصوصاً در آنچه بیشتر مربوط برشته مورد علاقه و تخصص او است پیشرفت کند . پس معلم فارسی بشاگردان خود آزادی میدهد تا مساعی خویش را در راه هدفیکه دارند بکار ببرند وهرچه را مایل هستند دنبال کنند .

هدف زبان فارسی - حرف زدن و خواندن ونوشتن بمنزله رشته هائی هستند که مغناتیس افکار واحساسات مردم را ارتباط میدهند مطالب ومقاصد آنهارا بیکدیگر میفهمانند . تولیدحسن تفاهم میکنند. نوشته های پرمایه ادبی اعصار متمادی باقیمانده درهر زمان بنحوی نور افشانـی میکند و انسان را بطرز فکر گذشتگان آشنا میسازد . اما شاعـری و نویسندگی و سخنرانی مستلزم استعداد و تمرین و اطلاعات مخصوصی است که تنها عده معدودی شایستگی ابراز این لیاقت رادارند ومیتوانند بآن پایه عالی برسند که نوشته آنها ارزش هنری پیدا بکنند آنچه مورد احتیاج تمام افراد جامعه است وبایدهدف تعلیم عمومی واقع شود بیان مطالب و مقاصد معمولی بوسیله زبـان وقلم است بنحویکه طرف بدرستی و روشنی منظور گوینده یا نویسنده را درك کندو کمتر

سوء تفاهم بمیان بیاید .

دومین فایده تعلیم زبان این است که میتواند بتشکیل شخصیت انسان کمك بکند ، گفتگو و بحث زبانی یا قلمی در اطراف موضوعهای متنوع نظر انسانرا معطوف بعقاید و افکار گوناگون وطرز استدلال و مقایسه و قضاوت سایرین میکند و موجب جریان نفسانیات و تشکیل شخصیت ممتاز میگردد

سوم ـ زبان درتیز کردن هوش رل موثری دارد اگر هر کس در آنچه میشنود و میخواند دقت وممارست کند وآن مطالب را با تجارب سابق خود ربط داده آنها را دسته بندی کند رفته رفته دارای افکار و اطلاعات وسیع و پرمایه‌میگرددو می‌تواند بفهم معانی و مطالب مشکل دسترسی پیدا کند .

چهارم ـ زبان بمنزله کلیدی است که درهای گنجینه علوم مختلف را بر روی‌انسان میگشاید وشخص‌باسواد بواسطه خواندن کتب ونوشته ها یا صحبت با اهل دانش معلومات خود را توسعه میدهد پس معلم باید تمام این خاصیتها را درتدریس فارسی‌رعایت کند .

نوشتن درسالهای‌اول‌ودوم‌دبستان کافی است که‌طفل‌را عادت‌بدهید تاحدی مرتب فکر کرده افکارش را بطور ساده و صحیح بیان بکند . در سالهای‌سوم و چهارم با جملات کوتاه بپاسخهای کتبی معلم‌جواب‌بدهد و از مشهودات خودمطالب خیلی مختصر بنویسید • در سالهای پنجم و ششم و سال اول متوسطه نامه های دوستانه یارسمانه ، صورت تلگراف و تلفن وتقاضانامه‌بنویسد . مشاهدات و تجربیات خودش را شرح‌بدهد.

معلم در تمام این قسمتها بدرستی جملات ، روانی عبارت و رسا بودن کلام دقت میکند . در کلاسهای آخر دبستان و سالهای دبیرستان متدرجا نوشتن گزارشها و بیان نظریات اجتماعی و علمی یا شرح گفتگو ها و مصاحبه ها و نثر کردن اشعار تعلیم میشود . شخص نویسنده نخست از راه مطالعه یا تجربه بر مطلب احاطه پیدا میکند . آنوقت منظور را بطور صریح و روشن و مرتب شرح می دهد . مثلا اگر کتابی را خلاصه میکند منظور نویسنده و طرز جریان فکر و استدلال و نتیجه ایکه گرفته است بیان می کند . در شرح مسافرت و فیلم قسمتهای جالب آنرا بر حسب هدفیکه دارد توضیح و تفسیر می کند

انشاء فکری شاگردان باید تشویق بشوند که تنها بمشهودات صرف قناعت نکرده کم کم باافکار و تخیلات خود کم و بیش محسوسات را رنك آمیزی کرده هنر بدیعی بظهور برسانند و ارزش و جذابیت خاصی بنوشته خود بدهند . متاسفانه در آموزش انشاء فکری غالبا معلمین مرتکب دو اشتباه می شوند یکی اینکه خیلی زود تر از اینکه طفل بتواند چنین چیز هائی بنویسد و حتی کلمات رسا برای بیان افکارش آموخته باشد این توقع را از آو میکنند

دوم روش نگارش اطفال را رهبری نمیکنند و آنها بافکر نارس و تجربه کم بیراهه میروند و بیاوه گوئی ، تکرار بی معنی ، بکار بردن کلماتیکه معنی آنرا نمی دانند و مخلوط کردن قطعات بی سروته وناجور ونا مربوط حفظی میپردازند وهمینکه در آغاز کار سررشته را گم کردند تا آخر درپیچ وخم آن سرگردان میمانند وسبب اعتیاد آنها بعدم انضباط فکری و بی دقتی وبدنویسی میشود

اینگونه نوشته ها بایستی یا حاکی از تفکراتی باشد که بموجب پارهٔ ازمحرکات درانسان پیدا میشود و بوسیله تجارب و ادراك شخصی و مطابق با ورزیدگی مغز توسعه پیدا میکند یا اینکه منظور موشکافی و بررسی درافکار و اطلاعات‌علمی و اجتماعی باشد که شاگرداز تماس با محیط پیداکرده‌است . درهردوحال بایدمطلب در خور فهم نویسنده بوده تشخیص و تمیز صواب از خطا و قضاوت در او پیداشده باشد نه اینکه بتقلید دیگران بنویسد و نفهمیده نقل قول بکنند .

موقعی که شاگرد در باره یکی از وقایع زندگی خود یااجتماع ویا بررسی های علمی چیز مینویسد باید عقیده خود راکه در استنباط با آن وقایع پیدا کرده است آزادانه برشته تحریر در آورد و قضایارا از چشم‌خود ببیندومطابق فهم‌خود بنویسد وهیچ‌اصراری‌نباشد که‌مطابق میل‌معلم‌بنگارد شاگردان بایستی بیاموزندکه اگر موضوعی‌را نمیفهمند برای‌پر کردن‌صفحه‌ننویسند . بلکه‌آنراازراهش بجویند . یعنی کتاب‌های مربوط بآن مطلب‌را بخوانند . با اهل فن مشورت و کسب‌اطلاع بکنند یا شخصا از درآزمایش و تحقیق درآیند . پس از اخذ معلومات کافی‌و قبل از نگارش طرح مناسبی برای ادای مطلب‌ریخته تقدم وتاخرقسمتها را در نظر گرفته بعد شروع بقلم فرسائی بکنند .

در نوشته‌خود از استعمال کلمات‌نا مانوس‌ومکرر ومطالب‌پیچیده و نا مفهوم بپرهیزند . معلم در هر کلاس مقداری لغات مصطلح تازه در ضمن خواندن ونوشتن بشاگرد ها یاد میدهد ولی ذکر لغاتیکه کمتر مورد استعمال دارد یا در نوشته قدما بکاررفته است برای کلاسهای‌ادبی یاکسانیکه خودشان علاقه‌دارند میگذارد. بطور کلی‌درهم‌وبرهم نوشتن

دلیل بر نداشتن انتظام فکر است ومعلم از معتاد شدن شاگردان باین طرز نویسندگی جداً ممانعت میکند

خواندن. آنچه را انسان دردوران کودکی و جوانی میخواند ریشهٔ ذوق وقضاوت اورا برای آینده تشکیل میدهد و تاثیرش خوب یا بدروی تمام زندگی اوسایه می افکندو بطعم آنگونه نوشته‌ها عادت میکند.

چون ذائقه اطفال و جوانان درپسند کردن خواندنیها متنوع است از اینرو کتابها مثل خوراکی‌ها با چاشنی وعطر گوناگون آمیخته میشود تا هرکس آنچه را دوست دارد و مطبوع طبعش میافتد بخواند واز آن روح خود را تقویت بکند.

علاوه معلم فارسی شاگردها را یاری میکند تاراز کتاب‌خواندن را کشف کنند و لذت ومسرتیکه ازخواندن آثار نویسندگان ومتفکرین بزرك دست می‌دهد دریابند. هرقدر کتاب‌خوب رابا توجه ودقت مطالعه کنند جذابتر و گیراتر میشود. کتاب متناسب بافهم شاگرد انتخاب شود و عادت کنند تاشخصیتهائی که نگارنده اوصاف آنها را بازبردستی نقاشی کرده است بشناسد و باحالات قهرمان کتاب که مقصود اصلی نویسنده است آشنائی پیداکند. بسایه روشن های این تابلو های قلمی دقت کندو پس از اینکه کتاب را تمام کرده زمین گذاشت بخاطراتیکه از آن داستان دارد مراجعه اجمالی بکند ولطف و شیرینی و منظور آنرا درك کند

شاگرد باید بداند کتاب برای این نیست که هرچه رادر آن میخواند فوری قبول کند با محك تجربه بسنجد، ودر باره آن اندیشه کند ازبحث و انتقاد اظهار عقیده نترسد.

بوسیله دادن پرسشهای کتبی یا شفاهی درباره مطالب مختلف هر کتاب معلم شاگردها را بتقسیم بندی و تجزیه موضوعها از یکدیگر و

تفکرو داوری درباره آنها تشویق میکند جوانان این دوره با جرایدو مجلات و رادیوها و تبلیغات و تحریکات گوناگون تماس دارند . اگر ذوق قضاوت و تعقل آن هارا تقویت نکنیم چگونـه و از چه راه مانع گمراهی آن ها می شویـم و از متابعت تبلیغات مضر بـر کنارشان می داریم ؟!

هر کلاس فارسی را بسه قسمت بکنید . اطفال خیلی با هوش ، متوسط ، آن‌هائیکه ضعیف ومحتاج کمك بیشترند. کتاب های‌مخصوص هردسته مطابق‌فهم آن‌ها باشد و دستهٔ آخر یعنی کسانیکه کم‌قوه‌هستند از همه بیشتر تشویق‌بشوند تاکتاب بخوانند و بقدر احتیاج‌متدرجاپیش بروند . هرگاه کتب خواندنی تمام‌شاگردهای کلاس یکسان باشد چون باقوه و ذوق یك‌عده موافقت نمیکند میل و کوشش از میان میرود و شاگردان بی رغبت میشوند .درصورتیکه این درس را بنحوشایسته تدریس کند و اطفال و جوانان‌درانتخاب‌کتاب از کتابخانه آزاد باشند میل‌کتاب‌خواندن‌افزایش مییابداطفال‌بانوشته های خوب ادبی‌واجتماعی وفنی آشنا میشوند .

بعقیده من‌همین بد درس دادن زبان‌فارسی و اجباری کردن کتب ثقیل و دشوار برای هر کلاس و اینکه شاگردان را از اول تا آخرسال تحصیلی بایك نوع‌مطالب‌خسته‌کننده و ملالت آور در تماس‌می گذارند آن ها را از هرچه‌کتاب ادبی است متنفر کرده بسراغ مجلات مبتذل میفرستد و شیفته‌داستانهاونوشته های کم بها ونامناسب میکند . آنهائی که می گویند اطفال ماذوق کتاب خواندن ندارند اشتباه میکنند زیرا همان جوانان را می‌بینیم‌رمانها و تصنیفهاونوشته های‌کم ارزش رابقدری دوست دارند که باوجود ممانعت معلمین با خود بمدرسه می آورند

حتی در ساعت درس کسالت خودرا باخواندن آن‌هابرطرف میسازند کتاب‌متنوع خوب در دسترس‌شاگردها بگذارید روش کتاب خواندن را راهنمائی کنید تاببینید چگونه بامیل میخوانند واستفاده میکنند.

کتابخانه

هر آموزشگاه اعم از دبستان یا دبیرستان کوچك یا بزرك بایستی مقدار کافی کتبی که‌مطابق‌ذوق و احتیاجات‌شاگردان است‌فراهم کند تصویرها ، نقشه‌ها کارتها ، مجلات‌خوب‌حتی‌مقالات‌روزنامه ها که بکار شاگردان میخورد در آن گرد بیاورد . در این کار خود شاگرد ها میتوانند کومکهای موثری بکنند هر کلاس غیراز اوقات بیکاری در هفته بعضی‌از ساعات رسمی کلاس رااختصاص‌برفتن شاگرد ها بکتابخانه بدهد در این موقع معلم یاکتابدار یا شاگردانیکه در انجمن کتابخانه هستند کتابهای تازه را بشاگردها معرفی کنند و آنها را دریافتن‌کتاب مورد توجه ومطالعه رهبری کرده سرذوق بیاورند .

کتابهامیتوانندبهترین مشوق‌وراهنمای جوانان‌دربارهٔ‌معرفی‌حرفه‌ها ومشاغل آزاد باشند . آنهارادرساختن مدلهاوکارهای دستی‌راهنمائی کنند . هرگونه‌مطالعه ودنبال کردن‌تحقیقات‌علمی‌وفنی‌و ادبی‌واجتماعی‌را برای دانش آموزان مسیر بسازند در اطفال و جوانان شور و نشاط وعلاقه بکارهای سودمند ایجاد کنند . بر عهده نویسندگان ما است که بوسیله تالیفات شیرین‌ومصور وحکایات دلنشین آنهارا سر ذوق بیاورند و محسنات‌یامشکلات هر پیشه‌وهنر وصنعتی را باطلاع جوانان برسانند و بسیاری از هدفهای تربیتی را انجام بدهند . معمولا سفرنامه‌های پرهیجان وداستانهای شیرین بیش از کتابهای خشك اخلاقی طرف‌توجه

اطفال است کتابخانه . اطاق کارهای دستی و آزمایشگاه از قسمتهای بسیار نشاط انگیز مدارس مترقی بشمار میآید وشاگردها قسمت مهمی از وقت آزاد خودرا در آن بخوشی صرف میکنند

دختر من که تا کلاس دوم متوسطه در ایران وتاپایان دبیرستان در خارج بتحصیل مشغول بود علاقـه مفرطی بمطالعه کتاب دارد و در ضمن صحبت از اوقات خوشیکه در کتابخانه مدرسه میگذرانده برای من نقل کرد که‌وقتی در تهران بیکی از دبستانهای‌نو بنیاد میرفت روزی بواسطه غیبت معلم کلاس بی‌نظم وشلوغ شد . ناظم بقصد تنبیه کردن شاگردان بطرف اطاق آنها روی آورد و عده ای از شاگردهـا که اوهم جزو آنها بـود ازکلاس بقصد مخفی شدن گریخته تصادفاً باطاقی که هیچکس در آن نبود وارد شدند . در آنجا سالن وسیع بااثاثیه نو و براق مشاهده کردند که در قفسه‌های آن کتاب های دست نخورده باجلدهای طلاکوب وزیباچیده شده اطراف قفسه ها نرده‌چوبی ظریفی که‌آن‌محل راازسالن جدامیکردقرار داشت . میگفت‌ما نه‌قبل از آن روز ونه بعدازآن هرگز آن محل راندیدیم‌حتی پس از دیدنهم نفهمیدیم که آنجا کتابخانه مدرسه است ولی بعد ها دانستم که چقدر باین مکان علاقه دارم وتا چه اندازه میتوانم در پشت میز های آن بلذت خود را سرگرم بدارم . بگذریم از اینکه کتاب و کتابخانه در اغلب آموزشگاههای ما نیست آنجائی‌هم که یافت میشود نه ساعت بیکاری برای کتاب خواندن دارند نه روش مطالعه را بآنها یاد داده اند نه کتابها مطابق سن وتمایل شاگـردان انتخاب شده است باین‌وصف حتی‌کتابهارا بامانت‌برای‌شب‌نمیدهند وکتابخانه تنها جنبه‌تظاهر وتجمل

دارد و بس یکی ازمدیران مدارس موقعکه مدرسه‌را بشخص دیگر تحویل میداد ، برحسب خودستائی یا برای اقامه دلیل برامانت داری و وظیفه شناسی گفته بود « این کتابها را از روزیکه بمدرسه من آورده‌اند ودر در این قفسه چیدم تابحال نگذاشتم کسی در آنرا باز کرده بکتابها دست بزند » شنیدم چندی قبل که یکی ازاستادان کشورهای دور برای سیاحت بایران آمده بخیال بازدید دبیرستان‌های ما افتادبود اورا بیکی از دبستان های نوبنیاد و خوش آب ورنك هدایت کردند . در ضمن گردش بکتابخانه وارد شده قفسه‌های کتاب نظر اورا جلب میکند . از متصدی آنجا میپرسد اینجا کجا است و شما چکاره هستید ؟ جواب میشنود اینجا کتابخانه است من متصدی آن هستم مجدداً سئوال میکند امروز چند نفر در اینجا کتاب خوانده‌اند ؟ پاسخ میشنوند هیچ ! دیروز چند نفر هیچ این هفته چندنفر هیچ این ماه چندنفر هیچ !

دستور زبان

معمولا در تعلیم دستور زبان شتابزدگی نشان میدهند و قبل از آمادگی طفل آنرا تدریس میکنند . گرچه‌در کلاسهای دبیرستان همان مطالب تکرارمیشود ولی شاگردان بعادت‌سابق بدون توجه بمقصود جملات آماده را یاد گرفته‌تحویل میدهند در حالیکه‌نوشته های خود راکمتر باقواعد دستوری مطابقت میدهند .

تا کلاس چهارم ابتدائی فقط خواندن و نوشتن را یاد بدهند و متوجه بشوند که طفل بدرست خواندن و درست نوشتن عادت کند در کلاسهای پنجم و ششم قواعد معمولی را در ضمن تصحیح خواندن یا نوشتن تذکر بدهند و کمتر بکتاب دستور مراجعه کنند . در دوره متوسطه پس ازخواندن کتاب با نوشتن انشاء وجلب توجه آنها بوضع

وترتیب جملات قواعد را خود شاگردها استخراج وجواب پرسشهائیکه از طرف معلم تهیه میشود طبق آن تجربیات وتحقیقات تهیه کنند کتاب دستور هم برای همین منظور وبصورت جملات مختلف واستخراج قواعد از آنها تهیه شود .

تدریس عربی - با اینکه عربی بمنظوردرست نوشتن لغاتیکه در فارسی مستمل است تدریس می‌شود انتخاب معلم جداگانه برای این درس بکلی اصل مقصود را از بین میبرد و کمترین فایده و اثری از آن مترتب نمیگردد . بعلاوه آنرا بصورت یك موضوع خشك و بی مزه جلوه گر نموده شاگردها را از آن بیزار میکند. جا دارد که بر اوقات نا گوار و پر زحمتی که شاگردان بخت برگشته بیهوده در این کلاسها میگذرانندافسوس بخوریم ودلسوزی کنیم . تدریس عربی بصورت یك درس جدا از فارسی در سه کلاس اول متوسطه لزومی ندارد فقط بوسیله معلم فارسی قواعدیکه مورد ضرورت است بیان میشود ودر ضمن خواندن و نوشتن تحت تمرین در میآید . برای کلاسهای ادبی دوره دوم متوسطه بوسیله معلم فارسی میتوان این قواعد را قدری مفصل تدریس کرد مشروط براینکه موازین و قوانین آن در ضمن خواندن ونوشتن فارسی تمرین بشود. در کلاسهای فنی وحرفه‌ای تدریس جداگانه عربی حتی در دوره دوم متوسطه ضرورت ندارد ولی همه وقت برای درست نوشتن و درست خواندن فارسی از قواعد آن شاگردان رامطلع میکنند. چون درس فارسی بتمام موضوعهای دیگر ارتباط دارد معلمین هر رشته بامعلم فارسی همکاری میکنند وطرز تلفظ لغات تخصصی و نوشتن آنهارا خاطرنشان میدارند .

« سخن گفتن »

حرف‌زدن نخستین درس زبان است و خواندن و نوشتن از منشعبات آن میباشد . شایسته است که شاگردان را بدرست گفتن عادت بدهند نگذارند عادت بلکنت و بد حرف زدن پیدا کنند و نفهمیده ودرهم و وبرهم صحبت کنند . معمولا شاگردان مدارس ما بخوب سخن گفتن و پاسخ سنجیده دادن ومطلب را روشن ومرتب شرح دادن چندان عادت ندارند . اینهم یکی از نقایصی است که معلمین باید از دبستان اقدامات اساسی برای رفع آن بکنند . شاگردان را وا دارند تا گزارش شفاهی بدهند داستانها را با طرز شیرین و جالب بیان کنند . بدون خجالت و لکنت سخنرانی یا مناظره‌های منطقی را از عهده برایند . پاره‌ای ازمعایب سخن گفتن بواسطه بهداشت جسمی وتقویت روحی برطرف میشوند زیـرا نواقص سخن گفتن غالباًاز نداشتن شهامت یا تردید وترس وبی‌تکلیفی ناشی میگردد . تملق گوئی ومداهنه وغلو در ابراز احساسات یاتضرع و ناله و زاری واغراق و ریا کاری بواسطه فساد اخلاق یا عجز و عـدم اتکاء بنفس پیدا میشود . بنده و غلام و چاکر را وحشت زیاد یا خدعه وخیانت جانشین ضمائر شخصی میکنند . پس هروقت علت را بین ببرند معلول خود بخود بر طرف میگردد .

تمرین زبان

برای اینکه شاگردان هنگام کتاب خواندن مثل اغلب اطفال دبستانی جملات را باآهنگ مخصوص وشبیه بآواز ادانکنند بنقطه گذاریها توجه داشته باشند ، حالت واحساساتیکه مستلزم گفتن هر مطلب است بروز بدهند ، قرائت کتاب را با طرز طبیعی حرف زدن تفاوت ندهند .

معلم از شاگردان میخواهد تا وقتی حکایتی را مطالعه کردند چند تن از آنها هرکدام یکی از اشخاص کتاب را تقلید کرده جملات را از زبان او بگوید. موجبات بحث ومناظره و انتقاد از مطالب کتاب را فراهم بیاورد. بوسیله صفحات گرامافون سخنرانیها یاقطعاتی ازاشعار یا آهنگهای نویسندگان یا موسیقی دانهای بزرك را بسمع شاگردان برساند.

دانش آموزان برای روزنامه یامجله مدرسه مقاله واخبارومصاحبه تهیه میکنند. مشاهدات واتفاقاتیکه برای آنها روی داده است مینویسند یابرای سایرین صحبت میکنند. این سر و کار داشتن با حقیقت شاگردان را درساده نویسی، شیرین وموثرصحبت کردن مساعدت میکند شاگردان دوره دوم متوسطه یاهر کلاس تخصصی باید علاوه بر فارسی معمولی مطابق احتیاجات فنی خود از این درس استفاده کنند مثلا درشعبه تجارت دفتر داری وتهیه قرار داد ها وسهام و آگهی هارا بیاموزند. درشعبه ادبیات فارسی باسبك اشعار ونوشته و آثار بزرگان فن آشنائی و احاطه پیدا کرده قوه ابتکار وانتقاد آنها بکار بیافتد وبتوانند مبتکر شیوه خاصی بشوند معلومات فلسفی روانشناسی و علم اجتماع شاگردان ادبیات فارسی را درتهیه مقالات وسخنرانیها مساعدت میکند این درس باید محرك ذوق وهنر باشد وهر کس بتواند مقصد خاصی راپیش بگیرد وآنرا تعقیب بکند. شیوه تدریس فارسی درمدارس ما ازابتدائی تاعالی تحول لازم دارد.

« تدریس مطالعات اجتماعی »

« دروس متحد تاریخ وجغرافیا وقوانین مدنی »

کودکان و جوانانیکه‌در آموزشگاه تحصیل میکنند همگی عضو جامعه‌هستندواز دسترنج‌ومهارت‌ومعلومات افراداجتماع درگذشته و حال بهره مندمیشوند ودرتمام عمر تحت تأثیر آن واقعند میباید باین روابط قطع نشدنی و رشته ناگسستنی پی ببرند و بدانند جز با همکاری اجتماع برای تأمین بقا وسعادت خودکاری از پیش نمیبرند ولازم است برای ادای تکلیفیکه بر عهده دارند آماده بشوند .

هدف مطالعات اجتماعی

منظور از تدریس این موضوع آشنا ساختن طفل و جوان است باموریکه شالوده اجتماع رابی ریزی کرده روابط آدمیان را مستحکم ساخته وتأثیر متقابله که فرد واجتماع دریکدیگر دارند . اگر از عهده تدریس این ماده با نیکوترین وجهی برائیم نهال وظیفه شناسی واخلاق و آداب معاشرت و زندگی با مردم را آبیاری کرده ایم وریشه عدالت اجتماعی را قوت داده مانع نمو شاخه‌های ظلم وستم و جنك ونزاع از روی‌زمین شده ایم .

این درس ازسه موضوع مهم یعنی تاریخ وجغرافیا و تاریخ مدنی ترکیب میشود این درآمیختن موادبدرجات برفایده وتأثیریکه هریك ازاین دروس‌به تنهائی درپرورش افکاردارندمیافزایدودرپرتوی روشنائی افکار شخصیتهای بزرك وخدمتگذاران‌عالم بشریت مجال نمو پیدامیکنند

اما فایده هریك ازاین دروس بتنهائی ازاین قراراست :

هدف تدریس تاریخ

بیان سیر گذشته زندگی بشر است برای ذکر موفقیتها و شکستها و پست و بلندیهائیکه در دوره حیات پیموده است مخصوصاً از این جهت قابل توجه است که هریك ازفعالیتهای انسانی باسایر وقایع و پیش آمد ها ارتباط پیدا میکندوتحقیق درهرقسمت موضوعهای دیگری راپیش آورده فکر انسان را تاجائی توسعه می‌دهد که بحقایق تازه تری میرسد و رموزمهمی رادرمییابد . لذا راه زندگی را یاد گرفته پرتگاه هارامیشناسد وخط مشی عاقلانه‌تری انتخاب میکند .

درس جغرافیا کوشش و کاریکه هر دسته ازساکنین زمین برای سازش بامحیط واوضاع طبیعی و آب وهوا ومحصول این ناحیه کرده وطریقه ایکه برای حل مسائل اقتصادی و کنار آمدن با همسایگان پیش گرفته اند طرف توجه قرار می‌دهد باید دانست که حفظ کردن اسامی نقاط زمین بطور مفصل بدون منظور وهدف اساسی نتیجه ای ندارد واطفال را نسبت بآموختن آن بی میل میکند وارزش درس را میکاهد .

تاریخ مدنی سر گذشت سیاسی انسان است از کشمکش هائیکه برای جلو گیری ازتجاوز وتعدی درمیان آدمیان بظهور رسیده وتحولات وپیشرفتهائیکه برای اجرای حق وعدالت درتوده های مردم روی داده است جوانان را مطلع میکند وبرای کسانی که میخواهند دردنیای امروزبآزادی زندگی کنند دانستن این سیر تحولات کمال لزوم را دارد . بعلاوه هر فردیکه

دریك کشور آزاد زندگی میکند بایدازعلت پیدایش قوانین ومقرراتیکه از آن‌ها پیروی میکنند آگاه باشد و از اینکه چگونه و چرا وضع شده است مستحضر بشود .

حال اگر درست دقت کنیداین سه موضوع یعنی تاریخ وجغرافیا وتاریخ مدنی را طوری آمیخته ومربوط بهم مشاهده میکنید که پی‌جوئی یکی را بدون اطلاع ازدوقسمت دیگر غیر ممکن می‌بینید . مثلا برای اینکه مشکلات ملتی را درزمان معینی دریابید بایستی مقتضیات طبیعی آن سرزمین، اوضاع داخلی آنجا ، روابطی که با سایر کشورهاداشته‌اند وقوانین ومقرراتیکه بر آن‌ها حکمفرمائی میکرده همه را یکجا مورد بررسی قرار بدهید تا روح آن زمان را دریابید ودرست بنتیجه برسید. پس درعین حال جغرافیای آن کشور تاریخ عمومی واوضاع مدنی آن‌جا را بررسی ومقایسه و حکمیت میکنید والا هیچ یك از آن ها جداگانه منظور شمارا بر آورده نساخته‌و بکارنمیخورد . روش تحصیل‌وتحقیق‌این دروس هم خیلی حائز اهمیت است . تاریخ و جغرافیای بی‌هدفی که در آموزشگاههای مابطور مفصل تدریس میشود بکلی موجب تضییع وقت جوانان وبی ثمر است . زیرا شاگردان بدون اینکه موردی جهت فکر و استدلال وقضاوت پیداکنند فقط یك سلسله نام وعدد و وقایع کهنه ونا مطلوب را مرور یاحفظ میکنند وهیچ‌گونه نظر درصحت وسقم و علت ومعلول آنها ندارند .

تدریس مطالعات اجتماعی بیش از تمام مواد درسی فکر و هوش راپرورش می‌دهد وشاگردان را سرذوق میاورد . پسرها ودختر های ما که دوره متوسطه یاعالی راتمام میکنند نه تنها مفهوم روشنی از روابط

اجتماعی بشر درفکر آنها جایگزین نشده است بلکه هنوز بمقررات کشوری که در آن زندگی میکنند آشنائی ندارند و تکالیف متقابله سازمان های کشوری ازقبیل شهرداری وشهربانی را نمی‌دانند. از قانون مشروطیت وطرز انتخاب نمایندگان بی‌خبرند. عجبتراینکه حتی ازقانون ازدواج وطلاق هم اطلاعی ندارند.

همین امسال در کلاس پنجم یك دبیرستان بطورتصادف متوجه‌شدم که هیچیك ازشاگردان ازمقررات ازدواج که در کشور ماجری میگردد خبر ندارند و ابداً باهمیت این موضوع مهم که مستقیماً بزندگی آنها مربوط است پی نبرده اند پس از این که خواندن آن را بآنها توصیه کردم معلوم شد کتاب مستقلی که از آن استفاده کنند پیدا نمی شود و ناچارند بکتب مفصل قوانین که ندرتاً دردسترس میباشد مراجعه نمایند ازاین‌رومعلوم شد حتی دخترها وپسرهای تحصیل کرده ماالازم نمی‌دانند وعلاقه ندارند قبل ازبستن پیمان زناشوئی از شرایط آن آگاه بشوند وتکلیف خود رابدانند.

کیست که این بی اعتنائی نسبت بامور حیاتی را نقص تربیت جوانان یك کشور نداند وازخود نپرسد آیا معنی درس خواندن اینست و برنامه‌ایکه مردان وزنان امروز رابکار میآید همین؟

درس مطالعات اجتماعی بایستی تمام کسانی راکه ازمیراث گذشتگان بهره مند شده اند از طرز پیشرفت و تکامل وسائل زندگی و معیشت مستحضر کند وبفهماند این البسه الوانیکه میپوشند وچراغهائیکه باآن بآسانی ظلمت شب رابروشنائی روزمبدل میکنند، اسباب آسایش وتجملاتیکه درشهرها مشاهده میشود از ساده ترین صورت آن مانند بستن پوست

حیوانات ببدن وافروختن مشعل چوبی درجنگل و ساختن کلبه سنگی درکوهستان شروع شده وبا نیروی فکر وعمل گذشتگان پیشرفت کرده است . همینطورمراتب اخلاقی و قوانین اجتماعی روزی باظالمانه‌ترین صورتی جلوه می‌کرده ولی فداکاری‌ها خونریزی‌هاوصدمات‌همنوعهای‌ما قدم بقدم اینها را جلو برده وتا کنون دمی راکد نگذاشته‌است . دانش آموزان بوسیله کتابها و دیدن موزه ها و سایر مدارك موجود حوادث روز را که مولود وقایع مسلسل ومداوم گذشته است موشکافی‌میکنند وتغییرات اجتماعی رادر می‌یابند . این‌مطالعات‌بی‌شك جوانان را درحل مسائل‌غامض زندگی امروز بیش از هردرسی مساعدت میکند . آنها را براوضاع دنیا تسلطوتوسعه نظر میدهد.روابطمیان نوع بشر ومسئولیت آنهارامدلل‌میدارد . انسان دوستی ومحبت بنوع عدالت و انصاف را که اساس صلح‌وسازش‌وموجد سعادت بشر است بسط میدهد .

تهیه‌درس . دانستیم که‌چون‌سرنوشت بشر بااوضاع طبیعی‌وسایرمقتضیات زندگی اوارتباط دارد این موضوعها که تابحال جداگانه تدریس میشود بهتراست که بیکدیگر به‌پیوندد و بصورت متحد درآید . تدریس این موضوعها بچند شکل میسراست :

اول روشی است که دراکثر مدارس قدیم معمول بوده وهنوزدر ایران تعقیب میشود . یعنی یك موضوع مثلا تاریخ را گرفته مطالبی را که مربوط بآن‌می‌دانند پشت سرهم در میاورند وشاگردان‌آنهارا ازاول تا بآخرمرتب‌میخوانند وبخاطرمیسپارند ولی‌محصلین باین‌شکل‌نمیتوانند بوقایع احاطه پیداکنند وبستگی اوضاع اجتماعی رابیك‌دیگر پیداکرده

راجع بآنها قضاوت درست بکنند . فقط مقداری مطالب ازهم پاشیده و بی ربط در ذهنشان باقی میماند بدون اینکه از آن لذتی حاصل کرده سرذوق بیایند .

دومین شکل تدریس که بعد ها پس از پی بردن بمعایب روش اول برای اتحاد دروس مرسوم شداین است که وقایع رااز لحاظ زمان دسته بندی میکنند . مثلا اوضاع کشورهای بزرك رادرقرون وسطی یاهرزمان دیگر با یکدیگر ربط داده میسنجند و از لحاظ سیاسی و تاریخی و جغرافیائی مورد بحث قرار میدهند . گرچه این ترتیب از روش اول بمراتب بهتراست ولی از آنجائیکه بیشتراین وقایع مربوط بزمان گذشته است وبا حال حاضر که مورد علاقه شاگردان است بستگی آن بظاهر محسوس نمیشود کمتر محرك ذوق اطفال وجوانان میگردد وآن شوق ونشاطی که برای تعقیب مباحث اجتماعی لازم است پیدا نمیشود .

سومین و بهترین طریق ایجاد وحدت بین سه درسی که مربوط بزندگی اجتماع میباشد اینست که یکی از مسائل روز را که جالب و مهم است پیش بگیریم ودر باره موجبات آن شروع ببررسی بکنیم طوری که خود بخود عوامل دیگریکه در گذشته یا حال در آن تأثیر داشته یا دارد نمودارشده مورد توجه قرار بگیرند . مثلا خیلی آسان میتوان شاگردان را برای بررسی وانتقاد ازاوضاع خانواده های امروزی تشویق کرد همین موضوع وقتی که دنبال بشود بتشکیل خانواده درکشورهای دیگر وطرز پیدایش تحولات آن عطف شده علل سیاسی وطبیعی واجتماعی این موضوع روشن میشوداطلاعات تاریخی وجغرافیائی ومدنی شاگردان را میافزاید .

البته پی بردن بمشکلات اقتصادی کشور دردزمان حال برای همه کس جالب توجه است دنباله این موضوع بگذشته اتصال دارد و بخوبی قابل مقایسه و ربط دادن با اوضاع اقتصادی کشور های همجوار میباشد. ضمناً شاگردان از اختلافات اوضاع محلی و تنوع آب و هوا و عادات و سنن وتأثیر آنها درزندگی مردم هر سرزمین مطلع میشوند وبانیروی فکر خویش مسائلی را حل میکنند. اگر دراین باب ایرادکرده بگویند در این صورت جوانان ناچارند وارد گفتگوی سیاسی بشوند اعتراضی کاملا بیجا است زیرا جوانان یك کشور برای این بمدرسه میروند که جهت اموراجتماعی ورزیده‌شوند وبصیرت بیشتر دروظایف خودپیداکنند بعلاوه مدرسه نمتیواند آنهارااز خواندن روزنامه وشرکت درمذاکراتیکه درخانواده‌ها وخارج جریان‌دارد ممنوع بدارد. معلم با این‌طرزتدریس قادر نیست که افکار غلط واشتباهات آنهارا برطرف بسازد وراه حقیقت جوئی را روشن کند.

خلاصه اینکه درباره‌تمام موضوعهاءمانندترتیب حکومتها یاپیدایش علوم وصنایع وتحولات اجتماعی و اخلاقــی ازحــال حاضر آغاز نموده بهر کجا ارتباط پیدا کرد امتداد میدهند و باین صورت چون محورتمام موضوعهای درسی زندگی‌حقیقی شاگردان است مطالب جالب‌تر ومفید تر واقع میگردد.

تهیه موضوعهای مطالعات اجتماعی

برای‌اینکه برنامه‌این درس‌راتهیه کنیم نخست باید بسراغ اجتماعی که شاگرد در آن زیست میکنند رفته آنرا از هر حیث مطالعه کرده مسائل ومواد جالب توجه را درنظر بگیریم وهریك ازآنها را موضوع

یك رشته تحقیقات تاریخی و جغرافیائی و مدنی قرار بدهیم .

اگرچه ما درهیچیك از قسمتهای این کتاب در صدد توضیح دادن جزئیات مواد برنامه برنیامده‌ایم زیرا تهیه آن بستگی بازمان و مکان و احتیاجات و حتی سوابق تربیتی شاگردان هر شهرستان یا دهکده دارد . ولی چون دروس متحد در ایران سابقه ندارد چند نمونه از موضوع های درسی که در هر نقطه کشور میتواند مورد استفاده واقع شود ذکر میکنیم و بقیه را بذوق و تدبیر معلم میگذاریم تا با در نظر گرفتن مواردی که گفتیم شخصا تهیه کند در کلاسهای ابتدائی درس مطالعات اجتماعی تقریبا اساس تمام دانستنیها و کارهای دستی و مشغولیات و تفریح شاگردان است طرز تهیه این درس را بطور نمونه شرح میدهیم .

چند نمونه از موضوعهای مطالعات اجتماعی برای دبستان

موضوع	سال اول	سال دوم	سال سوم	سال چهارم	سال پنجم	سال ششم
محصول محلی وتوزیع ان	در خانواده شما چگونه خوراك و لباس تهیه میکنند ؟	سایر خانواده ها غذا ولباس خود را چطور تهیه میکنند ؟	دکاندارها اجناس را از کجا فراهم می آورند ؟	در نقاط مختلف ایران غذا ولباس و خانه چطور تهیه میشود ؟	تعویض مواد خوراکی و محصول صنعتی بین قسمتهای مختلف کشور	تعویض مواد خوراکی وصنعتی بین این کشور باسایر ممالك دنیا
بهداشت	شما چگونه بهداشت خود را رعایت میکنید ؟	خانواده ئیکه میشناسید در باره بهداشت خود چه اندازه توجه دارند و چه میکنند ؟	برای بهداشت این شهر چه وسائلی اتخاذ شده است ؟	در شهرهای دیگر وضع فعلی بهداشت چه صورتی دارد ؟	اوضاع بهداشت در سایر کشورهای دنیا از چه قرار است ؟	تا بحال در دنیا برای سلامتی بدن و جلوگیری از بیماریها چه تدابیر و اکتشافاتی شده است ؟
اداره اجتماع	خانواده شما چطور اداره میشود ؟	اداره این مدرسه چگونه است ؟	وضع اداره این شهر یا این ده را تحقیق کنید؟	آیا طرز اداره کشور ایران باقدیم تفاوتی کرده است ؟	کشور ایران دارای چه نوع حکومت و چه قانون است ؟ این تحول از چه زمانی پیدا شده ؟	سایر کشورهای جهان دارای چه نوع حکومتی هستند و چه شباهتی با هم دارند ؟

چنانکه ملاحظه میفرمائید دقت و بررسی در این موضوعها که تهیه آن بعهده خود شاگردان گذاشته میشود افکار شاگردها راجریان و توسعه میدهد بعلاوه چون مواد کشدار یعنی قابل کم و بیش شدن است هرشاگرد ضعیف یا قوی میتواند مطابق استعداد و کوشش خود درباره این مطالب تحقیقاتی بکند و بهریك از پرسشها جواب بدهد . قوه تجسس و انتقاد و محاکمه ومقایسه رابکار بیاندازد در ضمن حل مسائل روز بتاریخ گذشته پی میبرد واز سیروقایع وعلت آنهامطلع میگردد گذشته از این ها چون این موضوعها غالبا بشرکت چند نفر از شاگردان انجام میشود آنهارا بکار کردن بایکدیگرعادت میدهد و اساس همکاری و همفکری در باره مهمات اجتماعی را استوار میگرداند

خلاصه اینکه کلیه اموریکه با زندگی افراد و اجتماع پیوستگی دارند میتوانند از این سه لحاظ طبیعی وسیاسی و تاریخی طرف مطالعه دانش آموزان قرار بگیرند و ارتباط و همکاری میان مردم گذشته و حال را مدلل نمایند .

پس معلم بمناسبت کلاس وسن وقوه شاگردان درباره هرموضوعی که بکار امروزمیخورد از ساده ترین شکل آن شروع کرده و دامنه آنرا بقدر وسعت نظر و معلومات شاگردان باطراف گسترده بدانش و بینش آنها می افزاید .

تهیه مواد خام، صنایع وحرفه ها ، وسائل حمل و نقل کالا، رویه آموزش و پرورش وقت گذرانیها و تفریحات ، امور قضائی و انتظامی اوضاع اقتصادی خانواده هاو کشورها همگی جزو برنامه مطالعات اجتماعی قرار می گیرند .

در کلاسهای متوسطه عینا بهمین صورت عمل میشود ولی موضوع

ها پیچیده تر ومفصل‌تر گشته دانش آموزان رابتفکر و تشخیص عواملی که در رستگاری آنها دخالت دارند وموجباتیکه سبب فسادند تشویق میکنند باطفال در محیط آرام مدرسه فرصت و آزادی کامل می دهند تادرباره مسائل غامض اقتصادی ایران و عوامل مخرب محیط‌واجتماع و آنچه مولود مقتضیات روزاست بیاندیشند و عقل و ادراك خود راملاك سنجش صحت سقم آنهاقرار بدهند . ازروی مدارك ودلایل منطقی علتها را یافته درپی دفع مفاسد بروند .

راجع بکشورهای دیگر فقط آنچه که دراین توسعه نظر ذیمدخل است بدانند کافی است مخصوصا عواملی که در نهضتهای مترقی دخالت کرده از لحاظ علمی واخلاقی بدنیامساعدت‌نموده‌است یابرعکس جوامع بشری را زیر نفوذ جابرانه خود اسیرو گرفتارکرده و بار طاقت فرسای سفلگی و زبونی را بدوش آنهاگذاشته‌بشناسند

دروس‌متحد باید افکار و عقول‌را برای شکستن قید و بندهائیکه باعث رنج و درماندگی است آماده بسازد . و بجوانان اعتماد برنفس‌و حس قبول مسئولیت و شرافت ودوستی و ایمان و شجاعت ببخشد .این است معنی پند و تجربه‌ایکه از تاریخ‌زندگی بشربدست میآیدودانستن آن برای تمام افراد مردم سودمند می‌باشد .

روش و لوازم تدریس مطالعات اجتماعی

درکلاس دوم یك‌دبیرستان آمریکائی بنابر صحبتهای قبلی معلم شاگردها علاقه‌مندشده بودند تادرباره مشگلاتیکه‌بین‌کشورهای‌متحده آمریکای شمالی و مکزیك وجود دارد تحقیقات یا بعبارت دیگر تهیه درس بکنند . قبلا هر شاگرد داوطلبانه بوسیله کتابخانه و موزه‌مدرسه یاوسایل خارجی‌دراین قسمت‌ها بررسی کرده بود. روزموعود چند نفر

را برگزیدند تانتیجه بررسیهای خودرا بسمع سایرین برسانند این عده بر پشت میزیکه مقابل نیمکتهای کلاس قرار داشت نشستند یکی از آنها نقشه آمریکا را باز کرد و موقعیت جغرافیائی مکزیك و کشور های متحده و همسایگی نزدیك این دو کشور رابایکدیگر نشان داد پس از این از روابط اقتصادی وسیاسی آن‌ها صحبت کرد . نفر دومی عکسها و کارتها و نقاشیهائی که برای شناساندن موقعیت جغرافیائی کشور مکزیك تهیه کرده بود بتمام شاگردان ارائه و توضیحاتی در باره آب و هوا و محصول و تمدن آنجا داد . سومی از روابط بین این دو کشور درحال و گذشته ومشکلاتیکه همواره برای آنها پیش آمده است سخن گفت جنگها وزد و خوردها و علت آنرا بیان کرده بالاخره موضوع مساعدت امریکا باین کشور مجاور مورد بحث تمام شاگردان کلاس واقع شد موافق و مخالف صحبتهائی کردند جلسه از اول تا بآخر بسیار پرهیجان و شور انگیز بود

چون درضمن صحبت بمسئله ارژانتین که امروز درامریکای جنوبی قدعلم کرده است اشاره شد در پایان درس معلم از شاگردان خواهش کرد تا دفعه دیگر درباره آن کشور و اهمیتیکه در قاره امریکای جنوبی پیدا کرده وتاثیری که درسیاست امریکای شمالی خواهد داشت بحث کنند . این بود نمونه‌ای از درس مطالعات اجتماعی

معلم میتواند در هرموضوع دیگر بهمین ترتیب عمل کند . برای تحقیقات جغرافیائی و تاریخی توجه شاگردها را بیکی از اشیاء عادی جلب و از چگونگی تهیه آن پرسش کند بشاگردان فرصت کافی بدهد تا در آنموضوع تحقیق کنند . عکسها و نمونه هائی گرد بیاورند . مثلادرباره

ساختن پارچه پشمی حیواناتیکه پشم آنها برای رشتن بکار میرود ، نواحی که تربیت میشوند ، آب وهوا وزندگی مردم آنجا ، طرز بعمل آوردن پشم و بافتن آن ، پارچه هائیکه از خارج بایران حمل میشود ، اوضاع آنکشور ها راه وصول بآن سرزمینها را جستجو کنند . نمونـه هائی از پارچه‌های پشمی ایران و خارجه وعکس کارخانه ها و شهرها بکلاس بیاورند . از روی نقشه خطوط و وسایل نقلیه را شرح بدهند علت مکفی نبودن محصول کارخانه های ایران وراه افزایش آنرا بفهمند.
در موضوع تاریخ گاهی اخبار مهم روز را در دنیا بوسیله جراید خوانده ودر رادیو گوش بدهند. زمانی یك قسمت از وقایع دنیا رابوسیله کتابهای مختلف بررسی کرده ونظر خود را در باره آنها اظهار بدارند . هرگز نباید ازاینکه شاگرد درست اظهارعقیده نکندترسید؛ زیرا بعداز اینکه بین چندنفر مباحثه شدومعلم نیزدر آن شرکت کرد بخطای خودواقف میشوند . از شاگردان بخواهد تا مثلا ده علت برای انقراض دولت رم قدیم پیدا کنندیادرباره اینکه آیاایران قدیم یامصر کدامیك بیشتر بتمدن جهانی خدمت کردند مناظره کنند . لباسها و اسلحه قدیمرا نقاشی کنند . وقایع جالب توجه را بصورت نمایش در آورده بازی کنند . هر یك از موضوعهای تاریخی و اجتماعی را که مورد تحقیق قرار میدهند خلاصه کرده در دفتر خود بنویسند

اما لوازم کار که شاگردها برای کسب اطلاع بآنها مراجعه میکنند عبارتنداز کتب مختلف، نقشه‌ها و کارت پستالها، دیدن موزه‌ها ، گردش در ادارات و موسسات ملی وایستگاههای ترن وهواپیما، حضوردر کارخانه‌ها دادگاهها واتحادیه‌ها ، تماشای فیلمهای سینما ، نقشه‌ها ، عکس‌ها و تهیه لوازم درس وهر گونه اشیائیکه برای مزید بصیرت دانش آموزان لازم باشد.

اینگونه ممارست و تجربه نه تنها دیده بصیرت جوانان را در تمام شئون اجتماعی روشنائی میبخشد بلکه شخص را بفکر اصلاح حال خود و بصرافت جدیت در راه سعادت کشور وعموم مردم میاندازد. اشخاص را زرنك وهشیار ساخته هر گونه سازمان اجتماعی را بر بنیاد محکم عدالت استوار میسازد.

تدریس علوم طبیعی

مبنای زندگی و پیشرفت بشر بر دانستن خواص و اسرار طبیعت استوار شده است. تهیه غذا. ساختن خانه. پرورش طفل. زراعت. صنعت و تجارت جنك وصلح بالاخره تمام مسائل حیاتی باعلم و تجربه سروکار دارند

اطفال عاشق طبیعتند. آموختن علوم طبیعی باطفال برخلاف تصور بعضی اشخاص هیچ اشکالی ندارد زیرا کودك وانسان بدوی خیلی زود تر از اینکه بخود توجهی مبذول دارند درصدد شناسائی دنیای خارج برمیایند ودر این باره ازهرگونه کنجکاوی و کوشش دریغ نمیکنند. بااین شوق طبیعی که اطفال یا بزرك سالان نسبت بدانستن رموز زندگانی حیوانات ورشد نباتات و آثار طبیعت نشان میدهند وچون وچرا که از آغاز کشوده شدن زبان دراین نوع مطالب مینمایند جای بسی افسوس است که مدارس ما علوم طبیعی را بقدری دور از ذهن وخشك و بیفایده تدریس کنند که طفل و جوان را از آن گریزان ومتنفر بسازند.

چون ازدرجه اصرار و ابرام عادی کودکان درباره دانستن ماهیت عالم و آنچه در آنست با اطلاع هستیم همینکه گریزان بودن آنهارا از دروس طبیعی ومواد دیگریکه میتواند حس طبیعی آنها را ارضا کند می بینیم بی اختیار معترف میشویم که معلمین و نویسندگان کتابها برای

کشتن و از بین بردن این ذوق و نشاط غریزی واقعا اعجاز نشان داده‌اند و زحمتها کشیده‌اند تا توانسته‌اند روشی اختیار کنند که با میل و علاقه آنها مخالف باشد و باعشق آنها با طبیعت مبارزه کنند.

فقط از طبیعت اطفال استفاده کنید

همانطور که برای تمام دروس متذکر شدیم در این موضوع‌هم تکرار میکنیم که نخست باید میل و احتیاج یادگیرنده‌را در نظر گرفته و از آن متابعت کرد از این رو مربیان دبستان میتوانند از حس کنجکاوی و احساساتی که اطفال نسبت بحیوانات یا نباتات دارند استفاده کنند.

بچه ها خیلی مایلند با چشمان خود اظهار محبت و پرستاری گربه یاسگ یا مرغ را نسبت به نوزاد خود به بینند. زحماتیکه یك گنجشك برای ساختن لانه متحمل میشود مورد مطالعه قرار دهند. بیرون آمدن جوجه را از تخم و سر بر آوردن دانه را از زمین تماشا کنند. غالبا خود متصدی پرورش حیوانات یا کاشتن نباتات باشند. مواظبت کردن طفل از حیوان یا نبات باعث میشود که نسبت بآنها احترام و علاقه خاصی پیدا می کنند و دیگر در خیابان سنك بطرف گربه یاسك پرتاب نکرده شاخه درختان و بوته گلها راخرد و لگدمال نمیکنند. با طبیعت طرح دوستی میاندازند مایل بکشاورزی میشوند وجدان اخلاقی آنها بیدار میگردد. از آن پس هر گاه با حیوانات و نباتات و احیانا سایر موجودات مصادف شود آن‌را بدقت وارسی میکنند.

خواندن داستانهای راجع بحیوانات یا نباتات برای اطفال خیلی مشغول کننده است. معلم میتواند پس از خواندن هر داستان با پرسشهای بموقع حس کنجکاوی آنها را برانگیزد تا بهمبستگی حیاتی که میان موجودات برقرار است واقف بشوند.

درس طبیعت را در دامان طبیعت بدهید

تا ممکن است اطفال را با خود موجودات مواجه بدهید و اگر میسر نباشد موجباتیکه بیشتر بحقیقت شباهت دارند مانند عکس وفیلم سینما بکار برید . خواندن و حفظ کردن لغات و جمله ها هرگز بدل نمی نشینند و دیده وعقل آنها را بدقت نمیبینند ، هر قدر ممکن است بچه یابزرك را باحقیقت روبرو کنید تاباچشمان خود مشاهده وبادستان خود لمس کنند احساساتیکه برای آنها تولید میشود بخاطر بسپارند توضیحاتیکه بیش ازحوصله‌طفل وبمنظورفضل‌فروش ولفاظی باشد بکار اطفال نمیخورد . همان بهتر که بزودی با داروی فراموشی جان خود را از دست‌آنها رهائی بخشند وآن مطالب ثقیل را بخاطر نگاه ندارند

روابط طبیعی بین موضوعها برقرار سازید

بعقیده دانشمندان اخیرفن تربیت بدترین شکل‌تعلیم طبیعیات در دبستان یا دبیرستان این است که شاگردان یکسال یا چند ماه پی در پی را و منحصراً صرف شناختن سنگها و مدت دیگری را برای بررسی نباتات و چندی را بمطالعه در باره حیوانـات اختصاص بدهند و میان موجوداتیکه ازهرحیث بهم پیوسته‌هستندجدائی‌بیافکنند . مخصوصاًاگر این تعلیم صرفاً بوسیله‌کتاب باشد . انسان مایل است موجودات را با همان شکل طبیعی و روابطی که با هم دارند در آئینه ضمیر خویش منعکس‌سازد واز حیث فایده با شباهتی که با زندگی اودارند بشناسد . گفتیم که مربـی هم موظف است هر موضوع یاد گرفتنی را با خواهش و تمنای یاد گیرنده تطبیق بدهد . از این رو جـای این است که در مدارس‌بساط دسته‌بندیهای‌مصنوعی‌را زودی بهم‌بزنندو برحسب مقتضیات

طبیعت در تنظیم و ترتیب دروس اهتمام نمایند وجز در کلاس های عالی که داوطلبان مایل تحقیقات و تتبعات تخصصی هستند حتی الامکان روش دروس متحدرا پیش بگیرند . یعنی شاگرد ها یك منطقه را که در نظر گرفتند آب وهوا ونباتات وحیوانات وزندگی طبیعی مردم آنجا را دنبال کنند و ارتباط هریك راباديگران بفهمندواز آن نتایج عملی درارتباط دادن این دانسته ها باهدف اصلی که پیدا کردن راه ورسم زندگی است بگیرند؟

در تقسیم بندی علوم طبیعی رعایت تنوع بشود

کاری بکنید که شاگردان هرسال با معلومات تازه وقابل ملاحظه مواجه شده بتکرار آنچه خوانده اند مجبور نکردند . از کلاس اول دبستان علوم طبیعی از ساده ترین شکل آن که همان دانستن خواص معمولی اشیا وشناختن شکل ظاهری آنها است آغاز میشود و اندك اندك جلو میرود و مفصل تر میشود . اما باوجود اینکه تمام این موضوعها دنباله یکدیگر هستند بایستی طوری ترتیب آنرا بدهید که صورت تکرار پیدا نکند وهر سال تازگی وجذابیت خاصی داشته باشد و باذوق وفهم سنی شاگرد ها تطبیق کند . زیست شناسی یعنی پی بردن بساختمان دقیق انسان وحیوان ونبات ودرك شباهات و اختلافات آنها برای دانش آموزان متوسطه سودمندو جالب است . البته در هر مورد همانطوری که عناصر طبیعت از انسان جدائی پذیر نیستند مطالب دانستنی هم باکسانیکه در باره فهم آنها کوشش میکنند نباید فاصله بگیرند بلکه بمنظور بالابردن سطح فکر وموفقیت زندگی تدریس بشود پس منافع هرچیز در غذا ولباس وخانه وسایر ضروریات زندگی فراموش نشود و تحت تمرین قرار بگیرد .

کلاس های تخصصی که از دوره دوم تشکیل میشود راه تحقیق و تعلیم طبیعیات را مشخص‌تر میکند. زیرا هدف آن از طرفی بزندگی خصوصی انسان واز جهتی بحرفه وصنعت و هنری که تحصیل میکند منتهی میگردد شخصی را هر لحظه در کارخود بیشتر احاطه داده در وصول بموفقیت رهبری میکند.

مبنای درس را برمشاهده وآزمایش بگذارند

تمرین دروس طبیعی میتواند بصورت اشتغال شاگردان بکارهای دستی وصنایع معمولی در آید واگراین کار ها درست راهنمائی شود فواید بسیاری حاصل میکند.

مثلا باساختن یك‌میز و تهیه یك لباس یا کار کردن در مزرعه ومراقبت دامها شاگرد میتواند بکومك معلم میزان کوششی که بشر از از آغاز تمدن تا بحال برای دست یافتن بطبیعت کرده و چگونگی تحولیکه بعلت پی‌بردن بآن رموزدرصنایع‌وحرفه‌ها ایجاد نموده پی‌ببرد وباعجاز علوم بخودی خـود معترف بشود بی آنکه معلم برای شرح وبسط آن بخود یاشاگرد زحمتی داده باشد یك‌روزاطفال‌مقداری پیله ابریشم را باز میکنند واز آن تار هائی تهیه کرده با اسباب خیلی ساده ویسندگی قدری میبافند آنوقت تفاوت زحمت کار گران کار خانه های یزدی را با مال کار خانه های اروپا میفهمند اینگونه کار ها علاوه بر آشنائی باطبیعت همدستی وهمکاری مردم را درگذشته و حال‌مدلل میداود وبآنها درس سعی وعمل و وفاداری و قدردانی نسبت بسایرین میدهـد.

مدت درس طبیعی تا حدود یکساعت میتواند ادامـه پیدا کند

ولی مدت عملیات آزمایشی ممکن است دو برابر این بشود . تکالیف کش دار باشد تاشاگردان را خسته نکند وهریك بمیزان سرمایه عقل خویش از سود آن بهره مند بشوند . در آزمایشگاه برای تمام شاگردان جا واسباب کار مهیا باشد . اگرمعلم اشیائی را بکلاس میآورد تاممکن است بمقدار کافی از آن برك یاسنك و غیره تهیه کند تا همگی استفاده کنند وهر گاه عملیاتی را شخصاً انجام میدهد جملگی آنرا به بینند . در هر صورت ازجزئی بکلی رفتن ودرست و نادرست را تمیز دادن و قیاس وتعمیم کردن بعهده خود شاگردان باشد . تا چیزی را تعبدی در ذهن جا ندهند وپیش از پیدا کردن مجال تفکر وتفحص جواب ندهند . هر شاگرد دفتر یاد داشت یا کارنامه‌ای برای خودداشته باشد که نتیجه پی‌جوئیها وتصویر اشیاء رابهر صورت که سلیقه وعقیده او اقتضاء میکند جمع آوری کند . هر طفل یا جوان میتواند دریك رشته‌ازطبیعیات که میل‌داردبتحقیق‌وتهیه مجموعه‌وکسب اطلاعات زیادتر بپردازد . نشان‌دادن‌فیلمهای‌مخصوص‌واسباب بزرگ کردن‌عکس‌ها واستفاده از گل و گیاه باغچه مدرسه ، موزه و کتابخانه و آزمایشگاه برای کلاس طبیعیات لازم است . برای این درس کتابهائی بهتر هستند که‌مطالب‌را بصورت آزمایش در آورده نتیجه را در آخر شرح بدهد وپرسشهائی در هر موضوع داشته باشد که شاگرد ها جواب آنرا پیدا کنند از هر راهی که‌ممکن است شاگردها را بسر ذوق بیاورد . دانش آموزانیکه در هر یك از رشته های علوم طبیعی علاقه مخصوصی نشان میدهند معلم آنهارا بعضویت باشگاه علوم که‌در بخش کارهای اجتماعی اشاره کردیم معرفی کرده قریحه وتمایل آنها را قدردانی کند .

این شکل اقدامات شوق وفـراست اطفال را درکسب عـلم و صنعت پیشترفت میدهد . بعلاوه هرکس درخانه یا اجتماع یـا در کار و شغل خـود با مسائل و مشکلاتی رو برو می شود بـا آزادی کامل برای حل آن از آمـوزشگاه کمك میخواهد . اگر خیال کنید کار مدرسه تکمیل برنامـه وبجا آوردن فـورمالیته آن است دچار اشتباه شده اید بهترین موقع یاد گرفتن وقتی است که انسان ضرورت دانستن را احساس وخود را آماده فراگرفتن بکند .

ریاضیات

تدریس ریاضی را اگر با سه موضوعی که ذیلا نـوشته میشود تطبیق بدهیم این درس شیرین و پرمنفعت شده قدر و مقام زیاد تری نزد دانش آموزان پیدا میکند ودیگراین گونه منفورشاگردان وبی ثمر بحال آنهاجلوه گرنمیشود ومانندامروزبهرشاگرد مدرسه که برمیخورید ازدرس ریاضی اظهار نگرانی وبی میلی نمیکند

سه نکته مهم که باید در نظر مربی باشد اول احتیاج عمومـی دوم استعداد یاد گیرنده ، سوم اهمیت تربیتی این درس است . در باره هر یك از آنها اشاره ای میکنیم

احتیاج عمومی - هرچه مسافت بیشتری را در سرزمین تمدن طی میکنیم خاصیت ریاضی و تماس مستقیم آن با تهیه لوازم زندگی وفعالیتهای اجتماعی آشکارتر میشود. ریاضی خدمت بزرگی در تعیین مقدار خوراك وتهیه پوشاك وساختمان منزل و وسایل مسافرت و ترقی صنعت وعلم میکند که نمیتوان منکر آن شد اما تردیدی نداریم که

این احتیاج نسبت بطرز زندگی ومقدار پیشرفت هر گروه و هر فرد اختلاف کلی دارد .

استعداد شاگرد - با فواید زیادیکه برای ریاضی شمردیم تمام اطفال وجوانان برحسب غریزه ذاتی جهت ابراز لیاقت در این موضوع بیك اندازه زمینه مساعد ندارند . کافی است کـه بر اثر اهـمال در بکار بستن این حقیقت طفل خسته وبی‌رغبت گشته برای همیشه از این درس بیزار شود وحتی باندازه قدرت طبیعی خودش پیشرفت نکند معلم با آزمایش های مخصوص مقدار قدرت هر فردی را میسنجد و اشخاص مستعد را پیشرفت زیادتری میدهد برای شاگردان کم قوه تسهیلاتـی فراهم میاورد تا از حداقل استعداد حداکثر استفاده راکرده ازاین علم بحد لزوم بر خوردار بشود .

اهمیت تربیتی - حل مسائل‌ریاضی انسان‌را بصحت کارهای ذهنی عادت‌میدهدعلائم وفومولهاواندازه‌هاوآمارونقشه‌ها نیروی‌تفکر را تقویت وآنرا مرتب و پابرجا میکند ودر حصول نتیجه تسریع مینماید . ایده مقدار میان اشخاص مختلف ارتباط ذهنی برقرار میسازد

طرز تدریس - رضیات بازیبایی ارتباط کلی دارد و در ایـن صورت نمیتواند منفور اطفال وجوانان‌واقع بشوداغلب چیز های لطیف ودلپـذیر کـه انسان از تماشایش‌لذت میبرد واحیاناً روحش‌رابهیجان می‌آورد مانند نقاشی ، گل سازی ، گچ بری ، طراحی ، و هرگونه اشکال مرتب دیگر بافکر ریاضی بوجود می‌آیند و تقسیمات بدیع آنها از علم حساب وهندسه سرچشمه میگیرند . هر گاه معلم ریاضی تا حدی ذوق وهنر مندی داشته باشد وخوداو روابط میان این علـمرا بـا

هنرها وصنایع زیبا بخوبی درک کرده ازآن محظوظ شده باشد میتواند شاگردان خود را هرقدمیکه درفهم ریاضیات جلو میروند بااین رازهای آفرینش آشنا بسازد وآنهارا سرشوق بیاورد .

گذشته ازآن ریاضیرا اعم ازحساب وهندسه وجبر بامسائل جاری زندگی شاگردان ارتباط بدهد وازاولین مرحله شناسائی اعداد آن ها را با معدود مناسبیکه طرف میل احتیاج اطفال است ذکر کند . بعملیاتیکه طفل علاقه دارد رهبری کند مثلا پنج مداد وچهار گردو بگوید ونشان بدهد و عملیات آنرا در بازیهای مناسب تمرین کند . مادامیکه یك قاعده بوسیله تکرار وتمرین های متنوع عادی وطبیعی شاگردان نشده بسراغ دیگری نرود دراین صورت مطمئن باشد که تحصیل ریاضی لذت بخش میشود ودیگر خسته کننده ومشکل جلوه نمیکند .

وقتیکه معلم با اطفال هفت وهشت ساله ازجمع یا تفریق اعداد ۵ و ٤ صحبت میکند . چون طفل از درك منظور وفایده آن عاجزاست ابراز فعالیت نمیکند . ولی همین که اعداد بصورت اشیاء و مسائل بازی در آید ودرخور ذهن کودك شد وبا ثمر جلوه کند محرك شوق وعلاقه میشود .

هدف درس ریاضی این است که شاگرد بتواند ازاعداد درتجربیات ونیازمندیهای زندگی استفاده بکند پس دردوره های تحصیلی هرقسمت از ریاضیکه بدرد زندگی محصلین نمیخورد باید از برنامه حذف بشود. ازطرفی میزان احتیاج شاگردان اینجا را نمیشود از روی برنامه سایر کشور ها معین کرد ویا عقیده شخصی را ملاك اندازه آن قرارداد . رشد زندگی عمومی را در نظر بگیرید تا با زیاد روی یـا کجروی در تعلیم اطفال را درمانده نسازید .

قوای شاگردان کند ذهن و بی استعدادرا با پیروی ازدستورهای روانشناسی تدریجاًپرورش بدهید. هیچگاه مسائل ریاضی را ازمطالبیکه طفل نمیتواند لزوم و فایده آنرا درك کند تهیه نکرده الفاظ و کلمات غریب و دور از ذهن درتدریس بکار نبرید.

درسالهای اول دبستان با مخلوطی ازمسائل حساب وهندسه بازیها ومسائل شیرین طرح کنیدکه شاگردان را سرگرم کند تابتدریج بتوانند قادر به درك سایر منافع ریاضی درکار و کسب آینده خودشان بشوند. ولی درهرحال ازساده ترین مسائل تا پیچیده ترین آنهابایستی بازندگی عادی وفق بدهد. ضمناً بشاگردان دبیرستان در باره امور محاسباتی لازم از قبیل منافع بیمه ودفترصرفه جوئی، تطبیق دستمزدباهزینه زندگی، ضرر امساك درمخارج لازم، اطلاعات و سوابقی بدهید. در کلاس های تخصصی مسائل ریاضی را بیشتر با شغل وحرفه شاگردان تطبیق بدهید.

یادگرفتن هندسه بوسیله ذکرقواعدخسته کننده است درصورتیکه شاگردان خودشان صورتازه و آزادطرح بکنند و اندازه هاوتساوی زوایا و مانند آنرا با تجربه تشخیص بدهند رفته رفته ذوق ومهارت پیدامیکنند

این درس در تمام مراحل باید برای تعیین نسبت بین سطوح و اجسامیکه دردسترس شاگردان است واستخراج قوانینیکه ازعهده آنها ساخته است و تطبیق آن با حرکت و عمل بکار برود. در کلاس درس شاگرد ها اشکال هندسی را با کاغذ و مقوا چیده روی تصاویرمیگذارند واندازه میگیرند وقواعدرا درمی یابند. بمیل خود اشکال تازه با مقوا و تخته بسازند ویا روی کاغذ رسم کرده رنك آمیزی کنند. درچرخهای بافندگی و زراعت و اسباب وادوات ساختمانی ونجاری با مشاهده عین

خواص ریاضیرا دریابند تجربه کنند تا اینکه فایده این علم در ساختن اشیاء و ابزار بر آن ها آشکار بشود وازآنچه میخوانند بتوانندا ستفاده کنند .

ازاین‌موضوع نمیتوانیم بگذریم بی اینکه باشتباه بزرگیکه‌دولت ایران چند سال قبل باتغییر ناگهانی و بیسابقه اصطلاحات ریاضی مرتکب شد اشاره بکنیم واززحمت فراوان معلمان و پریشانی حواس شاگردان ودرماندگی والدین درکومك‌کردن بفرزندان خود اظهار تأسف نکنیم

تعلیم بهداشت

برای تدوین برنامه بهداشتی مدارس یك محل اول باید اطلاع کافی از اوضاع زندگی مردم بهمرساند . تغییرات و اصلاحاتیکه لازم دارد پیش چشم قرار داد ، بعد از آن برنامه را طبق آن تنظیم کرد تا بوسیله یك رشته تعلیمات و تمرینات متوالی و تدریجی وضع خوراك و مسکن وعادات زندگی افراد جلو برود ومعایب مرتفع شود . در نتیجه ترجمه کردن یا نوشتن برنامه بیمطالعه است که وقت اطفال یك ملت با از برکردن ساختمان صافی شامبرلن و بخاری آب‌گرم تلف میشود درحالیکه از خطرات آب حوض های کثیف یا تلف شدن عده کثیری بچه در آنها یا خفه شدن با گاز ذغال کرسی بیخبر میمانند و هیچگونه روش عملی برای کاستن این صدمات نمییابند .

دانستن قواعد کلی بهداشت بدون تطبیق کردن آن با جزئیات امور زندگی برای اطفال ملتیکه تا این اندازه از شرایط سلامتی خود غافلند بیحاصل است معمولادراینگونه موارد یعنی وقتی جوانان تئوریهائی در مدرسه‌میخوانندودرخانواده مخالف آن‌را مشاهده میکنندوهیچگونه

مهارتی درتغییر وضع خود ندارند ولو برای آسایش خیال خودشان‌هم باشد میکوشند تا بوسیله استدلال های گوناگون ابطال دروس مدرسه و بیضرر بودن روش عادی خود را باثبات برسانند و آنوقت است که عباراتی مانند « دل خودت رابدنیاور » یا « بد از پیش خدا نیاید » در زبان مردم جاری‌میشود.

تعلیم بهداشت شامل معلومات وعادات بهداشتی ومهارت در عمل واجرای آن ها است . پس در برنامـه تمام کلاسها لازم است این چند قسمت مراعات شود :

۱ـ سلامتی شاگردان مدرسه بوسیله تهویه و پاکیزگی و راحتی کلاس‌ها ، معاینه‌مرتب پزشك ، زدن‌واکسنهای‌لازم ، جلوگیری ازشیوع بیماریهای واگیردار رعایت بشود .

۲ ـ وسایل بهداشتی مدرسه بقدری ساده باشد که در محیط شاگردان قابل تقلید بوده بتواند سر مشق زندگی اهالی باشد . منظور این است که ساختن بنای مجلل برای مدرسه در شهری که خانه ها با اسلوب خیلی عقب مانده تهیه میشود نمیتواند باندازه آموزشگاهیکه ساختمانش‌باخانه‌های‌معمولی‌نزدیك‌بوده ولی‌دارای‌مزایاوشرایط بهداشتی ساده است درزندگی مردم سودمند اتفاق بیفتد .

۳ ـ سلامتی روحی شاگردان ، نشاط وشادی آن ها از خاطر دورنشود . هرگاه روابط شاگرد و معلم تیره وظالمانه بوده اطفال دائم افسرده وعصبانی باشند یامیزان دروس ازقدرت آنها تجاوز کند یاساعات دروس طولانی‌وخسته‌کننده وانتظامات آموزشگاه مشکل‌ومخل آسایش افراد باشد ایجاد تشویش ونگرانـی کـرده موجب بیماریهای روحـی

میشود و جوانان را بمخاطرات بزرك اخلاقی و نفسانی میافکند.

٤ - سازمان بهداشت مدرسه و اداره ارشاد بکوشد تا مادر ها و پدرها را در بجا آوردن مراسم بهداشتی خانواده تشویق کند. بعلاوه از والدین بخواهد تا روابط خود را با فرزندانشان بر اصول رفاقت استوار کنند و به دردهای دل آنها برسند.

ترقیات امروز علم روانشناسی جای عذر برای مربیانیکه از شناختن نفسانیات جوانان غفلت میکنند باقی نمیگذارد و بخانواده‌ها اجازه نمی دهد که تنها فکرشان متوجه نمره گرفتن اطفالشان باشد ولی بموفقیتها یا شکستها وشکنجه های روحی وسایر عواملی که اثرات دائمی در باطن اطفال آن ها نمیگذارد فکر نکنند و ندانند که انتقام جوئی ؛ لج بازی ، بی اعتنائی بخواهش های جوانان یا اطفال چگونه سبب تجری آن ها میگردد.

هر آموزشگاه یك اطاق معاینه ومحل استراحت موقتی دواهای ضروری داشته باشد. اگر اوقات معاینه پزشك معالج در مدرسه معین شود بهتر از رفت و آمد دربهداری مدارس است که اغلب والدین فرصت همراهی با اطفال را نداشته و از آن غفلت میکنند.

یکی ازمدیران مدارس ملی اظهار میداشت ازوقتی پزشك مخصوص برای آموزشگاه خود استخدام کرده ام و هفته ای ۳ روز در مدرسه بمعاینه ومداوای شاگردها میپردازد عایدات مدرسه بمیزان قابل ملاحظه افزوده شده است زیرا کودکان کمتر بکسالت ممتد مبتلی وغیبت طولانی میکنند.

دروس کلاسی. گذشته ازمعتاد کردن اطفال بعملیاتیکه برای سلامتی آن ها ضرورت دارد بعضی مطالب علمیرا شاگردها باید از راه

تحقیق ومطالعه دریا بندو ساعاتی از برنامه هفتگی رابااین کار اختصاص بدهند.
حتی نظر به اهمیت درس بهداشت این موضوع در ضمن سایر دروسهم تعلیم بشود . علوم طبیعی ، شیمی و فیزیك ، تدبیر منزل ، علوم اجتماعی و روانشناسی همه با بهداشت ارتباط دارند . حتی برای تمرین ریاضیات مسائلی میدهند که شاگردان را متوجه مطالب مربوط به سلامتی میکنند درتعلیمات حرفه‌ای بهداشت مخصوص هر کار و شغل را بمتخصصین یاد میدهند . باشگاههای ورزشی اصول تربیت بدنیرا تحت تمرین درمیاورند دروس کلاسی شامل مطالب زیر میباشد که بتناسب سن ومعلومات اطفال تعلیم میشود :

۱ ــ شناختن طبیعت انسان وقوائیکه ازهرجهت براوتسلط دارند وروش مبارزه باآفات جسم وجان .

۲ ــ سازش مزاج باآب وهوای محل وطریق دفع بیماریهای بومی

۳ ــ شناختن بنگاههائیکه برای حفظ صحت و آسایش عمومی ایجاد شده است ازقبیل بیمه عمر ، بیمه منزل ، درمانگاهها ، بیمارستانها ادارات آتش نشانی .

٤ ــ کومك هائیکه هرکس ببهداشت عمومی شهر یا دهکده خود میکند .

٥ ــ مسئولیتهای اشخاصیکه برای بهداشت عمومی خدمت میکنند مثل پزشك ، پرستار ، دارو ساز ، و تکالیف اهالی درباره حمایت از آنها تا این که بتوانند وظیفه خود را انجام بدهند . همان طور کــه پزشك نباید از عیادت بیماران درهرموقع شب خودداری کند . مردم هم نباید اجازه به دهند که شیادان آنهارا دراین راه بزحمت بیاندازند مثلا باشوخی

تلفنی آن ها را بیعلت بعیادت طلبیده امور جدی را بمسخره بگیرند یا باین نام بخارج برده جان یا مال آن ها را در معرض خطر قرار بدهند

٦ ـ مسائل جنسی واهمیتی که درسلامی روحی وبدنی دارد از نظر دور ندارند و شاگردان را درسن بلوغ مخصوصاً ازخطر بی اطلاع ماندن ازمطالب ضروری برهانند .

۷ ـ شاگردان را متوجه زیادن ابتلای بالکل وتریاك و سیگار بکنند .

۸ ـ مضرات تقلب یا اشتباه درفروش و استعمال داروها یا اجناس خوراکی را بهروسیله ممکن است گوشزد کنند .

امتحان بهداشت مربوط باین سه موضوع باشد اول سنجش میزان کوششیکه طفل یا جوان برای انجام دستورهای صحی درباره خود وهمشاگردیها وشهر یا دهکده بکار میبرد . دوم اطلاعات علمی که در این موضوع پیداکرده است سوم پیشرفتیکه در رشد و بهبودی حالت مزاجی او نمودار شده است .

بعضی اطفال بواسطه فقر ومشکلات خانوادگی نمیتوانندبدستور های بهداشتی رفتار کنند . یعنی غذای مکفی و اسباب نظافت در اختیار ندارند . در عین حال مقدار کوششیکه با همان وضعیت برای بهبودی خود میکنند و نتیجه ای که متدریجاً حاصل میشود طرف توجه واقع گشته سزاوار پاداش وتشویق قرارمیگیرد. داشتن معلومات سطحی برای کسانیکه هیچگونه کوشش در اجرای مقرراتیکه آموخته اند ندارند و با وجود اطلاع کافی و فراهم بودن موجبات از انجام دستوراتیکه مربوط بسلامتی روح یا جسم است سرپیچی میکنند فایده ای ندارد و

این شاگردان نباید در امتحان بهداشت پذیرفته بشوند .

تدریس زبان خارجه

آیا درس زبان خارجه برای تمام دانش آموزان مدارس متوسطه ضرورت دارد یا خیر ؟

پرسش بالا موضوعی است که خیلی اوقات مورد بحث فرهنگیان واقع شده واندیشه‌ها را بخود مشغول ساخته است . بعضی اشخاص آنرا جزو معلومات عمومی ولازم جوانان نمیشمارند ، عده دیگر درمقدار آن تردید دارند . برای این که جواب مطمئنی باین سؤال به دهیم ناگزیریم یك بار دیگر بملاك دانش ها که دردنیای حاضر برای پرورش آدم متمدن تعیین کرده اند مراجعه کنیم .

انسان متمدن دراثر تربیت میخواهد بخوشبختی خود و اجتماع کومك کند و بتواند موجبات آسودگی خود را فراهم بیاورد . اماخوب زیستن شرایطی داردکه از جمله آنها یکی نیرومندی جسم وجان است ودیگری داشتن محیط رضایتبخش وخانواده ومیهن خوشبخت . واینکه ازعهده تأمین استقلال اقتصادی خود برآید ولیاقت استفاده ازموجبات تفریح واستراحت ودرك زیبائیها را داشته باشد درعصری که بیش از هر وقت دیگر ساکنین قطعات دنیا بایکدیگر آمیزش واشتراك منافع دارند وهیچیك ازساکنین نقاط عالم نمیتوانند قلمروخود رابکلی ازمال سایرین مجزی کنند ، مخصوصاً برای ملتی که بیشتر مایحتاج خود را از علوم و ادوات پزشکی گرفته تا لوازم کشاورزی و صنعتی و هنری از خارج تهیه میکند ، دانستن یکی از زبان های زنده که بر آوردن حوائج را آسان میکند لازم است . مشروط براین که آموزش زبان ازاول بامنظور

اصلی مطابقت کند یعنی بمنزله کلید کشفی باشد که درعلوم و صنایع دنیای بزرك را بروی انسان بگشاید وفکر را در جستجوی راه و رسم نوین فرهنك وهنرمندی و کشف رازهای خوشبختی مدد کند.

طریقه تدریس

یاد دادن زبان را بهتراست از روش سخن گفتن طبیعی بشر تقلید کنیم و همچنان که اطفال یا بزرك سالان بواسطه تماس بایك جمعیت خود بخود احساس احتیاج بآموختن آن لغات کرده شروع بتکرار و تمرین میکنند وهمانطور که از گفتن جملات کوتاه وخیلی ضروری آغاز سخن گفتن میشود در مدارس هم برای یاددادن زبان خارجه این روش را معمول بدارند:

۱ - قبل ازشروع به درس بواسطه شناساندن مردمیکه بآن زبان متکلمند و مزایا و مراتب علمی و ادبی آنها، روابطیکه مابین ایران و آن ملت وجود دارد و فواید مراوده باآنها راطوری روشن سازند که محصلین شیفته دانستن آن زبان بشوند

۲ - آموختن را از گفتن و شنیدن آغاز کنند عادت زبان و گوش را بر نوشتن و خواندن مقدم بدارند حتی الفبای زبان را در ضمن جملات کوتاه بشناسانند وبهیچ وجه رعایت ترتیب حروف را نکنند. هر کدام آموختنش سهلتر ولازمتر است زودتر یاد بدهند

۳ - حروفیکه تلفظ آنها در زبان مادری شاگرد معمول نیست تمرین کنند

۴ - درست برخلاف گذشته که دستور زبان را نخست یاد میدادند وبعد بتمرین آن میپرداختند اکنون اول جملات را بشاگرد بیاموزند همینکه

قدری پیشرفت کرد قواعدیراکه بکار رفته خاطر نشان بدارند وهمواره تقویت قوه تکلم را بر آموختن دستورزبان مقدم بدارند .

۵ ـ بجای اینکه شاگرد زبان مادری را سطر بسطر خوانده بزبان دیگر ترجمه کند از او بخواهند که بهمان زبان خارجی فکر کند و بنویسد بنابراین تادر سخن گفتن قوی نشود ازاو انتظار ترجمه کردن نداشته باشند

۶ ـ موارد استعمال لغات را درضمن بکار بردن آنها یاد بدهند. تاممکن است در کلاس بهمان زبان صحبت کنند. بجای دیکته کردن از شاگرد بخواهند زیاد رو نویس بکند و درکلاس بالغاتیکه آموخته است انشاء بنویسند . اگراملای لغات تازه را اول خوب یادنگیرند دیکته کردن آن کلمات آنها را بغلط نوشتن عادت میدهد

لوازم تدریس

کتب زبان خارجه نیزمطابق نکاتیکه ذکر شد تهیه شود . معلم بوسیله فیلمهای سینما یاعکس ونقشه اطفال را بآداب و رسوم و هنرها و صنایع و تاریخ و جغرافیای مللی که بآن زبان صحبت میکنند آشنا سازد . شنیدن برنامه رادیو و صفحات گرامافون گوش وزبان را بتلفظ زبان خارجه عادت می دهد . تأسیس انجمن زبان خارجه وترتیب دادن بازیها و وسایل تفریح وتهیه کتاب ها وداستان های شیرین دریادگرفتن زبان مساعدت میکند . دراین انجمن ها میتوان ازاهل زبان دعوت کرد تا شاگردان بوسیله تماس مستقیم طرز تلفظ و آداب ورسوم مردم آن کشور ها را دریابند .

تدبیر منزل و آداب معاشرت

دخترها و پسر های دبیرستانی بسنی رسیده‌اند که بیش از پیش احساس شخصیت میکنند و هم دراین سن متوجه می‌شوند عضوخانواده بودن آن ها را قانع نمیکند و میل دارند موسس آن باشند . چون بهترین موقع آموختن هرچیز زمانی است که‌انسان مایل بدانستن آن می شود . پس یکی از دروس عمومی متوسطه که شانس موفقیت شاگردان در یادگرفتن آن زیاد است موضوع تعلیمات‌خانوادگی‌است .

ریشه افکار و عقاید جوانان در باره تشکیل عائله و روشی که در باره زناشوئی پیش میگیرند معمولا از خانواده ای‌که درآن نشو و نما میکنند آب میخورد . اگر زن و شوهر توافق فکری ندارند ، به یکدیگر بی محبت و بی علاقه هستند ، اختلافات و مفاسدی‌که از این ناسازگاری بر میخیزد در جوانان تاثیر میکند و آن‌ها را نسبت به تشکیل خانواده بدبین‌میکند ازسمت دیگر دائم‌تغییرات مهمی دراوضاع و احوال اجتماعی هر ملت روی می دهد و نتیجه این حوادث و وقایع در روحیه افراد منعکس می‌شود ، هرگاه دستگاه تربیتی باین تحولات توجه نداشته باشد و وضعیت خانوادگی نتواند با روحیه اطفال و جوانان سازش کند و منویات آنها را بر آورد شکاف بزرگی میان والدین و فرزندان احداث می‌شود و آن‌ها را از یکدیگرجدا میسازد بخصوص درخانواده های ایرانی‌این موضوع زیادتر کسب اهمیت کرده استزیرا فرزندان باسواد و مادر ها وپدر های بی‌سواد در دوصف جدا قرارگرفته و هر دو دسته دچار رنج نامرادی‌شده‌اند

علت دیگریکه تربیت‌خانوادگی را بیشترالزام میکند آنست که

حقیقت دمکراسی وقتی با نام آن وفق میدهد که در خانه ها که هر فردی
زندگی را از آن جا آغاز می کند و پرورشگاه ملت است جوانان را با آزادی
و مسئولیتی که برای مردم یك کشور دمکرات لازم است عادت بدهند و
با شرایط و مقرراتش آشنا سازند .

موضوع این درس

تدبیر منزل میبایستی حس احترام و خوشبختی جوانان را نسبت
بخانواده که موجد اصلی و منشاء حقیقی پرورش اخلاقی و آموزش آداب
وسنن اجتماعی است بیافزاید

۲ ـ روابط خانواده ها را بر اصول دمکراسی برقرار دارد و اعضاء
آن را برای انجام وظائف ملی آماده بسازد .

۳ ـ زن و مرد را تشویق کند تا اسباب ولوازم خانه را بقدر امکان
مطابق اصول بهداشت و راحتی ترتیب بدهند و فکر وعمل خود را در تهیه
وسایل آسایش و بهبود زندگی بکار بیاندازند •

٤ـ جوانان را از مسئولیتهای اخلاقی وقانونی ازدواج ومسائل جنسی
بی اطلاع نگذارند •

٥ ـ شاگردان را بتوجه در آداب معاشرت، اقتصاد شخصی، تفریح
های مناسب ، تربیت اطفال، بهداشت خانه ، سازش با محیط خانوادگی
بکاربردن ذوق و سلیقه در منزل تشویق کنند •

٦ ـ از فواید بر قرار کردن روابط دوستانه با همسایگان واهل
محل وهمدستی در بالا بردن سطح بهداشت وفرهنك وسایر مقاصد سودمند
آنها را مطلع کنند طوریکه هریك از جوانان تربیت شده مانند شمع
فروزان راه دیگران را روشن و با مهر وملاطفت کانون معاونتی در کوچه
و محل خود ایجاد کنند • در آنچه ذکر شد پسر ودختر هردو یکسانند



در این اطاق که مخصوص تعلیمات خانه داری است عده ای بدوختن
و بریدن لباس و چندتن بطباخی مشغولند

وهریك سهم خود را انجام میدهند .

اخیرا طرفداران زن زیاد غلو میکنند و او را حکمران خانه مینامند و میگویند اختیار امور داخلی خانواده باید کاملا باو تفویض شود و مردان را در آن دخالتی نباشد. گرچه غالبا باین گفته عمل نمی شود و مردها همچنان درفرمانفرمائی و دیکتاتوری خانواده باقی هستند بااینحال باید دانست در یك خانواده دمکرات اداره امور طوری مرتب می شود که شخصیت همه کس رعایت شده چرخ این اجتماع کوچك با مشورت همگی اعم از زن و شوهر و فرزندان میچرخد . حاکم ومحکوم وجود ندارد . اگر اطفال و جوانان بنظر پدر و مادر خود احترام می گذارند و اطاعت آن ها را لازم می شمارند این حس اعتماد و تکریم از عقل و قلب آن ها بر می خیزد و به محبت و بصیرت والدین تعلق میگیرد نه زور و قدرت آن ها . مادر ها و پدر های دانشمند حتی بودجه خانه و کم و بیش آنرا باطلاع فرزندان میرسانند و از آن‌ها در تنظیم خرج و دخل و افزایش عایدات کومك می‌خواهند بعضیها بغلط گمان میکنند دانستن تدبیر منزل و تعلیمات مربوط بآن مخصوص دختران‌است همین بی‌اطلاعی پسرها از تکالیف خانوادگی و شوهری و پدری بنیاد سعادت خانواده‌ها را سست میکند و جمعیتها را پریشان میسازد. در این کشور حتی شاگردان دانشگاه منظور مقدس ازدواج را نمیدانند و عقاید بسیار قابل ایراد درباره زندگی خانوادگی اظهار می‌دارند. بااینکه ازآداب معاشرت بی خبرند و در طول‌زندگی تحصیلی هرگزمواردی برای آن ها پیش نیامده که عملا این ضروریات زندگی را یاد بگیرند و از نتایج آن بهره‌مند بشوند یا بوسیله گفت و شنودوتبادل‌افکار پردهٔ‌ابهام را بشکافند وبحقیقت این‌موضوع های‌حیاتی

برسند . شوهر واطفال در کارهای خانه ولو خیلی مختصر باشد کومك کنند . این همدستی نه تنها از سنگینی بار خانه داری که بر دوش زن است میکاهد بیشتر از این جهت سودمند است که تمام افراد منزل را بنظم ونظافت تشویق میکند و علاقه آن ها را نسبت بخانه میافزاید بعلاوه موجب خشنودی مادر شده او را دلگرم میسازد. وقتی که تمام اهل خانه هر ماه از در آمد و مخارج منزل مطلع شدند و در تهیه بودجه‌ماه بعد دخالت کردند از اسراف و تبذیر میپرهیزند و در ازدیاد درآمد همفکری میکنند .

روش تدریس . دامنهٔ تعلیمات خانوادگی در کودکستان و قله آن در دبیرستان یا دانشگاه واقع است . بسیاری از وظایف خانه داری مثل دوختن لباس بکار بردن لوازم طبخ ، آماده کردن تختخواب و آداب معاشرت ، وظیفه دختر و پسر ، پاکیزگی ، مهمان نوازی را کودکان بوسیلهٔ عروسك بازی یاد میگیرند .

شاگردان دبستان در روش و اجرای این برنامه جدی ترمی‌شوند و بسیاری از کار های آموزشگاه را انجام می دهند . در طبخ غذا ، پاکیزه کردن اطاقها ، گلکاری باغچه ها ، عمل آوردن محصولات ، نگاه داری حساب ، چیدن میز و ترتیب دادن آزمایشگاه و کتابخانه شرکت میکنند . معلوماتشان را درخانه وخانواده بکار میبرند . برای اجرای خانه داری غالباً اطفال بدسته های شش یا هشت نفری تقسیم میشوند و هردسته بین خود انتظاماتی برقرارمیدارند تا صورت یك خانواده را پیدا میکنند .

جوانان دبیرستانی عملا طریقه تعاون و اصول وشرایط کامیابی در زندگانی خانوادگی رامیآموزند و درباره آن بحث و استدلال میکنند و علت اختلافات و ضرر آن ها را میفهمند و برای بهبودی زندگی چاره اندیشی میکنند .

کارهای اجتماعی و انجمنها و شورای شاگردها رل مهمی را در پرورش فکر خانواده و اجتماع بازی میکنند و مهارت و قدرت جوانان را در سازش و اداره جمعیتها میافزاید

دروس نظری بهتر است که پس از کار های عملی و بصورت نتیجه و خلاصه آنها باشد .مثلا پس از اتمام کلاس طباخی ریزمخارج را روی تخته بنویسند و قیمت آن غذا یا مقدار مواد مغذی آن ومدت طبخ را معین کنند و با غذا های دفعات دیگر بسنجند . یا دوا هائیکه در لکه گیری مصرف شده یادداشت کنند و بفعل و انفعال شیمیائی آن ها توجه بکنند .

دراینجایادآور میشوم بعضی ازشاگردهای دبیرستان بمن مراجعه کرده ازمفصل بودن کتاب تدبیر منزل که من نگاشته‌ام و اشکالیکه برای حفظ کردن مطالب آن دارند شکوه کرده‌اند . کتاب خانه داری یاهر کتاب دیگر ممکن است بسیار مفصل تر از این باشد ولی شاگردفقط مطالب اصولی را مورد تحقیق قرار میدهد وقسمتهای خیلی مهم‌ولازم‌را بخاطر میسپارد امادرجزئیات باکمال آزادی‌فکروشخصیت وابتکارخودرا دخالت میدهد . دستور فلان غذا که در کتاب نوشته یا نمونه دفترکه خط کشی شده بمنزلهٔ راهنمائی است که هرکس با تشخیص و سلیقه و ذائقه خوددرآن‌دخالت‌میکند و مطابق احتیاجات خویش بکارمیبرد.

کتابها بصیرت و توسعه‌نظر را میافزایند. آنچه معلم از شاگرد میخواهد قدرت درهم آمیختن دانسته ها و ریختن طرح تازه است . از بر کردن عبارات ارزش تربیتی ندارد .

دروس متحد خانه‌داری

معلم‌خانه‌داری باهمدستی معلمان بهداشت و موسیقی و کارهای دستی مهمانی ، پیك نیك ، انـواع بـازیهای دسته جمعی ترتیب میدهد . لوازم آسان و تازه برای بهداشت وراحتی خانه تتبع میکنند . حساب دخل و خرج انجمن‌هارا میرسند مجالس مباحثه ومناظره ترتیب می‌دهند .اشیاء قابل فروش میسازند. گاهی ازخانمهای خانه داردانشمند دعوت میکنند تادر کلاس یا انجمن آن ها حاضر شده راجع بمشکلات خانه داری و رویه ای که برای حل آن ها اتخاذ میکنند صحبت کنند . در رستوران مدرسه کار میکنند . با باغبان همدستی میکنند . نرخ اجناس روز را تحقیق کرده علت ترقی یا تنزل آن را میفهمند . با مادر و پدر خود جهت بهبود وضع خانواده مذاکره میکنند . من دریکی از کلاسهای فنی خانه داری از شاگردان خواستم تا هریك دفتر یا کارنامه برای خودشان ترتیب بدهند ودر آن بسؤالاتی که میکنم جواب بدهند . نمونه هائی از لباسهای مورد پسند خود و رنك آمیزی و مبله کردن اطاق نقاشی کنند یا از مجلات چیده در آن با سلیقه و با ذکر علت انتخاب خود بچسبانند . گاهی مقالات مربوط بخانواده که در جراید جلب توجه آنها را میکند بریده در آن بگذارند . اینکار شوق ونشاطی در کلاس ایجاد کرد ودقت دختر هارا باین موضوعها جلب و آن ها راسر ذوق آورد .

هنرهای زیبا و صنایع دستی

نقاشی و مجسمه سازی و موسیقی و هر گونه هنر های دستی باندازه سایر دانشها مثل علوم طبیعی و ریاضی در تربیت جوانان اهمیت دارند و در زندگی اجتماعی و اقتصادی وسیاسی مردم یك کشور موثر هستند صاحبان این فنون درعصر حاضر میکوشند تاهنرها را بیش از پیش در با نشاط کردن زندگی و توسعه فکر و پرورش ذوق بکار بیاندازند .

چون هر کس در میدان هنر زیاد تر از موضوعهای دیگر آزادی فکر و عمل پیدا میکند همین امر سبب بر آوردن امیال و احساسات درونی اوشده شخصیت را رشد میدهد و زندگی را شیرین ومطلوب میسازد . اگر هریك از هنرها مطابق اصول صحیح تعلم بشود نفسانیات انسان که ترکیبی ازعقل واحساس وفعالیت است تقویت میگردد . باین معنی که قوه تفکر وابتکار را رشد داده چشم و گوش وسایر اعضای بدن را مهارت بخشیده درعین حال باعث لذت و خشنودی میگردد . روانشناسان بر این عقیده هستند که هیچ عمل عقلی یا بدنی بدون وجود تمایل قلبی درست انجام نمیگیرد - هنر ها این خاصیت را دارند که بدل می نشینند واحساسات راتهییج میکنند وشوق که محرك ادراك و تجربه است تولید میکنند .

والدینی که اطفال آنهاازدرس فراری هستند غالباً ازشدت ملال و تکدر با نواع وسایل تنبیه وتشویق متوسل میشوند ونمیدانند در زیراین فشارهای بیهوده چقدربار آنهارا سنگین تر میکنند وحال آنکه استعداد های غریزی آنها مثل گوهرهای استخراج نشده درزیر توده‌های مواد

بی‌معنی هر روز نهفته تر گشته قابلیت ذاتی آنها دائم منحرفتر میشود
چه بساجذبه اصوات موسیقی لطیف یا رنگهای زیبا و دلپذیر قادرهستند
که اطفال بی‌رغبت را بسهولت مهیای فهمیدن و فراگرفتن علم و هنر بکنند
وچرخهای دقت وفکر و هوش را که زنك زده است جلا داده بگردش
بیاندازند . موسیقی و رقص عضلات اطفالی را کـه در حرکات بدنی بی
استعدادند بورزش تشویق کرده بـرای انجام کارهای لازم مهیا میسازد
رابطه گوش با قوای فکری زیاد است . موسیقی میتواند درنمودادن و
پروراندن هوش موثر باشد .

نقاشی ، مجسمه سازی ، نوشته های ادبی واشعار شوق و شوری
ایجاد میکند که قوه تخیل وفکر سازنده انسانی را هرقدر راکد مانده
باشد بجریان میاندازد و چشم انداز زندگی کوته فکران را هر قدر تنك
باشد وسعت میدهد . سوزن دوزیها و کارهای دستی درتهییج ذوق واحساس
دخالت دارند وبرای تربیت نفسانیات مفید واقع میشوند و مهارت بدنی
را میافزایند . البته فقط در برنامـه نامی از هنر بردن و ساعتی از وقت
شاگردان را بآن اختصاص دادن نمیتواند محسنات مذکـور را در بـر
داشته باشد وخواص حقیقی آنرا ببخشد . تمایل بزیبائی و مظاهر آن
بغریزه وطبیعت بشر بستگی دارد وبر مربیان است که بگذارند هر کس
شخصاً لذت آنرا احساس کند وپیرو ذوق خود باشد . نونه‌های موسیقی
یا نقاشی یا ادبیات را چنان برگزیند که نه بنابرامر و توصیه معلم بلکه
بخودی خود طفل آنرا پسندکند وتحت تأثیرش واقع بشود . اگرمطبوع
او واقع نشد جسارت آنرا داشته باشدکه عقیده خود را اظهار بدارد. و
فوری آنراکنار بگذارد. اطفال ما درکلاس نقاشی وقت خود را صرف



در نمایشگاه سالیانه مدارس امریکا هنرها و کارهای دستی شاگردان بمعرض تماشا گذاشته شده است .

ترسیمات معین و کپی کردن میکنند. در کلاس موسیقی ماهها بخواندن نت مشغولند برای گلدوزی سلیقه‌وعقیده معلم درانتخاب نقشها ورنگها بر شاگردان تحمیل میشود. درصورتیکه باید مدل نقاشی را خود شاگردان انتخاب کنند و آزادی داشته باشند تاهرچه بفکرشان میرسد بکشندوهر طور میخواهند رنك آمیزی کنند. موسیقی را اول بوسیله صفحات گرامافون یا سازهای گوناگون بشنوند تا آنرا دوست بدارند بعد بیاد گرفتن و خواندن نت بپردازند در هنر های دستی تمایل خود را نشان بدهند وقوه تشخیص وسلیقه در آنها بیدار بشود. ما بیش از حد لزوم درتعلیم هنرها بروش قدماءمیپردازیم درحالیکه شاگرداز آن لحاظ باآثار گذشتگان آشنا میشود که اطلاع از تاریخ و سیر تکامل آن پیداکند والاخود میخواهد مبتکر باشدنه‌مقلد. معلمان بمقدار پیشرفت شاگردان درتقلید وتمرین اهمیت میدهند درصورتیکه احساسات و علاقه ایکه در در آنهاایجادمیشودقابل توجه‌است.همگی شاگردهانمیخواهند ونمیتوانند موسیقی دان یا نقاش ومجسمه‌ساز وشاعر بشوند وبطورنادر دراین زمینه تمایل واستعداد کافی برای هنرمند شدن نشان میدهند. ولی اکثرمردم میتوانند کم‌وبیش از شنیدن آهنگهای دلنواز لذت ببرند و از مشاهده آثار بدیع نقاشی و رنك آمیزی یا شعر و ادبیاتیکه مخلوق روح زیبا پسند بشر است محظوظ بشوند. از قدیم موسیقی بهترین تفریحات دسته جمعی بشمارمیآمده‌است بشر صحرا اگر درقص وموسیقی وتزیینات گوناگون را جزو آداب اجتماعی ودینی قرارداده‌در جشنها، درنمایشهای پهلوانی درجنگها برای تحریك روح دیسیپلین وهم آهنگی از آن استفاده میکرده‌است. اکنون هم هنرهای زیبا درتعلیم‌وتربیت مقام بلندی دارند در تشویق بهمکاری درتحریك بفعالیت، در تزئین خانه و مغازه، در

جالب‌شدن روزنامه وکتاب‌وآگهی ودر بیشتر امورتربیتی طرف استفاده قرار میگیرند . نویسندگان زبردست و سخنوران توانا برای هدایت افکار پندها و سخنان بر جسته را در لباس داستان و نوشته ادبی در می‌آورند وقابل فهم وقبول عامه میگردانند .

روش تعلیم هنر های زیبا - بهترین کلاس هنر در مدارس متوسطه آنست که بصورت کارگاه در آید و بهر دانش آموز مجال بدهد تا آزادانه در باره هر صنعتی ذوق خود را بیازماید و تخیلات و تمایلش‌رانشان بدهد و مطابق احتیاجاتش رفتار کند اگر میل دارد داستان مصور بسازد ، صورتهای خنده دار بکشد قطعات ادبی را که دوست دارد بخواند و بنوازد با چوب ومقوا وپارچه عروسك و خانه و باغ بسازدآگهی قشنك تهیه کند . تأتر ورقص و آواز دسته جمعی ترتیب بدهد . خلاصه اینکه اول سر ذوق بیاید بعد بعمل وتجربه بپردازد .

هنرها را اگر با سایر موضوعها توام کنند ودروس متحد زیرنظر عده‌ای‌ازمعلمین ترتیب بدهندخیلی بهتراست . مثلاباکمك‌درس‌مطالعات اجتماعی یك شهر خیالی که‌بنظر راحت‌تر و زیباتر از شهر یا دهکده خودشان است ترسیم کنند طرز تقسیم بندی خیابانها ، گردشگاه ملی ومسجد وسینما و آنچه‌ضروری میدانندمعین کنند . باین شکل بنواقص شهر خود دقیق میشوند وآنها را روی نقشه بر طرف میسازند . رنك آمیزی و ترسیم یاد میگیرند . فصول مختلف را بوسیله نقاشی یاسایر هنرهای زیبا مجسم بدارند . یك اطاق ولوازم آنرا ترسیم و رنك آمیزی بکنند پارچه های مختلف را در قالب البسه مناسب در آورده

نقاسی کنند. آبپاش وصندلی کشیدن وچند گل و بوته کپی کردن چه حاصلی دارد جز اینکه جوانان وقت خود را بکسالت طی کنند وهیچگونه ابتکار وسلیقه نشان ندهند.

تعلیم هنر ها اعم ازموسیقی و نقاشی و کار های ظریف دستی باید از کودکستان تا دبیرستان ادامه داشته شاگرد ها باقتضای سن و شوق خود در آن شرکت کنند - پیشرفت صنایع محلی را بخصوص مورد نظر قراربدهند وهنرمندان آینده را جهت تکمیل صنعت شهر خود مهیا بسازند.

تعلیم شغل و حرفه

یکی از هدفهای مهم تعلیم وتربیت دبیرستان این است که جوانان را برامور معاش مسلط سازد. اشتباه تربیتی ازاین بزرگتر نمیشود که جوانان ما پس از طی دوره تحصیلی بدون اینکه از عهده کار و شغل انتفاعی بر آیند از دبیرستان بیرون می آیند وبلای جان اجتماع میشوند عیب اینجا است که ما تدریس مواد ابتدائی را بخاطر مهیا کردن زمینه تعلیمات متوسطه میدانیم ودوره متوسطه را جهت آماده کردن داوطلب مدارس عالی وفکر نمکنیم هریك از دوره‌های تحصیلی بخاطر پیشرفت جوانان ورفع احتیاجات آنها است. دخترها وپسرها درسنیکه دبیرستان را ترك میکنند باید دو راه در پیش پای خود داشته باشند اول اینکه بحرفه وهنری که برای تأمین معاش آموخته اند بپردازند. دوم اگر میل دارند طبق استعداد وسوابق خوددوره عالی تحصیلی را ادامه بدهند.

روش تعلیم شغل و حرفه

هر شغل وکاریکه در آموزشگاه یاد میدهند باید از دو جهت

بزندگی شاگردها مدد کنند اول مجهز کردن هر فرد برای استقلال اقتصادی و نجات دادن آنهااز بیکاری وعسرتیکه گریبانگیر اکثر مردم شده‌است . دوم من‌باب اینکه بزودی نیازمندیهای جامعه بوسیله صنایع داخلی وهنرهای مردم این سرزمین تامین بشود واجتماع ما بر مشکلات مادی خود فائق اید مخصوصاً متوجه این نکته بشوند که تاسیس چند آموزشگاه حرفه‌ای کافی نیست لازم است اغلب دبیرستان ها دردوره‌دوم دارای شعبات مخصوص هنر آموزی بوده وجوانان دراختیارهریك از آنها آزاد باشند

دروس دوره دوم متوسطه چنان تدریس شود که علاوه بر هر گونه نتایج تربیتی از لحاظ شغلی که آن دسته از شاگرد ها پیش میگیرند سودمند باشد لزومی ندارد که در هر شعبه صنعتی تمام‌مواد جدا از سایرشعب تدریس شود . کافی است که‌معلم شاگردهارا بمناسبت تخصص خود شان بمطالعه کتابها یا آزمایشهائیکه بکار هر یك‌میخورد تشویق بکند .

قسمتی از تعلیمات‌مدرسه جنبه‌عمومی‌دارد وبرای تمام‌مردم‌وصاحبان مشاغل وکارگران‌سودمنداست درحالیکه‌قسمت دیگر مربوط‌بتکمیل یك شغل یا صنعت معین میباشد شاگرد باید ابداً شکافی میان تعلیمات عمومی وحرفه‌ای خود احساس نکند وهریك‌رامکمل دیگری بداند .

مهارت یافتن ومسلط‌شدن برهریك‌ازصنایع چند شرط عهده‌دارد

۱ - چابکی درحرکات دست یا سایراعضای بدن که برای انجام هرصنعت‌خاصی‌ضرورت‌داردواین‌مهارت با تکرارعمل ومداومت درتمرین حاصل میشود چابکی بدنی بایستی درحین آموختن صنعت پیدا بشود نه‌بعد از آن . باین‌معنی که‌چابکی اصل تعلیمات‌حرفه ایست نه‌فرع آن.

مثلا کسیکه در رشته پزشکی یامکانیك یامهندسی یاامورمالی وحسابداری یاخیاطی کار میکند از اول آنچه را میآموزد عمل بکند تاعادی او بشود نه اینکه قسمت نظری آنرا آموخته منتظر بشودتاپس از تکمیل دروس چندینهم بعمل بپردازد. زیرا تجارب عملی خود باعث توسعه یافتن فکر واحاطه برعلوم نظری میگردد وهر دو جنبه علم وعمل دریکدیگر مؤثر واقع میشوند.

۲ - هنرمندی وصنعتگری مستلزم دانستن نکات علمی است وهنرمند تاباآنها آشنا نباشد نمیتواند صنعت خود را با مقتضیات زمان سازش داده دخالتها و ابتکارات ضروری و سودمند بخرج بدهد.

۳ - هر کاسب وصنعتگر اطلاعاتی لازم دارد تااز کالا یاهنرخود بخوبی استفاده کند از قبیل: اوضاع بازار، وسائل حمل و نقل کالا، شرایط رواج وتوسعه صنایع، خرید وفروش پیش آمدهای روز، تهیه موادخام ومانند آنها. همین بی خبری ازاوضاع بازارهای دنیاوبی اعتنائی درتحولات زندگی اجتماعی است که اکثر صنعتگران وتجار مارا ورشکست میکند وصنایع را از رونق میاندازد.

احترام هنرمندان وصنعتگران

تصور نمیکنم در هیچیك از نقاط دنیا بقدر ایران مردم بمشاغل دولتی توجه خاصی مبذول داشته از هنرمندی ویا کارهای آزاد دوری بجویند. قسمت مهمی از این نوع افکار معلول علتهائی است که مربوط باوضاع عمومی کشور میباشد. اما بی سوادی و کوته فکریهم در این موضوع بی اثر نیست. عدم نظافت و زیبائی مغازه هاو کار خانه‌ها، مراعات نشدن لباس وظاهر کسبه وصنعتگران مقام کسب وصنعت راتنزل

داده است . اغلب کسبه وفروشندگان با وجود عایدی کافی وضع دکان ولوازم کار را جالب وتمیز نگاه نمی‌دارند . در بهداشت خود و کارگران دقت ندارند. بخوبی میبینیم بهردرجه که صاحبان مشاغل تربیت میشوند احترام شغل وحرفه خودرامیافزایند .

مهمترین علت بی‌اعتنائی جوانان بصنعت و کشاورزی و هنرمندی این است که چون این دسته ازمردم غالباً بیسوادو بی‌اطلاعند نتوانسته‌اند مقام خودرادراجتماع بدست بیاورند وچرخ امور کشور راآنهائیکه مالیات بده و مولد ثروتند نمیگردانند . کارهای حساسرا کارمندان اداری که باصنعت گران اشتراك منافع ندارند انجام‌میدهند درترویج امتعه داخلی و کاستن واردات خارجی اقدام شایسته نمیشود اغراض شخصی بر خیر وصلاح ملت میچربد وروز بروز ازتعداد مولدین ثروت میکاهد و بر مصرف کنندگان مالیه کشور میافزاید . برای رفع این نقائص البته مدیران خیر خواه ودلسوز لازم داریم اما روی کارآوردن چنین کسان ونگاه داری ومدافعه از آنان جز با پشتیبانی ملت بیدارو باتربیت نمیتواند تحقق یابد ه هر وقت کشاورزان و هنرمندان دانشمند و هشیار گشته به اعاده حیثیت وحقوق وشئون خود موفق شدند از صنایع ایران حمایت میکنند والا در حال حاضر بیشبهه جوانان بآموختن کارهائیکه رونق ندارد وباشکست ونامرادی توام است روی خوش نشان نمی‌دهند اکنون هم گشودن کلاسهای حرفه‌ای وصنعتی بایستی توام باپیدا کردن بازار برای فروش کالای ایرانی باشد .



تعلیمات حرفه‌ای نه‌تنها در تمام دبیرستانها و دانشکده‌ها معمول است بلکه برای تکمیل معلومات صنعتگران تعداد زیادی کلاسهای شبانه نیز دایر میباشد

چند نمونه از دروس عملی

در یکی از دبستانهای انگلستان

هوا خواهان توسعه فعالیت وعمل در دبستان ها و دبیرستان‌های انگلستان همواره مواظب هستند که دروس عملی آموزشگاه هانه فقط از جنبه حرفه و شغل برای اطفال پر ارزش باشد بلکه تمام صفات روحی را پرورش بدهد و در شخصیت اطفال تأثیر نیکو ببخشد . هدف کارهای عملی دبستان ها رامیتوان دراین هفت قسمت خلاصه کرد :

۱ ـ عملیاتیکه برای بهداشت و رشد بدنی ضرورت دارد : بازی و استراحت کردن و تهیه غذا .

۲ ـ عملیات مربوط بشناسائی محیط : جغرافیا و تاریخ محلی ، مطالعه دراوضاع طبیعی .

۳ ـ عملیاتیکه مهارت بدنی رامیافزاید : کارهای‌دستی ، آزمایش های ساده علمی .

٤ ـ عملیاتیکه حس ایجاد واختراع را تقویت میکنند : موسیقی رقص وسایرهنرهای زیبا .

۵ ـ عملیات تخیلی ، تآتر ، داستان سرائی .

٦ ـ عملیاتیکه سبب مهارت درخواندن ونوشتن و حساب کردن میشود .

۷ ـ شرکت درتشکیلات آموزشگاه که خود موثر ترین وسایل تربیت‌اخلاقی واجتماعی وهنری برای اطفال است .

محض این که تصور نشود مهیا کردن یك آموزشگاه بطور یکه

اطفال در آن بکار های نشاط انگیز مشغول باشند مواجه با زحمات زیاد وخصوصاً نقصان بودجه میشود . چند نمونه از تلاشیکه مدیر یکی از دبستان ها برای نیل باین مقصود کرده است ذکر میکنم :

درس عملی حساب ـ مدیر یکی از مدارس ابتدائی دهکده برای تمرین درس حساب باین خیال افتاد که اطفال را در ضمن دکان داری و خرید وفروش که برای آن ها بسیار مطبوع است بحساب کردن تشویق کند . این فکر از طرف تمام معلمان حسن استقبال شد درعین حال بعضی از آن ها مدعی بودند باکلاسهائیکه تقریباً دارای چهل وهشت نفر شاگرد است این کار خالی ازاشکال نخواهد بود .

معلمین در چند جلسه که تشکیل دادند در پیرامن این مقصود اندیشیدند و چنین مصلحت دانستند که انتخاب نوع دکان ها را بعهده خود شاگردان بگذارند . همینکه این موضوع راباطفال مشورت کردند همگی با اظهار مسرت تلقی نموده بزرگترها هواخواهان دکان عطاری و کوچکترها مایل بعروسك فروشی شدند . بعضی بترتیب دادن دفتر پست علاقه نشان دادند . پس از گرفتن تصمیم شاگردها بتهیه وجمع - آوری لوازم اینکار مشغول شدنـد و بزودی افتتاح دکان هـا را اعلام داشتند .

مغازه عروسك فروشی عبارت ازیك قفسه چوبی بود که عروسکها را در آن چیده بودند ویك میز که خرید وفروش روی آن انجام می گرفت . روزهای اول عروسك ها را خود شاگردان بعاریه ازمنزل میآوردند ولی باین صورت تعداد کمی عروسك جمع آوری میشد . بنابراین بفکر افتادند تا اسباب بازیها را درخود مدرسه تهیه کنند ودرمغازه بگذارند.

پسرهای بزرگتر بساختن اسباب بازی چوبی و دخترها به دوختن عروسك‌های پارچه‌ای مشغول شدند و باکمال ذوق باینکار پرداختند.

دکان عطاری - برای تهیه این دکان متوجه شدند که بهمکاری ومساعدت دکان دارهای محل نیازمندند تا ازروش کار ونوع اشیاء کسب اطلاع بکنند بچه‌ها با دوستان خود صحبت کرده از صاحبان مغازه ها اجازه گرفتند تا بدون مانع بآن دکانها رفته واطلاعات لازم را بدست بیاورند.

یك قفسه بزرگ برای چیدن اجناس ویك میز جهت فروش تهیه کردند چون دو دستگاه ترازو که در آموزشگاه بود بقدر کفایت وزنه برای کشیدن اجناس نداشت مادرهای شاگردان ساختن آنهارا قبول کردند وبوسیله پرکردن قوطیهای حلبی کوچك انواع وزنه را حاضر کردند. اطفال یکی ازترازوها را در دکان ودیگری را درمحل تهیه اجناس نصب کردند. انواع بسته‌ها، قوطیها، شیشه ها را شاگردان ازخانه‌های خود فراهم آورده از شن وخاکه اره بجای شکر ونمك و غیره پر کردند و ظاهر آنها را بصورت بسته های حقیقی در آوردند. از کاغذ ومقوا برای انجام معاملات پول درست کردند مقداری هم پول سیاه حقیقی بکار میبردند.

دفتر پست - یك میز اسقاط مدرسه‌را شاگردها بصورت باجه پست در آوردند تمبرها ازورق های کاغذ بود که در کلاس کاردستی آنرا نقاشی کرده بودند ومادرها آن‌هارا زیرچرخ خیاطی گذاشته برای جدا کردن سوراخ کرده بودند. همچنین کارتنها که برای قراردادن تمبرهای مختلف لازم بود اطفال خودشان ساختند. یك قوطی مقوائی بزرگ راشبکه بندی وبرای تقسیم نامه‌ها آماده ساختند.

طرز استفاده از دکانها - تمام این دکان‌هارا در یك اطاق بزرك تعبیه کرده از هرجهت صورت مغازه های حقیقی را بآنها دادند. اطفال ازتجربه شخصی که درخرید کردن داشتند واطلاعاتیکه بعد کسب کردند در تمشیت دادن دکانها استفاده کردند. این عملیات در همان حال که موقعیت بسیارمناسبی برای بکاربردن قوه تصورواختراع ورشدشخصیت شاگردها و ابراز فعالیت و مهارت جسمی آنها بود منظور اصلی معلمین راکه تمرین درس ریاضی وبکار بردن آن درزندگی روزانه بودبطرز رضایتبخشی بر آورده میکرد. این دکان داری از لحاظ تربیت اخلاقی نتایج بسیار مهم داشت که هریك بجای خود قابل ملاحظه بود.

چندروز پس از آماده شدن دکانها برای هریك از کلاسها وقتی را معین کردند تابرای خرید مراجعه کنند. مخصوصاً کمال مراقبت بعمل آمد تادرمدت معین حداعلای استفاده از عملیات خرید و فروش بشود. روزهای اول فقط نصف کلاس جهت خرید میرفتند و بقیه اطفال دراطاق مانده بدرس خواندن اشتغال میورزیدند چون نتیجه اینکارمطابق دلخواه نبود از آن پس قرار گذاشتند تمام شاگردها دریك وقت باینکاربپردازند وبرای اینکه وقت آنها ضایع نشود بالاخره نقشه زیرا را عملی کردند: هر کلاس بچهار دسته تقسیم شدند. یك دسته اجناس را وزن کرده برای فروش آماده میساختند، سه دسته دیگردرسه دکان مشغول انجام وظیفه میشدند.

همین که یکی ازشاگردان بمحوطه دکانها وارد میشد، معلم که پشت میز خود درگوشه‌ای قرار داشت مقداری پول بسته بتوانائی هر شاگرد دراختیاراو میگذاشت. پس ازاینکه هرکس خرید خود راانجام

می‌داد اجناس خریداری شده و بقیه پول را تحویل معلم می‌داد. شاگردانیکه از عهده حسابشان درست بر می‌آمدند دفعه دیگر مبلغ بیشتری دریافت می‌داشتند. کارگران دکانها کمی پیش از آمدن خریدار ها در جای خود قرار گرفته مبلغ مختصری پول خرد شمرده حاضر میکردند. وظیفه آنها حساب کردن اجناس فروخته شده و دادن بقیه پول بود. پس از رفتن مشتریها مقدار فروش را معین کرده و حساب خود را تصفیه میکردند. بعداً متوجه شدند بهتر این است که در هر دکان یك پسر یا دختر از کلاس های بالاتر دعوت کنند تا روش و حاصل عمل شاگردان تازه کار را مراقبت و آنها را راهنمائی کند.

نتیجه دکان داری. از نتایج اینکار موردی بود که هر کدام از شاگردها میتوانستند بفعالیتهای مختلف مشغول شوند. دیگر اینکه با محیط خود آشنا شده تجربه آموخته و بکار میبردند. هنر، کار دستی، جغرافیا، نوشتن، خواندن و حساب را تمرین میکردند، آماده ساختن دکان ها، جمع آوری لوازم و خرید و فروش انتظام در کارها و کوشش و لیاقت و نظم فکری را تقویت میکرد. اهتمام در مشاغل و مسئولیتی که بر عهده میگرفتند بسیاری از احتیاجات نفسانی اطفال را بر آورده میساخت همدستی تمام کلاسها برای نیل بیك هدف معین تشبثاتیکه برای جلب مساعدت دکان دارهای محل کردند. نگاه داشتن تدابیری که بوسیله آن ها مغازه و اجناس خود را دلچسب مینمودند حساب مغازه ها، معاونت شاگرد های بزرگتر یا کوچکترها، اینکه همگی صف بسته بنوبت برای خرید میرفتند شرایط زندگی و موفقیت در اجتماع را بآن ها یاد می داد. معلوماتیکه در مدرسه کسب

میکردند چون باتجربیات همانوقت وانجام وظایف توام میشد پایه محکمتر پیدا کرده بکارزندگی روزانه آن ها میخورد . خلاصه اینکه دکانداری سه منظورمهم تربیتی که عبارت از علم ، تجربه و عمل است بآن‌ها یاد می داد .

نقصیکه دراینکار بنظر استادان تربیتی آن ها رسید این بود که در این عملیات شاگردان بقدر کفایت آزادی عمل نداشتند و تحت سر پرستی معلمین بودند و حال آنکه بهتر بود که میگذاشتند تمام رموز کار را در اثر تجربه شخصی یاد بگیرند. ولی اگراین مختصر کومك را معلمین [نمیکردند] کارخیلی کند پیش میرفت .

پس ازچند هفته که دکان ها براه افتاد انجمنی از کارمندان دکانها تشکیل شد وراجع بنواقصیکه بنظرشان میرسید صحبت کردند . همگی معتقد بودند کارها بسیارخوب پیشرفت کرده ولی ایرادیکه داشتنداین بود که نیم ساعت وقت برای خرید کافی نیست و چون بعضی اطفال خیلی کند هستند و خریدشان طول میکشد فرصت کافی برای سایرین باقی نمیماند . پس ازاین که چند ماه ازعمراین دکانها گذاشت معلمین دریافتند که ترقی نمایانی در فعالیت های بدنی و نفسانی اطفل پیدا شده شور وشادی، سرعت وصحت عمل افزایش یافته است وشاگردها رغبت خاصی بحساب کردن پیدا کرده‌اند .

کتابخانه دبستان

همان‌وقت که مدیردبستان بمنظورپیشرفت عملیات حساب بوسیله دکانهائیکه ذکرکردیم اقدام میکرد موضوع کتابخانه طرف‌توجه اوقرار گرفت . گرچه یك اطاق قرائتخانه در آموزشگاه موجود بود ولی

تعداد کتاب‌های آن بقدری بود که تمام آنها روی بخاری چیده شده بود . مدیر قدری چوب تهیه کرده یك قفسه برای آنجا ساخت اما مشکل اساسی بدست آوردن کتاب بود .

شاگردها و معلمین و والدین اطفال بنا بخواهش مدیر همکاری کردند و توانستند بزودی هریك چند مجلد کتاب تقدیم مدرسه کنند اما در بین آنها کتابهائیکه طرف توجه اطفال باشد مثل داستان هـای دلنشین و کتابهای مصور بقدر کفایت یافت نمیشد وپولیکه مدرسه می‌توانست برای خرید کتاب اختصاص بدهد بسیار نا چیز بود . در این هنگام مدیر شنید که یکی از کارخانه‌ها شیشه‌های مربائی خالی خریداری میکند فکری بنظرش رسید واز معلم وشاگرد خواست تا همگی همت بگمارند وشیشه خالی جمع کنند درظرف نه‌ماه اطفال وپدر ومادرهای آنها شش هزار شیشه جمع کرده بفروش رساندند.

پس از آن کارمهم تربیتی این بود که بفهمند چگونه کتاب هائی خریداری کنند . چنین قرار گذاشتند که از هر کلاس هر کسی بیشتر از سایرین شیشه جمع کرد بهمراهی معلم برای انتخاب کتاب بشهر برود . اینکار حسنی که داشت این بود تمام کلاسها در ابتیاع کردن کتاب شرکت میکردند و ذوق هر دسته اطفال هم سن رعایت میشد .

کتابفروش ها بسهم خود با شاگردها مساعدت کرده بآنها فرصت می‌دادند تا کتاب های مطابق میل خودشان را بیابند . گرچه بعضی از آن ها سلیقه چندانی نشان نمی دادند ولی بعضی دیگر بکمال خوبی از عهده برمیآمدند . شاگردها برای انتخاب کتاب بمعلمین خودشان هـم مراجعه میکردند و هر کتابیکه بالاخره طرف میل آن ها واقع میشد

بایستی نزد مدیر برده اجازه خرید بخواهند. مدیر قبل از تصویب از اطفال درباره علت انتخاب هر کتاب پرسش میکرد ۰ اگر نمیتوانستند دلایل قانع کننده بیاورند تقاضای آن‌ها ردمیشد ۰ ناچار بمعلمین خود متوسل میشدند تا بتوانند جلب موافقت مدیر را بکنند. این کار سبب میشد که شاگردها بخواندن وتحقیق کردن در باره کتابها وادار بشوند و باصرار وابرام مقصودخودرا حاصل کنند. شاگردهاهمینکه‌خرید خودرا درشهر انجام می‌دادند معلم آن‌ها را بکافه‌برده قهوه می‌داد و همینکه یك بسته کتاب‌راپیچیده بمدرسه‌حمل‌میکردنداز این‌موفقیت‌خودخوشحال میشدند همین امرسبب شدکه ناشرین ونویسندگان کتاب ها اشتیاق فراوان پیدا کنند تابفهمند کدام کتاب‌ها طرف‌میل‌اطفال وتصویب معلمین واقع میشود دانستند که خیلی‌ازشاگردها بسفرنامه ها کتاب‌های فنی که برای‌خودشان هم خواندن آنها مشکل بود اظهار تمایل میکردند یا کتاب‌های راجع بطبیعیات راکه زیاد عکس داشت دوست داشتند. معلمین قبل از خرید کتاب ها باشاگردان صحبت میکردند تا میل ورغبت آن ها را هدایت کنند وبعد ازخرید با شاگردها مساعدت میکردند تا کتابخانه‌را مرتب کنند و کتاب های تازه را روی میز گذاشته ودرباره آن‌ها اعلان بکنند.

استفاده از کتابخانه- درهفته‌اول‌شاگردان بتقلیدازسایر کتابخانه ها برای دادن کتاب بشاگردان کارت تهیه‌کرده بودند ولی در آزمایش ملتفت شدند که اینکار وقت تلف میکند و نقشه تازه برای کتاب دادن طرح کردند. هریك ازاطفال یك‌کتابچه برای خودشان اختصاص‌دادند که هنگام دریافت‌کتاب نام کتب وتاریخ گرفتن را روی آن مینوشتند. اطفال‌پس ازخواندن بطور اختصار عقیده خودرا راجع بکتاب دربرابر

آن یادداشت میکردند بعضی ازشاگردها تنها بنوشتن خوب یابدقناعت میکردند اما برخی از آنها مطالب قابل توجهی مینگاشتند. شاگردهای بزرگتر تاریخ کتاب و نویسنده آن وصفحاتیکه خوانده بودند ذکر میکردند. این کتابچه ها نماینده پیشرفت شاگردان در کتاب خواندن و نوع کتاب های مورد پسند آنها بود . شاگردها درانتخاب نوع کتاب کاملا آزادی داشتند وهمین تدابیر باعث شد که علاوه برساعات معین بعد ازظهر وهر وقت آزاد دیگری را باکمال اشتیاق بکتابخواندن اشتغال میورزیدند. هرگاه شاگردی رغبت بکتابخواندن نشان نمیداد یعنی کتاب مطابق دلخواه پیدا نمیکرد معلم اورا راهنمائی میکرد .

کتابخانه برای خوشنودی اطفال ودادن اطلاعات بآنها و آموختن یکنوع تفریح ووقت گذرانی لذت بخش و عادت دادن آنها به انتخاب کتاب‌های شیرین ومفید خدمات شایان توجهی داشت خواندن شرح حال اشخاص بزرك دربالابردن سطح فکر آنها تأثیر زیادداشت وقوه تصور اطفال را توسعه داد . بعلاوه لغات زیادتری آموختند و در خواندن و نوشتن پیشرفت کردند .

> فرزندان خود را وادار بپیروی از آداب خودتان نکنید چه آنها برای دوران دیگری خلق شده اند
>
> حضرت علی علیه السلام

پایان

وظیفه خود میدانم که درپایان از استاد بزرگوار دانشگاه کلمبیا
پروفسور لنتن Prof . Linton که با معرفی من بآموزشگاه ها و
بنگاههای مختلف تربیتی امریکا اسباب تسهیل مطالعات مرا فراهم آوردند
و درتهیه این کتاب مرهون کومك های ایشان هستم سپاسگزاری کنم .
ذکر این موضوع را لازم میدانم که در تالیف این مجموعه کتب
امریکائی و انگلیسی ذیل مورد استفاده و استناد بوده است :

The Role Ofthe Teacher in Personnel Work. Ruth String

Mental Hygiene in School Practice . Fenton :

The High School Curriculom. Harl R . Douglass

Changing the Curriculum. Alice Miel.

Extar-curricular Activities Harry C . Mc. kown ·

Policies for Education in Amerian Democracy

Educational Policies Commission

Activity in the Primary School. M. V· Daniel

Organization and Administration of Seconдary School

Harl R . Douglass

فهرست مطالب

بخش ششم مسئولت هریك ازاعضای سازمان ارشاد ۱۶۵

بخش هفتم . سازمان ارشاد معلمین ۲۰۰

بخش هشتم برنامه دروس آموزشگاه ۲۲۷

بخش نهم روش تدریس ۲۵۵

دروس بایستی کشش دار باشد ۲۵۷ درسها با تخصص وذوق شاگردها سازش کند ۲۶۰ شاگردان در انتخاب موضوعها شرکت داشته باشند . اوضاع روز را درنظر بگیرند ۲۶۲ هدف درسها روشن باشد ۲۸۵ تکالیف درسی از قوه شاگردان خارج نباشد ۲۶۷ فرصت کافی برای انجام تکالیف داشته باشند . تعداد موضوعهای درسی را کم کرده بهر ساعات آنها بیافزایند ۲۶۸ کارهای دستی جمعی انجام بدهند ۲۶۹ اطفال بکارهای عالم‌المنفعه تشویق بشوند ۲۷۰ موضوعهای درسی را با یکدیگر وبا معلومات قبلی طفل ارتباط بدهند ۲۷۵ درس‌ها با زندگی شاگردان ارتباط داشته باشد ۲۷۷ دروس حسی وتجربی باشد ۲۷۸ شاگردان بی‌رغبت را تشویق کنند ۲۸۱ اطفال‌را عادت بنظم و انضباط بدهند ۲۸٤ آزمایش کنید درس‌خوب کدام‌است ۲۹۲

بخش دهم کار های اجتماعی ۲۹٤

کار های اجتماعی حس قانون شناسی را تقویت میکند ۲۹۵ . اطفال را بزندگی اجتماعی عادت میدهد . همبستگی ایجاد میکند . موجب خود شناسی میشود ۲۹٦ استعداد هنر و صنعت را تقویت میکند عادت بقبول وانجام مسئولیت میدهد . سبب مهارت وچابکی میشود ۱۹۷ احترام کار و کارگر را میافزاید . سطح اخلاق اجتماعی را بالا میبرد ۳۰۰ شرایط اصلی کارهای اجتماعی ۳۰۳ شورای دانش آموزان ۳۰٦ مدیر آموزشگاه حق وتودارد ۳۰۹ شورا از نمایندگان شاگردان ومعلمین هردو تشکیل میشود شورا قدرت مجریه دارد ۳۱۱ انتخابات ، تقسیم‌اعضای شورا بکمسیون های مختلف . بازی وتفریح ۳۱٤ انتشارات مدرسه . مسابقات ورزشی ۳۲۱ باشگاههای علمی ۳۲۲ دادگاه شاگردان ۲۲٤ آموزشگاه در تعطیل ۳۲۸ کلاسهای تابستانی ۳۳٤

بخش یازدهم هدف امتحانات و روش آن ۳۳٦

وضع فعلی امتحانات اخلاق جوانان را فاسدمیکند . این‌قسم امتحان باعدالت وانصاف‌تطبیق نمیکند ۳۳۸ امتحانات نهائی هرچندعیب کلی دارد ۳٤۰ چگونه بایدامتحان کرد ۳٤۲ بتمام مواد تقریبا ارزش مساوی بدهند

کتابخانه مرکزی
Central Library
Tehran University

۱۰۰۰۷۵۰۰۴۵۲۸۷۹
کتابخانه مرکزی